اطلاعات

چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ – ۱۷ رجب ۱۴۳۶ – ۶ مه ۲۰۱۵ – سال هشتادونهم – شماره ۲۶۱۴۹ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

رهبر معظم انقلاب با شرایط عفو یا تخفیف مجازات تعدادی از محکومان موافقت کردند

* باقیمانده محکومیت محکومان به حبس تا یک سال بخشیده شد
* یک دوم محکومیت محکومان به حبس بیش از ۱۵ سال تا ۲۰ سال در صورتی که حداقل یک سال تحمل حبس کرده باشند بخشیده شد

صفحه ۲

هلاکت ۱۲ نظامی سعودی در نخستین حمله موشکی مبارزان یمنی به «جیزان» عربستان

* کمیته‌های مردمی یمن منطقه جیزان و پایگاه مرزی جیزان را موشکباران کردند
* شماری از نظامیان سعودی به اسارت نیروهای کمیته‌های مردمی یمن درآمدند
* امیر عبداللهیان: هرگز اجازه محاصره یمن را نمی‌دهیم

صفحه ۱۶

رئیس جمهوری در مراسم گشایش بیست و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران:

فضای نشر باید امن و آزاد باشد

منطق و زبان گویای اسلام، کتاب است نه شمشیر

* حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر روحانی: پشتوانه و راه توسعه ایران، کتاب است
* ما از طریق شاهکارهایی چون شاهنامه، بوستان و گلستان و دیوان حافظ با جهانیان حرف زده‌ایم
* نباید مؤلف و ناشر را در کوچه‌های پرپیچ و خم قرار داد
* نمی‌توان همه دروازه‌ها را باز کرد تا هر خرافه‌ای به نام کتاب یا به نام انقلاب و دین در اختیار نوجوانان و جوانان قرار گیرد
* اگر نظارت‌ها سلیقه‌ای شود، آن وقت چاپ اول کتاب مجاز، چاپ دوم ممنوع و چاپ سوم مستحب می‌شود
* کتاب خوب یا کتاب بد، به این معنا نیست که به نفع من یا به ضرر من باشد
* وزیر ارشاد: نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، تالار هم‌اندیشی ملی است
* در نمایشگاه امسال، نقش دیپلماسی فرهنگی پررنگ‌تر است

سرویس فرهنگی هنری: رئیس جمهوری در افتتاحیه بیست و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که با شعار «خواندن، گفتگو با جهان» برگزار شد، کتاب را پشتوانه، مفخر و راه توسعه ایران دانست.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر حسن روحانی، در این مراسم که دیروز با حضور رییس جمهوری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر ارشاد عمان، جمعی از سفرا و کاردارهای مقیم تهران، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ناشران داخلی و خارجی در مصلای بزرگ امام خمینی (ره) برگزار شد، گفت:

بقیه در صفحه ۳

در جلسه ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی

جهانگیری: ایران نباید بازار کالاهای مصرفی غرب شود

* باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که شرکت‌های خارجی نسبت به سرمایه‌گذاری و تولید در ایران اقدام کنند
* مدیران وظیفه دارند کار را برای صادرکنندگان تسهیل کنند و زمینه افزایش صادرات را فراهم آورند
* قائم مقام وزیر امور خارجه و رئیس ستاد هماهنگی روابط اقتصادی: ایران می‌تواند محلی مناسب برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی قلمداد شود
* خزاعی رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی: در صورت لغو تحریم‌ها ایران وارد مرحله جدیدی از روابط اقتصادی خواهد شد

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به اهمیت توسعه روابط اقتصادی ایران با سایر کشورها، بر نقش پراهمیت بخش خصوصی در پیشبرد این روابط تاکید کرد و خواستار حضور فعال نمایندگان این بخش در جلسات کمیسیون های مشترک همکاری با کشورهای خارجی شد.

بقیه در صفحه ۲

آغاز کنگره بین‌المللی حافظ شیراز در دانشگاه آزاد

* آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: حافظ پژوهان خارج از کشور به راستی می‌دانند که ایران خانه آن‌هاست و فرهنگ و ادب این سرزمین یار و مددکار همه مردم جهان است
* خواجه شیراز با اندیشه‌های بلند و زبانی فاخر در ادب و فرهنگ جهان جاودانگی خود را امضاء کرده و به عنوان جوهره هنر شناخته شده است
* دکتر میرزاده رئیس دانشگاه آزاد: حافظ، حافظه تاریخی و ملی ایرانیان است و با اندیشه‌های بلند خود، عزت و عظمت این ملت بزرگ را رقم زده است
* دکتر عبدالله جاسبی: حافظ قهرمان مبارزه با ریا، تزویر و نفاق در عرصه فرهنگ و تاریخ ایران است

صفحه ۳

محک
خوش بود گر محک تجربه آید به میان
ابوالقاسم قاسم زاده

آفت‌های مبانی فکری خوارج امروز

دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم رونمایی از پنج اثر استاد شهید مطهری به اختصار به شرح حساسیت نظرپردازی شهید مطهری درباره خوارج و متحجرین در سیر تاریخی اسلام پرداخت و گفت:

«... شهید مطهری به مسایل خوارج و متحجرین توجه داشت و بر این عقیده بود که درست است خوارج گروه اندکی بودند، اما مبانی فکری آنها یعنی سطحی نگری و تحجر در طول سالیان متمادی ماندگار شده است.» لاریجانی هشدار داد که آفت‌مبانی فکری خوارج، امروز هم وجود دارد و ادامه داد: «...تمام جریانات سلفی و افراطی‌های تند در دنیای اسلام، سطحی‌نگری و ظاهر بینی و تحجر در ذات کارشان است که این مصیبتی برای دنیای اسلام به شمار می‌آید.

اگر اندیشه و کتاب خوارج و همچنین داعش را مطالعه کنید به کل جریانات افراطی که در امت اسلامی وجود دارند پی‌می‌بریم. شهید مطهری همگان را نسبت به این افراد توجه دادند. خوارج در گذشته اندک بودند و شاید الان هم هستند و در منطقه وجود دارند، ولی مثل قبل نبوده و مدرن‌تر شده‌اند، اما مبانی فکری آنها، یعنی سطحی‌نگری و تحجر امروز هم وجود دارد. تمام جریانات سلفی و افراطی‌های تند در دنیای اسلام، سطحی‌نگری و ظاهر بینی و تحجر در ذات کارشان است. آنها توجهات عقلانی را محکوم می‌کنند، آنها مصیبتی در دنیای اسلام هستند و شاید مصیبتی بزرگتر از آن برای دنیای اسلام نداریم و خساراتی که وارد کردند کم نیست. لاریجانی با نگاه به کنش‌ها و واکنش‌های امروز در کشورهای اسلامی گفت: «این کتاب برای دنیای امروز قابل توجه است، با مطالعه آن متوجه می‌شویم که چرا شهید مطهری در مورد خوارج حساس بودند، البته می‌تواند در جامعه ما هم چنین سیری رخ دهد، شاید محدودتر و متفاوت‌تر، اما سطحی‌نگری و ظاهربینی در هر جامعه‌ای می‌تواند خودش را نشان دهد.»

این سخنان از سوی دکتر علی لاریجانی که خود دانش آموخته فلسفه در دانشگاه است و سال‌های سال با آثار شهید مطهری آشنایی دارد و به‌عبارتی با اندیشه‌ها و افکار آن شهید قلم زیست فکری داشته بسیار حائز اهمیت است که می‌توان این اهمیت را به اختصار چنین شمارش کرد.

۱ ـ سلفی‌گری و افراط‌گرایی آنگاه که دین و دینداری در ساحت فردی تبیین می‌گردد اگرچه خود بیماری است و منجر به نگاه متحجرانه در زندگی فرد می‌گردد اما خسارت‌های آن در دایره بسته زندگی فردی می‌ماند و در نهایت آن فرد را از جامعه منزوی می‌سازد. اما آنگاه که دین وارد عرصه اجتماعی می‌گردد و داعیه مدیریت و اداره جامعه را پیدا می‌کند و بالاتر از آن تشکیل دولت اسلامی یا حکومت دینی می‌دهد، آفت‌های تحجر، سلفی‌گری و افراط‌گرایی از یکسو شاکله مفهومی دین را ویران می‌سازد و از سوی دیگر فرار از دینداری را تثبیت می‌کند.

شهید مطهری فیلسوف و فقیه اصولگرایی بود که از دینداری اجتماعی دفاع می‌کرد و در جستجوی جامعه سالم بر اساس باورهای دینی بود. در این ساحت، عقل‌گرایی را لازمه دین‌باوری می‌دانست و جزمیت‌هایی که از «اوهام» تغذیه می‌شد و جریان سلفی‌گری و در نهایت روش خوارج را تعلیم می‌داد، رد می‌کرد و آن را آفت جامعه و دین می‌دانست.

۲ـ از یک نگاه به سیر تاریخی اسلامی دو جریان را می‌توان در برابر هم دید. جریانی که بنای دینداری را از سرچشمه اندیشه ورزی جستجو می‌کند و در آموزش دینی، کتاب و عقل و سنت را ملاک می‌گیرد. و جریان دیگری که اساس دینداری را با «طرد» و خشونت ورزی باور دارد. در این جریان همه یا مشرک‌اند و یا کافر، مگر در حیطه و دایره تبیین متحجّرانه آنها از باوری انتقام‌جو قرار گیرند. داعشیان که مبانی فکری خوارج دیروز را امروزی کرده‌اند و بقول رئیس مجلس مدرن شده‌اند، خوارج دیروزند. در قاموس آنها آزادی و برابری انسانی معنی و مفهومی ندارد.

تحجر دینی به سرانجام نفی می‌رسد و جزمیت‌های آن، امواج خون‌ریزی‌ها را مباح می‌کند. «اسلام‌هراسی» که امروز در اغلب نظرپردازی‌های‌مان بیشتر به ریشه‌های خارجی آن می‌پردازیم و کمتر به درون کشورهای اسلامی و حتی روش‌های مدیریت دولت‌ها در کشورهای اسلامی می‌نگریم، ریشه اصلی و عمده در این مبانی فکری دارد و به صورت گروه‌های گوناگون تروریستی به نام حراست از اسلام و دین‌باوری ظهور و بروز پیدا کرده است. در این نگاه آزادی نه تنها در ساحت اندیشه و اندیشه ورزی، حتی در زندگی فردی محکوم و مطرود است.

۳ـ معادله آزادی و تحجر، معادله‌ای یک‌سویه نیست، دو سوی متضاد است. حکومتی که بر آزادی قید تحجر می‌زند، لاجرم مبانی فکری خوارج را بسط می‌دهد که خوراک عمده «اسلام هراسی» از آن سرچشمه می‌گیرد. آنچه امروز درجامعه ما نیز بسیاری از اندیشمندان در مورد آن هشدار می‌دهند گریز از دین‌باوری‌یی است که اشاعه تحجرش آفت آزادی و عقل‌گرایی شده است. میوه تحجرش، جزمیت‌های غیرعقلانی است و عقل جمعی جامعه همواره از آن گریزان است. این هشدار رئیس مجلس را که «مبانی فکری خوارج امروز هم وجود دارد» باید جدی گرفت، به خصوص که شعار اصلی انقلاب اسلامی، آزادی و استقلال است. هر جا آزادی نباشد لاجرم جزمیت طلبی براساس تحجر حاکمیت پیدا می‌کند.

رهبر معظم انقلاب با شرایط عفو یا تخفیف مجازات تعدادی از محکومان موافقت کردند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پاسخ به درخواست آیت‌الله آملی‌لاریجانی رئیس قوه قضاییه به مناسبت ولادت حضرت مولی‌الموحدین امیرالمومنین علی‌علیه‌السلام با شرایط عفو و تخفیف مجازات جمعی از محکومان که محکومیت آنان تا تاریخ ۹۴/۲/۱۲ قطعیت یافته و واجد شرایط عفو و تخفیف مجازات تشخیص داده شده‌اند، موافقت کردند.

متن نامه رئیس قوه قضاییه و پاسخ رهبر معظم انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

محضرمبارک حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای «ادام الله ظله الوارف»

رهبر معظم انقلاب اسلامی

با اهداء سلام و تحیات

احتراماً ضمن عرض تبریک به مناسبت فرا رسیدن سیزده رجب سالروز ولادت حضرت مولی‌الموحدین امیرالمومنین علی‌علیه‌السلام و در اجرای بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بدینوسیله شرایط و ضوابط عفو به محضر مبارک تقدیم می‌شود تا در صورت تصویب مقام عالی، محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان قضائی نیروهای مسلح که محکومیت آنها تا تاریخ ۹۴/۲/۱۲ قطعیت یافته و به شرح آتی واجد شرایط استفاده از عفو یا تخفیف مجازات تشخیص داده می‌شوند، مشمول عفو یا تخفیف مجازات واقع و از رأفت اسلامی بهره‌مند شوند.

الف – محکومان به حبس که در زندان بسر می‌برند:

۱– باقیمانده محکومیت محکومان به حبس تا یک سال.

۲– دو سوم محکومیت محکومان به حبس بیش از یک سال تا پنج سال.

۳– یک دوم محکومیت محکومان به حبس بیش از پنج سال تا پانزده سال.

۴– یک دوم محکومیت محکومان به حبس بیش از پانزده سال تا بیست سال در صورتی که حداقل یک سال تحمل حبس نموده باشند.

۵– یک دوم محکومیت محکومان به حبس به بیش از بیست سال در صورتی که حداقل پنج سال تحمل حبس نموده باشند.

۶– باقیمانده محکومیت محکومان به حبس ابد در صورتی که حداقل پانزده سال تحمل حبس نموده باشند.

۷– باقیمانده محکومیت حبس کلیه محکومان جرائم غیرعمدی، به استثناء موارد مذکور در مواد ۷۱۸ و ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲).

۸– باقیمانده محکومیت حبس تا ده سال زنانی که به حکم قانون سرپرستی یا حضانت فرزندانشان را عهده‌دار می‌باشند.

۹– باقیمانده محکومیت حبس محکومان بیمار صعب‌العلاج یا مبتلایان به بیماری‌های غیرقابل علاج که مراتب بیماری آنان تا تاریخ ۹۴/۴/۳۱ مورد تأیید کمیسیون پزشکی قانونی قرار گرفته باشد و مطابق نظریه کمیسیون مذکور قادر به تحمل حبس نباشند.

بدیهی است اقدامات دادگاه در جهت اجرای ماده ۲۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مانع اعمال این عفو نیست.

۱۰– باقیمانده محکومیت تا یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و چهار پنجم محکومیت بیش از یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکومان زیر ۱۸ سال تمام (در زمان ارتکاب جرم) به استناد اسناد سجلی و در مورد اتباع بیگانه فاقد اسناد معتبر به تأیید پزشکی قانونی.

۱۱– باقیمانده محکومیت حبس محکومان ذکور بالای ۶۵ سال تمام و اناث بالای ۵۵ سال تمام به استناد اسناد سجلی و در مورد اتباع بیگانه فاقد اسناد معتبر به تأیید پزشکی قانونی به شرط آن‌که در محکومیت به حبس بیش از یک سال، حداقل یک پنجم و در محکومیت به حبس ابد، حداقل پنج سال تحمل کیفر نموده باشند.

تبصره – مشمولان بندهای ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ چنانچه علاوه بر محکومیت به حبس دارای محکومیت جزای نقدی هم باشند، محکومیت جزای نقدی آنان نیز مشمول عفو قرار می‌گیرد.

ب – محکومان به جزای نقدی که به لحاظ عجز از پرداخت جزای نقدی در زندان بسر می‌برند:

۱– باقیمانده محکومیت جزای نقدی تا پانصد میلیون ریال.

۲– چهار پنجم محکومیت جزای نقدی از پانصد میلیون و یک ریال تایک میلیارد ریال.

ج – شرایط استفاده از عفو:

۱– نداشتن بیش از دو فقره سابقه محکومیت مؤثر کیفری.

۲– عدم ارتکاب جرم عمدی جدید مستوجب مجازات درجه یک تا پنج موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب۱۳۹۲/۲/۱ در ایام تحمل حبس یا در زمان مرخصی اعطایی.

۳– نداشتن شاکی خصوصی و یا جلب رضایت وی و یا جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی و زیان دیده (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) تا تاریخ ۱۳۹۴/۴/۳۱.

۴– عدم استفاده از عفو در محکومیت‌های قبلی و فعلی.

تبصره: معاونت در جرائم به استثناء قتل عمد نیاز به جلب رضایت شاکی خصوصی نداشته و مانع اعمال عفو نمی‌باشد.

د – مرتکبین جرائم ذیل از شمول این عفو مستثنی می‌باشند:

۱– سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار یا سارقینی که میزان محکومیت حبس آنان بیش از پنج سال باشد.

۲) قاچاق مسلحانه و یا عمده مواد مخدر (منظور از قاچاق عمده، جرائم بندهای ۶ ماده ۵ و ۶ ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن می‌باشد).

۳– قاچاق اسلحه و مهمات.

۴– اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی.

۵– آدم ربائی.

۶– اسیدپاشی.

۷– تجاوز به عنف.

۸– دایر کردن مرکز فساد و فحشاء.

۹– اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری و تحصیل مال نامشروع.

۱۰– جعل اسکناس و ضرب سکه تقلبی.

۱۱– پولشویی.

۱۲– اخلال در نظام اقتصادی.

۱۳– جرائم مربوط به مشروبات الکلی.

تبصره – معاونین جرائم موضوع بندهای ۱، ۲، ۳، ۶ و ۱۲ این قسمت نیز از شمول عفو مستثنی می‌باشند.

« والامر الیکم والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته»

صادق آملی لاریجانی

۷/ اردیبهشت/ ۹۴

بسمه تعالی

با سلام و تحیت و تبریک

با پیشنهاد جنابعالی موافقت می‌شود.

والسلام علیکم و رحمه الله

سید علی خامنه‌ای

۱۳/اردیبهشت/۹۴

جهانگیری: ایران نباید بازار کالاهای مصرفی غرب شود

بقیه از صفحه اول

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت،دکتر اسحاق جهانگیری دیروزدر جلسه ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی، یکی از انتظارات از این ستاد را تبیین خط مشی برای تعاملات و ارتباطات اقتصادی در دوران پس از تحریم اعلام کرد و افزود: با توجه به تحلیل های کارشناسی موجود مبنی بر گسترش جریان اقتصاد جهانی در حوزه کشورهای آسیایی، باید از اکنون برنامه ریزی های لازم را برای ترسیم راهبردی مناسب در روابط اقتصادی خارجی خود انجام دهیم.

معاون اول رئیس جمهوری افزود: البته اکنون بیشتر صادرات و واردات و تعاملات بازرگانی ایران با کشورهای آسیایی انجام می شود و به دلیل برخی تعاملات سیاسی، این کشورها تا کنون ارتباط نزدیک تری با جمهوری اسلامی ایران داشته اند.

وی همچنین بر لزوم فراهم شدن زیرساخت های لازم برای توسعه هرچه بیشتر روابط اقتصادی با کشورهای آسیایی تاکید کرد و افزود: اکنون برخی کشورها نظیر روسیه آمادگی گسترش همکاری‌های بازرگانی با ایران را دارند اما به دلیل فراهم نبودن برخی زیرساخت‌های داخلی، دستیابی به اهداف مورد نظر در این زمینه هنوز محقق نشده که لازم است با تبیین شرایط برای دستگاه های اجرایی مرتبط، زمینه ایجاد زیرساخت ها و توسعه این روابط را فراهم کنیم.

معاون اول رئیس جمهوری همچنین بر لزوم پیوستن جمهوری اسلامی ایران به نهادهای جدید اقتصادی تاکید و خاطرنشان کرد: ورود ایران به پیمان های منطقه ای که کشورهای پرجمعیت آسیایی در آن عضویت دارند، امری ضروری است و باید موانع آن شناسایی و نسبت به رفع آنها اقدام شود.



جهانگیری تصریح کرد: لازم است ستاد، بررسی های دقیقی نسبت به راهبردهای بلند مدت اقتصادی کشور انجام دهد و نتایج را به دولت اعلام کند تا جهتگیری های لازم در زمینه سیاست های مرتبط با روابط اقتصاد خارجی در دستگاه های اجرایی ذیربط ایجاد شود.

معاون اول رئیس جمهوری اظهار داشت: در صورتی که تحریم ها برداشته شوند، شرکت های خارجی به سمت ایران هجوم خواهند آورد که قطعا شرکت های اروپایی فراوانی هم در میان آنها خواهند بود و ایجاب می کند از اکنون با توجه به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به گونه‌ای برنامه ریزی کنیم تا ایران به محلی برای واردات کالاهای مصرفی آنها تبدیل نشود بلکه این شرکت ها نسبت به سرمایه گذاری و تولید در ایران اقدام کنند.

معاون اول رئیس جمهوری در ادامه این جلسه با اشاره به برنامه ستاد برای ارزیابی عملکرد کمیسیون های مشترک، این اقدام را مثبت و سازنده ارزیابی کرد و گفت: ملاک ارزیابی برای عملکرد این کمیسیون‌ها باید دستاوردهای اقتصادی برای کشور باشد و چنانچه این کمیسیون‌ها با ایجاد زمینه امضای تفاهمنامه‌ها بتوانند منجر به ورود سرمایه و فناوری به کشور و گسترش صادرات شوند، عملکرد آنها مثبت بوده و در غیر این صورت کارایی چندانی نداشته اند.

جهانگیری همچنین افزایش صادرات خدمات و کالاهای غیر نفتی را در توسعه روابط اقتصادی خارجی پر اهمیت دانست و افزود: چنانچه مدیری، به ویژه در استان های مرزی به موضوع روابط اقتصادی خارجی و حل مشکلات صادرکنندگان توجه نکند در حقیقت به اولویت کنونی دولت توجه نکرده و در نتیجه از نظر دولت تدبیر و امید مدیر خوبی به حساب نمی آید.

وی، رفع موانع پیش روی صادرکنندگان را مورد تاکید قرار داد و اظهار داشت: برخی مقررات دست و پا گیر مانع از فعالیت صادرکنندگان می شود و مدیران وظیفه دارند در این شرایط کار را برای صادرکنندگان تسهیل کرده و زمینه افزایش صادرات را فراهم آورند.

قائم مقام وزیر امور خارجه و رئیس ستاد هماهنگی روابط اقتصادی هم در این جلسه با ارائه گزارشی از سابقه و عملکرد ستاد در سال‌های گذشته، گفت: نمایندگان تمامی دستگاه‌هایی که در روابط خارجی سهم دارند در این ستاد عضو هستند و ستاد محلی برای طرح مسائل و مشکلات مربوط به روابط اقتصادی خارجی کشور است.

سرمدی همچنین با اشاره به تحولات سیاسی و اقتصادی بین المللی در سال های آینده ،خاطرنشان کرد: تحلیل ها و ارزیابی ها نشان می دهد که وضع اقتصاد جهانی در سال های اخیر به سمت آسیا چرخش پیدا کرده و قدرت های نوظهور از جمله چین و هند به عنوان قدرت های اقتصادی درسطح جهان مطرح شده اند .

وی اظهار داشت: گرایش به سمت محور چین، هند و روسیه در روابط اقتصادی به معنای حرکت به سمت جریان برتر اقتصادی در دهه‌های آینده است و بررسی ها نشان می دهد که در آینده با ضعف اقتصاد در اروپا مواجه خواهیم بود.

وی با بیان این که کشورهای اروپایی هم برای ایران به عنوان یک فرصت تلقی می شوند، تصریح کرد:این کشورها می توانند در پیشبرد منافع تجاری برای ایران مطرح باشند چرا که اروپا از نظر سرمایه گذاری به نقطه اشباع رسیده و ایران می تواند محلی مناسب برای سرمایه گذاری شرکت های اروپایی قلمداد شود .

قائم مقام وزیر امورخارجه افزود: در آینده اقتصاد جهانی، صرفاً پول و منابع حرف نخست را نخواهد زد زیرا در سال های اخیر ارائه و چیدمان ایده در اقتصاد جهانی اهمیت دوچندانی یافته و این ها شاخص‌هایی برای سال های آینده در اقتصاد جهانی محسوب می شوند که باید توجه زیادی به آن داشته باشیم .

رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک های اقتصادی و فنی هم در این نشست با بیان این که در صورت لغو تحریم ها ایران وارد مرحله جدیدی از روابط اقتصادی خواهد شد ،گفت: اگر برای دوران پس از تحریم از آمادگی کافی برخوردار نباشیم، گسترش روابط اقتصادی ما با دنیا می تواند به جای مفید بودن زمینه بروز مشکلات اقتصادی را فراهم کند .

خزاعی ضرورت بازنگری در ساختار اجرایی اقتصاد کشور در حوزه های مختلف را مورد تاکید قرار داد و افزود: به دلیل تحریم‌های ظالمانه چند سال اخیر برخی از شرکت های مهم کشور مراودات خود را با همتایان بین المللی کم کرده اند که باید این روابط احیا شود ضمن آن که راه های تامین منابع مالی بین المللی بسیار متعدد است اما کشور ما اکنون محدود به فاینانس شده است.

وی با تقسیم کشورهای هدف روابط اقتصادی ایران به دو دسته، خاطرنشان کرد: برخی کشورها نظیر کشورهای اروپایی می توانند در زمینه تامین منابع مالی برای ما مفید باشند و گروهی از کشورها می توانند به محلی برای سرمایه گذاری شرکت‌های ایرانی تبدیل شوند.

وی همچنین بر لزوم برنامه‌ریزی برای حضور فعال ایران در نهادهای بین المللی تاکید کرد و افزود: لزوماً کشورهای بزرگ اداره امور اقتصادی جهانی را در دست ندارند بلکه دنیا را کشورهایی اداره می کنند که مدیریت سرچشمه های منابع مالی را در اختیار گرفته اند.

ابتکار: ۳۵میلیون نفر در کشور از آلودگی هوا آسیب می‌بینند

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: اکنون ۳۰ تا ۳۵ میلیون ایرانی تحت تاثیر آلودگی هوا و خطرات ناشی از آن قرار دارند.

به گزارش ایرنا، دکتر معصومه ابتکار دیروز در همایش روز جهانی آسم در بیمارستان امام خمینی(ره) افزود: برای رفع مشکل آلودگی هوا در کشور، در دولت یازدهم اقدام‌های خوبی در حال انجام است که کاهش بنزین آلوده با تلاش وزارت نفت، یکی از این برنامه ها محسوب می شود.

وی ادامه داد: ایران جزو کشورهایی است که بالاترین میزان مواجه با پدیده آلودگی هوا را ناشی از ذرات معلق در میکرومتر دارد.

معاون رئیس جمهوری گفت: باید اطلاع رسانی کافی درباره آلودگی هوا داشته باشیم، زیرا آلودگی محیط زیست نقش مهمی در بیماری های مختلف مانند آسم دارد.

ابتکارافزود: براساس اعلام سازمان بهداشت جهانی، ۳۵ تا ۴۰ درصد بیماری ها ناشی از مشکلات محیطی شامل آلودگی هوا و عوامل و سموم شیمیایی است.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست همچنین در حاشیه مراسم در جمع خبرنگاران با بیان این که به فکر اصلاح کیفیت سوخت هستیم، گفت: نوید بهبود شرایط هوایی را به مردم می دهیم اما نمی توانیم این قول رابدهیم که همه مشکلات رفع می شود .

ابتکار افزود: وضع هوای تهران رو به بهبود است، به طوری که سال گذشته ۴۴ روز نسبت به سال های قبل سالم تر بوده است.

وی با بیان این که نمی توانیم قول دهیم که هوای تهران روز به روز پاک تر می شود، گفت: اما برای داشتن هوای پاک، اقدام‌هایی صورت گرفته که امیدواریم بتوانیم به سمت روزهای پاک و سالم هوای تهران در سال ۱۳۹۴ برویم.

ابتکار با بیان این که ۵ / ۲ میلیون موتورسیکلت و پنج میلیون وسیله نقلیه در سطح شهر تهران به صورت روزانه فعالیت دارند، افزود: برای داشتن هوای پاک در تهران باید استفاده از وسایل حمل ونقل عمومی بیشتر شود، زیرا ما هم به فکر اصلاح کیفیت سوخت هستیم.

معاون رئیس جمهوری گفت: با روی کار آمدن دولت یازدهم از سال ۹۲ تاکنون، برنامه کاهش آلودگی هوا بازنگری شده و امیدواریم این برنامه ها و اقدام های سازمان در سال ۹۴ هم با همت بیشتری استمرار داشته باشد.

ابتکار افزود: درباره بنزین مصرفی در کشور هم باید بنزن آن یک درصد باشد که با بنزین یورو۴ در حال رسیدن به این رقم هستیم

۴۵ هزار واحد اقتصاد مقاومتی تا پایان امسال ساخته می شود

سرویس سیاسی – اجتماعی: مسئول سازمان بسیج سازندگی کشور از هدفگذاری ساخت ۴۵ هزار واحد اقتصاد مقاومتی در کشور از سوی این سازمان تا پایان امسال خبر داد.

ابراهیم عزیزی در جمع خبرنگاران گفت: نخستین اولویت این سازمان، سازندگی و محرومیت زدایی در مناطق محروم و کم برخوردار کشور به ویژه نوار مرزی است که در این راستا می توان به اجرای نزدیک به ۱۱۰ هزار طرح محرومیت زدایی در حوزه های ساخت وساز و ساخت مدارس، خانه نیازمندان، آب، برق و راه روستایی، مراکز بهداشتی و درمانی، ساخت مساجد، فضاهای ورزشی و کتابخانه اشاره کرد.

مسئول سازمان بسیج سازندگی کشور، گسترش و توسعه فرهنگ جهادی و هجرت را دومین اولویت این سازمان برشمرد و تاکید کرد: از زمان تاسیس این سازمان تاکنون در این راستا اقدامات مطلوبی انجام گرفته است.همچنین اولویت سوم این سازمان ترویج فرهنگ کار و تلاش در جامعه است.

وی افزود: باور ما این است که سازمان بسیج سازندگی کشور که مظهر عزم ملی و مدیریت جهادی است، باید در راستای تحقق این مهم گام های بلندی را در کشور بردارد.

عزیزی با تشریح فعالیت های انجام شده این سازمان در مناطق محروم و کم برخوردار، گفت: پارسال ۶۰۶۸ پروژه عمرانی و محرومیت زدایی را در سراسر کشور آغاز کردیم که با یاری خدا و همت همه جهادگران بسیجی تا امروز ۲۰۲۸ طرح از آنها به بهره برداری رسیده است و ۴۶۵ طرح هم امروز در سالگرد تاسیس این سازمان به بهره برداری می رسد.

وی گفت: در سال ۱۳۹۲، ۲۳ هزار و ۵۰۰ و در سال گذشته ۳۵ هزار واحد تولیدی را راه اندازی کردیم که در بهره برداری و راه اندازی این تعداد واحد تولیدی، از ظرفیت‌های بومی و محلی استفاده شد.

مسئول سازمان بسیج سازندگی کشور افزود: در حوزه اقتصاد مقاومتی هم ۲۳ هزار و ۹۰۶ واحد اقتصادی را در هفته گرامیداشت بسیج افتتاح کردیم و ۱۱ هزار و ۳۰۲ واحد را هم امروز افتتاح خواهیم کرد.وی با تشریح حضور جهادگران در حوزه اردوهای جهادی گفت: پارسال، ۳۰۲ هزار و ۳۵۷ جهادگر بسیجی را در قالب اردوهای سه، هفت و ۱۲ روزه به مناطق محروم و کم برخوردار کشور اعزام کردیم تا با حضور خود در مناطق یادشده منشاء برکت و سازندگی برای مردم محروم آن مناطق باشند.

ادامه نگارش متن توافق هسته ای؛ سه شنبه آینده در وین

تیم مذاکره کننده هسته ای ایران عصر دیروز دور پایانی مذاکرات برای نگارش متن توافق جامع را برگزار کرد و بعد از وقفه یک هفته ای ، سه شنبه آینده در وین این گفتگو ها را از سر خواهد گرفت.

ساعت ۹ صبح به وقت نیویورک – ۱۷ و ۳۰ به وقت تهران – دور پایانی مذاکرات در سطح معاونان و کارشناسان انجام شد.

بعد از این مذاکرات سیدعباس عراقچی و مجید تخت روانچی معاونان وزیر امور خارجه به مذاکره با هلگا اشمید معاون هماهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا پایان دادند ،ولی کارشناسان تا روز پنجشنبه به کار بر روی ضمائم متن توافق نهایی ادامه خواهند داد.

عراقچی و روانچی معاونان وزیر امور خارجه از روز پنج شنبه در نیویورک کار نگارش متن توافق جامع را با هلگا اشمید به نمایندگی از ۱+۵ شروع کردند.

همزمان با جلسات معاونان، تیم کارشناسی فنی و حقوقی ایران و ۱+۵ هم به سرپرستی حمید بعیدی نژاد استفان کلمنت بر روی ضمائم کار کردند.

عراقچی: کری حرف عجیبی نزده است

دراین میان ، سید عباس عراقچی عضو ارشد تیم مذاکره کننده ایران گفت: هنگامی که نگارش متن توافق به پایان برسد ، تاریخی برای اجرای آن تعیین می‌شود. در آن روز همه تحریم های اقتصادی و مالی علیه ایران باید لغو شود.

عضو ارشد تیم مذاکره کننده ایران تاکید کرد که یکی از خواسته های اصلی مذاکره کننده « لغو فوری همه تحریم های مالی و اقتصادی » هنگام اجرایی شدن توافق است. وی افزود: وقتی که نگارش توافق پایان یابد ، روزی را برای اجرایی شدن آن تعیین می کنیم. آن روز حتما باید همه تحریم ها علیه ایران لغو شود. مذاکرات کنونی هم بر همین اساس در جریان است. توافقات کلی شده و در حال بحث بر سر جزییات و نگارش ان هستیم.

معاون حقوقی و بین المللی وزارت خارجه در پاسخ به سئوالی درباره سخنان اخیر جان کری که گفته بود بازرسی از ایران ابدی خواهد بود، گفت: فکر نمی‌کنم چندان چیز عجیب و غریبی باشد. این یکی از اصول اولیه ان . پی. تی است . کشورهایی که به ان .پی. تی ملحق و بر اساس آن از انرژی صلح آمیز هسته ای برخوردار می شوند، فعالیت های هسته ای صلح آمیز خود را دنبال می کنند و در مقابل بازرسی های آژانس و اعتمادسازی به آژانس را می پذیرند.

وی تاکید کرد: اینکه نظارت هایی وجود داشته باشد که از صلح آمیز بودن برنامه ها اطمینان حاصل شود، یکی از اصول اولیه ان. پی. تی است. ما هم سالهاست که به ان. پی. تی پیوسته ایم و بر اساس آن، یک موافقتنامه پادمان میان ایران و آژانس امضا شده که دائمی است .پس بازرسی ها چیز عجیب و غریبی نیست. عراقچی گفت : در مذاکرات نیز بحث نظارت ها یکی از بحث های جدی ماست .آنچه جمهوری اسلامی ایران در این مذاکرات به طرف مقابل عرضه می کند، اعتماد سازی است. ما هیچ امتیاز خاصی نمی دهیم و در مقابل، آنها غنی سازی، آب سنگین و ادامه برنامه های ما ،همکاری ها و رفع تحریم ها را می پذیرند. ما در مقابل اعتمادسازی را قدری بیشتر می کنیم.

عضو ارشد تیم مذاکره کننده هسته ای ایران درباره لزوم تصویب پروتکل الحاقی در مجلس شورای اسلامی گفت: یکی از موضوع های مذاکره ، پروتکل الحاقی است که اگر مجلس شورای اسلامی بپذیرد اجرایی خواهد شد . این هم چیز عجیب و غریبی نیست چون بیش از ۱۰۰ کشور دنیا پروتکل الحاقی را اجرا می کنند. یکی از اصول اولیه ان. پی. تی این است که کشورها برنامه هسته ای صلح آمیز خود را خواهند داشت و در مقابل، با یکسری نظارت ها و بازرسی‌ها توسط آژانس موافقت می کنند تا اعتماد وجود داشته باشد.

عراقچی روند نگارش متن توافق جامع را « آهسته و پیوسته» توصیف کرد و گفت: در حال پیشرفت هستیم و امیدواریم بتوانیم در موعد مقرر این کار را به پایان برسانیم. وی که با خبرنگار صدا و سیما گفتگو می کرد، افزود: البته هنوز در خصوص بعضی از موارد همچون ادبیات نگارش متن و برخی مسائل اختلاف نظر وجود دارد ، همچنان بعضی بخش ها در پرانتز است که تعدادشان هم زیاد است. حمید بعیدی نژاد رئیس تیم کارشناسی مذاکره کننده ایران هم گفت: با تحمیل تحریم ها ضربه های زیادی از فصل هفتم منشور ملل خورده ایم واکنون وقت آن است که از ویژگی الزام آوری آن برای لغو تحریم ها بهره ببریم.

وی به صدور قطعنامه های تحریم تحت ماده ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد اشاره کرد و گفت: موضع همیشگی ایران این بوده است که قطعنامه جدید شورای امنیت برای لغو تحریم ها هم باید تحت ماده ۴۱ منشور باشد. بعیدی نژاد در تشریح این موضع دو دلیل را ذکر کرد و گفت: نخست آن که قطعنامه ای که می خواهد تحریم های فصل هفتم شورای امنیت را بردارد باید از همان قدرت الزام آور بودن فصل هفتم برخوردار باشد.

قطعنامه ای که تحت مواد و فصول دیگر منشور باشد قدرت کافی برای لغو تصمیمات فصل هفتم را ندارد. فقط به عنوان یک تمثیل، دادگاه پایین تر نمی تواند حکم دادگاه بالاتر را لغو کند. مدیرکل سیاسی و امنیت بین المللی وزارت امور خارجه در تشریح دلیل دوم به « الزام آور بودن» فصل هفتم منشور ملل اشاره کرد و آن را مهمترین ویژگی این فصل برشمرد و گفت: شورای امنیت بر همین مبنا کشورها را متعهد به اجرای تحریم ها کرده است. وی خاطرنشان کرد: حال نوبت شورای امنیت است که با لغو تحریم ها، کشورها را به لغو تحریم‌ها متعهد و ملزم کند؛ به ویژه در شرایطی که کنگره آمریکا و برخی نهادهای مهم قدرت در آمریکا مرتب تهدید می کنند که آمریکا در آینده نباید به تفاهم هسته‌ای وفادار بماند.

بعیدی نژاد گفت: اگر قطعنامه لغو تحریم ها تحت فصل ۷ منشور باشد، تعهد به اجرای قطعنامه از نظر بین المللی الزام آور خواهد بود و کشورها نمی‌توانند از اجرای آن به هر دلیلی سرباز بزنند.

توضیح درمورد ترجمه اشتباه مصاحبه صالحی

اداره کل دیپلماسی عمومی و اطلاع رسانی سازمان انرژی اتمی درباره اشتباه در ترجمه مصاحبه علی اکبر صالحی رئیس این سازمان با شبکه تلویزیونی CCTVچین توسط یک خبرگزاری و نقل نادرست این خبر توسط تعداد دیگری از خبرگزاری ها توضیحاتی منتشر کرد. در این توضیح آمده است : دکتر صالحی مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی CCTVچین به زبان انگلیسی انجام داد که بخشی از آن اشتباه ترجمه شده و معنی متن خبر تغییر یافته است.

براساس این توضیح، متن صحیح انگلیسی مصاحبه صالحی به شرح زیر است:

there is no agreement. There is an understanding. Yes. There is this one year of break out measure stick which we feel it is irrational. It is not logical at all.

در حالی که آن خبرگزاری به این صورت ترجمه کرده است:

«همانگونه که قبلا هم گفته ام توافقی در این خصوص وجود ندارد، اما درکی در این خصوص وجود دارد که باید زمان دستیابی حدود یک سال باشد و ما هم معتقدیم این موضوع معقول است و به هیچ وجه هم غیرمنطقی نیست.»

اداره کل دیپلماسی عمومی و اطلاع رسانی سازمان انرژی اتمی ترجمه درست این متن را به این شرح اعلام کرد: «توافقی در این زمینه نشده ، بلکه تفاهم شده است.بله، یک معیارگریز یکساله وجود دارد که فکر می کنیم غیرعقلانی است و اصلاً منطقی نیست.»

اخبار کوتاه

رئیس جمهوری عراق هفته آینده به ایران می آید

"فواد معصوم" رئیس جمهوری عراق، اواسط هفته آینده برای یک دیدار رسمی از ایران ، راهی تهران خواهد شد.

به گزارش ایرنا، این سفر به دعوت رسمی دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران انجام می شود و شماری از وزیران کابینه عراق، فواد معصوم را در سفر سه روزه اش به ایران همراهی می کنند.

وزیردفاع: شهید مطهری اندیشمندی تمام عیار بود

آیین تجلیل از اساتید و مربیان نمونه دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی سپاه با حضور سردار حسین دهقان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح دردانشگاه افسری امام حسین (ع) برگزار شد.

به گزارش اداره کل تبلیغات دفاعی وزارت دفاع،سردار دهقان دراین مراسم با گرامیداشت روز معلم وتاکید براین‌که معلمی شغل انبیاست، به بیان برخی از ویژگی‌های شهید مطهری پرداخت و گفت: شهید مطهری یک معلم، متفکر و اندیشمند تمام عیار بود. او شخصیتی جامع‌الاطراف بود که به خوبی بر حوزه‌های مختلف ورود پیدا می‌کرد و به درستی از آن‌ها خارج می‌شد.

تکمیل مصلای تهران ، ۳ هزار میلیارد تومان هزینه دارد

مجری پروژه مصلای تهران جزئیاتی از این پروژه را تشریح کرد و گفت: برای ساخت این پروژه ۳ هزار میلیارد تومان بودجه باید در نظر گرفته شود.

مازیار حسینی گفت:۳ هزار میلیارد تومان طی ۳۰ ماه یعنی کمتر از ۳ سال باید برای این پروژه که اکنون منظور نظر ماست، هزینه شود.

معاون سابق عمرانی شهرداری تهران ، پروژه ساخت مصلای تهران را پیچیده ترین پروژه عمرانی کشور پس از انقلاب اعلام کرد.

اشتیاق شرکت‌های اروپایی و آمریکایی برای سرمایه‌گذاری در ایران

سرویس سیاسی – اجتماعی :سخنگوی دولت با اشاره به اشتیاق شرکت های اروپایی و آمریکایی برای سرمایه گذاری در ایران پس از توافق هسته ای ، اعلام کرد :ایران هم از هر گونه توسعه روابط اقتصادی با جهان استقبال می کند.

به گزارش خبرنگار ما ، دکتر محمد باقر نوبخت در نشست هفتگی خود با خبرنگاران با اشاره به این که توافقات اولیه برای افزایش صادرات نفت ایران به اندونزی و ساخت یک پالایشگاه و یک نیروگاه در این کشورتوسط متخصصان ایرانی انجام شد ، اظهار داشت : دولت اندونزی خواستار مشارکت مهندسان و شرکت های پیمانکاری ایران برای نوسازی شهرهای این کشور است.

وی گفت: برای اجرایی شدن این توافقات در ماه جاری میلادی هیات بلندپایه ای از اندونزی به تهران سفر می کند و اقدامات اجرایی آن به زودی آغاز می‌شود بنابراین فرصتی پیش می آید تا توانایی شرکت‌های ایرانی محدود به مرزهای ما نباشد و ما بتوانیم در آسیای دور هم حاضر شویم و امیدواریم با پایان حصر ظالمانه و تحریم که سال ها دور ایران است، توانایی های کشورمان به جهان نمایش داده شود.

وی با تاکید بر این که باید ظرفیت مبادلات تجاری ایران و اندونزی به عنوان دو کشور بزرگ با توجه به پیوندهای فراوان سیاسی و مذهبی بیشتر شود، تصریح کرد: با سفر قریب الوقوع هیات بلندپایه اندونزی به ایران، تصمیم داریم ظرفیت های مبادلاتی میان دو کشور را گسترش دهیم.

مبارزه با موسسات پولی غیرمجاز

وی درباره مبارزه بانک مرکزی با موسسات پولی غیرمجاز ، گفت: نسبت به موسسات پولی که مجوز لازم را ندارند یا نگرفته اند یا دچار خطاهای کاری شدند، بانک مرکزی روی آنها متمرکز شد و طرحی را مطرح کرد و این طرح درباره مواجهه و مقابله و قانونمند کردن این موسسات غیرمجاز بود. در شورای عالی امنیت ملی گزارش رئیس بانک مرکزی را شنیدم. در جلسه شورای مبارزه با مفاسد اقتصادی و دولت هم این مساله بیان شد. مصوباتی داریم که برخورد قانونی با این موارد صورت گیرد و آنها را وادارد که مجوز بگیرند و زیر نظر بانک مرکزی فعالیت کنند. البته با آنهایی که تعلل می کنند برخورد قانونی صورت می‌گیرد .رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی درباره جزئیاتی از تدوین برنامه ششم توسعه ، توضیح داد: پیش نویس سیاست های کلی برنامه در دست مجمع تشخیص مصلحت نظام است وتا هفته گذشته هم بیش از ۶۰ بند از این سیاست ها به تصویب رسیده است.نوبخت درباره تفاوت برنامه ششم و پنجم توسعه، گفت: بسیاری از بند های برنامه پنجم اجرایی نشده‌اند بنا براین بنا داریم برنامه ششم متناسب با چابک سازی برنامه سال های ۹۵ تا ۹۹ تهیه شود.

اختصاص اعتبارطرح های عمرانی

نوبخت درباره اهتمام دولت به تکمیل طرح‌های نیمه تمام ، با اشاره به این که در آغاز کار دولت یازدهم، ۲۹۰۶ طرح ناتمام عمرانی در کشور داشتیم، تصریح کرد: پارسال ۲۴۶ طرح بالای ۸۰ درصد پیشرفت را به پایان رساندیم و ۹۸ طرح و پروژه را که در سفرهای استانی رئیس جمهوری مورد توجه بود ، تمام کردیم. برای امسال در نظر داریم از تمامی ظرفیت های قانونی بودجه استفاده کنیم تا نسبت به واگذاری این طرح ها اقدام شودبر این اساس، طرح ساماندهی پروژه های عمرانی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دست تهیه است که نتیجه اش را در برنامه پنجم اجرایی می کنیم تا به جای اضافه کردن طرح های جدید که روز به روز بار مالی بیشتر برای کشور ایجاد می کند، طرح های بیشتری را به بهره برداری برسانیم.نوبخت در ادامه با اشاره به این که پارسال بیش از ۳۲ هزار میلیارد تومان برای پایان طرح های ناتمام سرمایه گذاری شد ،گفت: این میزان امسال به حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان می رسد که به اشتغال هم کمک خواهد کرد و خوشبختانه دو هفته قبل، موفق شدیم ۱۸۵۰ میلیارد تومان برای طرح‌های عمرانی امسال به پیمانکاران اختصاص دهیم .

برگزاری الکترونیک انتخابات

نوبخت در باره برگزاری الکترونیک انتخابات آینده ، گفت: برای این کار تمهیدات و اقداماتی انجام شد و ما هم از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی برای دادن بودجه به مجری انتخابات که وزارت کشور است مشکلی نداریم و امیدواریم نسبت به برگزاری الکترونیکی انتخابات اقدام شود .

سخنگوی دولت درباره موضوع پول های کثیف و سخنان وزیر کشور در مجلس ،گفت: سخنان دکتر رحمانی فضلی در این زمینه ،هشداری بود مبنی بر این که درکشوری که در کنار جریان رسمی مبادلات و واردات، مبالغ قابل توجهی واردات قاچاق صورت می گیرد و پول آن به داخل می آید، چه باید کرد؟ از نظر وزیر کشور، این نقطه قابل تامل و هشدار از سوی ایشان قابل تقدیر است؛ اما این که تاثیرش در انتخابات یا موقع خاصی بوده، شاید نظرشان این نبود که توضیحات کافی در باره آن داد .به نظر می رسد این نگرانی، بی پایه نیست. به همین دلیل مجلس که خواهان برگزاری انتخابات سالم و پیروزی در یک جریان سالم انتخاباتی است، باید ببیند خلاهای قانونی کجاست. شاید ما هم در دولت لایحه ای را در این باره تنظیم کنیم. مجلس، شورای نگهبان و تمامی نهادها نسبت به تحولاتی که واقعی است و مبالغی از منابع مالی به صورت غیرشفاف و غیرقانونی در کشور در حال جریان است، باید حساس باشندو من از رسانه‌ها که تلاش می کنند مسائل روشن شود، سپاسگزارم. دولت هم همواره قدر دان رسانه هاست .

کاهش سود سپرده گذاری

نوبخت درباره این که اجاره خانه با کاهش سود سپرده گذاری در بانک ها زیاد شده است ، گفت: هر ۳ ماه یک باراثرات کاهش نرخ سود بانکی مورد بازبینی قرار می گیرد. انتظار ما درصدی پایین تر برای هر دو نرخ سود و تسهیلات بود. جمع بندی در شورای پول و اعتبار، قابل دفاع است تا ناگهان شوک به جامعه وارد نکنیم. این که کاهش سود روی اجاره تاثیر منفی داشته باشد و اجاره بها را زیاد کند، منطقی نیست. اتفاقا اجاره بها را با این نرخ تنظیم می کند البته باید آثار این تقلیل سود را دید و اگر غیرمنطقی بر روی اجاره خانه اثر بگذارد، ما هر پیامدی را رصد و کاستی ها را جبران می کنیم و متناسب با آن سیاستگذاری صورت می گیرد.وی درباره ممنوعیت فعالیت اصلاح طلبان در شهرستان ها ، گفت: باید در چارچوب قانون، این فرصت را به تمامی احزاب رسمی و قانونی داد و دولت هم از این آزادی دفاع و بستر را هم برای فعالیت های قانونی آنها فراهم می کند.

نوبخت با اشاره به سخنان دکتر روحانی در جمع معلمان، گفت : آموزش و پرورش طبق قانون اساسی رایگان خواهد بود و این که گفته می شود آموزش و پرورش به صورت غیردولتی با خرید خدمت اداره شود، با خصوصی کردن و تحمیل هزینه به خانواده ها متفاوت است چرا که ۱۲ میلیون دانش‌آموز داریم و سرانه ای را دولت به آموزش و پرورش برای آنها می پردازد. این وزارتخانه می تواند با همین سرانه از ظرفیت غیر دولتی با سرانه کمتر و با کیفیت بهتر، کار آموزش و پرورش را به انجام برساند لذا باید در سازو کارهای موجود بازنگری کنیم و تاکید رئیس جمهوری این بود که از بخش غیردولتی در آموزش و پرورش استفاده کنیم و البته هزینه آموزش و پرورش در مدارس غیر دولتی را دولت می پردازد. باید از بخش خصوصی و تعاونی هم در فعالیت های آموزشی استفاده کنیم و جای نگرانی ندارد. نوبخت با اشاره به این که پیش نویس آیین نامه اجرایی تبصره ۲۰ قانون هدفمندی یارانه ها در سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهیه شده است، گفت: این پیش نویس در جلسه آینده هیات وزیران بررسی می شود.

وی با تاسف از این که قانون هدفمندی به این سرنوشت رسیده است، افزود: با وجود کمبود حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه ، اگر تکالیف قانونی را اجرا کنیم ، باید به اندازه ۱۸ هزار میلیارد تومان قیمت ها را افزایش دهیم،بنا براین برای جلوگیری از تورم باید پردرآمدها را ازدریافت یارانه حذف کنیم. نوبخت به نظر کمیسیون اصل ۹۰ مجلس درباره بورسیه ها اشاره کردو اظهار داشت : هر یک از کمیسیون های مجلس می توانند به تشخیص خود تصمیماتی بگیرند و نظراتی بدهندو این به منزله نظر مجلس نیست و اعتباری را که مصوبات مجلس و قانون دارد، نخواهد داشت. سخنگوی دولت درباره تعیین روسای برخی از دانشگاه ها، توضیح داد: این از اختیارات دولت است که برای دانشگاه ها مدیر انتخاب کند.وی در باره سخنان رئیس جمهوری فرانسه در سفر به عربستان علیه ایران هم، گفت: ایران عامل ثبات در منطقه است و معتقدیم برای این که منطقه با ثبات باشد، نباید غربی ها از آن سوی دنیا به منطقه بیایند و منطقه را بی ثبات کنند.

بلومبرگ: اوباما بدون نیاز به کنگره تحریم های ایران را تعلیق می کند

خبرگزاری بلومبرگ اعلام کرد که باراک اوباما قصد دارد از اختیارات خود در مرحله اول اجرای توافق نهایی برای تعلیق تحریم های ایران در صنایع نفت، بانکداری و داد و ستد استفاده کند که به درخواست از کنگره برای لغو تحریم‌ها تا پایان زمان ریاست جمهوری وی نیازی نیست.

به گزارش ایرنا، خبرگزاری آمریکایی بلومبرگ در گزارشی به بررسی چگونگی لغو تحریم های ایران درصورت رسیدن به توافق پرداخت و نوشت: شیوه ای که دولت آمریکا برای لغو تحریم های تهران برگزیده، ناکارآمد است.

به نوشته این رسانه آمریکایی، مقامات دولت آمریکا جزئیات جدیدی درمورد شیوه لغو تحریم ها علیه ایران منتشر کرده که بعضی کارشناسان را ناامید کرده است؛ آنهایی که به ادعاهای دولت آمریکا درمورد ادامه تحریم ها تردید دارند.

'جک لیو' وزیر خزانه داری و 'جو بایدن' معاون رئیس جمهوری آمریکا هفته گذشته در سخنانی در اندیشکده موسسه خاورنزدیک واشنگتن جزئیات جدیدی در مورد پایان تحریم های ایران در صورت رسیدن به توافق را بیان کردند.

این مقامات همچنین مدعی شدند که بیشتر تحریم ها از جمله تحریم های چندگانه در صورت عدم انجام تعهدات از سوی ایران به سرعت قابل بازگشت است و آنها معتقدند افزایش ده ها میلیارد دلاری درآمدهای ایران به دلیل لغو تحریم‌ها به معنای افزایش هزینه های این کشور درمورد فعالیت های دیگر نیست .

لیو گفت که اوباما قصد دارد بعد از اجرای بخش های اول توافق توسط ایران از اختیارات خود برای تعلیق تحریم های این کشور در صنایع نفت، بانکداری و دادوستد استفاده کند که در این صورت نیازی به درخواست از کنگره برای لغو تحریم ها تا پایان زمان ریاست جمهوری وی نیست.

وی افزود: بعد از چند سال تبعیت ایران از توافق جامع نهایی، از کنگره می خواهیم در مورد لغو نهایی تحریم ها رای بدهد و صرفا کنگره می تواند تحریم هایی که به صورت قانون تصویب شده است را لغو کند.

لیو مدعی شد تعلیق تحریم های ایران به جای لغو قانونی تحریم ها، به دولت اجازه می دهد در صورت انجام ندادن تعهدات از سوی ایران در مفاد توافق، به سرعت تحریم ها را بازگرداند.

وی همچنین ادعا کرد که تحریم های سازمان ملل متحد به سرعت قابل بازگشت است و هیچ کشوری به تنهایی نمی تواند مانع از این امر شود.

بر اساس این گزارش، اظهارات لیو، با نظرات محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در سخنرانی دانشگاه نیویورک متفاوت است. ظریف گفت که تحریم‌های سازمان ملل متحد چند روز بعد از امضای توافق لغو می شود و همه تحریم‌ها زمانی که ایران به تعهدات اولیه خود عمل کند به کلی لغو می شود.

مقامات وزارت دادگستری آمریکا می گویند که اظهارات لیو با توضیحات پیشین مقامات دولتی آمریکا درمورد شیوه لغو تحریم ها هماهنگ بوده است،اما 'مت لویت' از مقامات پیشین وزارت دادگستری آمریکا و کارشناس فعلی موسسه خاور نزدیک واشنگتن که نشست چهارشنبه با لیو را مدیریت کرده است؛ گفت: وقتی تحریم ها لغو شود به ویژه تحریم های چندجانبه، مسیر برای اعمال مجدد تحریم‌ها آسان نخواهد بود.وی گفت: هیچ کس نباید به اشتباه فکر کند روند خودکاری برای بازگشت تحریم ها وجود دارد. اگر تصور کنیم که ایران به تعهدات خود عمل نکرده است، بحث به این سمت پیش می رود که آیا در واقع تعهدات نقض شده است یا خیر؟ می توان شاهد وضعی بود که روسیه و چین موضوع نقض تعهد توسط ایران را به چالش می کشند.

بلومبرگ می افزاید: میزان دقیق پولی که ایران بعد از امضای توافق به دست می آورد مورد مناقشه است. لیو می گوید ایران بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ میلیارد دلار درآمد نفتی توقیف شده در بانک های خارجی دارد. به گفته یک مقام کنگره که از روند مذاکرات مطلع است، بین ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار از درآمدهای ایران به سرعت بعد از امضای توافق آزاد می شود .

یادداشت

روزنامه ها را «مردم» نمی خوانند

فاطمه مصطفوی

مرگ ناباورانه «قندی» شـــوکی بود بر پیکر اساتید روزنامه نگاری.استاد خنده‌رو، آرام، خوش مشرب و منظم و پرکار، چهار شوک به جامعه وارد کرد و پس از سالها فراموشی به یاد آمد. اینها را دکتر هادی خانیکی در بزرگداشتش می‌گوید. و روزنامه نگار بودنش را دکتر محسنیان راد.حقیقتا وقتی قندی به دانشکده می‌آمد و می‌رفت توقف زیادی نداشت و با سایر اساتید هم به جز دکتر بدیعی خیلی صحبت نمی‌کرد؛ اما این روزها چیز دیگری مشخص شد و آن اینکه او در ارتباطاتش هم خلاقیت خاص خود را داشـــته و در اتاق هر استادی اثر انگشتی، کلمه‌ای ، دردی و چیزی از جنس «روزنامه نگاری» باقی گذاشته است.

چهار شوکی که به گفته دکتر خانیکی بر پیکر روزنامه نگارها وارد شد محرومیت قندی از تدریس، فراموشی او، کما و سفر ابدی او بوده. اینها جامعه روزنامه نگاری و نه روزنامه نویسی را داغدار کرده؛ دردمند کرده و ملتهب.حقش نبود قندی خنده رو را اینطور آزار دهند. این ،چیزیست که اساتید، دانشجویان، روزنامه نگاران و دانشکده ارتباطات را به شدت آزار می‌دهد.

تلاشهای ۴۰ ساله قندی، محسنیان راد، فرقانی، صدیقی، خانیکی و سایر اساتید در روزنامه نگاری توام با تدریس تربیت دانشجو و روزنامه نگار برای روزنامه نگاری حرفه‌ای بوده است. روزنامه نگاری مبتنی بر دانش. در حالیکه به گفته همه این اساتید و خانم مینو بدیعی تا کنون چنین امری محقق نشده. چرا که روزنامه نگاری با سیاست آمیخته شده است و رنج سیاستمداران غیر روزنامه نگار تنش را می‌آزارد.

روزنامه نگار حرفه‌ای کسی است که پیش از درد سیاستمداران به درد مردم بپردازد، حرفی بزند که مردم بخوانند و دیده بانی باشد بر بالای مسایل مردم. این، اکنون فراموش شده است.

امروز در هر تاکسی، اتوبوس یا وسیله ای که سوار شوی از دردهایی می‌شنوی که مربوط به درمان، اشتغال، بیمه و از این قبیل است.چند روز پیش وقتی از تشییع قندی برمی‌گشتم راننده ماشین از فقر، خانه نمور و تنگ، مهریه، دیالیز و فشار مالی گریه کرد. کجاست روزنامه نگار حرفه‌ای؟ هر کدام از اینها می تواند جریانی را به راه اندازد و مسئولین و غیر مسئولین را به تلاطم اندازد. پس کجاهستند روزنامه‌هایی که درد مرده را با صدای بلند فریاد بزنند؟

روزنامه‌ها گاهی پر شده‌اند از خبرهای بی‌جان و تکراری، گاهی مقالات بلند و نابروز و گاهی از ادبیات و ســـینمای جهان که شـــاید تنها ۲۰ درصد جامعه‌بخوانند.

نگرانی اساتید ارتباطات در باره مرگ خاموش و خاموشی روزنامه نگاری حرفه‌ای حقیقی است. دیروز وقتی در مراسم استاد مسلم روزنامه‌نگاری شرکت کردم متوجه شدم روزنامه‌ها خوانده نمی‌شوند ؛ از جمله همین مقاله. چرا؟ چون روزنامه‌ها مرده‌اند و اگر زنده هستند حرفی تازه برای مخاطب ندارند. آیا راننده گریان بهشت زهرا مخاطب روزنامه‌ها نیست؟

رئیس جمهوری: فضای نشر باید امن و آزاد باشد



بقیه از صفحه اول

«انس ما با کتاب، افتخار ما به کتاب و هدایت ما از راه کتاب اســـت. ما دارای آیین و دینی هستیم که معجزه پیامبرش کتاب است و میراث امامش هم کتاب است.

آن قـــرآن مجید و این نهج‌البلاغه. اگر بگوییم افتخارات سرزمین ما و فرهنگ ایران ما در شاهکاری چون شاهنامه و در تحفه‌ای چون بوستان و گلستان و در اثری گرانبها چون دیوان حافظ جمع شده است، نشانگر این است که ما با کتاب با جهانیان حرف زده‌ایم».

دکتر روحانی در ادامه گفت: «برخی گمان می‌کنند جدالی بین کتاب کاغذی و دنیای دیجیتال وجود دارد که در این بین کتاب روز به روز مغلوب تر می‌شود. اگرچه شکل کتاب ممکن است به صور گوناگون در جامعه نشر تغییر پیدا کند اما هیچ چیز جای کتاب را نخواهد گرفت. کتاب مانده است و می‌ماند و پایدار خواهد ماند. اما ما هم در برابر کتاب وظایفی را بر دوش خود داریم. کتاب یک مجموعه است از مولف و مترجم گرفته تا ویراستار، حروفچین، توزیع و نشر که همه دست به دست هم می‌دهند تا کتابی نوشته و به دست اهل آن سپرده شود.

در این مســـیر دولـــت حداقل باید به لحاظ سخت‌افزاری احساس وظیفه کند. در زمینه نرم افزاری که باید کار را سهل و سهل‌تر کنیم. فضای انتشار کتاب باید امن و آزاد باشد. البته که باید اصولی همچون رعایت فرهنگ دینی و توجه به هویت ملی و اسلامی مورد توجه همگان قرار گیرد. نمی‌توان همه دروازه‌ها را باز کرد تا هر خرافه‌ای به نام کتاب یا به نام انقلاب ودین در اختیار نوجوانان و جوانان ما قرار گیرد. در عین حال نمی‌توان آنچنان سخت‌گیرانه عمل کرد که ناشر هر روز با زحمت ورود به کوچه‌های پر پیچ و خم مواجه شود».

وی افزود: «اگر نظارت‌ها سلیقه‌ای شود، آنوقت چنان می‌شود که چاپ اول مجاز و چاپ دوم ممنوع و چاپ سوم مستحب خواهد بود. خدا نکند این قبیل موضوعات سلیقه‌ای شود. کتاب برای بیان واقعیت‌ها و رفع نیازمندی‌های امروز، برای رسیدن به قله‌های دانش و برای آن است که جامعه بتواند با بهترین ابزار علمی مشکلات را حل کند. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هر ســـاله پر رونق است. این که سیصد هزار عنوان کتاب داخلی و صد و شصت هزار عنوان کتاب خارجی در این نمایشگاه عرضه می‌شود ، جای بسی افتخار است. اینکه گفته می‌شود در سال گذشته سه میلیون بازدید کننده به این نمایشگاه آمده‌اند جای بسی خوشحالی دارد. اما به همین نسبت کتابفروشی‌های ما هم باید پر رونق و کتابخانه‌های عمومی ما هم پر مراجعه کننده باشد.

هم دولت، هم ناشران، هم جوانان باید این بار مسئولیت را بپذیریم و کتاب را رونق دهیم. برای این منظور هم راهی وجود ندارد مگر اینکه کتاب خریدن و کتابخوانی وارد سبک زندگی ما شود. تا وقتی که چنین نشده است، ما نمی‌توانیم آنچنان فکر کنیم. هر کتابی را که مجانی به کســـی می‌دهند، ورق می‌زند ولی نمی‌خواند. برای کتاب باید پول پرداخت کنند تا برایش ارزش قائل شوند و آن را بخوانند».

دکتر جنتی : نمایشـــگاه بین المللی کتاب تهران تالار هم اندیشی ملی است

علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این مراسم اظهار داشت: نمایشگاه کتاب تجلی باشکوهی از اندیشه ناشران، نویسندگان و فعالان این صنعت است تا به تعبیر قرآن همه سخنان را شنیده و بهترین آنها را برگزینیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: روشنایی این محفل همه اهالی فرهنگ را به هم پیوند می‌دهد و سبب ارتقای سطح فرهنگ عمومی می‌شود.

وی افزود: نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در طول ۲۸ سال گذشته تبدیل به رویداد بزرگ فرهنگی شده و دولت تمامی امکاناتش را برای پربارتر شدن این رویداد فرهنگی به کار گرفته است.

جنتی خاطرنشان کرد: برای نمایشگاه کتاب امسال بیش از ۷۰ نهاد و ارگان دولتی همچون شـــهرداری، وزارتخانه‌های علوم، بهداشـــت، آموزش و پرورش، امورخارجه، نیرو و غیره مشارکت داشته اند.

تجلیل از ناشران نمونه سال ۹۳

ناشران نمونه و شایسته تقدیر بیست و هفتمین نمایشـــگاه بین‌المللی کتاب تهران (۹۳) با حضور حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی رییس جمهوری و علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اهدا ی لوح تقدیر به شرح زیر تجلیل شدند.

ناشران نمونه:

۱- سید عباس حسینی نیک انتشارات مجد
۲- علی نویدگویی انتشارات نوید شیراز
۳- محسن طائب انتشارات پیدایش
۴- صفا امیری انتشارات براق

ناشران شایسته تقدیر

مرتضی زینلی انتشارات جامع نگر

ناشران بخش جنبی سال ۹۳

۱- حامد کفاش انتشارات سایبان
۲- علی محمد مودب انتشارات شهرستان ادب
۳- جانمراد احمدی انتشارات دارخوین

رییس جمهوری پیش از شـــرکت در مراسم گشـــایش نمایشگاه از کتاب های منتخب نمایشگاه امسال دیدن کرد.

بیســـت و هشتمین نمایشـــگاه بین المللی کتاب تهران از امروز تا ۲۶ اردیبهشـــت در مصلی امام خمینی(ره) پذیرای بازدیدکنندگان است.

آغاز کنگره بین‌المللی حافظ شیراز در دانشگاه آزاد

کنگره بین المللی حافظ شیرازی دانشگاه آزاد اسلامی با پخش سخنرانی سال ۶۷ رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنگره جهانی حافظ آغاز شد.

به گزارش ایرنا ، در این همایش پس از باز نشـــر ســـخنان مقام معظم رهبری در کنگره جهانی حافظ دکتر طه هاشمی، معاون فرهنگی و اجتماعی دانشـــگاه آزاد اســـلامی، متن پیام آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشـــخیص مصلحت نظام و رئیس هیات موســـس دانشگاه آزاد اسلامی را قرائت کرد.

متن پیام آیت الله هاشمی رفسنجانی به این شرح است:

پیام دوست شنیدن سعادتست و سلامت

یکی از شیرین‌ترین و لطیف‌ترین ایام زندگی من که بی‌هیچ شائبه‌ای آن را از تالـــی عبـــادت می‌دانم، حضور در محافل ادبی و عرفانی و دیدار با صاحب‌دلان صاحب نظر و گویندگان و پژوهشگران فرهیخته و اندیشمند به ویژه حوزهٔ حافظ‌شناسی و حافظ‌پژوهی است، آن هم در چنین فرصتی فرخنده که دانشگاه آزاد اسلامی فراهم آورده تا جوانان شیفتهٔ فرهنگ و ادب از برکات و فرآورده‌های ذوقی، فرهنگی، علمی، ادبی و هنری حافظ‌شناسان ایران و جهان به بایستگی بهره برگیرند و از رهگذر کرسی‌های نسخه‌شناسی، پرسش و پاسخ و شیوهٔ تتبع در شناخت ابعاد گوناگون شخصیت این رند «به غایت خوبی رسیده» و از «وَضْمَتِ تفرقه به موهبت جمعیت خاطر نایل آمده» به روشنی بیاموزند.

اینـــک کـــه از حضور در این فضای فرهنگی و هنری محرومم، اجازه می‌خواهم با تواضعی راستین به زبان خواجهٔ شیراز بگویم «پیام دوست شنیدن سعادتست و سلامت» و با شیفتگی تمام سخنان دل‌نشین و دقایق پژوهش‌های ارزشمندتان را در ویژه‌نامه همایش مطالعه خواهم کرد.

خوشـــا دمی که ترا باز یابمی بسلامت
قَدِمْتَ خیـــرَ قدوم نَزَلْـــتَ خَیرَ مَقام

ضمن آرزوی موفقیت برای همهٔ شـــما فرهیختگان در این همایش چهارروزه در تهران و شیراز، سعادت، سلامت و عزت روزافزون از خداوند بزرگ مسألت می‌کنم و بویژه سعی مشکور دکتر حمید میرزاده رئیس فرهیخته دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت فرهنگی و اجتماعی، شورای علمی، مدیریت اجرایی و بین‌المللی و همهٔ واحدهای دانشگاهی که مستقیماً مشارکت داشته‌اند و نیز ســـازمان‌هایی که حمایت فکری و فرهنگی خویش را در تحقق این هدف بلند معمول داشته‌اند، ارج می‌نهم و مخصوصاً از مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی و همکاری‌های مستمر رئیس و اعضای فرهیخته آن در تشکیل جلسه‌های شورای علمی قدردانی می‌کنم.

حافظ‌پژوهان خارج از کشور براستی می‌دانند که ایران خانه آنهاست و فرهنگ و ادب این سرزمین یار و مددکار همهٔ مردم جهان و آرزومند آنست که صلح و تفاهم و همزیستی و احترام راستین بر همه شئون زندگی آنان روشنی ریزد و رسیدن بدین مقصد عالی - از نظر حافظ که دست پرورد عنایت حق است - امکان‌پذیر تواند بود.

با اشارتی به بیت مطلع این گفتار، به عرایضم پایان می‌دهم: در عرفان تمام اضداد و متقابل‌ها به وَحدت می‌رسند و کثرت و اختلاف برمی‌خیزد. شاید خواجه در این بیت می‌خواهد بدین نکته اشاره کند که ذات حق از شدت ظهور ناشناخته است و هر عارفی به وجهی در خَم گیسوی آن محبوب گرفتـــار. آنـــگاه که همهٔ اضداد و متقابل‌ها به وحدت نایل آمدند، جمعیت خاطر پدید گشته، وَضْمَت تفرقه از میان برمی‌خیزد. بدیهی است در اندیشهٔ حافظ «پریشانی» بار معنایی مثبت دارد، نه منفی و هرگز مترادف با «تفرقه» نیست و در مفهوم گستردهٔ پریشانی، هزاران هنر مندرَج است و سرانجام باید گفت که «الشعراءُ اُمراءُ الکلام» و «اِن مِنَ الشعرِ لَحِکمه» و خواجهٔ شیراز با اندیشه‌های بلند و زبانی فاخر در اَدب و فرهنگ جهان جاودانگی خود را امضا کرده و به عنوان جوهرهٔ هنر شناخته شده است:

قلنـــدرانِ حقیقت به نیم‌جـــو نخرند
قبایِ اطلس آن کس که از هنر عاریست



حافظ حافظه تاریخی و ملی ایرانیان

دکتر حمید میرزاده، رئیس دانشـــگاه آزاد اســـلامی هم در این مراسم در سخنانی گفت: با اشاره به غزلی ازحافظ گفت: این رند خشت زیر سر نهاده و بر تارک هفت اختر برنشسته، خلاصهٔ فرهنگ ایران از عهد گاتاها تا دوران اسلامی و نماینده خرد جمعی جهانست و تلقی هنری او از عرفان، حکمت، فلســـفه، دین و الهیات و دفاع راستین او از ارزش‌های اخلاقی و اصل متعالی آزادی و آزادگی، وی را از همه اقران و اماثل، ممتاز و متمایز ساخته است.

وی افزود:در اندیشهٔ ناب و فراهنجار حافظ- که از رهگذر ایهام‌های هنری از زبان معمول و متداول فاصله گرفته است، مفاهیم و معانی گسترده و چند معنایی را در ساحت غزل‌های رندانه و عارفانهٔ خویش متجلی ساخته است - هنر و معرفت را اساس آفرینش شناخته و این موهبت متعالی را ورای هر نوع جمود و تحزب دانسته است.

میرزاده با اشاره به این که حافظ این گویندهٔ فرازمانی و مکانی، حافظهٔ تاریخی و ملی ایرانیان اســـت و با اندیشـــه‌های بلند خود، عزت و عظمت این ملت بزرگ را رقم زده است افزود:مهندسی واژگان و شیوهٔ بکارگیری ترکیب‌های بدیع در غزل‌های خواجه، وی را چشـــم و چراغ مردم ایران و خسرو شیرین‌دهنان و شاخ شمشاد قدان ادب فارسی ساخته است.

حافظ قهرمان مبارزه با ریا و تزویر

رئیس اسبق دانشگاه آزاد اسلامی هم در این مراسم حافظ را قهرمان مبارزه با ریا، تزویر و نفاق در عرصه فرهنگ و تاریخ ایران دانست و گفت: بخش مهمی از محبوبیت حافظ از این خصیصه او سرچشمه می گیرد.

عبدالله جاسبی گفت: حافظ با اندیشه سازنده و خلاق و عمل آفرینش گرانه خود به نبوغی نائل شد که با تبعیت از قرآن طرحی نودرانداخت.

شجریان: حافظ زندگی مرا به سوی خود کشاند

محمدرضا شجریان استاد آواز ایران هم در این مراسم در سخنانی گفت: بدون شعر نمی‌توانم آواز بخوانم. حافظ، زندگی من را به دنبال خود کشانده و همیشه در پی حافظ بوده‌ام. در این مراسم نماهنگی از یکی از ترانه های حافظ که توسط محمدرضا شجریان خوانده شده بود ، پخش شد.

سخنان دکتر سعیدآبادی

دکتر محمدرضا سعیدآبادی دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو هم در این مراســـم در سخنانی گفت: سخن گفتن از شخصیتی که شناسنامه زرین و هویت فرهنگی رنگین ایران و ایرانیان را به وجهی احسن و طریقی ایمن آراســـته اســـت، کاری بس سنگین و سترگ می نماید. آنچه که حافظ را از کوی خاک به ملکوت افلاک رهنمون داشت؛ شوریدگی جان به شوق واصل شدن به حریم یار و دل بریدن از اغیار بود.

وی اضافه کرد:بدین وصف، سترگ ترین میراث حضرت حافظ طبابت روح رنجور و ضجور آدمی است. طبیب حاذقی که روح زنگار گرفته را از پلشتی و پلیدی به غمازی و پاکی بشارت می داد و چه کاری متعالی تر است از تجویز و تسکین روح دردمند بشریت در دوران حرمان انسانیت.

کوتاه فرهنگی

بلونیا ۲۰۱۵ به باغ موزه قصر تهران می آید

آثار راه یافته به نمایشگاه تصویرگری بلونیا ۲۰۱۵ در نمایشگاهی با نام «تهران - بلونیا ۲۰۱۵» در باغ موزه قصر تهران به نمایش در می آیند.

به گزارش روابط عمومی باغ موزه قصر ، این نمایشـــگاه با همکاری انجمن تصویرگران و باغ موزهٔ قصر برگزار خواهدشـــد و قرار اســـت در کنار نمایش آثار بولونیا ۲۰۱۵، آثار تصویرگری «راجر ملو» -برنده جایزه هانس کریســـتین اندرسن ۲۰۱۴ - نیز به نمایش درآید.

تهران - بلونیا ۲۰۱۵، جمعه ۱۸ اردیبهشت ، ساعت ۱۷ با حضور هیأت مدیرهٔ انجمن تصویرگران و «روبرتاکینی»، رئیس نمایشـــگاه کتاب کودک بلونیا، در نگارخانهٔ هنر در باغ موزهٔ قصر، واقع در انتهای خیابان شهید مطهری، بعداز تقاطع خیابان دکتر شریعتی، میدان پلیس آغاز می‌شود و علاقه مندان می‌توانند تا ۲۴ اردیبهشت از ساعت ۹ تا ۱۹ از این نمایشگاه دیدار کنند.

آغاز پنجاه و ششمین بی ینال ونیز

پنجاه و ششمین بی ینال ونیز دیروز آغاز شد و بخش هنر ایران در این دوره دوسالانه امروز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت افتتاح می شود.

در پنجـــاه و ششـــمین بی ینال ونیـــز غرفه ۲۰۰ متر مربعی به آثار هنرمندان ایران اختصاص دارد و آثاری از هنرمندان سه نسل کشورمان در کنار آثار هنرمندانی از کشورهای افغانستان، عراق، پاکستان و آذربایجان به نمایش گذاشته می شود.

پنجاه و ششمین بی ینال ونیز با حضور ۱۳۶ آثار هنرمندان کشورجهان به مدت شش ماه در شهر ونیز ایتالیا برگزار می‌شود.

نمایش ۱۷۰۰ اثر فاخر هنری ایران و جهان در سطح شهر تهران

سرویس فرهنگی ـ هنری: بیش از ۱۵۰۰ سازه تبلیغاتی در ســـطح شـــهر تهران به مدت ۱۰ روز از دیروز تا ۲۶ اردیبهشـــت به نمایش حدود ۷۰۰ اثر فاخر هنری ایران و جهان اختصاص می‌یابد.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر جمال کامیاب مدیرعامل ســـازمان زیباسازی شهر تهران در نشست رسانه‌ای پروژه «نگارخانه‌ای به وســـعت یک شـــهر» برگزار شد، خبر را اعـــلام کرد و در همین ارتباط ادامه داد: ما نباید فراموش کنیم که میراث‌دار فرهنگ، تمدن و هنری هســـتیم که از گذشته‌های دور به ما رسیده‌است و باید بهانه‌هایی را فراهم کنیـــم تا نگاه‌ها و نظرها را به این میراث معطوف کنیم و طرح «نگارخانه‌ای به وسعت یک شهر» ادای دینی به همه هنرمندان و هنردوســـتانی است که به اجرا درآمدن چنین پروژه‌ای را انتظار می‌کشیدند.

کامیاب افزود: این ســـازمان در کنار وظایفی که به عهده دارد، مسئول ارتقای سطح سواد بصری شهروندان نیز هست و اجرای این طرح در سطح شهر، شاید عاملی شود که شهروندان تشویق به استقبال از برنامه‌ها و نمایشگاه‌های مراکز فرهنگی هنری مانند موزه‌ها شوند.

مدیرعامل ســـازمان زیباسازی شهرداری تهران دربارهٔ طرح «نگارخانه‌ای به وسعت یک شهر» بیان کرد: در این طرح ۵۰۰ اثر از کل ۷۰۰ اثر هنری به آثار هنری ایران شامل نقاشی، نگارگری، خوشنویسی، فرش، بناهای تاریخی و... اختصاص خواهد داشت و بقیه هم به آثار ارزشمند هنری دیگر کشورهای جهان.

کامیاب گفت: درکنار عزیزانی چون سعید شهلاپور، مجتبی موسوی و... که با ما در این طرح همواره همراه بودند، مجموعه‌های مختلفی نیز مانند موزه ملک، موزه هنرهای معاصر ـ موزه کمال‌الملک، موزه فرش، مجموعه فرهنگی هنری نیاوران، نشریه «تندیس»، نشریه «حرفه، هنرمند» و نشر نظر در این مسیر با ما همکاری‌های لازم را کردند.

در ادامهٔ این نشست، سعید شهلاپور هنرمند مجسمه‌ساز و مشاور زیباسازی شهر تهران گفت: ایدهٔ این طرح حدود ۱۰ سال پیش به فکرم رسید که برای یک بار در سال هم شده در برابر هجوم تبلیغات روی بیلبوردهای سطح شهر آثار فاخر هنری را به جای تبلیغات در این بیلبوردها به نمایش بگذاریم تا مردم با آثار هنری آشنا شده و سواد بصری‌شان بالاتر رود و این طرح بالاخره توسط دکتر کامیاب پذیرفته شد و از ۱۵ اردیبهشت اجرای آن نهایی می‌شود.

شهلاپور با اشاره به اینکه چنین اتفاقی و به این صورت تاکنون در هیچ کشور دیگری رخ نداده است و برای اولین بار در ایران و در تهران اتفاق می‌افتد، گفت: امیدوارم این رویداد به عنوان بخشی از تقویم سازمان زیباسازی در آید و برای آن دبیرخانه‌ای دائمی درنظر گرفته شود. محمدحسن حامدی، مدیرمسئول و دبیر نشریه تندیس هم که در این نشست خبری حضور داشت، گفت: این طرح از آنجا که هنر را به میان مردم می‌آورد، مهم است. در این طرح مردم تصاویـــری از آثار فاخر و گنجینه موزه‌های ایران و جهان را می‌بینند و این امکان بزرگی است که نصیب شهر تهران شده و قطعاً برای مردم لذت‌بخش خواهد بود.

مجتبی موسوی، مدیر اداره تجسمی سازمان زیباسازی شهر تهران در ادامه نشست با اشاره به اینکه شروع پروژه «نگارخانه‌ای به وسعت یک شهر» به وی واگذار شده است، گفت: برنامه‌ریزی فشرده‌ای را برای انجام این پروژه به کار بستیم و با توجه به محدودیت زمانی که داشتیم به سرعت کار گـــردآوری آثار ایرانی و خارجی را آغاز کردیم و در این زمینه با موزه‌های مختلف مکاتباتمان را شروع کردیم و علاوه بر آن از «حرفه، هنرمند»، «تندیس» و نشـــر نظر تصاویر با کیفیت آثار هنری را گردآوری کردیم و تصاویر کتابهایی که در این زمینه وجود داشـــت عکاسی حرفه‌ای انجام دادیم. گروه سیاستگذاری این پروژه، انتخاب آثار را هم به عهده گرفت.

موســـوی با بیان اینکه در این پروژه اثر هنری را به فضای عمومی کشانده‌ایم، گفت: با اجرایی شدن این پروژه دو نـــگاه حرفه‌ای و تخصصی از مخاطبان خاص و یک نگاه عمومی‌تر از مخاطبان عام خواهیم داشت و قطعاً در انتظار بازخوردهای هر دو نگاه هستیم. موسوی ادامه داد: ما در زمینهٔ انتخاب آثار مشکلاتی داشتیم، مثلاً تصمیم داشتیم حتی یک ســـانت از تصاویر اصل آثار هنری را در جای دهـــی فضاهای در نظر گرفته کم نکنیم، از طرفی ابعاد و اندازه‌های فضاهای در نظر گرفته شده با ابعاد برخی آثار همخوانی نداشت و به همین دلیل اجرای این پروژه با توجه به مشکلات، کاستی‌هایی خواهد داشت. مدیر اداره تجسمی ســـازمان زیباسازی شهر تهران تأکید کرد: بیش از ۱۶۰۰ بیلبورد، پلی تابل و عرشه در سطح شهر تهران اختصاص به نمایش تصاویر آثار هنری یافته‌است و ۷۰درصد این آثار ایرانی خواهند بود و ۳۰درصد آثار خارجی هستند.

در بخش دیگری از این نشست محمد حسن حامدی دربارهٔ آثار هنری انتخاب شده در این پروژه گفت: در مورد آثار ایرانی سعی شده از تاریخ هنر ایران و در گرایش‌های مختلف، آثار گردآوری شود و خوشنویسی و نقاشی بیشترین سهم را در این انتخاب به خود اختصاص داده است. از هنر غرب و شرق و از اروپا و آمریکا هم آثاری برای نمایش در ســـطح شـــهر طی این ۱۰ روز انتخاب شده است. در هنر معاصر ایران نیز طی جمع‌بندی که از استادان فقید هنر معاصر داشتیم، تعدادی اثر را از این میان انتخاب کردیم و در دوره‌های بعدی این رویداد قطعاً از میان هنرمندان معاصر در قید حیات نیز آثاری را انتخاب خواهیم کرد.

واگذاری تعیین سود سپرده‌های کمتر از یک سال به بانک ها

بانک ها با توجه به اینکه شورای پول و اعتبار برای سود سپرده‌های یک ساله سقف ۲۰ درصد را تعیین کرده است، می توانند متناسب با دوره سپرده‌گذاری، نرخ سود سپرده‌های کمتر از یک سال را اعمال کنند.

پیمان قربانی معاون اقتصادی بانک مرکزی در گفتگو با فارس درباره تعیین تکلیف نرخ‌های سود سپرده کمتر از یک سال اظهار داشت: سقف سود سپرده‌ها ۲۰ درصد است و سود سپرده‌های کمتر از یک سال هم نمی‌تواند بالاتر از این نرخ باشد.در این زمینه واگذاری تعیین نرخ سود این نوع سپرده‌ها به بانک‌ها در راستای ایجاد رقابت در ارائه خدمات است.

وی افزود: با توجه به محدوده‌های تعیین شده برای نرخ سود تسهیلات، بانک متناسب با سوددهی خود می‌تواند سود سپرده کمتر از یک سال را تعیین و پرداخت کند. این چارچوب‌ها مانع از ایجاد بی‌نظمی در بازار پول خواهد شد. همچنین مهر گزارش داد: همزمان با اجرا شدن نرخ‌های جدید سود بانکی و لزوم نظارت جدی بر عملکرد موسسات مالی بدون مجوز، نمایندگان مجلس‌نشینان هم سپرده‌گیری این موسسات را مصداق اخلال اقتصادی اعلام کردند.

نمایندگان مجلس هفته گذشته استفساریه ای را به تصویب رساندند که بر اساس آن تمام موسسات اعتباری غیربانکی با یک استثناء تحت مقررات نظارتی بانک مرکزی قرار گرفتند این خلاء قانونی نظارتی همواره در نظام بانکی کشور وجود داشت و بانک مرکزی مجبور بود برای التزام این موسسات غیرمجوزدار از دستگاه قضائی یا نیروی انتظامی کمک بگیرد. مجلس در حالی جزئیات طرح دو فوریتی استفساریه قانون پولی و بانکی کشور و ماده ۳۹ این قانون را بررسی و تصویب کرد که هدف آن ساماندهی بیش از ۷ هزار موسسه مالی و اعتباری بانکی و غیر بانکی در سطح کشور اعلام شده است. در حالی نرخ سود بانکی از امروز در سیستم بانکی کشور اجرایی می شود که کارشناسان اقتصادی نسبت به عدم رعایت نرخ های مصوب شورای پول و اعتبار توسط نهادهای بدون مجوز هشدار می دهند و عنوان می کنند که ممکن است این نهادهای پولی و فعالان بازار غیرمتشکل پولی با عدم التزام خود بازار نرخ سود بانکی را بر هم بریزند. کما اینکه بانکداران و مسئولان بانک مرکزی هم اولین متخلفان و زمینه سازان عدم اجرای نرخ های قبلی سودهای بانکی را همین موسسات اعلام کرده و مطرح می کنند که این موسسات بدون مجوز هستند که با افزایش نرخ سودسپرده ها و جذب سپرده های بیشتر مردم بانکها را به افزایش نرخ های سود تشویق می کنند و باعث بر هم ریختن بازار پولی کشور می شوند.

در حال حاضر بر اساس آخرین آمارها حدود ۲۰ درصد کل نقدینگی کشور در اختیار شش موسسه مالی و اعتباری غیرمجاز قرار گرفته است که بدون توجه به مقررات و بخشنامه های بانک مرکزی ،بازار پولی و مالی کشور را بر هم می ریزند.براساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول، حدود ۷ هزار موسسه اعتباری و پولی بدون مجوز و صندوق غیرمجاز در اقتصاد کشورمان به فعالیت های پولی مشغولند.

در این خصوص ،ولی الله سیف رئیس کل بانک مرکزی هم موسسات غیرمجاز را مانع حرکت توام با نظم و انضباط نظام بانکی خواند و تصریح کرد: بانک مرکزی مصمم است با این موسسات برخورد کند و خوشبختانه قوه قضائیه و نیروی انتظامی هم در این راستا همکاری خوبی داشته‌اند و برای موفقیت در این زمینه، بانک‌ها هم باید از ارائه خدمات به موسسات غیرمجاز خودداری کنند.

دعوت از ایران برای مشارکت در توسعه زیرساخت های الجزایر

الجزایر بطور رسمی از ایران برای سرمایه گذاری و مشارکت در توسعه زیرساخت های عمرانی این کشور دعوت کرد.

به گزارش خبرنگارما، محمد العید بن عُمر رئیس اتاق بازرگانی و صنعت الجزایر که در رأس یک هیأت بزرگ از تجار و صاحبان صنایع این کشور به تهران سفر کرده است، در دیدار با مسئولان اقتصادی ایران خواستار گسترش روابط تجاری بین دو کشور شد.

دکترعباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی در دیدار با این مقام الجزایری از آمادگی این وزارتخانه برای صدور خدمات فنی و مهندسی به الجزایر خبر داد و خواستار تسهیل صدور روادید برای تجار و گردشگران شد.

به گفته وی،بخش های دولتی و خصوصی ایران از همکاری با الجزایر خاطرات خوبی دارند و در سطح بین‌المللی همکاری‌های مطلوبی بین دو طرف بوده است.

آخوندی اظهار داشت: باید برنامه ریزی لازم را برای افزایش مبادلات دو کشور انجام داد و از پیشنهاد الجزایر برای گسترش مبادلات استقبال می‌کنیم.

رئیس کمیسیون مشترک ایران و الجزایر ادامه داد: وزارت راه و شهرسازی آمادگی صدور خدمات فنی و مهندسی را دارد و بر اساس دعوت از وزیر مسکن الجزایر برای حضور در ایران، منتظر اعلام زمان این سفر هستیم.

وی یادآور شد: پیشنهاد تشکیل صندوق مشترک سرمایه‌گذاری بین ایران و الجزایر داده شده است که امیدواریم سریعتر پیگیری شود. وزیر راه و شهرسازی گفت: برای ساماندهی روادید در خصوص تجار و گردشگران به سهولت بیشتری نیاز است و هر دو طرف علاقه‌مند به حضور در کشور دیگر هستند و باید دولت‌ها این امکان را برای حضور بیشتر بازرگانان و گردشگران فراهم کنند.

محمد العید بن عمر هم در این دیدار با ابراز خرسندی از تمایل دو کشور برای گسترش روابط و مبادلات اقتصادی گفت: ایران شرکت‌های ایرانی را برای حضور در الجزایر معرفی کند و بازرگانان ایرانی با حضور در الجزایر از نزدیک با ظرفیت‌ها و جنبه‌های همکاری دو طرف آشنا شوند.

رئیس اتاق بازرگانی الجزایر اظهار داشت : با توجه به تجربه شرکت‌های ایرانی در بخش پتروشیمی، صنایع غذایی، زیرساخت‌ها و داروسازی، الجزایر تمایل به همکاری و افزایش مبادلات در این زمینه ها را دارد.

وی با اشاره به بازدید از مرکز تحقیقات کشاورزی ایران تصریح کرد: سطح علمی ایران در این زمینه بسیار بالا است و الجزایر در بخش کشاورزی ظرفیت‌های قابل توجهی را برای سرمایه‌گذاری دارد و آماده است همان طور که کشورهای اروپایی از این جنبه در الجزایر سود می برند، ایرانی‌ها هم حضور داشته باشند و شرکت‌های مشترک تجاری تشکیل شود.

در ادامه این دیدار عبدالمنعم احریز سفیر الجزایر در تهران اعلام کرد: نخست وزیر الجزایر به عنوان رئیس کمیسیون مشترک ایران خواستار برگزاری کمیسیون مشترک بعد از تابستان ۲۰۱۵ شده است.

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع الجزایر همچنین دیروز با غلامحسین شافعی رئیس اتاق بازرگانی،صنایع، معادن و کشاورزی ایران دیدار کرد.در این دیدار رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران گفت: با وجود آنکه روابط سیاسی دو کشور همواره در سطح مناسبی بوده است، اما تناسب روابط اقتصادی با روابط سیاسی برقرار نیست و مبادلات تجاری دو کشور سوال برانگیز است.وی افزود: دو کشور از تنوع امکانات و زمینه های همکاری بسیاری برخوردارند که با سفر هیات تجاری الجزایر امیدواریم کاستی‌های گذشته جبران شود. البته بخش های خصوصی دو کشور باید اطلاعات کافی از زمینه های همکاری مبادله کنند.

شافعی گفت: با توجه به علاقه مندی ایران به توسعه روابط با الجزایر، شورای مشترک بازرگانی ایران و الجزایر تاسیس شده که انتظار داریم الجزایر هم این شورای مشترک را تاسیس و فعال کند. ارتباط این دو شورا می تواند خلاء های اطلاعاتی را برطرف و زمینه های همکاری مناسب را فراهم کند.

وی در ادامه حوزه های نفت، گاز، پتروشیمی، خدمات فنی و مهندسی، ساخت سد، سیلو، کارخانه سیمان، فرودگاه، اتوبان، پل، مسجد، انرژی و توسعه شبکه برق، صنایع غذایی و اقلام دارویی را از زمینه های همکاری دو کشور برشمرد و افزود: ایران در حوزه خدمات فنی و مهندسی و عمرانی تجارب خوبی دارد که می تواند آن را در اختیار الجزایر قرار دهد. البته باید زمینه حضور شرکت‌های ایرانی در این باره در الجزایر فراهم شود.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران گفت: الجزایر از راه های دسترسی به بازارهای آفریقا محسوب می شود و می تواند پلی برای دسترسی فعالان اقتصادی ایران به این بازارها باشد.

وی با اشاره به اینکه ارتباط با کشورهای اسلامی راهبرد دولت جمهوری اسلامی ایران است و الجزایر در دایره این اولویت همکاری قرار دارد، گفت: اتاق های بازرگانی ایران و الجزایر باید از فرصت‌ها استفاده کنند و اتاق بازرگانی ایران آماده است در گشودن درهای جدید برای توسعه روابط با الجزایر گام های مهمی بردارد.وی همچنین از ناچیز بودن سهم ایران در بازار تجاری الجزایر گلایه کرد و گفت: چرا باید از ۵۵ میلیارد دلار واردات الجزایر در سال گذشته، فقط ۵ میلیون دلار سهم کالاهای ایرانی باشد.

رئیس اتاق بازرگانی الجزایر هم در این دیدار با تأیید کاستی‌ها در روابط گذشته دو کشور از فعالان اقتصادی بخش خصوصی ایران برای مشارکت در طرح های سد سازی ، جاده سازی و ایجاد زیرساخت های اقتصادی الجزایر دعوت کرد.

شایان ذکر است که الجزایر به عنوان دومین کشور پهناور آفریقا بیش از ۳۵ میلیون نفر جمعیت دارد. ارزش تولید ناخالص داخلی این کشور در سال گذشته میلادی با ۴ درصد رشد نسبت به سال پیش از آن به ۵۳۰ میلیارد دلار رسید.این کشور علاوه بر ذخایر غنی نفت و گاز، دارای معادن فسفات و آهن است .

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۵۸/۹۳ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۶۶/۴۵ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۶۲/۸۵ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۱۹۸/۳۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۴۳۵۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۴۴۵۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۴۹۴۵۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۷۶۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۸۴۵۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۶۵۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۱۹۳۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۸۴۲ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۳۱۱ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۱۶۷/۱ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۳۷۰۹ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۲۹۸/۶ تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۵۰۳۹ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۷۷۴/۱ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۹۰۷ تومان

مصرف ۲۳۰ هزاربشکه نفت خام انرژی در کارگاه های صنعتی

کل انرژی مصرفی کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر کشور معادل ۲۳۰ هزار و ۴۱۸ بشکه نفت خام بوده است.

بر اساس گزارش طرح آمارگیری از مقدار مصرف حامل های انرژی و مولدهای مقیاس کوچک کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیش تر سال ۱۳۹۱ که از سوی مرکز آمار ایران انجام شده است، تعداد ۱۴هزار و ۷۸۴ کارگاه فعال صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در کشور وجود داشته است.

بررسی مقدار انرژی مصرفی کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر بر اساس نوع فعالیت نشان می دهد گروه های تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی و تولید فلزات اساسی با ۶۹ هزار و ۱۸۹ ، صنایع تولید مواد با ۶۰هزار و ۹۸۱ و محصولات شیمیایی با ۴۹هزار و ۳۲۴ بشکه معادل نفت خام بیشترین مقدار انرژی را در میان گروه ها مصرف کرده‌اند که به ترتیب سهمی معادل۳۰، ۲۶ و۲۱ درصد از کل انرژی مصرفی را داشته اند.

این بررسی همچنین نشان می‌دهد: استانهای اصفهان و خوزستان بیشترین و استان کهگیلویه و بویراحمد و کردستان کمترین مصرف انرژی را در میان استان‌ها داشته اند.

این مقدار برای استان های اصفهان۵۱ هزار و ۸۲۹ و خوزستان ۴۸ هزار و ۸۴۸ بشکه معادل نفت خام و برای استان کهگیلویه و بویراحمد و کردستان به ترتیب ۱۰۴ و ۲۲۵ هزار بشکه معادل نفت خام بوده است.

بررسی مقدار مصرف حامل‌های انرژی به تفکیک نوع حامل نشان می‌دهد، گاز طبیعی با ۷۷ درصد، برق با ۱۲ درصد و نفت کوره با ۵ درصد به ترتیب بیش از سایر حامل های انرژی در کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر مصرف شده است.این گزارش می افزاید: از ۱۴هزار و ۷۸۴ کارگاه فعال صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر ،یکهزار و ۸۴۷ کارگاه، واحد مدیریت انرژی داشته اند که سهم کارگاه های صنعتی دارای این واحد ۱۲ درصد است.

مرکز آمار ایران در این بررسی اعلام کرد: از ۱۴هزار و ۷۸۴ کارگاه فعال صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، ۲ هزار و ۱۵۹ کارگاه ممیزی انرژی داشته‌اند که معادل۱۴/۶درصد از کل این کارگاه ها است.

همچنین مرکز آمار ایران گزارش شاخص قیمت تولید کننده بخش صنعت را برای فصل زمستان گذشته منتشر کرد که طی آن، نرخ تورم نقطه به نقطه تولیدکننده کل بخش صنعت ۱۱/۶ درصد افزایش یافت.

به گزارش مهر، شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت در زمستان ۱۳۹۳ به عدد ۱۸۷/۶ رسید که نسبت به فصل پائیز ۳/۶ درصد کاهش و نسبت به فصل مشابه سال ۹۲ (نرخ تورم نقطه به نقطه تولید کننده کل بخش صنعت) ۱۱/۶ درصد افزایش داشته است. همچنین درصد تغییرات شاخص کل در چهار فصل منتهی به فصل زمستان سال ۱۳۹۳ نسبت به دوره مشابه سال ۹۲ (نرخ تورم تولید کننده کل بخش صنعت) ۱۶/۱ درصد است.

پالایشگاههای لهستان مشتری جدید نفت خام ایران

امکان استفاده از نفت خام ایران در پالایشگاههای لهستان در سفر هیات تجاری این کشور به ایران مورد بررسی قرار گرفت.

امیرحسین زمانی نیا معاون اموربین الملل و بازرگانی وزیر نفت دیروز پس از دیدار با معاون وزیر خارجه لهستان، مهمترین محور این مذاکرات را بررسی همکاری در زمینه نفت، گاز، پتروشیمی و بکارگیری نیروهای متخصص در صنعت نفت عنوان کرد و گفت: همچنین در این دیدار درباره امکان صادرات نفت خام ایران به پالایشگاههای لهستان صحبت‌هایی انجام شد.

وی با اشاره به توانمندی لهستان در صنعت پتروشیمی اظهار کرد: در زمینه همکاری های دو کشور در صنعت پتروشیمی هم گفتگوهایی انجام شد و تلاش ما این است که همکاری های بین المللی با کشورهای مختلف سبب تقویت بخش خصوصی ایران شود.

زمانی نیا درباره صادرات گاز به این کشور و دیگر کشورهای اروپایی گفت: اروپا به دنبال متنوع سازی منابع انرژی خود است تا تنها وابسته به یک کشور نباشد.

وی با اظهار اینکه صادرات گاز به اروپا جزء برنامه های میان مدت و بلند مدت ایران هم است، تصریح کرد: با مصرف بهینه انرژی و بخصوص گاز می توانیم سهم بسزایی در صادرات گاز ایفا کنیم. به گزارش شانا، معاون امور بین الملل و بازرگانی وزیر نفت دیروز با خانم کاتزپزچک معاون وزیر خارجه لهستان، باربارازاک معاون وزیر اقتصاد، گوشتو سفیر لهستان و هیات همراه دیدار کرد.معاون وزیر امور خارجه لهستان گفت: تجار و صاحبان سرمایه لهستان، ایران را برای سرمایه گذاری مستعد و باثبات ارزیابی می‌کنند.

از سوی دیگر،معاون وزیر جهاد کشاورزی هم در جمع هیات لهستانی با بیان این که ۱۵ میلیون هکتار سطح زیر کشت محصولات کشاورزی در ایران است، گفت: ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی، ۲۰ درصد اشتغال و ۳۰ درصد صادرات غیرنفتی مربوط به این بخش است.

به گزارش فارس، اسکندر زند بیان داشت: کشاورزی ایران نسبتاً دانش بنیان است و سابقه تحقیقات کشاورزی در کشورمان به حدود ۱۰۰ سال قبل برمی‌گردد.وی با ذکر این موضوع که مهمترین چالش ما در کشاورزی مساله آب است، اظهار داشت: موضوع تغییر اقلیم که بخش‌های مختلف کشاورزی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، یکی دیگر از موضوعات مورد اهمیت در این بخش است.رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی افزود: ما در تعاملات بین‌المللی به ورود تکنولوژی نو به کشاورزی بسیار اهمیت می‌دهیم و قطعاً با توجه به آشنایی دو کشور ایران و لهستان در بخش کشاورزی به مشترکات کاری بیشتری در این حوزه دست خواهیم یافت.در ادامه این نشست کاستر چیک معاون وزیر خارجه لهستان اظهار داشت: لهستان در زمینه مدرنیزه‌کردن کشاورزی و ذخیره‌سازی مواد غذایی کشوری برجسته محسوب می‌شود و در این زمینه توان بالقوه و خوبی برای همکاری با ایران داریم.وی اظهار داشت:علاقمندهستیم،مسایل مختلف از قبیل دسترسی به بازارهای ایرانی برای محصولات لهستانی و همچنین دسترسی به بازارهای لهستان را برای عرضه محصولات ایرانی بررسی کنیم. چیک تصریح کرد: لهستان یک کشور تولید کننده گوشت حلال است و یک سری مشکلات که در مورد ذبح شرعی در این کشور وجود داشته هم اکنون به طور کامل حل شده و ما امکان تولید گوشت حلال را در کشورمان داریم.

معاون وزیر امورخارجه لهستان همچنین در دیدار با رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشورمان تاکید کرد: لهستان برای انتقال فناوری های سبز به ایران آماده همکاری است و قطعا هدف از انتقال، تکنولوژی و نه فروش تجهیزات است.

کاهش ۳ درصدی نرخ تورم روستایی در فروردین

در ادامه روند کاهشی نرخ تورم ،براساس گزارش مرکز ملی آمار، نرخ تورم روستایی در فروردین سال جاری به ۱۳/۴ درصد رسید که نسبت به ماه گذشته سه درصد کاهش داشته است.

به گزارش ایسنا، شاخص کل قیمت کالا و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی کشور در نخستین ماه سال جاری با در نظر گرفتن سال ۱۳۹۰ به عنوان سال پایه با ۱/۲درصد افزایش به ۲۱۸/۶رسید.

گزارش مرکز ملی آمار از شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی کشور از ماه گذشته حاکی از آن است در این ماه تورم نقطه به نقطه روستایی معادل ۱۳/۱ درصد بوده که نسبت به همین اطلاع در اسفند گذشته ۰/۴ درصد کاهش داشته است.

دومین موتور جستجوی بومی تیر ماه رونمایی می شود

دبیر شورای راهبری موتور جستجوی بومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از رونمایی رسمی از دومین موتور جستجوی بومی با نام «پارسی جو» در تیر امسال خبر داد.

دکتر علیرضا یاری در گفتگو با مهر در مورد آخرین وضع فعالیت موتورهای جستجوی بومی در کشور گفت: نسخه جدید موتور جستجوی بومی «پارسی جو» که ارتقا یافته نسخه آزمایشی این پروژه است، تیر امسال رونمایی رسمی می شود.

وی ادامه داد: موتورهای جستجو از نظر الگوریتم های رتبه بندی و مستندات موجود با یکدیگر تفاوت دارند و به همین دلیل موتور جستجوی پارسی جو با دارا بودن سرویس ترجمه ماشینی انگلیسی به فارسی و تصویر و ویدیو تفاوت هایی با موتور جستجوی «یوز» دارد که چند ماه گذشته به بهره برداری رسید.

رئیس پژوهشکده فناوری اطلاعات مرکز تحقیقات مخابرات ایران در مورد ویژگی های موتور جستجوی پارسی جو گفت: تعداد صفحات اینداکس شده توسط این موتور جستجو حدود ۵۰۰میلیون صفحه است و ارائه سرویس های بومی، جستجوی کالا، خبرهای فارسی، اطلاعات داخلی، امکان جستجوی هوشمندانه سرویس ها و ترجمه ماشینی، نقشه، تصویر و ویدئو از جمله ویژگی های این جویشگر بومی است.

الزام ایجاد سامانه فروش بلیت برای تاسیس ایرلاین های جدید

معاون سازمان هواپیمایی کشوری از مصوبه جدید دولت برای الزام ایجاد سیستم فروش بلیت برای تاسیس ایرلاین های جدید خبر داد و گفت: شرکت‌هایی که سیستم فروش نداشته باشند، چارتری می‌شوند.

محمد خداکرمی در گفتگو با مهر با بیان اینکه در سال‌های قبل این موضوع کامل در آئین نامه تاسیس ایرلاین‌ها دیده نشده و شرکت‌های بدون سامانه فروش بلیت ایجاد شدند،گفت: یکروزه نمی‌توان شرکت‌ها را از این حالت درآورد. اما در حال حاضر شرکت‌ها موظف شدند که سیستم فروش داشته باشند و امکان دسترسی به کارشناسان سازمان بدهند تا نظارت بر فروش بلیت انجام گیرد.

وی تصریح کرد: شرکت‌های بدون سیستم فروش مجبورند قیمت بلیت‌هایشان را کمتر بدهند، بنابراین منافع دراز مدت ایجاب می‌کند که سیستم فروش را در شرکت‌های خود ایجاد کنند.

معاون سازمان هواپیمایی کشوری با تاکید بر اینکه اگر شرکتی سیستم فروش ایجاد نکند، پس از مدتی سازمان هواپیمایی آن ایرلاین را شرکت چارتری اعلام می‌کند، بیان کرد: البته چارتری شدن به نفع ایرلاین نیست، زیرا براساس قانون، شرکت‌های چارتری از یکسری مسیرها محروم شده و فقط در چند مسیر خاص امکان پرواز دارند.

وی در خصوص نظارت بر آژانس‌ها و فروش چارتری بلیت در سایت‌های اینترنتی، گفت: سازمان برای نرخ بلیت‌ها سقف قیمت اعلام کرده و ایرلاین‌ها هم موظفند که فروش بلیت را یا به‌صورت مستقیم از سایت شرکت‌ها یا از طریق دفاتر فروش بلیت و آژانس‌ها انجام دهند، ضمن آنکه دفاتر خدمات فروش بلیت که مجوز بند الف را از سازمان دریافت کردند، اجازه فروش بلیت هواپیما دارند.نامبرده با بیان اینکه مجوز بند ب اجازه فروش تورهای مسافرتی را می دهد که مجوز را سازمان میراث فرهنگی صادر می‌کند و مجوز بند پ هم زیارتی است که سازمان حج مجوز آن را صادر می کند، بیان کرد: در این میان، سایت‌های اینترنتی هم اقدام به فروش بلیت می‌کنند که لینک فروش را هم با سایت شرکت‌های هواپیمایی ایجاد کردند.وی تصریح کرد: سازمان هواپیمایی به هیچ یک از این سایت‌ها مجوز نداده است و براساس مکاتبه ای که انجام دادیم، این سایت‌های اینترنتی باید از سازمان مجوز بگیرند یا اینکه فیلتر شده و بسته می‌شوند.

خداکرمی گفت:البته ما معتقد نیستیم که حتما این سایت‌ها جمع شوند، بلکه باید از سازمان مجوز بگیرند تا نظارت بر عملکرد آنها هم انجام شود و به دلیل اینکه بخش دیگری مجوز سایت‌های اینترنتی را صادر می کند ما در حال مکاتبه با آن بخش‌ها هستیم.

وی در خصوص نظارت بر شرکت‌های هواپیمایی که بلیت‌ها را به صورت چارتری می‌فروشند، بیان کرد: سازمان هواپیمایی دو نوع مجوز پرواز صادر می‌کند؛ چارتری و برنامه ای. تاکنون ما هرچه مجوز دادیم، برنامه‌ای بوده و اعلام کردیم که برای پرواز چارتری باید شرکت‌ها مجوز بگیرند؛ ضمن آنکه برای همه پروازها مجوز چارتر صادر نمی‌شود، زیرا باید بلیت به اندازه کافی در دسترس مردم قرار گیرد.





حکایت تلخ ۵سال قرنطینه دردناک ببر سیبری در ایران

دوستداران حیات وحش، نگران سرنوشت ببر سیبری

مایای عزیز!

صدای دلخراش ناله‌هایت را به خاطر دارم و می‌دانم به آسمان آبی‌رنگ که می‌نگری، طنین فریادهایم در گوش‌ات تکرار می‌شود. هرچه باشد در این سرزمین، کسی به جز ما زبانمان را نمی‌فهمد. پس سرگذشت تلخ مرا برای آخرین بار به خاطر بسپار و سلامم را به آفتاب برسان!

سه ساله بودم که به همراه یک ببر سیبری نر از روسیه به ایران منتقل شدم تا آغازی باشیم بر احیای احتمالی نژاد ببر در «میانکاله» مازندران. روس‌ها ما را در قبال دو پلنگ ایرانی رهسپار ایران کردند، اما به جای میانکاله سر از قفس‌های باغ وحش ارم تهران در آوردیم. گفتند میانکاله به زودی آماده خواهد شد و اقامت کوتاه ما در باغ وحش دوامی نخواهد داشت. اما سرنوشت سیاهمان بسیار ساده‌تر از آن‌که فکرش را بکنی رقم خورد. گوشت الاغ آلوده به مشمشه، غذایی بود که در همان ماه‌های اول ورودمان به باغ وحش با آن پذیرایی شدیم. جفت من، ببر زیبایی که قرار بود در کنار هم، داستان آدم و حوا را در میانکاله رقم بزنیم، به سرعت علائم این بیماری شوم را بروز داد. از بینی‌اش خون می ریخت و پوست زیبای تنش به زخم‌های بیشتری آلوده می‌شد.

صبح یک روز سیاه، تنها همزبان، هم خاک و هم داستانم در حالی که به چشمان اشک آلودش خیره شده بودم، به مرگی دردناک با میله‌های بی‌رحم قرنطینه وداع گفت و سفر بی پایان من به قعر تابوت درد و تنهایی آغاز شد.

مرگ ببر نر، به مراتب بیشتر از شرایط نامساعد قفس، عصبی و بی‌قرارم کرده بود.

حتی سلطان جنگل هم از نفرین این بیماری مرگبار در امان نماند. انسان‌ها از وحشت این‌که ۱۴ شیر باغ وحش هم از گوشت آلوده همان الاغ تغذیه کرده و به این بیماری مبتلا شده باشند، همه آنها را به همراه توله‌هایشان به مرگی فجیع و رمزآلود، بی‌رحمانه نابود کردند.مرا به قرنطینه بردند. قرنطینه، واژه سیاهی که سرنوشتم با آن گره خورد. امروز ۴ سال می‌گذرد و من تنها بازمانده آن کابوس سیاه هستم.

مایای عزیز!

روزی که تو همسایه من شدی و ناله‌هایت را برای اولین بار از فاصله‌ای دور شنیدم، ببر بودن را فراموش کرده بودم. در برزخی از توهم غوطه ور بودم تا این‌که با صدای تو، خاطرات کودکی برایم تداعی شد. من «ببر» بودم، ببر سیبری، بزرگ‌ترین گربه‌سان جهان، گونه‌ای باارزش و در خطر انقراض که به شدت تحت حمایت سازمان‌های بین المللی قرار دارد. از این‌که تو هم گرفتار شده بودی متاسف بودم. ناله‌هایت هرچند دردناک بود، اما تنهایی ام را در هم می‌شکست.

مایای عزیز!

تمامی لحظه‌های روزی که به سراغت آمدند، برایم سرشار از امید بود. صدایت را می‌شنیدم که دور می‌شدی. فکر می‌کردم مرا هم خواهند برد. به کجا، اهمیتی نداشت. فقط آرزو می‌کردم زودتر از این مرگ تدریجی رها شوم، از تابستان‌های داغ این قرنطینه لعنتی که در برابر آب و هوای زادگاهم، جهنم است، از سکوت کشنده شب و روز، از بی تحرکی و تحلیل رفتن عضلات قدرتمندم، از دیوارها، از دیوارهایی که می‌دانی چقدر زشت و حقیرند و شکوه و غرور مرا هم در خود ذوب کردند.

عزیزم!

خوشحالم که از سلول انفرادی رها شدی و دیگر ضجه‌های شبانه ام دردت را مضاعف نمی‌کند. سلامم را به آبی آسمان، آفتاب و آب و زندگی برسان و اگر کسانی هستند که صدایت را می‌شنوند، به آنها بگو میهمانی تنها به گناه زیبایی در خاکتان اسیر است و محکوم به پوسیدن در زندانی مخوف! شما را به خداوندی که تمامی مخلوقاتش را آزاد آفرید، از این دیوارهای بی‌رحم فراموشی خلاصم کنید!

دوست تو ـ ببری

نمونه زنده داستان طوطی و بازرگان

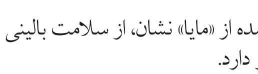
ببری (ببر سیبری) در طول ۵ سال اسارت خود در قرنطینه باغ وحش ارم، مدت ۸ ماه را در همسایگی میهمانی از جنس خودش سپری کرد ، ببری از بنگال!

مایا، ببر بنگال، در اسفندماه سال ۱۳۹۲ برای نگهداری در باغ وحش ارم به تهران منتقل شد. پس از ورود این ببر به قرنطینه سازمان دامپزشکی، باغ وحش از نگهداری حیوان انصراف داد و سازمان دامپزشکی اعلام کرد مجوز خروج حیوان از قرنطینه فقط در صورت انتقال به باغ وحش صادر خواهد شد.

این ببر بنگال پس از تحمل ۸ ماه قرنطینه در شرایطی بسیار نامناسب در نزدیکی ببر سیبری، سرانجام پس از شکایت مالکش با حکم دادگاه از قرنطینه خارج شد و به جایگاهی در حومه تهران انتقال یافت. به گفته مالک ببر بنگال، این ببر شب‌ها به صدای ناله‌های دلخراش ببر سیبری در همسایگی اش پاسخ می‌داد.تصاویر اخیر دریافت شده از «مایا» نشان، از سلامت بالینی او دارد.

*** ببر نر سیبری با خوردن گوشت آلوده به بیماری مشمشه از بین رفت و جفتش از ۵سال پیش تا به امروز در قرنطینه است، در حالی که دو پلنگ ایرانی در «سوچی» روسیه زایمان کرده‌اند و به زندگی‌شان ادامه می‌دهند**

*** دکتر ایمان معماریان ـ دامپزشک باغ وحش تهران: رئیس اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و حیات وحش، با اشاره به این که ببر سیبری از نظر ژنتیکی بسیار با اهمیت و در معرض انقراض است، درخواست کرده است آزمایش‌های دقیق‌تری از آن به عمل آید، اما سازمان دامپزشکی کشور و وزارت بهداشت و درمان بدون ارائه دلایل روشن، با خونگیری از ببر مخالفت کردند**



یک تیر و سه نشان

المپیک سال ۲۰۱۴ میلادی «سوچی» که روس‌ها پلنگ را به عنوان نماد آن برگزیده بودند، بهانه‌ای شد برای ورود قهرمان قصه‌ای غم انگیز به ایران، سرزمین میهمان نوازان. روس‌ها از ایران درخواست دو قلاده پلنگ کرده بودند تا پس از استفاده از آن به عنوان نماد بازی‌های المپیک، پروژه تکثیر پلنگ در منطقه قفقاز را آغاز کنند. در ازای این دو پلنگ، پیشنهاد انتقال بزرگ‌ترین گربه جهان به ایران را دادند: دو قلاده ببر سیبری!

درخواست ورود دو قلاده پلنگ ایرانی به روسیه، مسئولین سازمان حفاظت محیط زیست را برآن داشت تا با کلید زدن پروژه احیای ببر مازندران در «میانکاله»، این پناهگاه حیات وحش را برای همیشه از سودجویی‌های بخش خصوصی محفوظ دارند. کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کردند بررسی‌ها و تحقیقات حاکی از آن است که ببر سیبری هرچند کمی کوچکتر از ببر منقرض شده مازندران، اما به لحاظ ژنتیکی مشابه آن است و وارد کردن دو قلاده ببر سیبری از روسیه در قبال دو پلنگ ایرانی، می‌تواند نسل ببر از دست رفته مازندران را در زیستگاه سابقش احیا کند؛ به این امید که باز گشتن صاحبخانه به خانه،دست طمع فرصت طلبان را از پناهگاه حیات وحش میانکاله کوتاه سازد.

میانکاله، شبه جزیره ای است در منتهی‌الیه جنوب‌شرقی دریای خزر، در ۱۲کیلومتری شمال بهشهر واقع در استان مازندران ایران.

مساحت آن بیش از ۶۸ هزار هکتار و ارتفاع آن بین ۱۵ تا ۲۸ متر کمتر از سطح دریای آزاد است. این شبه‌جزیره، خلیج گرگان و جزیره آشوراده، بخشی از پناهگاه حیات وحش میانکاله‌اند؛ مناطقی که سال‌هاست بخش خصوصی تحت لوای توسعه صنعت گردشگری برای بهره برداری از آن، دندان تیز کرده است.

اسارت در سرزمین میهمان نوازان

روس‌ها با همان هواپیمای اختصاصی که برای انتقال پلنگ‌های ایرانی به «سوچی» فراهم کرده بودند، دو قلاده ببر نر و ماده سیبری را به ایران آوردند و پلنگ‌ها را بردند.

میانکاله برای پذیرایی از بزرگ‌ترین گربه ساناان جهان هنوز آماده نبود. بنا شد ببرهای سیبری مدتی کوتاه در باغ وحش تهران نگهداری شوند تا خانه‌شان مهیا شود، اما بخت با این دو میهمان تازه وارد یار نبود. گوشت الاغ آلوده به بیماری مشمشه، خوراکی بود که در همان ماه‌های اول اقامت در باغ وحش، ببر نر را مبتلا کرد و ببر بیچاره با مرگی سخت و دردآور با میله‌های باغ وحش تهران وداع گفت. اما جفتش، ماده ببر سیبری که روسها نام«السیا» بر آن نهاده بودند، از آن زمان تا به امروز در کابوس سیاه حبسی انفرادی روزگار می‌گذراند. این در حالی است که دو پلنگ ایرانی در «سوچی» روسیه زایمان کردند و رئیس‌جمهوری آن کشور یک روز را به بازدید از وضعیت آنها و توله‌هایشان اختصاص داد.

مثلث برمودا برای ببر سیبری!

سرنوشت ماده ببر سیبری که از سال ۱۳۸۹ تا کنون به دلیل احتمال ابتلا به بیماری مشمشه در قرنطینه‌ای کوچک و تاریک، در زمینی مخروبه پشت محوطه باغ وحش ارم تهران، با نام جدید «ببری» حسرت آفتاب را می‌کشد، در دست ۳ ارگان دولتی است که نزدیک ۵ سال است به توافق نرسیده‌اند؛ سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان دامپزشکی و وزارت بهداشت و درمان!

دکتر مجید خرازیان مقدم ـ مدیرکل دفتر حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست، تاکید می‌کند که طی این ۵ سال، علیرغم اصرار وزارت بهداشت و درمان بر معدوم سازی این گونه با ارزش جانوری، سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان متولی حفاظت از آن، هرگز با گزینه معدوم سازی موافقت نکرده است.

وی همچنین می‌گوید: تا زمانی که گزینه‌های دیگری مانند آزمایش گرفتن از ماده ببر سیبری که تا به امروز هرگز علائمی از بیماری مشمشه بروز نداده است وجود دارد، به عنوان مالک این حیوان، هرگز با گزینه معدوم سازی‌اش موافقت نخواهیم کرد.

اما دکتر داریوش جهان پیما ـمدیرکل دفتر بهداشت و مدیریت بیماری‌های دامی سازمان دامپزشکی کشور،تنها گزینه موجود برای نجات ببر سیبری از گزینه معدوم سازی را انتقال این حیوان به منطقه‌ای بدون بازدیدهای عمومی، اما با شرایط مطلوب برای نگهداری از گربه سانی مانند ببر می‌داند. و به سازمان حفاظت محیط زیست پیشنهاد می‌کند با انتقال ماده ببر سیبری به منطقه‌ای دارای استانداردهای تعیین شده از سوی سازمان دامپزشکی کشور موافقت کند، چرا که در شرایط فعلی و با توجه به قرنطینه غیراستاندارد این حیوان، زمینه برای خونگیری و اعلام نظر قطعی درباره منفی یا مثبت بودن نتیجه آزمایش این ببر سیبری، فراهم نیست.

از سوی دیگر به اعتقاد دکتر امیر رستمی ـ رئیس دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، گونه‌های گوناگونی از پستانداران نظیر تک سمی‌ها، نشخوار کنندگان، گوشتخواران، حیوانات آزمایشگاهی و حتی انسان به بیماری مشمشه مبتلا می‌شوند و پروتکلی که مسئولین وزارت بهداشت و درمان طبق آن نظر بر معدوم سازی ببر سیبری دارند، از دید سازمان جهانی دامپزشکی تنها برای تک سمی‌ها (نظیر اسب و الاغ) قابل استناد است و قابل تعمیم به دیگر موجودات نیست؛ کما این‌که در انسان نیز اصل بر درمان است و نه معدوم سازی!

دکتر رستمی با تاکید براین‌که ببر سیبری طی ۵ سال گذشته هیچ علائم بالینی از مشمشه بروز نداده است و از طرفی با اشاره به قابل درمان بودن بیماری مشمشه، پیشنهاد می‌کند مسئولان مرتبط (وزارت بهداشت و درمان، سازمان دامپزشکی کشور و سازمان حفاظت از محیط زیست) به جای معدوم سازی ببر سیبری، که در واقع پاک کردن صورت مسأله است، در جلسه‌ای کارشناسی شرایط این حیوان را بر اساس مستندات علمی مورد ارزیابی قرار دهند و با ارائه راهکارهای علمی و مناسب، ضمن رفع نگرانی‌های بهداشتی ناشی از نگهداری این حیوان، شرایط را برای ادامه بقای آن فراهم کنند و به این ترتیب دغدغه علاقه مندان و فعالان حوزه حیات وحش را نیز که خواهان حفظ این حیوان ارزشمند هستند، مورد توجه قرار خواهند داد و همچنین با فراهم کردن زمینه‌های لازم برای مطالعه بر روی تشخیص و درمان احتمالی این ببر، بر دانش محققان در زمینه بیماری‌های حیات وحش افزوده خواهد شد.

قرنطینه طولانی مدت

ایرج جهانگیر ـ مدیر عامل باغ وحش تهران، می‌گوید: طی ۳ سالی که مدیریت باغ وحش را به عهده دارم، بارها برای اثبات سلامت و خارج کردن ببری از قرنطینه تلاش کرده‌ام. پیشنهاد دادم که حاضرم با هزینه باغ وحش تهران، ببر سیبری مورد خونگیری و آزمایش مشمشه قرار بگیرد تا در صورت منفی بودن آزمایش، به جایگاه گربه سانان باغ وحش‌تهران منتقل شود و از شرایط بد قرنطینه نجات پیدا کند. از طرفی محوطه‌ای که قرنطینه ببری در آن واقع شده، قرار است تبدیل به پارک آبی شود و به دلیل وجود این ببر در قرنطینه، نمی‌توانیم از کل محوطه استفاده کنیم که خسارت زیادی به مجموعه باغ وحش ارم وارد می‌کند.

دکتر ایمان معماریان ـ دامپزشک باغ وحش تهران هم به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: سال گذشته تصاویری از این ببر به همراه گزارشی از وضعیت بالینی آن برای اتحادیه باغ وحش‌های اروپا وای یو سی ان (اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و حیات وحش) فرستاده شد.

رئیس این اتحادیه طی نامه‌ای با اشاره به این موضوع که این حیوان از نظر ژنتیکی بسیار با اهمیت است و در کتابچه‌ای که در آن مشخصات هر یک از گونه‌های در معرض انقراض ثبت می‌شوند، وجود دارد،درخواست کرد تا بار دیگر نمونه خون ازحیوان گرفته شده و به آلمان ارسال شود تا درصورت پاک بودن، آن را به درون باغ‌وحش در شرایط استاندارد منتقل کنند و حتی جفت نر حیوان توسط این اتحادیه تامین شود. آنها گفتند در صورت آلوده بودن نمونه خون، تست مجدد می گیرند تادر نهایت بتوان با اطمینان برای حیوان تصمیم گرفت. اما سازمان دامپزشکی و وزارت بهداشت و درمان کشورمان بدون ارائه دلیل روشن، با خونگیری از ببر مخالفت می‌کنند.

در انتظار تصمیم سرنوشت ساز

شادی مدرس ـ فعال حقوق حیوانات، به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: آبان ماه سال گذشته، کارگروهی برای کمک به آزادی ببر سیبری از قرنطینه تشکیل دادیم و پس از رسانه‌ای کردن خبرهای مربوط به این اسارت ۵ ساله، طی نامه‌ای سرگشاده با بیش از هزار امضا از وزیر بهداشت خواستار فراهم کردن زمینه برای خونگیری و تعیین تکلیف این حیوان شدیم؛ نامه‌ای که پس از بارها پیگیری با روابط عمومی وزارت بهداشت و درمان بی پاسخ مانده است.

به گفته این فعال حقوق حیوانات، تنها پاسخ مسئولان وزارت بهداشت و درمان به نامه این است که به زودی جلسه نهایی با حضور مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان دامپزشکی کشور و وزارت بهداشت و درمان تشکیل و نتیجه نهایی اعلام خواهد شد.وی می‌افزاید: در تجمعی که هفته گذشته در مقابل سازمان حفاظت محیط زیست برای حفاظت از پلنگ ایرانی برگزار شد، دکتر مجید خرازیان مقدم، مدیرکل دفتر حیات وحش سازمان یاد شده وعده داد طی چند روز آینده در جلسه‌ای با حضور دکتر معصومه ابتکار و تمامی مسئولان ذیربط سازمان دامپزشکی و وزارت بهداشت و درمان، تصمیم نهایی برای سرنوشت این ببر، که می‌دانیم روزگار سختی را می گذارند، گرفته شود و احتمال دارد این گربه سان باشکوه را به زودی از قرنطینه خارج و به منطقه‌ای با شرایط مناسب منتقل کنند.

*** دکتر مجید خرازیان مقدم ـ مدیرکل دفتر حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست: تا زمانی که گزینه‌های دیگری مانند آزمایش گرفتن از ماده ببر سیبری که تا به امروز هرگز علائمی از بیماری مشمشه بروز نداده است وجود دارد، با معدوم سازی آن موافقت نخواهیم کرد**

*** ایرج جهانگیر – مدیر عامل باغ وحش ارم تهران: محوطه‌ای که قرنطینه «ببری» در آن واقع شده، قرار است تبدیل به پارک آبی شود و به دلیل وجود این ببر در قرنطینه، نمی توانیم از کل محوطه استفاده کنیم که خسارت زیادی به مجموعه ارم وارد می کند**

*** شادی مدرس ـ فعال حقوق حیوانات: طی نامه‌ای سرگشاده با بیش از هزار امضا از وزیر بهداشت و درمان خواستار فراهم کردن زمینه برای خونگیری و تعیین تکلیف این حیوان شدیم**

خبر خوش برای دوستداران ببر سیبری

خوشبختانه آخرین دقایق تهیه این گزارش، به شکلی عجیب و شیرین با جلسه تصمیم گیری برای سرنوشت «ببری» همزمان شد. دکتر مجیدخرازیان مقدم،مدیرکل دفترحیات وحش، دقایقی پیش اعلام کرد در این جلسه که با حضور مسئولان سازمان دامپزشکی و وزارت بهداشت در سازمان حفاظت محیط زیست برگزار شد، بنا شد سازمان دامپزشکی شرایط مورد نظر برای محل جدید نگهداری از ببر را اعلام کند تا مکانی با شرایط استاندارد برای نگهداری از این حیوان توسط سازمان حفاظت محیط زیست اختصاص داده شود. در محل جدید،پس از خونگیری از ببر سیبری، در صورت مثبت بودن نتیجه، حیوان تا آخر عمر در همان محل با شرایط استاندارد نگهداری خواهدشد اما اگر نتیجه منفی باشد، سازمان حفاظت از محیط زیست مانند حیوانات عادی و سالم دیگر برای نگهداری از این ببر تصمیم خواهد گرفت. دکتر خرازیان تاکید کرد گزینه معدوم سازی برای همیشه از دفتر سرنوشت ببر سیبری پاک شده است.

ارمغان زمان فشمی

جدول ۲۲۵۴۱

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱- دستگاهی که صداها را ضبط می کند - اثری از داستایوسکی
۲- شقایق - روز گذشته
۳- فلزساختن نوک خودنویس - ماه کارگری - دوازده ماه - پنج ترکی
۴- مقابل بیدار - آسانی - لاستیک ماشین
۵- بت جاهلیت - عدد ورزشی - کشور آفریقایی با مرکز «پرتونوو» - نوک مثلث
۶- حرف شرط - محله ای در غرب تهران - قبول کردن
۷- قلب - بخشی از گل - هر که .... دید از دلش آرام رفت
۸- همسر زئوس - کلام تنفر - پیشوند نفی - برکت سفره
۹- به هم متصل کردن قطعه های یک چیز شکسته - باز دارنده - کشور آسیایی
۱۰- عهده دار و سرپرست - یک دسته سرباز(روسی) - رود اروپا
۱۱- عضو پرواز - دارای تکلیف - برآمدگی ته کفش - ده روز
۱۲- ایشان - تصاویر - فال نیک
۱۳- قیمت بازاری - صندلی راحتی - باران اندک - پرستیدن
۱۴- سیاره زهره - مرض قند
۱۵- افسر نیروی دریایی - مادر اسفندیار

عمودی:

۱- اثری از آندره ژید نویسنده فرانسوی - نوعی هواپیمای جنگی
۲- تابلویی از رامبراند نقاش هلندی
۳- سخنان یاوه - کاشف خاصیت رنگ زدایی کلر - جدید
۴- چلیپا - زمان بی آغاز - ورم
۵- بدهی - عاشورا - کشت به امید باران - قسمت
۶- پشته خاک - اسطوره کشتی فرنگی کشورمان - کم عقل
۷- جملگی - حرف نخستین - از درختان جنگلی - بله روسی
۸- پرنده ای شبیه بوقلمون - اندیشمند
۹- به نمک طعام اضافه می کنند - رودی در روسیه - میوه آتشین - سخت تر
۱۰- ماهیت - پیامبری معاصر کورش - عدد اول
۱۱- نظرات - نی تو خالی - دندان فیل - مساوی شطرنج
۱۲- نوعی شیرینی تر - نیروی زندگی - چاشنی صبحانه
۱۳- از درختان - تیم ارامنه ایران - صحت و صداقت
۱۴- صحرای بی آب و علف
۱۵- از آثار باستانی استان فارس در نزدیکی تخت جمشید - بی همنشین شدن

حل جدول ۲۲۵۴۰

ایران‌شناسی در جهان

طهمورث ساجدی
بخش دوم

اشاره: در این مقاله که از «**دانشنامه زبان و ادب فارسی**» برگرفته شده، بخشهای گوناگون ایران‌شناسی در اروپا، در قرون هفدهم تا بیستم بررسی خواهد شد.

ایران‌شناسی در قرن هجدهم

در این قرن مطالعات ایران‌شناسی در انگلستان و سپس در فرانسه رفته رفته رونق بیشتری یافت. در انگلستان در سال ۱۷۰۰ **توماس هاید**[25] با تألیف کتاب تاریخ دینی ایران، نخستین بار اذهان را در اروپا به تاریخ و زبان و ادبیات ایرانیان قدیم جلب کرد (میشو، ج۱، ص۶۹) و نام ایران و ایرانی در زبانها افتاد (لوی، ص۴۹۱).

در فرانسه، **آنکتیل دوپرون**[26] که به تحصیل در الهیات و زبانهای شرقی مشغول بود، عازم هند شد تا نزد پارسیان هند به فراگیری زبانهای پهلوی و زبان زند (اوستا) که در آن روزگار در اروپا ناشناخته بود، بپردازد (میشو، ج۲، ص۳۵). او در ۱۷۷۱ زند اوستا را از پهلوی به فرانسه ترجمه کرد (میه، ص۲۱۱). این امر نخستین و بزرگترین رویداد علمی قرن در زمینه ایران‌شناسی بود؛ اما واکنشها در مقابل این ترجمه متفاوت بود و واکنش **ویلیام جونز**[27] انگلیسی که در اصالت مدارک و ترجمه آنکتیل تردید داشت، از همه تندتر بود (براون، ج۱، ص۷۶ـ۸۵)، لیکن **کریستیان راسک**[28] دانمارکی، با سفر به هند و تحقیق درباره این مدارک، صحت تحقیقات وی را در سال ۱۸۲۶ تأیید کرد (میه، همان جا).

از رویدادهای بزرگ ایران‌شناسی در همان قرن خوانده شدن سنگ‌نبشته‌های کرمانشاه به سعی **سیلوستر دوساسی**[29] در ۱۷۹۳ و نیز تأسیس کرسی زبان فارسی در مدرسه زبانهای زنده شرقی در ۱۷۹۵ بود که **لویی ماتیو لانگلس**[30] مدرس آن بود.

قرن نوزدهم

در ابتدای قرن نوزدهم تأسیس کرسی زبان فارسی در کولژ دوفرانس، در سال ۱۸۰۶ موجب بسط آموزش در اروپا، از جمله در آلمان شد. در آلمان **فریدریش ویلکن**[31] کتابهای درسی فارسی سودمندی نوشت و **یوزف فون هامر**[32] اتریشی با ترجمه آثار ادبی کهن فارسی به ترویج و تعمیم آن در اروپا بسیار کرد و به تدریج مطالعات مربوط به تاریخ و تمدن ایران و سپس تا حدی زبان و ادبیات فارسی، نه فقط در مراکز خاورشناسی اروپا، بلکه در دانشگاههای آلمان و فرانسه و انگلستان گسترش یافت.

مطالعات مربوط به ایران‌شناسی که پس از درگذشت آنکتیل دوپرون دچار رکودی طولانی شده بود، به اهتمام **اوژن بورنوف**،[33] سنسکریت‌دان قرن نوزدهم، از سر گرفته شد. مجموعه تحقیقات بورنوف در آلمان مورد توجه قرار گرفت و ایران‌شناسان آلمانی، از جمله **فریدریش فون اشپیگل**،[34] آثار جالب توجهی پدید آوردند.

نهضت مطالعات ایرانی در دانمارک که با راسک آغاز شده بود، با **نیلس لودویگ وسترگارد**[35] که نخستین چاپ کامل متون شناخته‌شدهٔ زند اوستا را تا سال ۱۸۵۴منتشر کرد، پیگیری شد. **مارتین هوگ**[36] آلمانی که از اقتدار علمی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود، به مخالفت با اشپیگل و طرفداری از مکتب ریشه‌شناسی برخاست و پیروانی هم در انگلستان و بلژیک پیدا کرد؛ اما در فرانسه **ژام دارمستتر**[37] که ابتدا طرفدار همین مکتب بود، به مکتب سنتی گرایید و در پی آن مناظراتی نیز به وقوع پیوست و در نتیجه زبان پهلوی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و شناخت آن تبدیل به رویداد بزرگ علمی نیمه دوم قرن نوزدهم شد (شاوان، ص۵۱)، در عین حال که **لودویگ ویلهلم گایگر**[38] بنیانگذار مجله ایران‌شناسی[39] و طرفدار مکتب ریشه‌شناسی، با همکاری جمعی از ایران‌شناسان برجسته و بزرگ خود، طرح «زبان‌شناسی ایرانی» (۱۸۹۵) را در همین ایام تألیف کرد.

مکتب‌های ادبی و تاریخی ایران عصر اسلامی نیز، به موازات مکتب‌های زبان‌شناسی مربوط به فرهنگ و تمدن ایران باستان، فعالیتهای شایانی داشتند و در فرانسه، آلمان، انگلستان، روسیه، ایتالیا و بلژیک این فعالیتها نتایج خوبی به بار آورد و بزرگان ادبی و تاریخی ایران، در طول همین قرن، ایران‌شناسان اروپا را به خود مشغول داشتند. قلم شیوای بعضی از نویسندگان و منتقدان ادبی و شعرا در سطح وسیعی به ادب فارسی مقبولیت بخشید و با تأثیر در رمانتیسم اروپایی به رشد و شکوفایی مطالعات تطبیقی و اسطوره‌شناسی کمک کرد.



در هلند، فعالیتهای محققان در پرداختن به ادبیات فارسی در این قرن گسسته و پراکنده بود. از جمله، **ویلم بیلدردیک**[40] (۱۷۵۶ـ۱۸۳۱) هلندی در سال ۱۸۲۴ از روی ترجمه آلمانی «قابوسنامه»، کتابی برای کودکان نوشت و در سال ۱۸۲۸ ترجمه منتخبی از «گلستان» را منتشر کرد و **یان هندریک لئوپولد**[41] (۱۸۶۵ـ ۱۹۲۵)، که از شاعران بزرگ هلند است، ترجمه‌ای از «رباعیات خیام»، از روی متن اصلی آنها، به دست داد.

در نیمه دوم این قرن، فعالیت مهم دیگری که در هلند صورت گرفت، تهیه فهرست مخطوطات عربی، فارسی و ترکی موجود در کتابخانه دانشگاه لیدن بود که توصیف مخطوطات فارسی آن را پ.دیونگ (۱۸۳۲ـ۱۸۹۰)، مدرس زبانهای فارسی و ترکی این دانشگاه، برعهده داشت. راینهارت دوزی[42] (۱۸۲۰ـ۱۸۸۳) و **میخایل یان دِخویه**[43] (۱۸۳۶ـ ۱۹۰۹) نیز هرچند کارهای آنها عمدتاً در باب زبان و لغت عرب و متون تاریخی و جغرافیایی عربی بوده است، با این همه، کتاب «ذیلی بر قاموسهای عربی» اولی ارزش بسیار برای مطالعه زبان فارسی کهن داشته، و سعی دومی در تصحیح «تاریخ طبری» که از مهمترین منابع تاریخی ایران در قرن وسطی است، خدمت بزرگی به فعالیت ایران‌شناسی هلند بوده است(دبروین، ص۱۳ـ۱۴).

در قرن نوزدهم، کوششهایی هم در زمینه تحقیق علمی در آثار باستانی ایران، مخصوصاً به اهتمام باستان‌شناسان فرانسوی **مارسل دیولافوا**[44] و **ژاک دومورگان**[45] آغاز شد. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه (حکومت: ۱۳۱۳ـ۱۳۲۴ق/ ۱۸۹۶ـ۱۹۰۷)، به موجب قرارداد ۱۸۹۷، «هیأت رسمی نمایندگی علمی (فرانسه) در ایران» تأسیس شد. این هیأت به ریاست ژاک دومورگان به ایران آمد و در طی سالها کاوش، اشیای باستانی بسیاری را از شوش، مرکز فعالیت خود، به موزه لوور پاریس منتقل کرد (دایره‌المعارف فارسی، ذیل «دمرگان»).

در قرن بیستم کشورهای دیگری در عرصه باستان‌شناسی ایران وارد شدند و سرانجام عصر جدیدی در این زمینه در خود ایران گشوده شد (ملک شهمیرزادی، ص۴۰۴ـ ۴۰۵)، به طوری که در سال ۱۳۵۶، ایرانیان توانستند اعتبار علمی باستان‌شناسی ایران را مسجل کنند (همان، ص۴۴۳) و به عصر خودباوری درآیند.

در ایتالیا

جاکومو لینیانا[46] (۱۸۲۷ـ۱۸۹۱)، شاگرد اشپیگل، تدریس زبان فارسی را در مؤسسه مطالعات شرقی ناپل (۱۸۶۳ـ ۱۸۶۵) و تدریس زبانهای ایرانی را در دانشگاه رم (۱۸۷۱) بنیاد نهاد. پس از او، مهمترین ایران‌شناس ایتالیایی این قرن و اوایل قرن بیستم ایتالو پیتسی (۱۸۴۹ـ۱۹۲۰)، استاد زبانهای هند و ایرانی، خاصه زبان فارسی در دانشگاه تورینو بود که اهتمام بسیار به ادبیات تطبیقی و تحقیق در حماسه‌های ایرانی داشت. شاگرد او، **ویتوریو روگارلی**[47] گزیده‌هایی از «برزونامه» و «گرشاسب‌نامه» را به ایتالیایی برگرداند. کارنامه تحقیقات روسیه در زمینه ایران‌شناسی بسیار پربار است. متخصصان ایران‌شناس روسیه کوشاترین محققان شرق‌شناسی این کشورند. روسها در دهه ۱۶۴۰ شروع به یادگیری زبان فارسی کردند؛ ولی عده اندکی به این کار همت گماردند.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

25. Hyde// 26. Duperron// 27.Jones // 28.Rask // 29.de Sacy// 30.Langles// 31.Wilken// 32.von Hammer// 33.Burnouf// 34.von Spiegel//35.Westergaard//36.Haug//37.Darmesteter//38.Geiger// 39.Iranistik// 40.Bilderdijk// 41.Leopold// 42.Dozy// 43.de Goeje// 44.Dieulafoy// 45.de Morgan// 46.Lignana//47. Pizzi

---

بررسی آثار باستانی و تاریخی و ارزشهای فرهنگی در آذربایجان و قفقاز

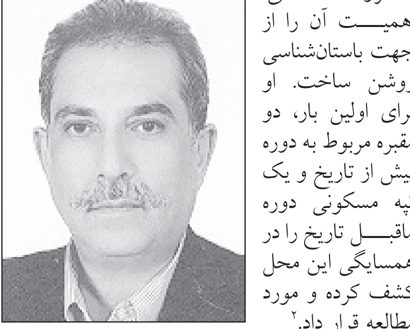
نمادی دیگر از ایرانیت

محمد بهمنی قاجار

آثار باستانی زندان سلیمان

آثار باستانی و تاریخی زندان سلیمان یکی از یادگارهای بازمانده از عهد باستان است که در محوطه تخت‌سلیمان قرار دارد. محوطه تخت سلیمان در محدوده شهرستان تکاب و در ۱۵۰ کیلومتری جنوب‌شرقی دریاچه ارومیه است[۱] و زندان سلیمان در ۴ کیلومتری غرب بناها و استحکامات اصلی تخت سلیمان به شکل یک کوه به ظاهر آتشفشانی دیده می‌شود.

این منطقه به هنگام بررسیهای باستان‌شناسی محوطه تخت سلیمان در سال ۱۹۵۹ مورد کاوش و مطالعه فون دراوستن قرار گرفت، و نکته باارزشی که ضمن کاوشهای دراوستن به دست آمد، این بود که این محل تا قبل از تحقیقات ایشان فقط به خاطر تشکیلات زمین‌شناسی مورد توجه بود، اما آقای دراوستن با کشف بقایای چندی از دیوارها و مقدار زیادی قطعات سفال مربوط به ظروف سفالی،



اهمیت آن را از جهت باستان‌شناسی روشن ساخت. او برای اولین بار، دو مقبره مربوط به دوره پیش از تاریخ و یک تپه مسکونی دوره ماقبل تاریخ را در همسایگی این محل کشف کرده و مورد مطالعه قرار داد.[۲]

زندان سلیمان، ظاهراً تپه آتشفشانی و به ارتفاع ۱۰۷ تا ۱۱۰ متر است که دهانه آن به عمق ۱۰۰ متر در وسط قرار دارد، گرداگرد این تپه مرتفع ساختمانهایی وجود دارد و بنابر کاوشهای باستان‌شناختی، زندان سلیمان که هزار متر دیوار و ششصد متر وسعت دارد، مکانی مقدس متعلق به قرن هفتم پیش از میلاد بوده است.[۳]

این گنبد تراورتن (زندان سلیمان) یک چشمه آهک‌ساز خشک شده است که از سطح دشت مجاور ۷۰ متر ارتفاع دارد و به مانند یک آتشفشان خاموش است. در بالای گنبد، دهانه‌ای به قطر ۵۰ متر و با حدود ۳۰ متر ژرفا دیده می‌شود که بسترش پوشیده از گل است و اطرافش از دیوارهای قائم دودکش‌مانند درست شده است. در دامنه‌های جنوب خاوری و نیز شمال خاوری مخروط، نشانه‌هایی از بناهای کهن دیده می‌شود که برخی از صاحب‌نظران احتمال می‌دهند سرآغاز پیدایش آنها نخستین هزاره پیش از میلاد باشد.[۴]

ارتفاع این کوه از زمین مجاور ۹۷ تا ۱۰۷ متر است و بر فراز آن گودی عمیقی در حدود ۸۰ متر دیده می‌شود که قطر دهانه‌اش تقریباً ۶۵ متر است.[۵]

ارتفاع این تپه یا کوه را بین ۱۰۷ تا ۱۱۰ متر و عمقش را از دهانه، هم ۸۰ متر نوشته‌اند و هم حدود ۱۰۰ متر. و در اینجا نقل قولهای مختلف آورده شده است.

این محل در دره وسیعی که ده کیلومتر مساحت دارد و در انتهای جنوبی آن، حفریات تخت سلیمان قرار گرفته، مشخص‌ترین و تنها تپه بلندی است که از سلسله کوههای اطراف مجزاست. این مخروط عمودی ۱۰۷ متری از فاصله‌های دور جذابیت ویژه‌ای دارد.[۶] همان طور که ملاحظه می‌شود، ارتفاع این کوه را منابع مختلف متفاوت اعلام کرده‌اند.

نکته مهمی که در مورد فرضیه آتشکده بودن این محل قابل ذکر است، بیرون آوردن تأسیسات پلکانی و منتهی شدن آن به یک طاقچه باشکوه است که مشخص

***فون دراوستن ضمن کاوش با کشف بقایایی از دیوارها و مقدار زیادی قطعات ظروف سفالی، اهمیت محوطه تخت سلیمان را از جهت باستان‌شناسی روشن ساخت. او دو مقبره پیش از تاریخ و یک تپه مسکونی کهن را در همسایگی این محل کشف کرد**

می‌کند بنایی که به نام زندان سلیمان نامیده می‌شود، مربوط به یک آتشکده می‌باشد، پله‌های کشف‌شده راهی است به سوی مقدس‌ترین محل که در رأس تأسیسات قرار داشته و به طوری که تغییرات ساختمانی نشان می‌دهد، آتشکده شاید بعداً یک دوره سکونتی کوتاه و دور از مقاصد مذهبی داشته است.[۷]

سفالهای به دست آمده در منطقه باستانی زندان سلیمان با سفالهای به دست آمده از «زیویه» مطابقت دارد و به دلایل قابل قبول مربوط به قرن هفتم و هشتم قبل از میلاد می‌باشد.[۸]

نگاهی به روایتهای ملی و دینی کهن

نکته مهمی که شایان بررسی در این بخش است، تطبیق یافته‌های باستان‌شناسی است با آنچه بنا بر روایت ملی و مذهبی ایرانیان کهن به ما رسیده است. آثار به دست آمده از زندان سلیمان و سابقه باستانی آن که به۸۰۰ قبل از میلاد می‌رسد، تقریباً تطبیق پیدا می‌کند با آنچه در متون کهن درباره برافروختن آذرگشسب به دست کیخسرو آمده است؛ چنان که در بُندَهشن و روایات دیگر زرتشتی می‌خوانیم:

«آذرگشسب در حالی که بر یال اسب کیخسرو قرار گرفته بود، تیرگیهایی را که بی‌گمان به دست ساحران ایجاد شده بود، از میان بُرد و نوری چنان درخشنده ایجاد کرد که بتخانه را کاملاً روشن می‌نمود و هنگامی که کیخسرو بتخانه را ویران کرد، آذرگشسب بر روی کوه اسنوند واقع در نزدیکی بتخانه قرار گرفت.»[۹]

***نکته مهم و شایان بررسی، تطبیق یافته‌های باستان‌شناسی است با آنچه بنا بر روایت ملی و مذهبی ایرانیان کهن به ما رسیده است. آثار باستانی به دست آمده از زندان سلیمان، تقریباً با آنچه در متون کهن درباره برافروختن آذرگشسب به دست کیخسرو آمده مطابق است**

با توجه به اینکه بندهشن می‌گوید آتش بر بالای کوه اسنوند و در نزدیکی بتخانه قرار داده شد،[۱۰] و از طرفی با توجه به اینکه طبق تحقیقات باستان‌شناسی بنای آتشکده زندان سلیمان در دو کیلومتری ساختمان مرکزی تخت سلیمان (آذرگشسب) قرار دارد، چنین به نظر می‌رسد که این کوه مخروطی شکل ۱۱۰ متری که آثار آتشکده بر بالای آن است، همان محل آتش اولیه آذرگشسب باشد که به وسیله کیخسرو بر بالای کوه اسنوند و در نزدیکی بتخانه قرار گرفت و بتخانه نیز پس از نابودی جادوگران، به نیایشگاه یزدان تبدیل گردید.

در مورد کوه اسنوند که برای نخستین بار کیخسرو آذرگشسب را در بالای آن نهاد، نظرهای متعددی گفته شده که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

آقای عنایت‌الله رضا در کتاب اران در مورد کوه اسنوند می‌نویسد: «کوه اسنوند که در بندهشن از آن یاد شده، ظاهراً همان کوه سهند در آذربایجان است.» در بندهشن چنین یاد شده: «اوسیند کوه به آذربایجان است.» در زامیادیشت، فقره ۵ از کوه اسنونت (سنوند) یاد شده که در آذربایجان است. جکسون نیز اسنونت را همان کوه سهند دانسته است.»[۱۱]

بنا به دلایل متقن و غیرقابل تردید جغرافیایی و آنچه در متون مذهبی کهن آمده، صرفاً محل کوه اسنوند همان کوه زندان در سه کیلومتری آتشکده آذرگشسب و آثار به جای مانده آن در محل تخت سلیمان (شیز باستانی) می‌باشد؛ زیرا گرچه در بندهش از کوه اسنوند یاد شده اما نمی‌توان آن را همان کوه سهند دانست؛ زیرا کوه سهند در حدود ۴۰کیلومتری جنوب تبریز و در ۲۵ کیلومتری شرق آذرشهر (دهخوارقان) و در ۲۵ کیلومتری غرب بستان‌آباد (اوجان) و در حدود ۶۰ کیلومتری شمال شرقی هشترود واقع است و فاصله تخت سلیمان تا تبریز حدود ۱۷۵ کیلومتر می‌باشد. ضمن آنکه ارتفاع سهند ۳۷۰۷ متر است. در حالی که ارتفاع اسنوند یا کوه زندان حدوداً ۱۰۰ متر می‌باشد.

از طرفی هم‌اکنون طبق بررسیهای باستان‌شناسان، آثار آتشکده نیز در کوه اسنوند پیدا شده و محققان و باستان‌شناسان معتقدند که بعداً به جهت نیایش توأمان آب و آتش،[۱۲] آتش را به محل بعدی آتشکده آذرگشسب در محل بتخانه که به دست کیخسرو خراب شده بود در سه کیلومتری کوه اسنوند آورده‌اند. و همان طور که در روایات اوستایی آمده «کیخسرو آذرگشسب را بر بالای کوه اسنوند و در نزدیکی بتخانه قرار داد.» نه در کوه سهند که ۱۷۵ کیلومتر با شیز یا گزن شهر فاصله دارد و گذشته از آن، اشوزرتشت نیز بنا بر روایت ملی و مذهبی در گزن شهر و یا همان شیز زاده شد و در کوهستانهای زیبای آن منطقه که بعضی از ارتفاعات آن به بیش از سه‌هزار متر می‌رسد، به راز و نیاز پرداخت.

پی‌نوشتها:

۱ـ ن، ک به علی محمدی، تکاب افشار، ناشر، مؤلف، ص۱۹۷ (نقشه پیوست).

۲ـ هاترفون دراوستن و رودلف ناومان، تخت سلیمان، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی، چاپ دوم:۱۳۸۲، ص۱۶.

۳ـ این تاریخ تقریباً تطبیق پیدا می‌کند با ورود گروهی از اقوام آریایی به فلات ایران در هزاره اول پیش از میلاد که همه مورخان بر آن متفق‌القول هستند.

فرامرز نجد سمیعی، تخت سلیمان، دانشنامه جهان اسلام، تهران بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، ۱۳۸۲، ص۵۲ و۵۳.

۴ـ علیرضا باباخانی و محمدرضا امینی، چشمه‌های تخت سلیمان (پدیده‌ای بی‌مانند در ایران)، روزنامه ایران، شماره ۳۷۰۲، ۸۶/۵/۱۳ ص۱۱، (صفحه ایران زمین).

۵ـ سایت تخت سلیمان، ص۵

www.TaKHTe-SoleimaN.co

۶ـ دراوستن و ناومان، پیشین، ص۱۰۳.

۷ـ همان، ص۱۱۷ و ۱۱۸.

۸ـ همان، ص۱۲۱.

۹ـ کریستین سن، کیانیان، ترجمه ذبیح‌الله صفا، چاپ دوم، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳، ص۱۳۳.

۱۰ـ برخی از مورخان بتخانه را اصولاً در شهر اردبیل دانسته‌اند که با توجه به نظرات جدید علمی ارائه شده بر اساس کاوشها و فعالیتهای باستان‌شناسی مشخص گردیده است بتخانه در همان محدوده اطراف تخت سلیمان قرار دارد و نه در جای دیگر. از جمله مورخان که محل دژ بهمن (بتخانه) را در اردبیل دانسته‌اند، حمدالله مستوفی قزوینی است که از این موضوع در کتاب خود یاد می‌کند.رک به: نزهه‌القلوب، (مقاله سوم) حمدالله مستوفی، به اهتمام گای لیسترنج، دنیای کتاب ۱۳۶۲، ص۸۱.

۱۱ـ عنایت‌الله رضا، اران از دوران باستان تا آغاز عصر مغول، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه ۱۳۸۲، ص۲۶۴.

۱۲ـ بارزترین نماد تقدس توأمان آب و آتش را در زمان خود نیز می‌بینیم؛ زیرا در همه محلات قدیمی تهران و دیگر شهرهای ایران «سقاخانه‌ها» که محل روشن کردن شمع و راز و نیاز با خدا می‌باشد، هنوز پابرجاست. سقاخانه یعنی محل سقایان (آب‌رسانان) و نگهداری آب و در کنار آن خلوت با خدا در کنار نور شمع. و در محل سقاخانه‌ها معمولاً ظرف آب و یا شیر آب نیز قرار دارد.

چرا به ناصرخسرو تهمت می‌زنند که شاعری عبوس است؟!

شاعر متفکر

سخنرانی دکتر مهدی محبتی در شهر کتاب

هشتمین مجموعه درس‌گفتارهایی درباره ناصر خسرو به «جهان متن و متن جهان» اختصاص داشت که با سخنرانی دکتر مهدی محبتی در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد. وی در این نشست به ابعاد و زوایای مختلف دیدگاههای ادبی ناصرخسرو پرداخت.

ناصرخسرو را می‌توان نخستین شاعر ـ متفکر در تاریخ ادبیات فارسی دانست که به صورتی جدی و عمیق به زبان، ادبیات، شعر، نثر و رابطه آنها با جهان و جامعه پرداخت و به‌تفصیل ارتباط سه‌گانه «وجود، زبان، انسان» را تبیین کرد و به‌ویژه از هماهنگی و یگانگی جهان متن و متن جهان پرده برداشت و به تبیین نقش اجتماعی شعر و شاعران، رابطه امر ادبی با قدرت سیاسی و دینی پرداخت و بهتر و گسترده‌تر از همه نام‌آوران اشتراکها و تمایزات نوشته ـ گفته و نویسنده ـ شاعر را تفسیر کرد؛ نکته‌ها و تأملاتی که بعضاً بسیار بدیع و کمیاب است.

در این بحث می‌خواهم این نکته را بازگو کنم که آیا در نگاه ناصرخسرو بین جهان به مثابه یک متن و متن به مثابه یک جهان زنده، مناسبتی هست یا خیر؟ این بحث را هرچند هزار سال پیش ناصرخسرو مطرح کرده، اما بسیار نو است و یکی از مهمترین بحثهای نقد ادبی در جهان معاصر به‌شمار می‌رود؛ اما پیش از آنکه وارد بحث اصلی بشویم، نکته‌ای درباره ناصرخسرو درخور ذکر است. به نظر من در روزگار معاصر در بین بزرگان عصر ما کسی که بیشتر از همه مغفول مانده، ناصرخسرو است.

از یک طرف آنقدر درباره حافظ می‌نویسیم که بزرگی پیشنهاد می‌دهد: «حافظ بس!» یا آنقدر در مورد مولانا می‌نویسیم که به ستوه می‌آییم؛ اما درباره ناصرخسرو حتی یک کتاب خوب هم در این چهل پنجاه سال اخیر تولید نمی‌کنیم، یا بیشتر از دو سه مقاله خوب در این زمینه ننوشته‌ایم. علت آن هرچه می‌خواهد باشد، دلیل بر مظلومیت شاعری است که بیش از همه به عقاید ما نزدیک است. باید با ناصرخسرو آشتی کرد چون به درد فرهنگ ما بیشتر می‌خورد.

همیشه گفته‌اند که ناصرخسرو شاعری عبوس است که حرفهای عاطفی و دلنشین ندارد و نمی‌توان با او ارتباط فکری برقرار کرد. گفته‌اند در کلام او نه از عشق خبری هست و نه از صورخیال. اینها همه تهمت‌هایی است که به ناصرخسرو خورده. حال آنکه دیوان او گواه این سنخ حرفها نیست.

ناصرخسرو مردی است بسیار عاطفی و بسیار عمیق و در عین حال متعهد به آنچه می‌اندیشد. از این رو باید با ناصرخسرو آشتی کرد؛ چون به درد فرهنگ ما بیشتر می‌خورد تا مثلاً مولانا. درست است که مولانا زیباتر و شادتر است، ولی آن عشق شیداوار و آن لجام گسیختگی فکری برای مردمی که در آستانه تکوین عقلانیت باشند، شاید خیلی کارساز نباشد.

نکته دوم این است که ناصرخسرو چند ویژگی دارد که در بین شاعران فرهنگ ما او را ممتاز و منحصر به فرد می‌کند.

اول اینکه شاید او از معدود شاعرانی باشد که سیستم اندیشگی دارد؛ یعنی اینکه اندیشیده و بر اساس یک دستگاه اندیشه‌ای پاره‌های اجزای فکرش را تکوین کرده است. در فرهنگ ما متفکرانی که سیستم‌ورزی کرده باشند، بسیار کم هستند.

دیگر آنکه باز ناصرخسرو از معدود شاعرانی است که در پی نوعی تحول اجتماعی است. ایدئولوژی‌پرداز نیست؛ اما مهم این است که می‌داند چه می‌خواهد و چه در مدّ نظر دارد.

تحول ناصرخسرو

تحولی هم که درباره ناصرخسرو گفته شده است، جای بحث دارد که آیا واقعاً اتفاق افتاده یا نوعی رمز است. بعید به نظر می‌رسد که او شبی خوابی دیده باشد و بر اثر آن متحول شده باشد. اینها افسانه به نظر می‌رسد و میل شدید ما به افسانه‌پردازی چنان قصه‌هایی را تشدید کرده است. درباره تحول سنایی و عطار و مولانا هم همین را گفته‌اند.

پیشینیان چون نمی‌توانستند تحلیل علمی بکنند، عمق تحول را در قالب افسانه نشان داده‌اند. این افسانه‌ها نماد کوچکی است از تحول عمیقی که در ذات و وجود ناصرخسرو و دیگران اتفاق افتاده است. بی‌تردید ناصرخسرو سالها درگیر این بوده که حقیقت جهان چیست؟ چرا زندگی می‌کنیم؟ و آیا زندگی فقط لذت است؟ در یک فرایند طولانی است که به این نتیجه می‌رسد این جهان و آدمها قادر به جواب دادن به روح دردمند او نیستند.

سومین ویژگی ناصرخسرو این است که او تمام آثارش را برای نیاز اجتماعی نوشته است. کمتر قصیده‌ای و اثری از او هست که در آغازش نگفته باشد که برای حل مشکلی نوشته شده است؛ مثلاً «جامع الحکمتین» او پاسخ به شبهاتی است که ابوالهیثم درانداخته بود و ناصرخسرو می‌خواست به آنها پاسخ بدهد. به همین دلیل در لابلای آثار او می‌توان یک منطق درونی را جستجو کرد.

ویژگی چهارم ناصرخسرو طبقه‌بندی نقدهایی است که از طبقات اجتماعی می‌کند. کمتر شاعری داریم (به جز تا حدودی سنایی) که چنان طیفی از طبقات اجتماعی را مورد نقد و بررسی قرار داده باشد.

طبقه‌بندی کلیت اندیشه ناصرخسرو

کلیت اندیشه ناصرخسرو را می‌توان به چهار موضوع و ژانر اصلی تقسیم کرد:

ـ نقد طبقات اجتماعی؛
ـ نقد مباحث کلامی و فلسفی؛
ـ نقدهای سیاسی؛
ـ و نکات ادبی.

هدف ما در این درس‌گفتار، بخش چهارم اندیشه ناصرخسرو است؛ اما قبل از آنکه نظریه ادبی او را بررسی کنیم، دوست دارم جمله‌ای از «بارت» را بازگو کنم تا ببینید که حرفهای او چطور در فرهنگ ما بوده است. بارت می‌گوید: «جهان پیش روی من چون موضوعی وجود ندارد، بلکه چون نوشتاری حاضر است؛ یعنی همچون پراتیکی در حال گسترش.» او می‌گوید جهان نوشتاری است که من لحظه به لحظه بیشتر با آن آشنا می‌شوم. از همین جا مسأله متافیزیک حضور را که مهمترین مسأله‌ای بود که نقد ادبی جدید مطرح کرد، بیان می‌کند.

***ناصرخسرو نخستین متفکر در تاریخ ادبیات ماست که به صورتی جدی و عمیق به زبان، ادبیات، شعر، نثر و رابطه آنها با جهان و جامعه پرداخت و به‌تفصیل ارتباط سه‌گانه «وجود، زبان، انسان» را تبیین کرد**

مسأله نوشتار و گفتار که بارت و یاکوبسن درباره‌اش بسیار سخن گفته‌اند، ناصرخسرو نیز مطرح کرده است. بی آنکه آنها نامی از ناصر برده باشند. شاید کوتاهی از خود ماست و آنهایی که مباحث نو را مطرح می‌کنند، با سنت آشنا نیستند.

نظریه «جهان، انسان و زبان»

ناصرخسرو درباره رابطه «جهان، انسان و زبان» نظریه بسیار درخشانی دارد. تمایز بین شعر و نثر، به عنوان دو ژانر ادبی را هم ناصرخسرو مطرح کرده است. اینکه شعر چه وظیفه‌ای دارد و نثر چه وظیفه‌ای؟ و اینکه کارکرد آنها چیست؟

موضوع بعدی که مطرح کرده، مشخص کردن هویت صنفی شاعران است. شاید نخستین کسی که چنین هویتی را شناسانده است، ناصرخسرو باشد. این را هم که الگوهای شاعران در نحوه زیست چه باید باشد، ناصرخسرو مطرح کرده است. آیا باید اخلاقی زندگی کنند یا هنری؟ چون این دو یکی نیستند. ای بسا هنری که غیر اخلاقی است و وای بسا اخلاقی که غیر هنری است!

ناصرخسرو به مسأله گذشته و آینده در ادبیات هم پرداخته است. اینکه ادبیات چه بوده است؟ چه هست؟ و کجا باید برود؟ این موضوع قابل تحسینی در کار ناصرخسرو به شمار می‌رود.

مسأله دیگر سیر تحول نگره‌هایی است که ناصرخسرو در آثارش داشته است؛ یعنی اینکه آیا او مثل نظامی سلوک فکری داشته است؟ یا نه این سیر خطی بوده است؟ اینها موضوعاتی است که در جلسه‌هایی که پیش‌رو داریم، مطرح خواهیم کرد.

جهان کتاب خداست

گفتیم که اولین مسأله «جهان و متن» است. ناصرخسرو معتقد است که همان‌طور که نوشته محصول دست نویسنده است، جهان نیز کتاب خداوندی است که آن را نوشته است؛ یعنی رابطه جهان و خدا همان رابطه نویسنده است با کتاب. همان‌طور که یک کتاب کلمات و صفحات و معانی مختلف دارد، جهان هم پُر است از کلمات و جمله‌ها و صفحه‌های مختلف. کسی که سواد ندارد، نوشته را می‌بیند اما نمی‌تواند بخواند. ناصرخسرو می‌گوید انسانی هم که به مرحله دریافت قلبی نرسیده باشد، جهان را می‌بیند، اما قادر به خواندنش نیست. از دید او، پیغمبر باسوادی است که می‌تواند نقشهای عالم را دقیق بخواند.

ناصرخسرو می‌گوید اگر تمام نوشته‌های خداوند را در هستی نگاه کنیم، درمی‌یابیم که دو گونه هستند: یا نوشته‌هایی متراکم و انبوه، یا نوشته‌هایی لطیف. هر چه جسمانی است، نوشته‌های متراکم خداست و هرچه نوشته‌های لطیف است، نوشته‌های روحانی خداست، مثل قلب، روح و عشق؛ اما هر دو اینها به یک جا می‌رسند و دو چیز از هم جدا نیستند. پس عاقل‌ترین آدم وقتی به عقبه عالم نگاه می‌کند، از تک تک اینها می‌تواند وحی را بخواند و بفهمد.

در «زادالمسافرین» می‌گوید: «آن کسی که مر نوشته الهی را که در آفرینش عالم است برخواند، او پیغمبر خدای باشد.» پیغمبر کسی است که در یک فرایند عمیق معنوی، قادر به خواندن معانی کلمات خداوند است، ذره به ذره و جزء به جزء.

پس نوشته‌های خداوند دو گونه است: یکی آفرینش عالم که بسط نوشته خداست؛ و یکی هم آفرینش آدم که نوشته فشرده خداست. از همین جا هم می‌توان به عالم کبیر و عالم صغیر راه جست. عالم نوشته کبیر خداست و انسان نوشته صغیر خداست. هر چه در عالم کبیر است، در دل این نوشته هم هست. اگر کسی انسان را خوب بفهمد، همه نوشته‌های خداوند را خوب فهمیده است. البته این بحث را بعدها غزالی گسترش داد. غزالی می‌گوید ما در عالم چیزی نمی‌بینیم مگر آنکه مثل آن را در وجود خود بیابیم.

ناصرخسرو می‌گوید جهان، متن است و متن جهانی است در حال گسترش. متن هم معنی تمام شده‌ای ندارد. همچنان که جهان لحظه به لحظه در حال تولید کلمات اضافی است، متن هم لحظه به لحظه در حال تولید معانی متفاوت است.

نماز عشق

حسین بن منصور حلاج: در عشق دو رکعت است که‌وضوی آن درست نیاید، الا به خون!

علی رودباری: صوفی آن است که صوف پوشد بر صفا،و بچشاند نفْس را طعم جفا، و بیندازد دنیا از پس قفا، و سلوک کند به طریق مصطفی (ص).

تذکره الاولیا

با خیام

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

زاده شدی میان گل سرخ
فرزانه‌ای یگانه که چون تو
در شادیاخ شادِ ابَرشهر
مردی ندیدهِ مردمک دهر

بستند صف به دشمنی تو
رجّاله‌های جور و اجیران
جادوگران و هرزه‌درایان
قـدّاره‌بنـد یاوه‌سـرایان

جُرمت چه بود؟ شک به همه چیز
در شکِ خویش شکّ و پس آنگاه
یعنی در آسمان و زمین شک
آن سوی هر گمان و یقین شک

هر فال‌بین و لوطی و جن‌گیر
در کار خویش اهل یقین بود
تو در نظام دهر به تردید
جُرم تو در میانه همین بود

هرچند در زمانه تو را، جهل
در آن هجوم خانه‌نشین کرد
نام تو را خرد، پی تحسین،
هرجا که دید، نقش نگین کرد

زین‌رو، هماره، در همه آفاق
در پـویـهٔ قـوافـل ایّـام
چتری گشوده بر سر تاریخ
شک خردْشکاف تو خیّام!

این است معجز تو به گیتی،
در جمع شاعـران زمانه،
افزون‌ترین مخاطب تاریخ
با کمترین سرود و ترانه!

به رودکی

شاعر! سرود دیگری زان چنگ بگشای
آغاز کن آغاز راهی بی‌کرانه
در پرده‌ای دیگر نوای دیگری زن
پرواز کن از روی دیوار زمانه

*

آیا نوایی مانده در چنگ تو، شاعر!
کاین بندهای زنگ‌خورد قرن‌ها را
از پای این اشباح سرگردان گشاید؟
چنگی برآر و پاره کن طبل قرون را
مگذار کاین‌سان هوید و بیهوده هاید[۱]

*

تا دختران رعد را بینی هماواز
زین ابر عابر آذرخشی را بگیران
آتش فکن در هستی این جمع جادو:
رجّاله‌ها و جیره‌خواران و اجیران

*

بنواز راه دیگری در پرده‌ای نو
تا مردگان قرن‌ها را زنده سازی
وین کاروان رو به تقویم قرون را
با نغمهٔ خود رهرو آینده سازی

*

تا چشم بیند بندگی و بند بیند
شاعر تو بشنو! دشمن این بندگی باش!
نبض حیات اینجا فرومانده‌ست از کار
در پرده‌ای نو، رهگشای زندگی باش!

۱. به جای های و هوی کردن، از مقولهٔ کژ می‌شد و مژ می‌شد.

ایران گردی

موزه سعدآباد

در کوهپایه‌های توچال و دره سرسبز دربند، مجموعه سعدآباد با یک میلیون و صد هزارمترمربع وسعت قرار گرفته است که در زمان قاجار، محل سکونت تابستانی شاهان بود و سپس با الحاق باغهای مختلف، به اقامتگاه تابستانی رضاخان اختصاص یافت وکاخ و کوشکهایی در جای جای آن ساخته شد. هیجده کاخ کوچک و بزرگ از دوره های قاجار و پهلوی در سعدآباد وجود دارند که به ذکر نامشان بسنده می‌شود: ١ـ کاخ احمدشاهی (در اختیار بسیج خواهران)، ٢ـ کاخ شهوند (کاخ موزه سبز فعلی)، ٣ـ کاخ سفید (کاخ موزه ملت)، ٤ـ کاخ اختصاصی (موزه تاریخ طبیعی سابق)، ٥ـ کاخ اسود (سیاه؛ موزه هنرهای زیبا)، ٦ـ کاخ شمس (موزه مردم شناسی)، ٧ـ کاخ اشرف (موزه ظروف سابق)، ٨ـ کاخ غلامرضا (ساختمان تبصره ٣٦)، ٩ـ کاخ ملکه مادر (ساختمان‌جمهوری)، ١٠ـ کاخ احمدرضا، ١١ـ ساختمان عبدالرضا (امور اداری سعدآباد)، ١٢ـ کاخ بهمن (مرکز آموزش)، ١٣ـ کاخ شهرام (موزه نظامی)، ١٤ـ کاخ فریده دیبا، ١٥و ١٦ـ کاخهای قدیم و جدید ولیعهد (موزه بهزاد و دفینه)، ١٧ـ کاخ موزه خط و کتابت میرعماد، ١٨ـ کاخ موزه آبکار. این مجموعه دیدنی در میدان تجریش، خیابان سعدآباد قرار دارد و بازدید برای عموم آزاد است.

ضرورت‌های رعایت حقوق مصرف کننده

پیشرفت و توسعهٔ اقتصادی همراه با پیچیده‌تر شـدن فنّاوری سـاخت انواع کالا و خدمات در چند دههٔ گذشـته به‌خصوص در سالهای اخیر سبب شده است که قشر عظیم مصرف‌کنندگان در مقابل گروهی دیگر به نام تولیدکنندگان و عرضه کننـدگان قرار بگیرند. این درحالی اسـت که حمایت از مصرف‌کنندگانی که ناگزیر باید از کالا و خدمات اسـتفاده کنند، با حقوق خود آشنایی کافی ندارند و چه‌بسا از تبلیغات تولیدکنندگان این کالاها و خدمات مغبون و متضرر می‌شوند، ایجاب می‌کند که جایگاه حقوق مصرف‌کنندگان از زوایای مختلف بررسی شود. ازاین‌رو در این مطالعه چرایی رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و نقش تبلیغات به منزلهٔ یکی از مهمترین مؤلفه‌هـای اثرگذار بر حقوق مصرف‌کنندگان‌بررسی می‌شود.

امروزه حقوق مصرف‌کنندگان یکـی از ارزشـها و هنجارهای نوظهور جوامع بشـری است‌که قانون‌گذاران عدالت کیفری از آن حمایت می‌کنند. به گونه‌ای که در برخی از کشورها علاوه بر حمایت کیفـری از این حقوق با پیش‌بینی تدابیر مناسب غیرکیفری،از وقوع خـلاف آن پیش‌گیری می کنند. ازایـن‌رو پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه مطابق ضوابط اسـلامی که یکی‌از وظایف دولت براساس اصل سوم قانون اساسی جمهوری‌اسلامی است، دولت را برآن داشته تا با برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی و لحاظ کردن حقوق همهٔ اقشـار جامعه، زمینه‌ساز برقراری عدالت و رفـاه اجتماعـی با حمایت از حقوق تولیدکننده، توزیع‌کننده و مصرف‌کننـده را فراهم آورد وبا هدف جلوگیری از نابسـامانی‌ها و معضلات اقتصادی، با اسـتفاده از راهکارهـای حقوقی، قانونی و فرهنگی به حمایت از حقوق هرسهٔ این گروهها بپردازد.

لـزوم توجه جدی به حقوق مصرف‌کنندگان، گذشته از بی‌پناه بـودن آنان در مقابل سـرمایه و ابزارهای تبلیغاتی عظیم گروه‌های تولیدکننـدگان و عرضه‌کنندگان کالا و خدمـات، نقش نظارتی و هدایت‌گرانـهٔ مصرف‌کنندگان در بازار آزاد عرضه و تقاضای کالاهای متنوع است.

مصرف‌کنندگان که بازار کالا و خدمات راشکل می‌دهند،اگر از ابزارها و حمایت‌های لازم حقوقی برخـوردار باشـند، می‌توانند با انتخاب صحیح، تولیدات و خدماتی که به هرترتیب اسـتانداردهای لازم‌راندارند، از صحنهٔ بازار حذف کنند و رقابت هرچه بیشـتر را در میان عرضه‌کنندگان کالا و خدمات برای ارائه محصولات بهتر فراهم آورند.

چرایـی رعایـت حقوق مصرف‌کننده

ضرورت نیـاز به کالاهای مصرفـی و خدمـات، امـری اجتناب‌ناپذیر است واختلال در نظام بازار به چالشهای متعدد در جامعه منجر می‌شـود که گاهی صدمات و لطمـات جبران‌ناپذیری بر بدنهٔ اقتصاد جامعه وارد می‌کند. ازاین‌رو برخورداری از کالا و خدمات سالم و باکیفیت از ابتدایی‌ترین حقوق مصرف‌کنندگان است.

حمایـت از حقـوق مصرف‌کنندگان آنچنانکه در حقوق اسلامی به غش در معاملات، وضع خیارات در عقودو پیش‌بینی قاعدهٔ معروف لاضرر در راستای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان اسـت، نخسـتین بار در دنیای جدید در سـال ۱۹۶۲ در امریکا مطرح و چهارحقّ برخـورداری از ایمنی، حقّ برخورداری از اطلاعات کامل، حقّ برخورداری از حمایت دولت و حقّ انتخـاب به منزلهٔ حقوق مصرف‌کنندگان طرح و تصویب شد.امروزه بیشتر کشورهای جهان به اصول این حقوق پای‌بندند و به همین مناسبت روزی رابه نام روزملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نام‌گذاری کرده‌اند. در ایران علاوه بر تأکید دین مبین اسلام بر رعایت حقـوق مصرف‌کنندگان، مجلس شورای اسلامی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان را در پانزدهم مهر ۱۳۸۸ تصویب و برای اجرا ابلاغ کرد. هرچند که پیشـتر از آن هم روز نهم اسـفند، به نام روزملی «حقوق مصرف‌کنندگان» در تقویم ملی کشور ثبت شده است.

با عنایت بـه اینکه حقوق مصرف‌کننـده در زمـرهٔ حقوق بشر اسـت و محصول ناقص از وسـایل مؤثـر در تهدید امنیت عمومی هم محسـوب می‌شود و در سـطح بین‌المللی هم از دههٔ ۱۹۶۰ به بعـد قوانین مربوط به حقـوق مصرف‌کنندگان تصویب شد تا جایی که کمیسیون اقتصادی اروپا و سـپس اتحادیهٔ‌اروپا منشأ اصلی توسـعهٔ قوانین حمایت از مصرف‌کنندگان در سـطح ملل اروپایی شناخته شدند تا در سایهٔ این حمایت بخش اعظم توسـعهٔ قوانین و مقررات ناظر بر رعایت حقوق مصرف‌کنندگان با برنامه‌های هماهنگ‌سازی حقوق خصوصی در اتحادیهٔ اروپا شکل یابد و به منزلهٔ بهترین نمونهٔ یکسان‌سازی مقررات حقوق خصوصی در سطح اتحادیهٔ اروپایی به شمار آید.

نتیجه‌اینکه‌حقوق‌مصرف‌کننده، مجموعه اختیارات و امتیازاتی است که مصرف‌کننده در قبال عمل خرید یک کالا یا خدمت از فروشـنده دریافت می‌کند تا درصورت بروز اشکال، معلوم شدن عیب و نقص، احراز ضرر و زیان و کارایی نداشتن و ثمربخشی، برای جبران ضرر و زیان خود از آن بهره برد.

در ایران در حمایت از حقوق مصرف‌کننـدگان، قانون حمایت از مصرف‌کننـدگان تصویـب شـد. هرچند در قانون تجارت الکترونیک مصوب سـال ۱۳۸۲، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو، مقررات امور پزشـکی، دارویی، موادخوردنی و آشامیدنی، قانون نظام صنفی و... در راسـتای حمایت‌از مصرف‌کنندگان تمهیداتی اندیشیده شده، اما ضرورت رعایت حقـوق مصرف‌کنندگان تا حدی است که مبارزه با پیامدهای منفی توسعه، مقابله با تورم و همچنین جبران خسـارت مصرف‌کنندگان سبب شده به این مقولهٔ مهم جدی توجه شود.

اهمیت این نکته بدان حد است که در سطح بین‌الملل مقرراتی متعدد در راستای حمایت از مصرف‌کننده تصویب شده است که چشم‌انداز جدید سیاست حمایت از حقوق مصرف‌کنندهٔ اتحادیهٔ اروپا انتشار یافته در ۱۳مارس سال ۲۰۰۷، قانون شورای اتحادیهٔ اروپا مصوب سال ۱۹۹۲، چارچوب قانون اروپایی عام ایمنی کالای تولیدی مصوب سال ۱۹۹۴، چارچـوب قانون اروپایی دربارهٔ مقررات عامل ایمنی کالا و مسئولیت کالای تولیدی مصوب سال ۱۹۹۹، چارچوب قانون اروپایی اتحادیهٔ اروپا مصوب سال ۲۰۰۵، چارچوب قانون اروپایی مبنی بر برچسب موادغذایی مصوب سال ۱۹۷۹، منشور حقوق بنیادین اتحادیهٔ اروپا مصوب سال ۲۰۰۰ و اصول راهنمای سازمان ملل متحد برای حمایت از مصرف‌کننده مصوب سال ۱۹۷۵ از آن جمله‌اند.

تصویب این همه قوانین متعدد در چارچـوب قوانین اروپایی در سطح اتحادیهٔ اروپا و سازمان ملل متحدحاکی از توجه ویژه به اجرای رژیم‌های حمایت از مصرف‌کنندگان در عرصهٔ جهانی است. هرچند در ایـن قوانین حقوق متعددی برای مصرف‌کننده به‌رسمیت شناخته شده است، اما حقّ انتخاب و به دست آوردن کالا و خدمات، حقّ ایمنی برای مصرف‌کننده، حقّ برخورداری از آمـوزش و اطلاعات کامل و حقّ برخورداری از حمایت ازجمله حقوق اساسی و مشترک در همهٔ قوانین مذکـور اعم از داخلی و بین‌المللی بوده که از آن به عنوان «حقوق بنیادین» نام برده می‌شود.

نقـش تبلیغات در رعایت حقوق مصرف‌کننده

تبلیغـات از ریشـهٔ واژهٔ Advetere ، به‌معنای توجه‌کسی را جلب‌کردن، با هدف جلب توجه مخاطب برای خرید یک محصول یا استفاده از یک خدمت نشات گرفته است. به طورکلی هدف تبلیغات، اطلاع‌رسانی به مشتریان بالقوه دربارهٔ کالاها، خدمات و چگونگی استفاده از آنها، تهیهٔ کالا و خدمات موردنظر، ترغیب مشتریان بالقوه به خرید و مصرف کالاها و خدمات است. به عبـارت دیگر هدف از تبلیغ کالا و خدمات معرفی نیازهای پنهان و نهان مشتریان به خود ایشان است که حتی با نیاز بدان از آن آگاهی ندارند. پس با ترغیـب این عده، گاهی کالاهایی را که موردنیازشان بوده و از آن نیاز آگاهی ندارند یا حتی موردنیاز روزانه‌شان نیست،از طریق رسانه‌های جمعی ، تأثیرگذاری بر مصرف‌کنندگان و اقناع ایشان در معرض فروش قرار می‌دهند.

در هریک از تعاریف ارائه‌شده از تبلیغـات بر کلمات و واژگان خاصی تأکید شده است که ازجمله می‌توان بر غیرشخصی بودن ارتباط ایجاد شده از طریق تبلیغات یا عام بودن مخاطبان تبلیغ که مشـتمل بر گروهی از افراد هستند، وجود سفارش‌دهندهٔ مشخص برای تبلیغات و پرداخت هزینه در قبال تبلیغات تأکید کرد.به‌طورکلی واژهٔ تبلیغات چنین تعریف می‌شـود: «تبلیغات عبارت است از ارتباطی غیرشخصی و خطاب به گروههای منتخب مردم که از سوی فرد یا افراد ذینفع معینی به صورت حرفه‌ای، با اسـتفاده از وسایل و شـیوه‌های گوناگون و پرداخت هزینه ایجاد می‌شـود تا مخاطبان تبلیغ را به خرید و مصرف کالای معین یا تهیه و اسـتفاده از خدمات موردنظر ترغیب کند.»

در ایـن میـان همچنین با بهره‌گیری از اینترنت و شـبکهٔ جهانـی وب برای تبلیغات، انجام انواع تبلیغات متصل به شـبکه امکان‌پذیر شده است. تبلیغات مزبور بااستفاده از شیوه‌های مختلف انجام می‌شوند.مانند استفاده از شبکه‌های تبلیغات، بازاریابی با ارسال نامه‌های الکترونیک و نامه‌های الکترونیک ناشناس که اتوماتیک با داشتن پیام تبلیغاتی برای اشـخاص مختلف ارسال می‌شوند تا دریافت کنندگان را به خرید کالا یا خدمتی ترغیب کننـد و تبلیغات بنرکه به صورت تصویر گرافیکـی کوچک و در قسـمت بالایی صفحات اینترنتی قرار میگیرد.

باتوجه به قابلیت‌های موجود به منظور تبلیغات در فضای فیزیکی، دنیای مجازی و بهره‌برداری از آن برای دسـتیابی به اهداف تجاری، رعایـت اصـول و قواعد حاکم ازجمله گمراه نکردن مخاطبان از طریق تبلیغات صادقانه و بیان حقایق دربـارهٔ کالا و خدمات موردنظر ضرورت دارد که متأسفانه در دههٔ اخیر کمتر بدان توجه میشود.

مهمتریـن محورهـا و موضوعاتـی که در زمینهٔ تبلیغات و بازاریابی منصفانه به آنها توجه می‌شود عبارتنداز: اطلاع‌رسانی به مصرف‌کنندگان در زمینهٔ مقصود موردنظـر از گـردآوری داده‌ها واسـتفاده از آنها و استفاده نکردن از داده‌ها به شـیوهای ناسازگار با مقصود ذکر شده؛ ضرورت افشای هویت تبلیغ‌کننده برای ایجاد امکان تماس احتمالـی مصرف‌کننده با تبلیغ‌کنندهٔ مزبور در صورت لزوم؛ ضرورت مناسـب بودن، کامل و به‌روز بودن داده‌های گردآوری‌شده؛ رعایت احتیاط هـای معقول از سوی تبلیغ‌کننده برای حفاظت از امنیت فایلهای داده‌ها؛ جلوگیری از نقض حریم خصوصی مصرف‌کنندگان بر اثر دسترسی غیرمجاز به داده‌های مربوط به آنان، وجود حقّ انتخاب برای مصرف‌کنندگان در زمینـهٔ پذیرش انتقال داده‌های مرتبط با آنها به اشخاص ثالث مانند تبلیغات‌کننده و بازاریاب دیگر یا امتناع از انتقال داده‌ها به اشخاص ثالث و برخورداری از حقّ دستیابی به داده‌های مربـوط به او و اگر شرایط اقتضا کند، اصلاح، تکمیل یا مسدود کردن داده‌های مزبور.

ازاینرو بایـد ضمن تنظیم، تصویـب قوانیـن و همچنین قوانین حاکم، فروشندگانی که از رویه‌های غیرمنصفانه، فریب‌کارانه و تبلیغـات دروغین دربارهٔ کالا و خدمات عرضه‌شده استفاده می‌کنند، تحت تعقیب قرار گیرند و حقوق شناسایی‌شدهٔ مصرف‌کنندگان در برخورد و اقامهٔ دعوی علیه افرادی که مرتکب چنین رفتار ناشایستی می‌شوند درنظر گرفته شود.

بهمن غلامحسین‌زاده مکرمی

کاهش ۵۶ درصدی ساخت مسکن در تهران

در نیمه نخست سـال ۹۳صدور پروانه احداث ساختمان در تهران نسبت به نیمه دوم سال ۹۲ معادل ۵۶درصد و تعداد پروانه‌های احداث ساختمان در کشور در این مدت ۴۸درصد کاهش یافت.

بر اسـاس آمار مرکز آمار ایران، شهرداری تهران نیمه اول پارسـال ۵۸۶۱پروانه ساختمانی صادر کرد کـه ۵۸۲۶پروانه (۹۹/۴ درصـد) مربوط به احداث سـاختمان و ۳۵پروانه (۰/۶ درصد) مربوط به افزایش بنا بوده است.

این تعداد پروانه احداث ساختمان (پروانه ساختمان و تخریب و نوسـازی) صادرشده حدود ۱۰/۲ درصد از کل پروانه‌های احداث ساختمان صادر شده از سوی شهرداری‌های کشور را تشکیل می‌دهد.

پروانه‌های احداث سـاختمان نسـبت به نیمه قبل حدود ۵۶درصد کاهش داشـت. بیشترین سهم از پروانه‌های صادر شده برای احداث ساختمان در شهر تهران مربوط به شهرداری منطقه چهاربا صدور ۵۷۵پروانه (۹/۹ درصد) و کمترین سهم مربوط به شهرداری منطقه ۲۱با ۱۲۰پروانه (۲/۱ درصد) بوده است.

مجموع مساحت زیربنای تعیین شده در پروانه‌های احداث سـاختمان صادر شده از سوی شهرداری‌های شـهر تهران حدود ۹۱۱۸هزار مترمربع بوده است که ضمن کاهش ۴۸/۵ درصدی نسبت به نیمه قبل حدود ۲۶درصد از مجموع کل زیربنای تعیین‌شده در پروانه‌های احداث سـاختمان صادر شده از سوی شهرداری‌های کشور را تشکیل می‌دهد.

با توجه به تعداد پروانه‌های احداث ساختمان صادر شده و مساحت زیربنای متناظر با آن‌ها متوسط مساحت زیربنای هر پروانه احداث ساختمان صادر شده حدود ۱۵۶۵مترمربع محاسبه شده است.

تعداد واحد مسکونی پیش‌بینی شده در پروانه‌های احداث سـاختمان صادر شده از سوی شهرداری‌های تهران بالغ بر ۴۸۸۳۷واحد بوده است. این تعداد واحد مسـکونی ۲۶/۳ درصد از کل واحدهای مسکونی در پروانه‌های احداث سـاختمان صادر شـده از سوی شهرداری‌های کشور است که نسبت به نیمه قبل از آن ۵۳/۹ درصد کاهش داشته است.

همچنین در پروانه‌های احداث سـاختمان صادر شـده از سوی شهرداری تهران، بیشترین سهم مربوط به شهرداری منطقه پنج با ۵۲۶۶واحد مسکونی (۱۰/۸ درصد) و کمترین سهم مربوط به شهرداری منطقه ۲۱با ۹۵۸واحد مسکونی (۲درصد) بوده است.

متوسـط تعداد واحد مسکونی پیش‌بینی شده در پروانه‌های احداث ساختمان صادر شده حدود ۸/۴ واحد مسکونی محاسبه شده است.همچنین مجموع مساحت زمین پروانه‌های صادرشده برای احداث ساختمان حدود ۱۹۰۶هزار مترمربع بوده اسـت که ضمن کاهش ۵۱/۷ درصدی نسـبت به نیمه قبل از آن حدود ۹/۲ درصد از مجموع کل زمین تعیین شده در پروانه‌های احداث ساختمان صادر شده از سوی شهرداری‌های کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به تعداد پروانه‌های احداث سـاختمان صادر شده و مساحت زمین متناظر با آن‌ها متوسط مساحت زمین در هر پروانه احداث ساختمان ۳۲۷مترمربع بوده است.

اطلاعـات فوق بیانگر آن اسـت که از مجموع پروانه‌های احداث سـاختمان صادر شـده از سوی شهرداری‌ها شهر تهران حدود ۱/۳ درصد برای احداث سـاختمان‌های یک طبقه، یـک درصد برای احداث سـاختمان‌های دو طبقـه، ۱/۵ درصد برای احداث سـاختمان‌های سـه طبقه، ۵/۱ درصد برای احداث ساختمان‌های چهار طبقه و ۹۱/۲ درصد برای احداث ساختمان‌های پنج طبقه و بیش‌تر صادر شده است.

همچنین بر اسـاس نتایج حاصله در نیمه اول سـال ۱۳۹۳تعداد ۶۴۱۸۶پروانه سـاختمانی توسط شهرداری‌های کشور صادر شد. از کل پروانه‌های صادر شـده، تعداد ۵۷۳۶۴پروانه (۸۹/۴ درصد) مربوط به احداث ساختمان و ۶۸۲۲پروانه (۱۰/۶ درصد) مربوط به افزایش بنا بوده اسـت.پروانه‌های صادر شده برای احداث سـاختمان ۴۷/۹ درصد کاهش داشته است که تعـداد ۶۳۲۴۱پروانه (۹۸/۵ درصد) به تقاضای بخش خصوصی، ۴۸۶پروانه (۰/۸ درصد) به تقاضای بخش تعاونـی و ۴۵۹ (۰/۷ درصد) به تقاضای بخش دولتی صادر شده است.با مروری بر فراوانی نسبی پروانه‌های صادر شده برای احداث ساختمان در هریک از استان‌های کشور مشاهده می‌شود که استان تهران با ۸۳۱۴پروانه (۱۴/۵ درصد) بیشـترین و استان ایلام با ۳۰۷پروانه (۰/۵ درصد) کمترین میزان را داشـته‌اند.در نیمه اول سال ۱۳۹۳، مساحت زیربنای تعیین‌شده در پروانه‌های ساختمانی صادره از سوی شهرداری‌های کشور بالغ بر ۳۷۶۶۲هزار مترمربع بوده است.

حدود ۳۵۱۰۹هزار مترمربـع (۹۳/۲ درصد) از مسـاحت زیربنای پروانه هـا در خصوص احداث ساختمان و ۲۵۵۳هزار مترمربع (۶/۸ درصد) مربوط به افزایش بناسـت که مساحت زیربنای پروانه‌های صادر شده برای احداث ساختمان نسبت به دوره گذشته کاهش داشـته است. به این ترتیب، متوسط مساحت زیربنای پروانه‌های صادر شده برای احداث ساختمان نسبت به دوره گذشته ۵۱/۶ درصد کاهش داشته است.

متوسط مساحت زیربنای تعیین‌شده در هر پروانه ساختمانی ۵۸۷مترمربع، در هر پروانه احداث ساختمان ۶۱۲مترمربـع و در هر پروانه افزایش بنا ۳۷۴مترمربع محاسـبه شده اسـت.از کل زیربنای تعیین شده در پروانه‌های سـاختمانی صادره از سوی شهرداری‌های کشور در حدود ۳۴۹۹۳هزار مترمربع (۹۲/۹ درصد) به تقاضـای بخش خصوصی، حدود ۱۰۹۰هزار مترمربع (۲/۹ درصـد) به تقاضای بخش تعاونی و ۱۵۷۸هزار مترمربـع (۴/۲ درصد) به تقاضای بخش دولتی صادر شده است.

هیچ تخلفی در افشای اطلاعات بورس وجود ندارد

فعالیت‌های سازمان بورس در قالب نظارت مستند به قانون در درجه اول و مصوباتی است که در این باره تأیید شده است بنابراین هرگونه دخالت غیر مبتنی بر اصول و خارج از قانون و بخشنامه‌های سازمان را رد می‌کنیم و به هیچ‌وجه نمی‌پذیریم.

رئیس سازمان بورس با تاکید بر نبود هیچ تخلفی در افشای اطلاعات، از تغییر رویه انتشار اطلاعات شرکت ها از اول خرداد و نقش شرکت‌های مشاوره خبر داد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، محمد فطانت در حاشیه هفتمین کنفرانس بین‌المللی ابزارهای مالی اسلامی در جمع خبرنگاران، درباره عملکرد نظارتی سازمان بورس گفت: فعالیت‌های سازمان بورس در قالب نظارت مستند به قانون در درجه اول و مصوباتی است که در این باره تأیید شده است بنابراین هرگونه دخالت غیر مبتنی بر اصول و خارج از قانون و بخشنامه‌های سازمان را رد می‌کنیم و به هیچ‌وجه نمی‌پذیریم.

وی با بیان اینکه طبیعتاً تلاش شده منطق دستورالعمل‌ها در بازار حاکم شود و با تخلف ها و رویدادهای غیر قانونی برخورد می شود، در پاسخ به این سؤالی مبنی بر شائبه تخلفات در سازمان بورس، تصریح کرد: هرگز تخلفی در بحث انتشار اطلاعات شرکت ها و افشای آن وجود ندارد اطلاعات شرکت ها بر روی کدال ثبت می‌شود و برنامه‌ریزی خوبی صورت گرفته است.

وی افزود: از ابتدای خرداد، تمام اطلاعات شرکت‌ها به صورت مستقیم، بدون دخالت نظر هرگونه کارشناس، توسط ناشر به صورت مستقیم منتشر خواهد شد و به شرکت‌های مشاوره هم این امکان داده می شود تا از طریق توکن ، درباره هرکدام از اطلاعات منتشره به صورت آزاد و بدون هزینه ، اظهار نظر کنند.

فطانت درباره واکنش بازار سرمایه نسبت به مصوبه شورای پول و اعتبار مبنی بر کاهش نرخ سود بانکی هم گفت: مهم ، نحوه اجرای صحیح مصوبه شورای پول و اعتبار است.

بنابراین هر آن چیزی را که در قالب نرخ سود بانکی داریم، باید آثار آن را در بخش واقعی اقتصاد و شرکت‌های تولیدی ببینیم .وی ادامه داد: نرخ تسهیلات باید متناسب با کاهش سود و تورم کاهش یابد، اما هنوز شاهد تغییرات نرخ تسهیلات در بخش واقعی اقتصاد نیستیم.

اگر این موضوع رخ دهد، می توان شاهد اثر گذاری آن در صورت‌های مالی شرکت ها و بخش واقعی اقتصاد باشیم با این حال امیدواریم نرخ سود به صورت واقعی اجرا شود تا آثار آن در صورت‌های مالی و طبیعتاً در شاخص بورس مشاهده شود.

توضیح ضروری

ضمن پوزش به اطلاع خوانندگان گرامی روزنامه می‌رساندکه به علت اشکال فنی، ارقام جدول تغییرات بورس دیروز ـسه‌شنبهـ به هم ریخته و مغشوش چاپ شده بود و غیر قابل استناد است

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۶۴۱۶۸/۱	۶۴۴۷۳/۱	۶۴۱۶۸/۱	(۲۴۷/۷)	(۰/۳۸)
شاخص۳۰شرکت بزرگ	۲۹۴۷/۱	۲۹۶۰/۵	۲۹۴۷/۱	(۸)	(۰/۲۷)
شاخص آزادشناور	۷۳۷۵۹/۸	۷۴۱۷۸/۲	۷۳۷۵۹/۸	(۳۱۸/۳)	(۰/۴۳)
شاخص بازاراول	۴۶۵۶۹/۱	۴۶۸۲۲/۴	۴۶۵۶۹/۱	(۲۳۸/۲)	(۰/۵۱)
شاخص بازاردوم	۱۳۰۷۰۵/۷	۱۳۱۱۸۷/۱	۱۳۰۷۰۵/۷	(۱۳۴/۳)	(۰/۱)
شاخص صنعت	۵۲۷۳۸/۳	۵۳۹۶۶/۲	۵۲۷۳۸/۳	(۱۲۰/۳)	(۰/۴)

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه۹۴/۲/۱۵)

مجموع حجم معاملات	۴۰۲/۲۹۹/۰۲۳ سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۰۱۷/۷۹۳ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۳۸۱۶۵ معامله
ارزش بازار	۲/۸۹۰/۶۰۶ میلیارد ریال

افزایش دفاتر پیشخوان خدمات سهامداری

تعداد دفاتر پیشخوان دولت ارائه دهنده خدمات امور سهامداری با راه اندازی دو باجه جدید در شهرهای اهر و مراغه به رقم ۶۰ دفتر رسید.

به گزارش روابط عمومی سمات، یکی از اولویت‌های مهم شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سمات)، ارائه خدمات مطلوب به سهامداران سراسر کشور است که این شرکت آذر سال ۹۱ با انعقاد تفاهم نامه ای با کانون دفاتر پیشخوان خدمات دولت، مقدمات این طرح را فراهم کرد.

در فاز نخست این طرح، سه دفتر پیشخوان شهر تهران در اواخر سال ۹۱ ، در فاز دوم در سال ۹۲ دفاتر پیشخوان وارد شهرهای بزرگ کشور (مشهد، تبریز و اصفهان) شد.

در فاز سوم، تا پایان دی گذشته ۴۲ باجه پیشخوان ارائه خدمات امور سهامداری در مراکز استان ها راه‌اندازی. درحال حاضر، استان تهران ۱۴ دفتر پیشخوان و خراسان رضوی و آذربایجان شرقی هر کدام چهار دفتر و اصفهان سه دفتر دارند.

سهامداران دیدگاه کارشناسی و عقلانی داشته باشند

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری گوهران امید به سهامداران توصیه کرد با توجه به نزدیکی به فصل مجامع دیدگاهی عقلانی و کارشناسی را مدنظر داشته باشند و توجه داشته باشند که صنایعی مانند بانک، خودروسازی و حمل ونقل و بیمه با رفع تحریم‌ها سریعتر از سایر صنایع رشد را تجربه خواهند کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)؛ سیاوش وکیلی مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری گوهران امید با اعلام این مطلب گفت: با توجه به نزدیکی به فصل مجامع شرکت های بورسی در ارایه هر نوع تحلیلی باید دو دیدگاه حقوقی و حقیقی را در نظر داشت.

وی افزود: دیدگاه افراد حقوقی در فصل مجامع بر دریافت سود بیشتر و انتخاب سهام شرکتهایی که EPS بالاتری دارند استوار است، اما به منظور کسب سود مطلوب تر و حرکت به سمت داشتن بازار با ثبات تر باید فارغ از این دیدگاه‌ها، دید کارشناسی را در هر نوع تحلیل مدنظر قرار داد.

وکیلی خاطرنشان کرد: تا زمانی که دیدگاه کوتاه مدت و نوسان‌گیری بر بازار حاکم باشد نمی‌توان به سمت یک بازار پربازده با سود مطلوب حرکت کرد.

وی افزود: با توجه به شرایط نقدینگی در کل کشور در قیاس با سال ۹۳ این احتمال که شرکتهای بورسی در مجامع خود درصدد باشند تا سود تقسیمی کمتری داشته باشند وجود دارد و این اتفاق برای بازار ناگزیر است .

به گفته وی این احتمال که تفاوت چندانی در مقایسه با سود پرداختی شرکتهادرسال گذشته‌نباشد وجود دارد و دیدگاه های فاندامنتال بیانگرآن است که بازاربا حرکت تند و تیز وغیرعقلانی مواجه نباشد.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری گوهران امید در تشریح فضای بازار پس ازانجام توافق نهایی در تیر ماه و تاثیرات مثبت ناشی از آن گفت: با توجه به تجربه بیانیه لوزان امکان مستندسازی برای بازار در صورت توافق نهایی هسته ای وجود دارد به این معنا که با رفع تحریم ها یکسری از صنایع که بیشترین تاثیر را از رفع تحریم ها داشته اند مانند بانک ها ، خودرو سازان ، سازندگان قطعات خودرو، صنایع حمل و نقلی و شرکت های بیمه ای به واسطه اینکه با رفع تحریم ها شرایط فعالیت آنها تسهیل می شود با رشد مواجه خواهند شد مشروط بر آنکه بازار آنها را به اصطلاح پیش خور نکرده باشد.

وی افزود: آنچه مسلم است برخی صنایع به واسطه رفع تحریم‌ها ساز و کار اجرایی خاص خود را لازم دارند و اجرای آن ساز و کار زمان بر است بنابراین هر گونه اقدامی در بازار نیازمند در نظر گرفتن کلیت بازار و داشتن نگاه بلند مدت و توجه به ارزش ذاتی شرکت های موجود در این بازار است.

از سوی دیگر مشاور بین الملل سازمان بورس و اوراق بهادار در باره جایگاه ایران در میان بازارهای سرمایه اسلامی اشاره داشت: ایران در بازار سرمایه اسلامی می تواند جایگاه مناسبی داشته باشد چون این کشور از لحاظ دارایی مقام اول را در میان دیگر کشورهای اسلامی داراست.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، فرهاد ریاضت، مشاور بین الملل سازمان بورس و اوراق بهادار در باره نقش سیاستگذاری در بازارهای سرمایه اظهار داشت: بعد از بحران مالی ۲۰۰۷ میلادی نقش سیاست گذار و نظارت کنندگان تغییر کرد و اولویت های سازمان های نظارت کننده را تغییر داد.

وی بیان داشت: سازمان های نظارت کننده نباید ناظر بر نهادهای مالی یا ابزارهای مالی باشند ، به طوری که این تئوری در دنیا بعد از بحران ۲۰۰۷ میلادی رد شده است.

مشاور بین الملل سازمان بورس با بیان این نکته خاطر نشان کرد: دومین بحث این است که سازمان نظارت کننده حتماً باید نسبت به ساختار مالی دیدی مناسب داشته و نیاز سنجی کند.

ریاضت در ادامه گفت: این نظارتها به طور حتم باید به سمت و سویی برود که جذب منابع به سمت اقتصاد واقعی کشور حرکت کند.

وی ادامه داد: مقدار جذب منابع مهم نیست اما نحوه تخصیص آن بسیار نکته اساسی و حساسی است و در این میان بحث شاخص و نهادها اولویت دوم محسوب می‌شود. ریاضت در مورد مبحث ثبات مالی اظهار داشت: این بحثها باید در قالب ثبات مالی مطرح شود و ثبات مالی در جایی می تواند ارئه شود که اشراف مناسبی بر سیاستهای پولی کشور وجود داشته باشد.

وی خاطرنشان ساخت: اگر ثبات مالی بازار سرمایه توسط سازمان بورس و سیاست های پولی و مالی توسط بانک مرکزی نظارت شود، در این میان تضاد ایجاد شده و نتیجه مناسبی به دست نخواهد آمد.ریاضت درباره جایگاه ایران در میان بازارهای سرمایه اسلامی اشاره داشت: ایران در بازار سرمایه اسلامی می تواند جایگاه مناسبی داشته باشد چون این کشور از لحاظ دارایی مقام اول را در میان دیگر کشورهای اسلامی داراست.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۴۸۵	۱۶۲	کویر تایر	۱۳,۵۴۰	-۲۷۸	دوده صنعتی پارس	۲,۵۱۹	-۱۰۴
ایران‌ارقام	۲,۴۰۰	۱۵۶	جام‌دارو	۱۰,۹۹۶	-۳۸۷	سینتا	۱۲,۲۵۰	-۵۱۰
آبسال	۲,۳۸۶	۲۲۷	سیمان کارون	۴,۷۰۶	-۱۰۵	بانک سینا	۱,۳۵۵	-۴۶
باما	۳,۸۰۰	۲۰۸	نفت پارس	۱۳,۵۲۹	-۵۶۳	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۴,۱۱۱	-۸۱
ح . ایرانیاساتایرورابر	۲,۶۰۰	۱۲۴	سیمان بهبهان	۳۳,۸۶۵	-۹۷۱	ح . ماشین سازی اراک	۱,۹۵۰	-۷۸
پتروشیمی مبین	۳,۲۶۱	۱۲۵	معدنی املاح ایران	۱۱,۵۱۰	-۲۸۷	توسعه معادن روی ایران	۱,۵۷۰	-۴۵
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۲,۳۲۹	۸۹	فراورده های نسوزایران	۹,۲۲۲	-۳۰	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۵۷۰	-۶۵
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۳,۶۰۳	۱۳۸	گروه‌صنعتی‌بوتان	۲,۹۴۶	-۱۲۲	چینی ایران	۲,۱۵۹	-۸۹
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲,۵۳۶	۹۷	گروه صنعتی بارز	۵,۷۱۱	-۶۷	مس شهیدباهنر	۱,۴۳۰	-۴۹

اخبار کوتاه شهرستان

گشایش نمایشگاه کتاب در یزد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: نمایشگاه کتاب به مناسبت گرامیداشت هفته کارگر در حسینیه ثارالله یزد گشایش یافت.

این نمایشگاه با هدف ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی در زمینه‌های علمی، مذهبی، آموزشی و کودک و نوجوان با ۴۰درصد تخفیف پذیرای علاقه‌مندان به خرید کتاب در استان یزد است.

توقیف زانتیا با ۹ کیلوگرم حشیش در یزد

* مأموران پلیس شهرستان اشکذر استان یزد با توقیف یک دستگاه خودرو سواری زانتیا و بازرسی از آن،موفق به دستگیری شش متهم و کشف ۹ کیلوگرم حشیش شدند.

به گزارش پایگاه خبری پلیس، محمود پناهی سرپرست انتظامی شهرستان اشکذر با بیان این مطلب افزود: مأموران پلیس در یک اقدام عملیاتی و در قالب یک تیم مشترک از پلیس یزد، مهریز و اشکذر خودرو قاچاقچیان را که در سمت مخالف مسیر یزد ـ اردکان حرکت می‌کرد متوقف کردند.

پناهی با اشاره به دستگیری شش نفر از سوداگران مرگ افزود: پنج نفر از متهمان از اتباع بیگانه بودند.

برگزاری نمایشگاه اقوام ایرانی در دانشگاه اراک

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: نمایشگاه «اقوام ایرانی در گستره تاریخ» به همت دانشگاه اراک و با همکاری دانشگاه فرهنگیان، در پردیس مرکزی دانشگاه اراک برگزار شد.

دکتر امامعلی شعبانی مدیر اجتماعی دانشگاه اراک در این نمایشگاه، ایران را کشوری چهل تکه به لحاظ تنوع قومیتی دانست و گفت: ایران همیشه محل عبور اقوام مختلف بوده و جذابیت آن موجب شده است بسیاری از اقوام در طول هزاران سال در این جغرافیا ساکن شوند.

او اضافه کرد: تا زمانی که اقوام ایرانی را نشناسیم، فهم تاریخ ایران شدنی نیست. او گفت: اقوام کرد، لر، آذری و گیلکی در عرصه‌های مختلف، حافظ امنیت این آب و خاک بوده‌اند و حق بزرگی بر گردن تاریخ ایران دارند.

آتش‌سوزی در مزارع گندم پلدختر

پلدختر ـ خبرنگار اطلاعات: ۳ هکتار از مزارع گندم روستای «دمرود» معمولان پلدختر در آتش سوخت.

مدیر جهاد کشاورزی پلدختر گفت: علت بروز این آتش‌سوزی از سوی کارشناسان اتصال سیم برق خط انتقال که از مزرعه گندم و جو کشاورزان منطقه عبور می‌کند اعلام شده است.خادمی گفت: حریق از مزرعه جو یکی از کشاورزان این روستا آغاز شد و دامنه آن به حدی بود که مزارع ۶ کشاورز همجوار را فرا گرفت و آنها را تبدیل به خاکستر کرد.

وی افزود: براساس برآورد اولیه از سوی کارشناسان، میزان خسارت وارده به این روستاییان ۶۰ میلیون ریال اعلام شد.

معرفی مدیرکل جدید بنیاد شهید و امور ایثارگران آذربایجان غربی

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: آیین معارفه مدیرکل جدید بنیاد شهید و امور ایثارگران آذربایجان غربی برگزار شد.

در این آیین که جمعی از مدیران استان، خانواده‌های شهدا و ایثارگران حضور داشتند، مهدی فعال به عنوان مدیرکل جدید بنیاد شهید و امور ایثارگران آذربایجان غربی معرفی شد و از خدمات یحیی تیموری مدیرکل پیشین این مجموعه قدردانی به عمل آمد.

دستگیری ۱۸ کیف‌قاپ حرفه‌ای در دزفول

دزفول ـ خبرنگار اطلاعات: ماموران انتظامی دزفول از ابتدای امسال تاکنون ۱۸ کیف‌قاپ حرفه‌ای را دستگیر کردند.

مطلب بالا را سرهنگ احمد چنداز فرمانده انتظامی دزفول اعلام کرد و افزود: متهمان در بازجویی‌ها به ۲۰ فقره کیف‌قاپی در این شهرستان اعتراف کردند.او اظهار داشت: متهمان با استفاده از موتورسیکلت، پس از شناسایی مالباختگان، هنگام عبور آنان از خیابان، اقدام به سرقت کیف‌دستی می‌کردند.

جامعه کارگری مایه افتخار نظام است

*فرمانده بسیج ادارات شهرستان دزفول، جامعه کارگری را مایه افتخار نظام جمهوری اسلامی ایران دانست و گفت: کارگران در دوران جنگ تحمیلی دوشادوش دیگر قشرهای جامعه در میدان جهاد حضور داشتند.

سیدعزیزالله پژوهیده، با گرامیداشت یاد وخاطره شهدای ۸سال دفاع مقدس به ویژه شهدای کارگر، افزود: قشر کارگر همواره در عرصه صنعت و تولید در کشور فعال بوده و در جنگ تحمیلی نیز سخت‌ترین دفاع را از حریم کشور داشته است.دیدار با خانواده شهدا، غبار روبی مزار شهدا، برگزاری محفل انس با قرآن، قدردانی از بسیجیان نمونه از جمله برنامه‌های هفته کار و کارگر در حوزه بسیج کارگری بود.

تدارک گسترده برای بزرگداشت فرماندهان و ۱۰۰۰ شهید پیشمرگ مسلمان کرد

سنندج ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده سپاه بیت‌المقدس کردستان از برگزاری اجلاسیه نهایی کنگره پیشمرگان مسلمان کرد در اواخر اردیبهشت در سنندج خبر داد.

سردار رجبی گفت: رزمندگان و ایثارگران کرد زبان برای پاسداری از وجب به وجب خاک میهن و مرزهای کردستان متشکل در سازمانی پیشرو و تأثیرگذار تحت عنوان «سازمان پیشمرگان مسلمان کرد» گردهم آمدند و با مسلح شدن و سازماندهی جانانه علیه استکبار و دشمنان اسلام جنگیدند و حماسه‌ها آفریدند.

فرمانده قرارگاه استانی شهید شهرامفر با بیان این‌که ایجاد بسترهای لازم با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های سپاه برای برگزاری کنگره‌ای در خور شأن شهدای پیشمرگ مسلمان کرد به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت افزود: زمینه این کار از سه سال پیش فراهم شد اما پارسال با تشکیل کمیته‌های ۲۰ گانه کار برگزاری کنگره به طور جدی آغاز شد و امیدواریم شاهد برگزاری یک کنگره تاریخی و به یادماندنی باشیم.

وی با تأکید بر ضرورت همکاری هرچه بیشتر دستگاه‌های اجرایی استان یادآور شد: شهدای پیشمرگ مسلمان کرد حق بزرگی بر گردن ملت ایران به ویژه مردم کردستان دارند چرا که امنیت و آرامش امروز منطقه مدیون ایثار و از خودگذشتگی آنان است.

فرمانده سپاه بیت‌المقدس کردستان با اشاره به برگزاری ۱۵۰ جلسه هماهنگی در داخل و بیرون از سپاه، تهیه ۱۰۰۰ تندیس و نماد شهدای پیشمرگ مسلمان کرد برای اهداء به خانواده‌های شهداء، تهیه یادمان‌هایی از ایثارگری‌های پیشمرگان مسلمان کرد و تهیه ۲۸ فیلم مستند از ۲۸ فرمانده شاخص پیشمرگان مسلمان کرد و پخش از سیمای محلی را از جمله برنامه‌های کنگره اعلام و اضافه کرد: ساخت یادمان شهدای پیشمرگ مسلمان کرد در ۱۰ مزار شهدای استان، ساخت و نصب ۱۰ تندیس شهدای پیشمرگ مسلمان کرد در ۱۰ شهرستان، برگزاری جشنواره فیلم و عکس، گردآوری زندگینامه شهداء، برگزاری مسابقه‌های ورزشی و بومی و محلی و دیدار با خانواده‌های شاهد از جمله برنامه‌های فرهنگی است که تدارک دیده شده است.

سردار رجبی در ادامه از برگزاری کنگره بزرگداشت ۵۴۲۱ شهید استان کردستان در سال آینده نیز خبر داد و افزود: کنگره پیشمرگان مسلمان کرد پیش زمینه برپایی همایش بزرگ گرامیداشت شهدای کردستان است و بخشی از برنامه‌ها و مباحث مطرح شده هم هماهنگی برای برگزاری این حرکت عظیم فرهنگی است.

وی در پایان اعلام کرد: کنگره بزرگداشت مقام شامخ شهدای پیشمرگ مسلمان کرد علاوه بر کردستان در استان‌های کرمانشاه و آذربایجان غربی هم برگزار می‌شود امام اجلاسیه نهایی با حضور یکی از سران سه قوه و ۵۰۰۰ میهمان و نیز خانواده‌های پیشمرگان مسلمان کرد روز ۲۸ اردیبهشت در سنندج برگزار می‌شود.

استاندار گیلان: تکلیف چای‌های انبار شده را روشن کنید

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با آغاز برداشت برگ سبز چای جلسهٔ رسیدگی به مسایل صنعت چای به ریاست استاندار گیلان در سازمان چای برگزار شد.

دکتر نجفی در این نشست با اشاره به بیان دغدغه‌ها و مسائل چای از سوی نمایندگان چایکار، کارخانه‌داران و رئیس سازمان چای گفت: آنچه در گزارش‌های ارائه شده مشاهده شد خالی از انتقادات و دستاوردها در فضایی مملو از امید، آرامش و همدلی برای کاهش مشکلات و صنعت چای است و دولت نهایت تلاش خود را برای بهبود بازار محصول چای انجام داده است.

وی افزود: چای سنواتی (انبار شده از قبل) باید از بین برود یا این‌که در یک مزایده بین‌المللی با نظارت عالی استانداری وزارت جهاد کشاورزی و دستگاه‌های نظارتی به‌فروش برسد و به‌صورت قانونی از کشور خارج شود.

وی گفت: هر روز نیروی انتظامی و دستگاه‌های امنیتی ما گرفتار جلوگیری از توزیع چای سنواتی هستند.

استاندار گیلان اظهار داشت: کل ارزش چای سنواتی موجود در کشور حدود ۵۰ میلیارد تومان تخمین زده می‌شود در حالی که دولت سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد تومان یارانه به چای می‌دهد. تا بازار این محصول مناسب شود.

وی ادامه داد: چای سنواتی به شمشیر بالای سر این صنعت تبدیل شده است و یکبار برای همیشه باید بحث چای سنواتی پایان یابد.

یادآور می‌شود که سال‌هاست کشاورزان چایکار شمال کشور با معضلی به نام «چای سنواتی» مواجهند که گفته می‌شود بیش از ۱۲۰ هزار تن چای تولید داخلی به «دلیل بی‌برنامگی» متولّیان امر از سال ۷۹ و حتی پیش از آن در انبارها نگهداری می‌شود و سالانه میلیاردها تومان بابت انبارداری آن پرداخت می‌شود و این در حالی است که بخش اعظم چای سنواتی از حیز انتفاع ساقط و غیر قابل استفاده شده و در حال حاضر فقط ۶۰ هزار تن آن قابلیت مصرف صنعتی دارد.

شرایط لازم برای توسعه استان چهارمحال و بختیاری فراهم است

شهرکرد ـ خبرنگار اطلاعات: معاون وزیر جهاد کشاورزی امروز با همت دولت تدبیر و امید و مسئولان استان چهارمحال و بختیاری شرایط مناسبی برای جهش اقتصادی در این استان به وجود آمده است و همدلی و همزبانی دولت و مردم نیز می‌تواند زمینه مطلوبی برای این جهش فراهم کند.

مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران و معاون وزیر جهاد کشاورزی که در حاشیه گردهمایی فعالان موثر در توسعه استان چهارمحال و بختیاری سخن می‌گفت، افزود: البته برای سرمایه‌گذاری خارجی و بخش خصوصی در استان‌های محرومی نظیر چهارمحال و بختیاری فراهم شدن زیرساخت‌ها و ارائه تسهیلات ارزان قیمت از سوی دولت نیز مورد نیاز است

وی با بیان این‌که چهارمحال و بختیاری دارای شرایط بی‌بدیلی برای پیشرفت است گفت: توسعه همه‌جانبه این استان در گرو سرمایه‌گذاری در بخش‌های گردشگری کشاورزی، دامداری، شیلات، جاده سازی و اجرای پروژه‌های مهمی نظیر راه‌آهن و کارخانه‌های فولادسازی است.

نماینده سابق مردم شهرستان‌های فارسان، کیار و کوهرنگ در مجلس شورای اسلامی در زمینه جایگاه این استان در بین دیگر استان‌ها یادآور شد: به دلیل به فعلیت در نیامدن استعدادهای استان، چهارمحال و بختیاری آن گونه که باید در کشور شناخته شده نیست و در رتبه‌بندی‌های اقتصادی و اجتماعی در ردیف پائینی قرار دارد.

دکتر علی قنبری ادامه داد: با توجه به بنیان‌های قوی استان چهارمحال و بختیاری باید تلاش کرد با همدلی و همزبانی ملت و دولت در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی این استان را به جایگاه مطلوبش برسد.

این گردهمایی با هدف بررسی راهکارهای توسعه همه‌جانبه استان با حضور مدیران دولت‌های سابق و فعلی در فرهنگسرای بزرگ شهرکرد برگزار شد.

نصب برچسب چراغ راهنمای سلامت بر روی محصولات غذایی استان قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین مرکز رادیوتراپی استان قزوین با کمک فرد نیکوکاری در بیمارستان ولایت قزوین ساخته می‌شود.

دکتر منوچهر مهرام رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان قزوین که در جمع خبرنگاران سخن می‌گفت، یادآور شد: تلاش دانشگاه رعایت تمامی استانداردهای بخش درمان است ولی متأسفانه شرایط نامناسب، قدمت بالا، کمبود فضا و تخت در بیمارستان‌های قزوین بگونه‌ای است که واقعاً شرمنده مردم می‌شوم.

او با اشاره به این که پذیرش بیمار در بیمارستان بوعلی بیش از ظرفیت آن است، اعلام کرد: پیگیر ساخت بیمارستان ۱۰۰۰ تختی قزوین هستیم و امیدواریم بزودی با عزم و همت مسئولان زمین مناسبی برای ساخت این بیمارستان اختصاص یابد.

دکتر مهرام همجواری بیمارستان اعصاب و روان با ایستگاه راه‌آهن را از دیگر دغدغه‌های بخش بهداشت و درمان دانست و افزود: در حالی که نیاز داریم تا بیمارستان روانی در مکانی آرام باشد متأسفانه بیمارستان استیجاری ۲۲ بهمن در مجاورت راه‌آهن و آلودگی‌های صوتی واقع شده و سلامت روانی بیماران را با خطر جدی روبرو کرده است.

در ادامه این نشست خبری معاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین از نصب برچسب چراغ راهنمای سلامت بر روی تمامی محصولات غذایی استان در سال جاری خبر داد.

دکتر پیمان قجر بیگی گفت: بر اساس این طرح تمامی واحدهای صنایع غذایی دارای پروانه وزارت بهداشت در استان قزوین مکلف شده‌اند با نصب برچسبی در سه رنگ قرمز، زرد و سبز خواص تشکیل‌دهنده محصولات را مشخص کنند.

به گفته با اجرای این طرح تمامی هشدارها و میزان سنجش اسیدهای چرب، شکر، نمک و مواد افزودنی و نگهدارنده بر روی برچسب محصول قید می‌شود.

معاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین افزود: نصب این چراغ که رنگ قرمز آن به عنوان علامت هشدار و رنگ سبز نشانه عادی بودن محصول است در مصرف صحیح و منطقی مواد غذایی به افرادی که دچار مشکلاتی مانند بیماری‌های قلبی و عروقی و یا دیابت هستند کمک زیادی می‌کند.

وی گفت: در حال حاضر ۲۱ واحد صنایع غذایی استان قزوین همراه با سه استان دیگر کشور در حال اجرای این طرح هستند و دیگر واحدهای صنایع غذایی نیز تا شهریور امسال ملزم به اجرا این طرح خواهند بود.

دکتر قجربیگی همچنین از ایجاد مرکز عرضه کالاهای سلامت در استان قزوین با همکاری سازمان‌های جهاد کشاورزی، استاندارد و علوم پزشکی در چند ماه آینده خبر داد و افزود: با فعالیت این مرکز و استقرار آزمایشگاه آن، به تولیدکنندگان پس از انجام آزمایش کالا، گواهی تأیید اعطا می‌شود تا از هر گونه سوء استفاده در زمینه عرضه کالاهای سلامت جلوگیری شود. وی تجهیز آزمایشگاه کنترل برای رصد فلزات سنگین و سموم را از دیگر اقدام‌های امسال دانشگاه علوم پزشکی قزوین اعلام کرد.

علی دایی سفیر بین‌المللی احیای دریاچه ارومیه شد

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار آذربایجان غربی با اهدای لوحی علی دایی را به عنوان سفیر بین‌المللی احیای دریارچه ارومیه معرفی کرد.

در قسمتی از این لوح آمده است:

جناب آقای علی دایی

از این‌که جنابعالی نیز به این موضوع مهم زیست محیطی توجه ویژه‌ای دارید، به خود می‌بالیم و از تلاشی که برای احیای دومین دریاچه شور جهان خواهید کرد، مسروریم.

یقیناً عنوان «اولین سفیر بین‌المللی احیای دریاچه ارومیه» برازنده حضرتعالی است.

امید است فرزندان این دیار، طلوع و غروب را در پهنه دل‌انگیز دریارچه ارومیه نظاره‌گر باشند.

به این مناسبت یک دیدار فوتسال بین تنی چند از بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران در جهام جهانی ۹۸ فرانسه با تیم باشگاه ۹۰ ارومیه برگزار شد. پیش از انجام این دیدار اعضای تیم منتخب فوتبال کشورمان در جام جهانی ۹۸ فرانسه در اقدامی نمادین با ریختن آب به بستر خشک دریاچه ارومیه از مردم خواستند مجریان احیای بزرگترین دریارچه دائمی کشورمان را یاری کنند.

این اقدام نمادین در مجموعه گردشگری چی چست ارومیه برگزار شد و در آن علی دایی، محمد پنجعلی، بهروز رهبری‌فرد، آتیلا حجازی و سیروس دین‌محمدی با ریختن آب در بستر نمکین دریارچه بر عزم عمومی برای احیای دومین دریاچه شور دنیا تاکید کردند.

در این مراسم که با همراهی دانش‌آموزان چند مدرسه ابتدایی ارومیه همراه بود، هنرمندان موسیقی فولکلور آذربایجان غربی نیز به هنرنمایی پرداختند.قربانعلی سعادت استاندار آذربایجان غربی در حاشیه این دیدار بر احیای دریاچه ارومیه به عنوان یک وظیفه ملی و همگانی تاکید کرد.

او گفت: احیای دریاچه ارومیه یک وظیفه ملی و همگانی است که باید تمام تلاش خود را برای احیای آن انجام دهیم.

وی اظهار داشت: این دریاچه فقط متعلق به ارومیه و تبریز نیست، بلکه به عنوان یک دریاچه بین‌المللی ثبت شده است و همه ما وظیفه داریم تا دریاچه ارومیه را احیا کنیم.

ایمن‌سازی محور «جاده نظامی» قائمشهر

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره ایمنی، ترافیک و حریم راه اداره کل راه و شهرسازی مازندران از ایمن‌سازی «جاده نظامی» شهرستان قائمشهر در قالب نصب نیوجرسی به طول ۲/۵ کیلومتر با اعتبار ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال با هدف ارتقای افزایش ایمنی محور خبر داد.

محمد نظری افزود: محور مذکور به دلیل وجود مواهب طبیعی (کوه، جنگل)، استقرار مراکز دانشگاهی و صنعتی، وجود روستاهای متعدد و راه ارتباطی مردم قائمشهر با سوادکوه شمالی، یکی از پرترددترین محورهای فرعی، مازندران به شمار می‌رود.

وی ادامه داد: به دلیل موارد فوق از سال ۱۳۸۸ عملیات تعریض و چهارخطه شدن این محور در دستور کار قرار گرفته که تا به امروز عملیات اجرایی بیش از ۱۰ کیلومتر از مسیر به اتمام رسیده است و همزمان با عملیات تعریض، اجرای ایمن‌سازی این محور در قالب نصب نیوجرسی، اجرای خط‌کشی، نصب علائم و تابلوهای ایمنی، نصب چراغ‌های چشمک‌زن و نصب چراغ چشم گربه‌ای در دستور کار قرار گرفت.

او افزود: علاوه بر این محور عملیات نصب نیوجرسی درمحورهای ارتباطی آمل ـ بابل قدیم و محور هراز در دست اجراست.

درخشش فیلمسازان و عکاسان تبریزی در اصفهان

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: فیلمسازان و عکاسان تبریزی در دومین جشنواره‌ی ملی فیلم و عکس جلوه‌های آب اصفهان موفق به کسب رتبه‌های برتر شدند.

یاشار دادبخش جایزه بهترین تصویربرداری را برای فیلم «اینام» و علیرضا سلمان پور جایزه بهترین کارگردانی را برای فیلم «کوزمک» در بخش داستانی این جشنواره کسب کردند و صابر قاضی نیز در بخش عکس محیط زیست و طبیعت موفق به کسب رتبه اول شد.در بخش داستانی از مهدی حیدری فیلمساز آذربایجان غربی برای فیلم «شپه» نیز تقدیر به عمل آمد.همچنین فیلمسازان و عکاسانی از استان‌های تهران، اصفهان، مازندران، گیلان، خراسان رضوی، زنجان، همدان، ایلام، فارس و البرز نیز در بخش‌های مختلف موفق به دریافت جوایز این جشنواره شدند.

اخبار کوتاه شهرستانها

رونمایی از تازه‌ترین نقشه زمین‌شناسی تبریز

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: تازه‌ترین نقشه جامع زمین‌شناسی تبریز در نشستی با حضور معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی رونمایی شد.

این نقشه به همت کارشناسان فنی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور در مقیاس یک بیست و پنج هزارم در قالب پروژه ژئودینامیک آذربایجان تهیه شده است.

در این نقشه جزئیات بیشتری از گسل تبریز در شاخه‌های مختلف و در محدوده‌های شمال و شمال شرقی آن مشخص شده و اطلاعات زمین‌شناسی آن کارآمدتر شده است.به گفته کارشناسان، اطلاعات و آورده‌های این نقشه علاوه بر مراکز علمی و دانشگاهی به عنوان ابزار کار مناسب مهندسان و دستگاه‌های اجرایی و عمرانی دارای کاربردهای تازه و فنی در ساخت و سازهای شهری و توسعه فعالیت‌های عمرانی است.

خطر تخریب، تپه باستانی باشت را تهدید می‌کند

باشت ـ خبرنگار اطلاعات: یکی از آثار مهم باستانی شهرستان باشت در معرض انهدام و آسیب از سوی پیمانکاران طرح‌های عمرانی قرار گرفته است.

این اثر باستانی که در محدوده یک تپه قدیمی در جاده قدیم روستای «کئه» است، از مدتی قبل در مسیر طرح تقاطع غیرهمسطح قرار گرفته است و خطر تخریب آنرا تهدید می‌کند. اگرچه واکنش‌های لازم برای جلوگیری از تخریب این اثر از سوی مسئولان میراث فرهنگی باشت و مسئولان استانی ابراز شده است، امّا هنوز برخی از مسئولان محلی اصرار دارند که این تپه برای اجرای طرح تقاطع غیرهمسطح یاد شده باید تخریب شود.کارشناس اداره میراث فرهنگی باشت در این باره می‌گوید: مشکل از زمانی آغاز شد که مسئولان و پیمانکار پروژه این تقاطع غیرهمسطح بدون استعلام لازم از اداره میراث فرهنگی اقدام به اجرای طرح و تخریب حریم این تپه کردند، اما خوشبختانه مسئولان میراث فرهنگی به موقع متوجه شدند و جلوی ادامه فعالیت آنها را گرفتند.رحیم دادی‌نژاد معاون میراث فرهنگی کهکیلویه و بویراحمد نیز در این مورد گفت: با توجه به نظر کارشناسان و عقاید اهالی و ساکنان اطراف این تپه و با توجه به این که پلان این اثر تاریخی به صورت مربع است، احتمال این که این محل یک مکان مذهبی باشد وجود دارد.

آلودگی تالاب میقان با پساب فاضلاب اراک

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: به دلیل ورود پساب فاضلاب اراک به تالاب میقان، میزان املاح معدنی تالاب کم شده و احتمال می‌رود این تالاب در فصل سرما یخ بزند.

دکتر ریاضی محقق تالاب و املاح معدنی، با بیان مطلب بالا، افزود: ورود پساب فاضلاب اراک به تالاب میزان نمک آن را کاهش می‌دهد. وی اضافه کرد: اگر قرار است پساب اراک به آن وارد شود باید تمهیدات بیشتری در این مورد انجام شود.او گفت: تالاب میقان از لحاظ حیات وحش جانوری، دارای پستانداران کوچک و ۴۰ نوع پرنده است و سالانه ۱۰۰۰ درنا به آنجا کوچ می‌کنند و در صورتی که آب یخ بزند؛ میزان کوچ پرندگان به آن کاهش خواهد یافت.

بررسی عوامل آلاینده محیط زیست در فردیس

کرج ـ خبرنگار اطلاعات: یک دوره کارگاه آموزشی در زمینه بررسی عوامل آلاینده‌های محیط زیست و راهکارهای جلوگیری آن برای کارکنان و کارشناسان بخش صنعت آرد در شرکت آرد البرز واقع در شهرک صنعتی سیمین دشت توسط کارشناس اداره حفاظت محیط زیست فردیس برگزار شد.در این دوره آموزشی که با حضور ۴۰ نفر از کارشناسان و کارکنان صنعت آرد برگزار شد، درباره راههای حفظ محیطزیست در محیط کار و مدیریت پسماند و پساب مباحثی مطرح شد و در ادامه کارشناسان محیطزیست به سوالات مطرح شده پاسخ گفتند.

توقف فعالیت یک واحد زغالگیری در نظرآباد

* یک کارگاه زغالگیری از چوب واقع در اراضی روستای نجم‌آباد بخش تنکمان شهرستان نظرآباد به لحاظ رعایت نکردن قوانین و مقررات زیست محیطی تعطیل شد.

قاسمپور رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان نظرآباد در این‌باره اظهار داشت: این واحد به دلیل رعایت نکردن ضوابط استقرار صنایع و محدودیت شعاع یکصد و بیست کیلومتری تهران (مستند به ماده ۱۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا) و نیز ایجاد آلودگی محیط زیست از طریق انتشار دود غلیظ حاوی گاز خطرناک منواکسیدکربن (مستند به ماده ۱۵ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا) به طور دائم و کامل متوقف شد.وی افزود: بموجب قرار داشتن نظرآباد در شعاع ۱۲۰کیلومتری شهر تهران، استقرار و فعالیت تمام واحدهای تولیدی صنعتی فراتر از رده ۳ ضوابط استقرار صنایع ممنوع است.

اعتبارات خراسان رضوی پاسخگوی خدمت به زائران بارگاه رضوی نیست

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: اعتبارات استانی جوابگوی خدمت‌رسانی به ۲۷ میلیون زائر داخلی و خارجی مشهدالرضا نیست.

محمد حسن واحدی معاون هماهنگی امور زائران استانداری خراسان رضوی از دولت‌خواهان تحقق سرانه خدمت به زائران شد و افزود: ۴۰۰ میلیون شیعه در جهان نگاهشان به مشهد مقدس است.

وی در ادامه از تخصیص ۵ میلیارد تومان اعتبار برای جاده نیشابور ـ مشهد ویژه زائران خبر داد و گفت: امنیت زائران پیاده در ۶ محور منتهی به مشهد با مشکل روبرو بود که در این راستا ساخت پیاده راه جاده نیشابور به عنوان نخستین محور در دست اقدام است.

وی با اشاره به اینکه اعتبارات لازم کاملاً تخصیص نیافته است بر لزوم جذب مشارکت نیکوکاران در این طرح تاکید کرد.

واحدی بودجه زیارت را ۲۰ میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: این مبلغ بسیار اندک است. به گفته وی از سال ۹۰ تاکنون ۱۴۷میلیارد تومان اعتبار از بودجه به استان تخصیص یافته که ۹۸ میلیارد تومان آن نقدی بوده است.

واحدی با اشاره به تخصیص اعتبارات ۲۹ دستگاه دولتی در استان خراسان رضوی، گفت: ۱۲۱ پروژه نیز در این زمینه تعریف شده است.

معاون هماهنگی امور زائران استانداری خراسان رضوی اعلام کرد: مطالعه توسعه کمی و کیفی زیارت از سال ۸۸ کلید خورد و با برنامه‌ریزی جامع و کامل در امر زیارت قرار شد توسعه استان خراسان رضوی از کریدور زیارت اتفاق بیفتد.

وی با اعلام تشکیل معاونت زیارت در استانداری خراسان رضوی با ساختاری شامل مدیرکل امور رفاهی زائران و مدیرکل امور فرهنگی زائران؛ افزود: در خراسان رضوی تمامی فعالیت‌ها برای خدمت‌رسانی به زائران رضوی انجام می‌شود.

واحدی گفت: وظایف معاونت زیارت استانداری مطالعه و تدوین نقشه جامع امور مذهبی و هماهنگی، هدایت و ارائه راهکار برای ارائه خدمات مناسب به زائران استان است.

معاون هماهنگی امور زائران استانداری خراسان رضوی افزود: مطالعه و تدوین برنامه‌های ارائه خدمات به زائران برای رفع چالش‌ها و مشکلات و نظارت و ارزیابی بر فعالیت دستگاه‌های متولی خدمت رسان نیز از وظایف معاونت زیارت است.

مرکز جامع سرطان مازندران در ساری ایجاد می‌شود

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس دانشگاه علوم پزشکی مازندران از راه‌اندازی مرکز جامع سرطان مازندران در جوار بیمارستان امام خمینی (ره) ساری در نیمه نخست امسال خبر داد.

قاسم جان‌بابایی با اعلام این خبر افزود: این مرکز در بخش‌های جراحی بیماران سرطانی،بیماری‌های خون، پیوند مغز و استخوان و پژوهشکده خدمات ارائه خواهد داد.

وی از توسعه اورژانس بیمارستان‌ها به عنوان اولویت‌های دانشگاه نام برد و گفت: امسال طرح تجهیز، توسعه و نوسازی اورژانس بیمارستان‌های امام خمینی(ره) بهشهر، بوعلی سینای ساری، ۱۷ شهریور آمل، امام سجاد(ع) رامسر و شهید بهشتی نوشهر انجام می‌شود.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی مازندران با اشاره به توسعه طب اورژانس در استان افزود: با به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی این موضوع مهم محقق می‌شود. جان‌بابایی با بیان این‌که ۱۳۰ خانه بهداشت سال گذشته افتتاح شد، افزود: یک سوم خانه‌های بهداشت روستایی مازندران استیجاری هستند که تلاش داریم این مکان‌ها را تملک کرده یا جایگزین مناسبی برای آنها بسازیم.

وی درباره خدمات دندانپزشکی در مازندران گفت: برای توسعه بخش دندانپزشکی ۳۰ دندان‌پزشک متخصص در کلینیک باغبان ساری به کارگیری شده‌اند و علاوه بر آن در ۱۱ شهرستان نیز کلینیک دندانپزشکی زمان عصر را فعال کرده و سیستم ارجاع در دندانپزشکی را اجرا خواهیم کرد.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی مازندران با اشاره به افزایش زایمان سزارین در کشور گفت: مازندران در کنار گیلان، بالاترین عمل سزارین را در کشور دارد و برای رفع این مشکل باید فرهنگ‌سازی شود.

او با بیان این‌که بهسازی و امکان حضور پزشکان مقیم در مراکز ملکی بهداشتی و درمانی مازندران فراهم شده است، افزود: ۹۰ درصد مراجعات مردمی به مراکز درمانی سرپایی است و با برنامه‌ریزی‌های انجام شده کلینیک‌های تخصصی درمانی در تمامی شهرستان‌های مازندران راه‌اندازی خواهد شد و به همین منظور کلینیک تخصصی درمانی در آمل، گلوگاه و سومین کلینیک در آینده نزدیک در ساری راه‌اندازی می‌شود.

وی با اشاره به برخورد جدی دانشگاه علوم پزشکی مازندران به معضل زیرمیزی گفت: درباره معضل زیرمیزی هر هفته در این دانشگاه جلسه داریم و قطعاً اگر شکایتی وجود داشته باشد، با آن برخورد می‌شود.

صدور مجوز برای ایجاد مؤسسات خیریه تسهیل شود

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار زنجان خواستار تسهیل در صدور مجوز برای موسسات خیریه استان شد.

وی تأخیر در صدور مجوز مؤسسات خیریه را مغایر با گسترش این مجموعه‌ها دانست و افزود: با تأخیر در صدور مجوز مؤسسات خیریه، کسی مانع فعالیت خیرخواهانه آنها نخواهد شد ولی چنانچه هنگام انجام فعالیت‌های این موسسات، نبود صلاحیت احراز شود باید از ادامه فعالیت آنها ممانعت شود.

مهندس انصاری که در نشست بانوان خیر استان زنجان سخن می‌گفت؛ یادآور شد: فعالیت در موسسات خیریه ضمن تأمین معاش و ایجاد ارتباط اجتماعی، عبادتی برای تقرب به خداوند است و انجام این امور با نیت خالص و با رویکردی داوطلبانه و دلسوزانه، اثربخشی بیشتری نسبت به انجام آن از سوی دولت دارد.

وی افزود: چنانچه دستگاه‌های دولتی منابعی در راستای امور خیریه و حمایت از قشرهای ویژه جامعه در اختیار داشته باشند بهترین روش هزینه این منابع، از طریق موسسات خیریه است.

مهندس انصاری با اعلام این که در مقررات مربوط به ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد، ایجاد شبکه‌ها نیز پیش‌بینی شده است، گفت: تشکیل شبکه موسسات خیریه روند جلب حمایت‌های دستگاه‌های اجرایی، ارتباط موسسات مختلف با یکدیگر و آشنایی با اقدام‌ها و فعالیت‌های آنها را تسهیل می‌کند.

وی تأکید کرد: حمایت‌های موسسات خیریه از نیازمندان نباید مادام‌العمر باشد و باید به محض خودکفایی و کسب توانایی نسبی قطع شود.

او خطاب به بانوان نیکوکار استان زنجان گفت: اقتضای پرداختن به امور خیریه در کشور ما و در همه دنیا رسیدن به سنین پختگی است اما از انتقال تجربیات به نسل جوان و فرزندان خود نباید غافل شویم تا این فعالیت‌ها به تدریج با میانگین سنی کمتری تداوم یابد.

مهندس انصاری همچنین با اشاره به مسائل زنان افزود: تنظیم و تصویب قوانین مربوط به زنان کشور از رویکردی کامل برخوردار نیست و نیازمند اصلاح است.

استاندار زنجان تأکید کرد: باید در نظام اداری و قانون‌گذاری تلاش شود زمینه بهره‌مندی مساوی اشتغال و تحصیل بانوان در جامعه فراهم آید.

به گفته انصاری بخش خصوصی می‌تواند فضای فعالیت بیشتر و گسترده‌تری در مقایسه با بخش دولتی برای فعالیت بانوان فراهم کند.

دهلران نیاز به ایستگاه تحقیقات کشاورزی دارد

دهلران ـ خبرنگار اطلاعات: نشست هم‌اندیشی و همفکری با نخبگان و فارغ‌التحصیلان کشاورزی دهلران برگزار شد.

در این نشست امیدعلی سبزی فرماندار دهلران اعلام کرد: واگذاری زمین‌های کشاورزی به دانش‌آموختگان رشته کشاورزی با اولویت ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان و بیکار بومی در دستور کار است.

به گفته وی دانش‌آموختگان رشته کشاورزی آمادگی دارند تا در قالب تعاونی‌ها و استفاده از آبیاری مکانیزه این زمین‌ها را اداره کنند و زمینه افزایش تولید و رونق کشاورزی منطقه را فراهم آورند.

سبزی با اشاره به ظرفیت‌های کشاورزی دهلران و تولید نیمی از محصولات کشاورزی استان ایلام در این شهرستان یادآور شد: مدیریت ارشد استان ایلام به جد موضوع اشتغال دانش‌آموختگان رشته کشاورزی را پیگیر هستند و این نشان از نگاه دولت به استفاده از دانش‌آموختگان و کارشناسان بخش کشاورزی برای ایجاد اشتغال و افزایش تولید دارد.

فرماندار دهلران زمین، آب، نیروی انسانی، ماشین‌آلات مدرن، برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری و حمایت دولتی و همدلی را از فاکتورهای توسعه کشاورزی دانست و تأکید کرد: دانش‌آموختگان کشاورزی باید با برنامه و استفاده از دانش خود زمینه تحول و رونق بخش کشاورزی منطقه را فراهم کنند.

وی افزود: جهاد کشاورزی، اداره منابع طبیعی و امور آب باید با برنامه‌ریزی مسائل تأمین آب زمین‌های کشاورزی را پیگیری کنند.

سبزی با تأکید بر ضرورت استقرار سامانه گرمسیری در شهرستان دهلران و ایستگاه تحقیقات کشاورزی در بخش موسیان، گفت: راه‌اندازی یک ایستگاه تحقیقاتی کشاورزی برای امکان‌سنجی کاشت انواع محصولات کشاورزی در دهلران به عنوان قطب کشاورزی استان از ضروریات منطقه است.

به گفته وی شهرستان گرمسیری دهلران ۱۰۳ هزار هکتار زمین مستعد کشاورزی دارد که از این سطح ۳۰ هزار هکتار به صورت آبی و بقیه به صورت دیم کشت می‌شود.

آغاز عملیات اجرایی سد «باغان» جم از هفته آینده

بندردیر ـ خبرنگار اطلاعات: عملیات اجرایی سد «باغان» در شهرستان جم هفته آینده آغاز می‌شود.

نمایندهٔ مردم شهرستان‌های کنگان دیر، جم و عسلویه با اعلام این مطلب افزود: این سد با اعتبارات ویژه‌ای ساخته خواهد شد و موجبات رونق کشاورزی را در این منطقه فراهم خواهم کرد.

حجت‌الاسلام موسی احمدی که در جمع مردم شهر دوراهک از توابع شهرستان دیر سخن می‌گفت، یادآور شد که در سال ۹۳ مبلغ ۸۰ میلیارد ریال از محل تبصرهٔ ۲۲ برای توسعه عمران روستایی و شهری در اختیار این شهرستان قرار گرفت.

وی درباره بیمارستان در حال ساخت دیرگفت: برای تکمیل و راه اندازی بیمارستان دیر پیگیرهای زیادی شده است و اکنون این پروژه بدون توقف در حال اجراست که با قولی که پیمانکار داده تا قبل از شهریور امسال ساختمان آن تحویل داده می‌شود.

او افزود: یک درمانگاه نیز توسط یک فرد خیر اهل شهرستان دیر ساخته شده است که برای تکمیل تجهیز آن یک دستگاه اکو و سونوگرافی از مرکز کشور برای آن در نظر گرفته‌ایم.

او با اشاره به کاهش قیمت محصول گوجه فرنگی شهرستان دیر اظهار داشت: برای جلوگیری ازکاهش شدید این محصول، مکاتبات زیادی با مسئولان جهادکشاورزی صورت گرفت که دولت را متقاعد کردکه محصولات مانده روی دست کشاورزان را خریداری کند که با این سیاست خوب دولت تاکنون ۵۰ هزارتن از این محصول در استان را با قیمت هر کیلوگرم سه هزار ریال خریداری کرده است.

نماینده مردم کنگان،دیر،جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی افزود: در ارتباط با اورژانس جاده‌ای،ساختمان کتابخانه شهر دوراهک، اشتغال جوانان،پروژه امدادهوایی دوراهک، زمین چمن ورزشی برای جوانان و استمهال وام کشاورزان مکاتبات زیادی شده است.

آمار برداری از وسائط نقلیه در جاده‌های آذربایجان شرقی

تبریز– خبرنگار اطلاعات: طرح آماربرداری مبداء– مقصد سفرهای باری و مسافری همزمان با سراسر کشور در جاده‌ای مواصلاتی آذربایجان شرقی اجرا می‌شود.

مدیرکل حمل و نقل و پایانه‌های آذربایجان شرقی با اعلام این خبر، افزود: این طرح از امروز تا ۲۰ اردیبهشت به صورت شبانه‌روزی و با توقف وسایل نقلیه به صورت موردی اجرا می‌شود

داریوش باقر جوان مهمترین اهداف این طرح را سازماندهی حمل ونقل جاده‌ای در زمینه حمل و نقل کالا و مسافر، ترانزیت، ایمن سازی عبور و مرور، شبکه راهها وکاهش تصادفات جاده‌ای و تهیه الگوی سفرهای باری، مسافری و شخصی اعلام کرد.

وی با اشاره به این‌که آخرین طرح آمارگیری از وضع حمل و نقل جاده‌ای سال ۸۳ اجرا شده گفت: این آمار و اطلاعات نیازمند بازنگری بوده و با اجرای این طرح آمار و اطلاعات جدید در این حوزه جایگزین می‌شود.

به گفته باقر جوان در قالب این طرح پرسشگران در ۳۶ ایستگاه تعیین شده مستقر و مسئولیت تردد شماری و پرسشگری را انجام خواهند داد و تمامی وسائط نقلیه شامل تاکسی، وانت بار، مینی‌بوس، اتوبوس، کامیونت، ادوات کشاورزی و... به صورت بصری مورد شمارش قرار می‌گیرند.

وی افزود: تردد شماری در تمامی راه‌های مهم استان، انجام می‌شود و اطلاعات آن با اطلاعات تردد شماره‌ای برخط تطابق خواهد یافت، تا به نسبت تردد در جاده‌ها، برای ارتقای سطح سرویس جاده‌ها، برنامه‌ریزی شود.

باقر جوان با اشاره به این که در بخش پرسشگری نیز انواع وسایط نقلیه به صورت موردی متوقف خواهند شد، گفت: اطلاعاتی مانند وضع پلاک خودرو، شناسه‌های وسائط نقلیه، نوع وسیله، سرنشینان خودرو در این بخش از رانندگان سوال خواهد شد.

در اجرای این طرح اداره کل حمل و نقل و پایانه‌های آذربایجان شرقی و پلیس راه با یکدیگر همکاری خواهند کرد و استانداری و فرمانداری‌های شهرستان‌ها نیز به عنوان دستگاه‌های نظارتی و جهاددانشگاهی استان به عنوان پیمانکار عملیاتی این طرح فعالیت خواهد داشت.

شهید سپهبد قرنی؛ نماد ارتش انقلابی

در روزها و ماه‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین تلاش عوامل استکبار، انحلال ارتش بود. منافقان تلاش گسترده‌ای را آغاز کردند و در سخنرانی و اجتماعاتشان به‌طور مکرر این خواسته مغرضانه را مطرح می‌کردند.

اما تصمیم اصلی را باید حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه می‌گرفتند و تکلیف ارتش را مشخص می‌کردند.

ارتشی‌ها در همان روزهایی که به شدت در معرض تبلیغات مسموم دشمن بودند، وظیفه‌شان را به درستی انجام می‌دادند. یکان‌های مستقر در مرز، همچنان در مرزها حضور داشتند و رفتار کشورهای همسایه را با دقت بررسی و به اطلاع مسئولان می‌رساندند.

خلبانان و رزمندگان پدافند در نیروی هوایی همچنان رخت رزم بر تن داشتند و در خدمت انقلاب و مردم بودند. شناورهای نیروی دریایی هم پرصلابت و مقتدر در دریا مأموریت‌هایشان را انجام می‌دادند.

صدور فرمان حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه مبنی بر تعیین روز ارتش، همان قدر که این جماعت را مصمم و خرسند کرد، موجب یأس و عصبانیت منافقان و دشمنان انقلاب شد. به این ترتیب، نخستین واکنش آنان در برابر چنین تصمیمی آن بود که در فاصله کمتر از یک هفته از روز ارتش، نخستین مسئول نظام اسلامی هدف سوءقصد قرار گرفت، به شهادت رسید.

شهادت سپهبد محمدولی قرنی، نخستین رئیس ستاد ارتش، نشان‌دهنده منتهای خشم دشمن از تدبیر امام(ره) بود.

شهید قرنی با پیشینه سال‌ها مبارزه و تلاش انقلابی، نماد یک ارتش کاملاً مردمی و همراه انقلاب بود. او روایتگر جماعتی است که حساب تکلیف را از «امر ملوکانه» جدا کردند و مصمم به عمل هوشمندانه به تکلیف بودند.

زندگینامه

شهید سپهبد محمدولی قرنی در سال ۱۲۹۲ هجری شمسی در تهران به دنیا آمد و ۱۰ ساله بود که پدرش را که یکی از مدیران مخابرات تهران بود، از دست داد و از آن پس در کنار مادرش زندگی سختی را آغاز کرد.

وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان «گلبهار» اصفهان به اتمام رساند، و پس از یک سال به تهران آمد. تحصیلات متوسطه شهید قرنی در دبیرستان «دارالفنون» تهران آغاز شد و در دبیرستان نظام به پایان رسید. او در سال ۱۳۰۹ وارد دانشکده افسری ارتش و در سال ۱۳۱۱ با درجه ستوان دومی در رسته توپخانه فارغ‌التحصیل شد.

در اواخر سال ۱۳۳۵ هنگامی که قرنی رئیس رکن دوم ستاد ارتش بود، فعالیت‌های سیاسی‌اش را علیه رژیم شاه آغاز کرد. در اسفند ۱۳۳۶ به اتهام طرح کودتا علیه رژیم پهلوی بازداشت شد. با وجود این‌که جرایم سنگینی به وی نسبت داده شده بود، به سه سال زندان و اخراج از ارتش محکوم شد.

قرنی در دی ۱۳۳۹ مورد عفو قرار گرفت، از زندان آزاد شد، اما در قالب ارتباطاتی با نهضت آزادی و آیت‌الله طالقانی ادامه داد، تا این‌که اواخر ۱۳۴۲ مجدداً بازداشت شد. این بار

شهادت سپهبد قرنی، نخستین رئیس ستاد ارتش، نشان‌دهنده منتهای خشم دشمن از صدور فرمان حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه مبنی بر تعیین روز ارتش بود

نزدیک به ۹ ماه در زندان انفرادی به سر برد. او مجدداً در یک دادگاه نظامی به سه سال زندان محکوم و در دی ۱۳۴۵ از زندان آزاد شد. شهید قرنی تا پیروزی انقلاب تحت نظر ساواک خانه‌نشین بود.

سپهبد قرنی که در دوران قبل از انقلاب، مسئولیت‌هایی از قبیل: معاونت ستاد ارتش، فرمانده تیپ مستقل رشت، ریاست رکن دوم ستاد مشترک ارتش را بر عهده داشت، در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷؛ یعنی یک روز پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به ریاست ستاد مشترک ارتش منصوب شد.

وی در روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۷، در دفتر ریاست ستاد ارتش، تمثال مبارک حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه بنیانگذار جمهوری اسلامی را نصب کرد و خطاب به حاضران طی سخنانی گفت: «ارتش شاهنشاهی که می‌گفتند از مجهزترین ارتش‌های دنیاست و شاید از نظر ادوات و تجهیزات درست می‌گفتند، اما چون ایمان و اعتقاد نداشت، ظرف چند ساعت متلاشی شد. افراد یک ارتش در وهله اول باید مومن باشند و ثانیاً آرمان آنان حفظ استقلال میهن باشد، نه حمایت از یک فرد.

ارتش ایران قبل از این، تبدیل به یک ارتش متکی به فرد شده بود و دیدیم که چه زود متلاشی شد، تاریخ معاصر نشان داده است که هر وقت متجاوزان حمله کرده‌اند، ارتش مضمحل شده است. به عنوان مثال، در شهریور ۱۳۲۰ همین اتفاق افتاد. در این زمان نیز یک عده مردم در پناه ایمان به خدا و بدون سلاح پیروز شدند. امروز به اینجا آمده‌ایم و شما دوستان می‌بینید



که هیچ چیز وجود ندارد باید به این ارتش شکل داد و بعد هم تصفیه صورت گیرد و ایمان و عقیده باید حاکم گردد.»

شهید سپهبد قرنی به عنوان رئیس ستاد مشترک ارتش ایران در یک گفتگوی مطبوعاتی در اول اسفند ۱۳۵۷ اعلام کرد: «اگر ارتش ملی را به هر وسیله تضعیف کنند، استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور به خطر می‌افتد.

قصدمان این است که یک ارتش ملی اسلامی به وجود آوریم تا با حکومتی که در آینده در ایران به وجود می‌آید، هماهنگی کامل داشته باشد. امیدواریم در ارتش، تشکلی به وجود آوریم که دشمنان کشور نتوانند کوچک‌ترین لطمه‌ای به ایران وارد کنند. ارتش ما باید بر مبنای دیدگاه‌های اسلامی و عدل و انصاف تربیت شود.

من از همه خواهران و برادران عزیز می‌خواهم که به پیروی از دستور امام خمینی(ره)، بی‌جهت به برادران ارتشی توهین نکنند و به آنها افترا نزنند و اجازه بدهند که آنها وظایف خودشان را در این برهه حساس انجام دهند.»

وی به عنوان نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش ایران، پس از انقلاب فعالیت‌هایش را برای بازسازی این نهاد نظامی آغاز کرد.

شهید سپهبد قرنی، با پیروزی انقلاب و تشکیل دولت، مسئولیت حساس ریاست ستاد ارتش را به مدت ۴۳ روز در حالی عهده‌دار شد که هر لحظه حادثه نگران‌کننده‌ای در شرف وقوع بود.

وی در دورانی که منافقان از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در بسیاری از شهرها به ویژه کردستان دست به ایجاد آشوب زدند، از سقوط پادگان سنندج جلوگیری کرد و اجازه نداد که این پادگان مهم به دست عناصر ضد انقلاب بیفتد. شهید قرنی که از وی به عنوان اولین شهید پس از پیروزی انقلاب یاد می‌شود، در مواجهه با غائله کردستان با اتخاذ تصمیمی قاطع و به موقع توانست مانع پیشروی ضدانقلاب شود.

وی در گفتگوی مطبوعاتی با روزنامه «الکویت» گفته بود: «ایران را کشوری در خط اول جبهه و در برابر اسرائیل تلقی کنید. روابط میان ایران و کشورهای حوزه نفت‌خیز خلیج فارس، روابطی دوستانه خواهد بود و ...»

شهید سپهبد قرنی، علاوه بر مسئولیت ریاست ستاد مشترک ارتش، از بدو تشکیل شورای انقلاب، عضو آن شورا بود. ایشان در سوم اردیبهشت ۱۳۵۸، در منزلش توسط گروهک تروریستی «فرقان» به شهادت رسید.

شهید قرنی و مبارزه با تجزیه‌طلبی

عمده تلاش این فرمانده شهید در دوره تصدی ریاست مشترک ستاد مشترک ارتش، مقابله جدی با اقدام‌های خرابکارانه گروهک‌های وابسته و دشمنان انقلاب در غائله کردستان بوده است.

آمریکا همواره به دنبال تحقق این نیت شوم بود که مناطق کردنشین را به کانون بحران تبدیل کند تا به اهداف استعماری‌اش دست یابد. در این میان، طرح ایجاد «کردستان بزرگ» راهبرد تجزیه‌طلبانه حزب دموکرات بود که توسط سازمان سیا (CIA) در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی پیگیری و حمایت می‌شد.

در چنین شرایطی، شهید قرنی افرادی را که با اتخاذ مواضع منفعلانه به این آشوبگران کمک می‌کردند، با شهامت، صلابت و صراحت لهجه‌ای که داشت، مامور اجنبی خواند و در اقدامی موثر نیروهای داوطلب را از لشکر یکم پیاده به منطقه اعزام کرد و زمینه نبرد غرورانگیز این نیروها را در پادگان سنندج با عناصر ضد انقلاب فراهم آورد.

به خاطر این نبرد بود که لشکر ۲۸ سنندج از خطر سقوط و عواقب جبران‌ناپذیر آن نجات یافت. شهید قرنی، آن‌گاه به منظور حفظ نظم نیروهای مردمی که در لبیک به فرمان امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه جهت سرکوب عوامل ضد انقلاب به منطقه درگیری گسیل شده بودند، آنها را هدایت و رهبری کرد و با مدیریت صحیح بحران، مانع از تجزیه بخشی از ایران انقلابی شد.

بدین‌ترتیب، می‌توان گفت شهید سپهبد محمد ولی قرنی یکی از شهدای تراز اول کشور است که با شجاعت و قاطعیت مثال‌زدنی، مانع از اجرای نقشه شوم دشمنان اسلام و انقلاب شد.

شهید قرنی، به روایت دوستان و آشنایان

همسر شهید قرنی در گفتگویی پس از ترور این شهید بزرگوار گفت: «سپهبد قرنی در رژیم شاه و نظام طاغوت تا درجه سرلشکری ارتقا یافت، اما زمانی که متوجه اسلام‌زدایی و ستمگری شاه و جنایات و خیانت‌های آمریکا در ایران شد به تمام مزایا و امتیازات جایگاهی که داشت، پشت پا زد و ...»



اطلاعات
چاپ دوم
دوشنبه سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ـ شماره ۱۵۸۳۷ تکشماره ۱۵ ریال

دادسرای انقلاب
در صفحه ۸

...ک میشد!
...اوقاف قسمتی از مخارج ... شاه ساواک را در کشور های عربی می پرداخت در صفحه ۸

سرلشگر قرنی را ترور کردند

سرلشگر قرنی

اقدام شوم منافقین در ترور سپهبد قرنی بازتاب گسترده ای در مطبوعات به دنبال داشت

مهندس محمد رضا قرنی، فرزند شهید قرنی طی خاطره‌ای می‌گوید: «یکی از بازرسان سازمان ملل یا بانک جهانی به ایران آمده بود که نحوه هزینه وام پرداخت شده به ایران را مورد بررسی قرار دهد. پدرم او را شبانه ـ و به صورت محرمانه ـ به مناطق محروم شهر برد و به وی گفته بود اینجا فقر و تنگدستی حاکم است و آن پول در جاهای غیر ضروری هزینه شده است. این موضوع به گوش شاه رسید و خیلی عصبانی شد. پدرم را مواخذه کرده بود که چرا این کار را کرده‌ای؟ پدرم، پاسخ داده بود که حقیقت را گفته‌ام و اینکه هر پرونده اختلاسی را که بررسی می‌کنند، ریشه‌اش به یکی از وابستگان دربار می‌رسد و ...»

فرزند شهید قرنی همچنین می‌گوید: «از نکات درخور توجه دیگر در زندگی پدرم، علاقه زیاد برای کمک به نیازمندان،

شهید سپهبد قرنی، با پیروزی انقلاب و تشکیل دولت، مسئولیت حساس ریاست ستاد ارتش را به مدت ۴۳ روز در حالی عهده‌دار شد که هر لحظه حادثه نگران‌کننده‌ای در شرف وقوع بود

نویسندگی و مطالعه (به ویژه کتب مذهبی) بود ایشان تفسیرالمیزان را به طور کامل خوانده، حتی حاشیه‌ای هم بر آن نوشته بود. پدرم با تمام وجود در خدمت انقلاب و اسلام بود و شهادت ایشان گواه این مدعاست.»

نحوه شهادت قرنی از زبان محافظش

چند دقیقه قبل از شهادت ایشان، در حیاط منزلشان نزدیک شهید قرنی ایستاده بودم. یادآوری کردم که چند جوان از طبقه دوم هتل ـ که کاملاً بر منزل شهید مشرف بود ـ مواظب منزل هستند. ایشان گفت: «اینها دو نفر دانشجو هستند. ظاهرشان را نگاه کن؛ آدم‌های خوبی هستند.» گفتم که تیمسار، دارند ورود و خروج ما را یادداشت می‌کنند!

گفت: «پسرم، سنگ و سربی را که به معدن می‌برند، اگر قطعه‌ای از آن به نام من باشد، باید به من اصابت کند. بنابراین اگر بخواهی سپر بلای من بشوی، نمی‌توانی.» این صحبت‌ها درست ۱۰ دقیقه قبل از شهادتش بود.

شهید قرنی بعد، قوری چای را که خانمش آورده بود، گرفت و آورد. آن موقع، دو نفر کارگر هم بودند که داشتند نرده‌های منزل را صیقل می‌دادند به آنها گفته بودم که بدون اطلاع من در منزل را باز نکنید. همان موقع، یک نفر از آن دو کارگر دوید و در را باز کرد. همین‌طور که داشتم به آن کارگر اعتراض می‌کردم، فرد مهاجم، یوزی را زیر گلویم گذاشت و سلاحم را گرفت.

مهاجم آن‌گاه مرا به داخل کوچه برد و اطرافم را به رگبار بست. اشهدم را خواندم ولی صدای دو سه گلوله دیگر هم از منزل برخاست.

یادم می‌آید که یک کارگر در کوچه، تیرآهنی حدود دومتر روی دوشش بود؛ با دیدن صحنه حیران شده بود. کارگر اگر آن تیرآهن را می‌انداخت، مهاجمان نمی‌توانستند فرار کنند. او کاملاً مبهوت شده، خشکش زده بود.

آنها خیلی سریع فرار کردند. در حالی که سلاح نداشتم، تیمسار را بغل کردم داخل ماشین گذاشتم و به بیمارستان بردم. با تأسف مرا از بیمارستان بیرون انداختند به ستاد ارتش تلفن زدم. تا ساعت ۲۱ آنجا بودم.

خبرنگارانی از روزنامه کیهان و روزنامه‌های دیگر آمدند، اما دستم از چاره کوتاه بود. پزشکان معالج تیمسار و مسئولان ارتش اقدامات خود را انجام دادند، ولی موثر واقع نشد و ایشان به لقاءالله پیوست. شهید قرنی، در آخرین لحظات، زیرلب گفته بود: «ترور من کار آمریکائی‌هاست.» امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه طی اطلاعیه‌ای شهادت ایشان را تسلیت گفتند و مراتب تاثرشان را به مناسبت شهادت محمد ولی قرنی نسبت به خانواده ونزدیکان ایشان ابرازکردند.

برجسته‌ترین افتخارات

–اولین رئیس ستاد ارتش

–عضویت در نخستین ترکیب شورای انقلاب اسلامی

–نخستین مبارز در جهت حفظ یکپارچگی کشور و مبارزه با تجزیه‌طلبی

–نخستین قربانی عناصر ضدانقلاب (شهید ترور)

شوخی در فضای آتش و خون

خستگی برای رزمندگان معنا نداشت، شوخ طبعی و مزاح آنها با یکدیگر در موجی از آتش وخون، فضای جبهه را در برخی مواقع چنان تلطیف می‌کرد که خاطرات آن دوران اکنون هم پس از گذشت سالها وقتی نقل می‌شود، خنده بر لب می‌نشاند.

رزمندگان در دوران دفاع مقدس با وجود قرار گرفتن در فضای خشن جنگ و موقعیتی که هر دم احتمال شهادت آنها می‌رفت، با یکدیگر شوخی و به نرمی رفتار می‌کردند، سر به سر هم می‌گذاشتند و از هر موقعیتی برای شاد کردن یکدیگر استفاده می‌کردند. اما طی سال‌های گذشته همواره به بخش‌هایی از دوران دفاع مقدس پرداخته شده که در برگیرنده تلخی، جراحت و آتش و خون است، در حالی که شوخ طبعی‌ها در آن دوران حتی به فرهنگی ماندگار تبدیل شده است و با گذشت چند سال از آن، هنوز از برخی واژه ها و عبارت‌هایی که بکار برده می‌شد، استفاده می شود.

کتابی هم درباره اصطلاحات و فرهنگ جبهه در چند جلد به چاپ رسیده است.یکی از این اصطلاحات، نیروهای اطلاعات عملیات دشمن بود که وقتی سر و کله مگس ها و پشه ها به خصوص در فصل گرما در جبهه پیدا می‌شد، آن را بکار می برند، این امر عاملی برای تحمل سختی رزمندگان بود.

در ادامه این سطور چند خاطره از کتاب «فرهنگ و اصطلاحات جبهه» بیان می‌شود که حکایت از شوخ طبعی و روحیه شاد رزمندگان دارد.

آبگوشت شیشه ای

شلمچه بودیم، بی سیم زدیم به حاجی که، پس این غذا چه شد؟

خندید و گفت: کم کم آبگوشت می رسد.

دل خود را صابون زدیم برای یک آبگوشت چرب و چیلی که یکی از بچه ها داد زد: آمد، تویوتای قاسم آمد.

خودش بود، تویوتا روبروی ما ایستاد. قاسم زخم و زیلی پیاده شد، ریختیم دور او و پرسیدیم: چه شده؟

گفت: تصادف کرده ام.

– غذا کو؟

– جلوی ماشین است.

در تویوتا را به زور باز کردیم و قابلمه آبگوشت را برداشتیم.

نصَف آبگوشت ها ریخته بود کف ماشین و دور قابلمه، با خوشحالی می‌رفتیم که قاسم از کنار تانکر آب داد زد: نخورید، نخورید، داخل آن خرده شیشه است.

با خوش فکری مصطفی رفتیم یک چفیه و یک قابلمه دیگر آوردیم و آبگوشت ها را صاف کردیم، خوشحال بودیم و می رفتیم طرف سنگر که دوباره گفت: نبرید، نبرید، نخورید.

گفتیم: آبگوشت را صاف کردیم.

گفت: خواستم شیشه ها را درآورم، دستم خونی بود، داخل آن چکید.

همه با هم گفتیم: اه ه ه، مرده شور ترا ببرد، قاسم.

بعد روی زمین ولو شدیم، احمد بسته نان را با سرعت آورد و گفت: تا برای نان ها مشکلی پیش نیامده، بخورید.

بچه ها هم مثل جنگ زده ها به نان ها حمله کردند.

وضوی خاکشیر

شلمچه بودیم، حاجی گفت: باید جاده تمام شود.

ساعت ۱۰ شب بود که کار ما تمام شد، هوا شرجی و گرم بود. کار که تمام شد، بولدوزرها را گذاشتیم داخل سنگرها و سوار ماشین ها شدیم و راه افتادیم.من نشستم جلوی آمبولانس، ماشین سرعت داشت و باد تندی داخل ماشین می‌وزید.

پارچی جلوی پایم بود، دست کردم داخل آن، پر از خاکشیر خشک بود، مشت خود را پر می کردم و دم پنجره می گرفتم.

باد خاکشیرها را به صورت بچه ها می پاشید، هر از گاهی، یکی از بچه‌ها می‌گفت: عجب گرد و خاکی، باد با خود شن هم می آورد.

پارچ خاکشیر را تا آخر گرفتم جلو پنجره و به روی خودم هم نمی آوردم تا به مقر رسیدیم.

آخرین دقیقه های دعای کمیل بود، صدای گریه بچه ها مقر را پر کرده بود، دویدیم داخل سنگر تا ما هم گریه ای کنیم و ثوابی ببریم، لامپ ها خاموش بود، گوشه ای را پیدا کردیم و دور هم نشستیم.

تا آمدیم جا خوش کنیم و با بچه‌ها هم ناله شویم، دعا تمام شد. همه بلند شدند، سلامی به ائمه اطهار(ع) دادند و برق‌ها را روشن کردند.

هنوز برق‌ها روشن نشده بود که همگی خیره به هم نگاه کردند، بعد از لحظه ای صدای خنده آنها سنگر را لرزاند.

همگی هاج و واج به همدیگر نگاه می کردیم و از هم می پرسیدیم، چرا به ما می‌خندند؟

حاجی آمد جلوتر، دست مرا گرفت و گفت: محسن، پس چرا تو با خاکشیر وضو نگرفته‌ای؟

دوباره صدای خنده سنگر را پر کرد و من هم مثل یخ وا رفتم.

گزینه‌های دشوار

۲۲۲

هیلاری کلینتون

وزیر امورخارجه ایالات متحده امریکا ۲۰۰۹-۲۰۱۳

ترجمه: علی اکبر عبدالرشیدی

وانگاری ادامه داد که افریقا باید خواستار دولت های خوب باشد. از رهبران خود حساب پس بگیرد. از سرمایه گذاران خارجی و شرکایی که با آنها داد و ستد می کنند هم حساب و کتاب بخواهد.من کاملا با حرف او موافق بودم. بوتسوانا را مثال زدم که چگونه انتخاب درست می‌تواند به نتایج خوب منجر شود. بوتسوانا در اواسط قرن بیستم، زمانی که در سال ۱۹۶۶ استقلال خود را از بریتانیا کسب کرد به عنوان کشوری محصور در میان خشکی و واقع در شمال افریقای جنوبی یکی از فقیرترین کشورهای جهان بود. فقط سه کیلومتر راه هموار و یک دبیرستان داشت و بس. سال بعد از استقلال، یک معدن الماس در این کشور کشف شد که آینده بوتسوانا را برای همیشه تغییر داد. دولت جدید بوتسوانا به ریاست جمهوری سرتسه خاما[20] با ثروتی هنگفت و بازیگران خارجی فراوانی که هر یک برنامه‌ای برای خود در دست داشتند روبرو شد.

بسیاری از کشورها در شرایطی اینچنین گرفتار نفرین منابع خود می‌شوند و به دلیل فساد و دولت های بد، مزایای این ثروت را به باد می‌دهند. رهبران، جیب های خود را پر می کنند و منافع کوتاه مدت را بر منافع پایدار بلند مدت ترجیح می دهند. دولت ها و شرکت های خارجی از وجود نهادهای ضعیف بهره می برند و مردم را مثل گذشته در فقر نگه می دارند. اما در بوتسوانا چنین نشد. رهبران این کشور یک صندوق اعتماد ملی تشکیل دادند و درآمد حاصل از تجارت الماس را در آن ریختند تا صرف سرمایه گذاری برای مردم و زیر ساخت های کشور شود. در نتیجه بوتسوانا شکوفا شد. یو.اس.اید. و سپاه صلح [امریکا] مجبور شدند کاسه و کوزه خود را جمع کنند و از بوتسوانا بروند. با انتخابات منظم، آزاد و عادلانه، دموکراسی در این کشور ریشه گرفت و حقوق بشر نیز در این کشور سابقه درخشانی از خود برجای گذاشت. امروز بهترین شاهراه های قاره افریقا در بوتسوانا دیده می شود. در سال ۱۹۹۸ وقتی با بیل به این کشور رفتیم این شاهراه ها را دیدم. آموزش و پرورش ابتدایی در این کشور تقریبا در حد استاندارد جهانی است. آب تمیز در اختیار مردم است و امید به زندگی در این کشور یکی از طولاترین امیدهای به زندگی در افریقا است. رهبران بوتسوانا یک منشور پنج ماده‌ای ارائه کرده اند که عبارتست از: «دموکراسی، توسعه، نظم، بازدهی و شأن انسانی».

اگر کشورهای افریقایی بیشتری از الگوی بوتسوانا پیروی کرده بودند امروز افریقا بر بسیاری از چالش های فرا راه خود فائق آمده بود. در نایروبی به حاضران گفتم:

– «اگر موضوع درآمدهای ناشی از فروش منابع به صورت یک بسته دیده شود و مشخص شود این منابع کجا هزینه می شود، چه کسانی از آن بهره مند می شوند و سود این درآمد کجا می رود، آن وقت بهترین روزهای افریقا در پیش رو خواهد بود.»

بعد از سوال و جواب های بسیار در مورد انتخاب های پیش روی مردم افریقا، زکریا به سراغ یک موضوع ساده تر رفت. پنج سال پیشتر از آن یک عضو شورای شهر کنیا برای بیل کلینتون نامه ای نوشته بود و همراه آن نامه ۴۰ بُز و ۲۰ گاو خود را در ازای ازدواج با دختر ما پیشنهاد کرده بود. وقتی من برای سفر به نایروبی آماده می شدم آن مرد دوباره در رسانه‌ها اعلام کرد که پیشنهادش همچنان به قوت خود باقیست. زکریا برای تغییر ذائقه حاضران می خواست بداند نظر من در مورد این پیشنهاد چیست. من ابتدا مکث کردم. در اکناف عالم به سوالات زیادی پاسخ داده بودم اما این سوال در نوع خود اولین بار مطرح می شد. در پاسخ گفتم:

– «خوب! دختر من شخصیت خود را دارد. خیلی مستقل است. من این پیشنهاد بسیار مهربانانه را به او خواهم رساند.»

دانشجویان با شنیدن این پاسخ شروع به خنده و کف زدن کردند.

ادامه دارد

پی نویس:

20-Seretse Khama

یمن؛ویتنام آل سعود

پیامدهای سنگین شکست عربستان در یمن

■ بخش بیست و یکم

اشاره:کارشناسان ابراز عقیده می‌کنند که عربستان با پایان دادن به عملیات توفان قاطع در حقیقت رسما شکست را پذیرفته و عملا دستاورد نظامی خاصی از این حملات پرهزینه نداشته است.در این مقاله به بررسی ابعاد این شکست می‌پردازیم.

***

سرویس خارجی: پایگاه خبری عربی پرس نوشت ، شکست عربستان در جنگ یمن، خلاصه، واضح و غیرقابل تفسیر نتیجه تجاوز ریاض به یمن و کشتار مردم بی گناه این کشور است. به نوشته این پایگاه خبری عربی زبان، پس از۴ هفته بمباران، ریاض وادار شد بدون دستیابی به هیچ دستاورد سیاسی یا نظامی، تجاوز موسوم به توفان قاطعیت را متوقف کند.

این در حالی بود که نه جنبش مردمی انصارالله در زیربمباران های وحشیانه تسلیم شد و نه نیروهای خود را حتی از یک وجب خاک مناطق تحت تسلط خود عقب برد و نه مبارزه قانونی و مشروع خود با تروریست های القاعده را در استان حضرموت و دیگر بخش ها متوقف کرد.عربستان در یمن مرتکب جنایت های جنگی درحق غیرنظامیان شد، زنان، کودکان و سالمندان را به خاک و خون کشید، تاسیسات، پل ها و نهادهای خدماتی را ویران کرد و چرخه زندگی روزانه خانواده ها، دانش آموزان، کارگران و همه ملت یمن را به هم ریخت.

با این حال نه به هدف اعلام شده خود که بازگرداندن عبدربه منصور هادی رئیس جمهوری مستعفی و فراری این کشور بود دست یافت و نه توانست به هدف پنهان خود یعنی مسلط کردن تروریست های القاعده بر ملت یمن و تقسیم این کشور بر اساس مذهب و برافروختن جنگ مذهبی دست یابد. عربی پرس نوشت،ملت صبور یمن با تمام شجاعت و صبوری با این تجاوز روبه رو شد و حتی برای بدترازآن نیز آمادگی داشت.

اما گروه ها و کسانی که به عنوان پسمانده‌های اخوان المسلمین و برخی از احزاب پوسیده، این تجاوز را تایید و ازآن حمایت کردند، حکم خیانت به کشور و ملت را برخود جاری ساختند.عربستان از یمن شکست خورد و این شکست حتمی بود. زیرا از همان ابتدا دو گزینه بیشتر در پیش روی نداشت: یا باید بدون هیچ دستاوردی، تجاوز هوایی خود را متوقف می کرد یا وارد تجاوز زمینی می شد که به سیطره کامل آل سعود بر سرزمین و مردم عربستان پایان می داد.

سرانجام آل سعود به منظور گریز از این سرنوشت محتوم برای سرزمین عربستان، گزینه اعتراف به شکست را انتخاب کرد و در این میان ایران و روسیه سیاست آرام سازی و اقدامات مسالمت آمیز را در پیش گرفتند.به نوشته عربی پرس، ابتدا مسکو به ریاض اجازه داد برای حفظ آبروی خود، قطعنامه ای را در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب برساند. پوتین نیز با درپیش گرفتن سیاست مهار، ازخودکشی آل سعود جلوگیری کرد و درمورد پیامدهای خطرناک ادامه تجاوز به یمن به شاه این کشور هشدار داد و خواستار حضور ملک سلمان پادشاه این کشور در کرملین به منظور رایزنی بیشتر شد.پوتین به شاه عربستان اعلام کرد که در مقابل پذیرش این کشور به پایان دادن به جنگ و دخالت در سوریه، عراق و یمن، حاضر است امنیت عربستان را تضمین کند .

در همین راستا، دیپلماسی ایران نیز به سمت یافتن راه حلی برای خاموش کردن آتش جنگ نه تنها در شبه جزیره عربستان بلکه در سراسر جهان اسلام حرکت کرد.اگرچه تجاوز وحشیانه عربستان به یمن با هدف جلوگیری از استقلال ملت یمن بود، اما آل سعود که از اعتراف غربی ها به قدرت ایران در منطقه نگران بودند، در یک اقدام نابخردانه خود را به لبه پرتگاه نزدیک کردند .

این اقدام رژیم آل سعود ناشی از تحولات راهبردی در دو سطح منطقه ای و بین المللی است که یکی ازآن ها توافق احتمالی ایران و کشورهای ۵+۱ است که می تواند به حل و فصل پرونده هسته ای ایران و لغو تحریم ها منجرشود. اما آل سعود پس از شکست مفتضحانه در یمن، چاره ای جز پذیرش توازن جدید قدرت درسطح منطقه‌ای و بین المللی و اعتراف به این موضوع که از این پس بقای آن ها در گرو تفاهم راهبردی با تهران و مسکو است، ندارد.پس از این شکست، هدف جدید توفان قاطع دیگر سوریه نخواهد بود، بلکه تنها راه حل در این کشور آغاز گفتگوها با حضور قدرتمند سقف بشار اسد رییس جمهوری سوریه خواهد بود. ریاض پس از این شکست، باید واقعیت هایی را درعراق بپذیرد که تاکنون از پذیرش آن فرار می کرد و آن به رسمیت شناختن دولت جدید عراق با ویژگی حضور در محور مقاومت است .

ملک سلمان شاه عربستان پس از این شکست، به کمپ دیوید (آمریکا) خواهد رفت و این بار خوب به اندرزهای واشنگتن در مورد اجرای اصلاحات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی گوش فرا خواهد داد. زیرا غرب که تاکنون از وهابیت و فرآورده های تروریستی آن به عنوان یک ابزار سیاسی درکشورهای منطقه استفاده می کرد، اکنون احساس کرده است که عربستان وهابی – تروریستی قدیمی به خطری برای تمام دنیا تبدیل شده و جهان چاره ای جزکشیدن خط بطلانی بر این عربستان قدیمی ندارد .بنابراین آل سعود یا باید حکومت خود را بازسازی کند یا باید جهانیان برای همیشه از شر آن رهایی یابند.

همچنین روزنامه الاخبار لبنان اعلام کرد ، برخی تحولات میدانی و اعمال فشار از سوی ایران در جریان رایزنی با کشورهای اروپایی و آمریکا دلیل اصلی اعلام آتش بس در یمن از سوی عربستان بود.روزنامه الاخبار لبنان با انتشار گزارشی درخصوص اعلام آتش بس در یمن اعلام کرد که پاره ای از تحولاتی که اخیرا در عرصه میدانی در جنگ عربستان به یمن رخ داد، عربستان را مجبور به توقف جنگ گسترده ای کرد که علیه این کشور آغاز کرده بود.

این منبع همچنین به وجود ارتباط میان وزرای خارجه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خصوص تحولات یمن اشاره و در ادامه تصریح کرد: پس از وجود نشانه هایی دال بر قصد عربستان برای گسترده کردن دامنه حملات هوایی، تهران به کشورهای اروپایی اعلام کرد که در مقابل این امر ساکت ننشسته و دست بسته نخواهد بود. بر اساس این گزارش کشورهای اروپایی پس از رایزنی با آمریکا پیامی را به ریاض ارسال کرده و در این پیام از تمسک بیش از حد عربستان به زور و خشونت در یمن که منجر به کشته و زخمی شدن شمار بسیاری از غیر نظامی‌ها در این کشور شده بود اعتراض کردند.

از سوی دیگر آمریکا از تحرکات نظامی ایران در عرصه دریایی و احتمال کمک تسلیحاتی به انصار الله بیمناک شده و به انجام رایزنی‌ها با ایران در این خصوص پرداخت که تهران نیز در پاسخ به آمریکا اعلام کرد که در مواجهه با تجاوز عربستان خود را محدود نخواهد کرد.

در این گزارش همچنین تاکید شده است که «محمد جواد ظریف» وزیر خارجه ایران با «جان کری» وزیر خارجه آمریکا به صورت تلفنی گفتگو کرد و در این گفتگوی تلفنی کری تاکید کرد که واشنگتن گسترش ناامنی و درگیری‌ها را در منطقه به صلاح نمی بیند و با برقراری ارتباط با مقامات سعودی درخصوص توقف درگیری‌ها و آغاز روند سیاسی رایزنی خواهد کرد.بر این اساس ظهر همان روز تهران از موافقت عربستان با توقف جنگ علیه یمن باخبر شد.

از سوی دیگر عربستان با مشاهده لزوم حمله زمینی به یمن و سرباز زدن همپیمانانش در ائتلاف ضد یمنی از مشارکت در این امر به نوعی تحت فشار قرار گرفت و این مسئله به اضافه تحولات دیگری که به اهرم فشاری برای عربستان تبدیل شده بود، ریاض را ملزم به اعلام آتش بس در یمن کرد.

از طرفی،عربستان سعودی با حمله تمام قد خود به انصارالله یمن، القاعده را که حیاتش به ادامه آشوب‌ها و ناآرامی‌ها بند است، در این منطقه گسترش داده است. اما تحلیلگران معتقدند ریاض در نهایت مجبور خواهد شد تا با این گروه رو به رو شود.خبرگزاری فرانسه در تحلیلی درباره جنگ افروزی عربستان در یمن و نتایج آن می‌نویسد: با پیشروی انصارالله در عدن، پناهگاه جنوبی عبد ربه منصور هادی، رئیس جمهور فراری یمن، ریاض ائتلافی از کشورهای عربی و سنی را برای آغاز حملات هوایی علیه شیعیان یمن تشکیل داد .از آن زمان، هواپیماهای این ائتلاف مواضع انصارالله و متحدانش را در سراسر کشور بمباران کردند و همزمان قبایل سنی وارد مبارزه با این گروه شدند.

الی الهندی، کارشناس مسائل بین‌المللی دانشگاه نوتردام در لبنان در این باره می‌گوید: ماهیت درگیری‌های یمن طوری است که باید اقرار کنیم افراط گرایان به حدی فضا برای مانور و عرض اندام دارند که دیگر مبارزه با القاعده یک اولویت ضروری نیست.این نکته شاید این مساله را توضیح دهد که چرا ریاض به اشغال مکلا، مرکز استان حضرالموت از سوی القاعده در دوم آوریل واکنشی نشان نداد.با این حال کارشناسان این روزها درباره تاثیرات نامطلوب مداخله نظامی در «اتحادیه احتمالی» بین ریاض، مهد وهابی‌گری و القاعده که قتل شیعیان را واجب می‌داند، صحبت می‌کنند.با تمامی این تفاسیر الهندی در این باره اظهار می‌کند، یک اتحاد دوفاکتو به نظر غیر ممکن می‌رسد.القاعده در شبه جزیره عرب با بهره بردن از بمباران هوایی حضرالموت از سوی عربستان توانست فرودگاه مکلا و یک پایگاه نظامی پر از تسلیحات سنگین را تصرف کند.

میتو گایدر، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه تولوز فرانسه در این باره گفت: زمانی که ائتلاف سرگرم کارش است، القاعده با اشغال مواضع از شرایط سوء استفاده می‌کند.گایدر توضیح می‌دهد که اگر این ائتلاف در شکست حوثی‌ها پیروز شود، گام بعدی مقابله با القاعده است که مشروعیت دولت یمن را نیز تهدید می‌کند.با این حال در حال حاضر ایجاد یک جبهه دیگر کار ریاض را سخت می‌کند. این در حالی است که واشنگتن به عنوان متحد کلیدی این ائتلاف نیز سهم خودش را با فشار وارد کردن بر افراط گرایان از طریق کمپین هوایی ایفا می‌کند .

در همین حال القاعده شبه جزیره عرب اعلام کرد که ابراهیم الربایش، ایدئولوگ این گروه طی حملات هوایی در نزدیکی مکلا کشته شده است. همچنین یک گروه نظامی دیگر در حملاتی مشابه در شمال استان شبوه کشته شدند.

این در حالی است که از سال گذشته، دولت یمن با انصارالله در شمال و القاعده در جنوب شرق درگیر بوده است. اما با پیشرفت انصارالله در شمال و پس از آن اشغال صنعا نیروهای دولتی از هم پاشیدند و رئیس جمهور به عربستان گریخت. به گفته ژان پیر فیلیو، استاد امور بین‌الملل دانشگاه پاریس، ریاض با هدف گیری تهران و انصارالله به عنوان دشمن اصلی به جای صالح که عامل اصلی در ورود یمن به آشوب است، گزینه‌های اشتباهی را هدف خود قرار داده است.فیلیو در این باره ادامه می‌دهد: جنبش ضد شیعی بیش از آنکه ضد صالح باشد، آلت دست افراط‌گراها شده است.ریاض هم چنین نیاز دارد تا مسئولیت دخالت نظامی قبایل مسلح را که آنها هم با حوثی‌ها می‌جنگند برعهده بگیرد.

طی این درگیری‌ها قبایل توانستند تنها ترمینال گازی کشور را در بالحاف اشتغال کنند و سه روز پس از آن توانستند یک میدان نفتی را نیز در حضرالموت تحت کنترل گیرند.یکی از سران قبایل یمن در گفتگو با خبرگزاری فرانسه گفته بود مردان قبایل قصد دارند از این تاسیسات به منظور تضمین عدم دستیابی القاعده یا حوثی‌ها به آنها حفاظت کنند.

فیلیو با این حال در این باره اظهار می‌کند: چنین اشغالی نماد دیگری از فروپاشی این کشور و تسلط دوباره منابع مصادره شده به دست رژیم صالح است که سه دهه اخیر زمام قدرت را در این کشور در دست داشته است.منابع نظامی می‌گویند، اعضای فعلی و اسبق القاعده همچنین در کنار نیروهای قبایل مبارزه می‌کنند.

نکته قابل توجه اما این است که برای ریاض تمام افراط گراها ضرورتا اعضای القاعده نیستند بلکه ممکن است این افراط گراها متعلق به قبایل باشند که می‌توانند از متحدان محسوب شوند. اما باید در نظر گرفت که هر تلاشی برای ایجاد مجدد ثبات در یمن نیاز به مقابله با القاعده دارد. الهندی در این باره عنوان می‌کند: مبارزه با القاعده به نظر می‌رسد که در حال حاضر اولویتی ضروری محسوب نمی‌شود بلکه در حقیقت تثبیت مقام دولت فعلی راه درست برای ریشه کن کردن افراط گرایی در یمن است که البته تا رسیدن به این هدف راهی بس طولانی باقی است.

این در حالی است که،از آغاز تجاوز هوایی عربستان سعودی به یمن، ۵ استان یمن از این حملات درامان مانده است که هر کدام دلیلی دارد.اغلب استان‌های جمهوری یمن از آغاز تجاوز عربستان سعودی تا به امروز، بارها هدف بمباران جنگنده‌های سعودی قرار گرفته است.استانهای صعده، صنعا و عدن در مقایسه با سایر استان‌ها بیشترین خسارت را دیده‌اند اما پنج استان یمن در این میان، از بمباران مستثنی شده‌اند که نام این استان‌ها و دلایل عدم بمباران آنها در ادامه می‌آید.

۱- استان حضرموت: در این استان دو منطقه نظامی مهم وجود دارد. منطقه نخست نظامی در حضرموت به ریاست سرتیپ «عبدالرحمن الحلیلی» اداره می‌شود که از «عبدربه منصور هادی» رئیس‌جمهوری مستعفی و فراری یمن حمایت کرده است و به همین دلیل نیز از تجاوز و بمباران در امان مانده است.

۲- استان «المهره»: این استان که در مرز یمن و عمان قرار دارد، شاهد حضور نیروی نظامی وابسته به منطقه دوم نظامی حضرموت است و دارای محور عملیاتی در «الغیظه» و تیپ ۱۳۷ پیاده‌نظام این منطقه و تیپ ۱۲۳ پیاده نظام «بحات» است که از تجاوز عربستان سعودی به دلیل همپیمانی با هادی و اعلام حمایت از او در امان است.

۳- استان یا جزیره «سقطری»: یکی از جدیدترین استانهای یمنی است که از دسامبر ۲۰۱۳ به عنوان استان، وارد نقشه یمن است. این منطقه مدتها از توابع استان «عدن» و سپس «حضرموت» بود. به دلیل بعد جغرافیایی این استان و مناطق تحت کنترل انصارالله، از حملات سعودی‌ها در امان است ضمن اینکه در این استان نیز، یک تیپ نظامی وابسته به منطقه نظامی دوم در استان حضرموت حضور فعال دارد.

۴- استان «المحویت»: به رغم آنکه انصارالله حضور فعالی در این استان به دلیل نزدیک بودن آن به استان صنعا دارند و این استان در روزهای نخست سیطره انقلابیون یمن بر صنعا، شاهد حمایت‌ها و پشتیبانی‌های متعدد از انقلاب بود، اما از تیررس جنگنده‌های سعودی دور مانده است.

۵- استان «ریمه»: با توجه به طبیعت کوهستانی و سخت این استان، وجود تیپ‌های نظامی ارتش یمن در آن بسیار دشوار است لذا حضور نظامی در این استان به حضور یگانهای ویژه از نیروهای امنیت مرکزی یمن محدود می‌شود و نیروهای ارتشی در آن فعالیت ندارند. لذا از آنجا که هدف عربستان، تبدیل یمن به کشوری بدون ارتش است، هیچ دلیل و انگیزه‌ای برای بمباران این منطقه ندارد.

ادامه دارد

وزیر اطلاعات: دولت تعدد جناح‌ها و گرایش‌های سیاسی را مغایر با وحدت ملی نمی‌داند

سرویس شهرستان‌ها ـ وزیر اطلاعات با تاکید بر این‌که سیاست دولت تدبیر و امید این نیست که فرزندان نظام را به حاشیه ببرد، گفت: دولت تعدد جناح‌ها و گرایش‌های سیاسی را مغایر با وحدت ملی و منافع نظام نمی‌داند.

به گزارش ایرنا: حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمود علوی که به استان البرز سفر کرد؛ در نخستین نشست شورای اداری استان در سال۹۴؛ گفت: در کشوری که می‌خواهد فضای آزاد حکمفرما باشد؛ طبیعی است که سلایق سیاسی وجود داشته باشد.

وی اضافه کرد: البته شاید عده‌ای در این فضای آزاد سیاسی به جای تلاش برای تعامل به دنبال تقابل باشند و چنگ به چهره دیگران بکشند؛ همانطور که پیش از این دولت‌هایی شکل گرفتند که دنبال یک جریان خاص بودند و تلاش کردند که جریان مقابل را به حاشیه ببرند.وزیر اطلاعات ادامه داد: این مسایل شاید در جامعه‌ای که هنوز به بلوغ سیاسی نرسیده طبیعی باشد؛ اما امروز کشور به بلوغ سیاسی دست یافته است و جریان‌های سیاسی با هم رقابت می‌کنند اما رفاقت هم دارند دولت این فضا را می‌پسندد و شاکله دولت نیز این راه را می‌رود.

وی با تاکید بر این‌که گرچه تحریم‌ها اراده ملت ایران و مسئولان نظام را متزلزل نکرده اما آثار خود را در اقتصاد کشور داشته است؛ گفت: در دولت همه در جهت حل مشکلات کشور بدون هیاهو؛ سر و صدا و جنجال گام برمی‌دارند و کشور به صورت ید واحده در مقابل دشمنان نظام در آمده است.

ایجاد فضای سالم برای رقابت سیاسی

وزیر اطلاعات در ادامه با اشاره به درپیش بودن دو انتخابات مهم مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در پایان امسال؛ ایجاد فضای باز و سالم برای رقابت‌های سازنده را یک اصل اعلام کرد و گفت:به مدیران کل در استان‌ها اعلام شده که هرگونه اقدام از سوی هر فرد و جریان سیاسی که به امنیت و آرامش مردم آسیب می‌رساند را مدیریت کنند زیرا معتقدیم نباید این‌گونه صداها بیشتر شود.

آزمون ولایتمداری

وزیر اطلاعات در ادامه میزان پایبندی مسئولان به رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص همدلی و همزبانی و وحدت ملی را خط‌کش خوبی برای اثبات ولایتمداری افراد دانست و اظهار داشت: وقتی رهنمودهای مقام معظم رهبری ارائه می‌شود؛ اگر با نظرات خودمان نیز مغایر باشد؛ به خواسته‌ها و رهنمودهای ایشان توجه کنیم؛ ولایتمداری هستیم پذیرفتن نظر ولی فقیه به هر طریق؛ ثابت می‌کند که ما در ولایتمداری صادق هستیم.

او اضافه کرد: کسانی که نسبت به دولت یازدهم نقدهای گزنده مطرح می‌کردند و سیاه‌نمایی داشتند؛ اگر پس از تاکیدات مقام معظم رهبری نقدها مشفقانه شود نشان می‌دهد که چقدر ولایتمدار هستند و در حقیقت این عرصه آزمونی ولایتمداری است.

وی قدرت و صلابت دستگاه اطلاعاتی، نیروهای نظامی و انتظامی را حافظ امنیت و آرامش کشور دانست و گفت: امروز دشمن به خود اجازه نمی‌دهد که درباره نظام اسلامی بد بیندیشد؛اما با این وجود این مردم هستند که تکیه‌گاه واقعی این نظام محسوب می‌شوند.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین علوی اضافه کرد: به‌عنوان وزارت اطلاعات در این چارچوب حرکت کرده و برقراری امنیت برای آحاد مردم در نظام را دنبال می‌کنیم و معتقدیم همه قشرها باید با امنیت کامل بتوانند حرف‌های خود را بزنند و نگرانی نداشته باشند.وی ادامه داد: امنیت که باشد اقتصاد هم شکوفا می‌شود و تلاش ما این است که فعالان اقتصادی احساس امنیت داشته باشند؛ وزارت اطلاعات امروز به دنبال چنین امنیتی است که بر جامعه حکمفرما نیز شده است.او در ادامه استان البرز را خاستگاه انسان‌های ارزشمند در عرصه مختلف دانست و گفت: شخصیت‌هایی نظیر آیت‌الله طالقانی؛ آیت‌الله اشتهاردی و آیت‌الله رفیعی و بزرگانی چون جلال‌آل احمد و شهید فلاحی به البرز تعلق دارند.البرز به تعبیر مقام معظم رهبری ایرانی کوچک است و تابلویی از تمامیت ایران اسلامی که اقوام؛ طوایف و سلایق مختلف در آن با همدلی و هم‌افزایی زندگی می‌کنند که نمونه بارز آن همدلی بین مسئولان این استان است.

ادای احترام به شهدا

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود علوی وزیر اطلاعات پس از ورود به کرج با حضور در گلزار شهدای گمنام واقع در صحن مصلی نماز جمعه کرج با قرائت فاتحه به مقام شامخ این عزیزان ادای احترام کرد.

الهام امین‌زاده: هدف دولت قانونگرایی و احترام به حقوق است

سرویس شهرستانها: معاون حقوقی رئیس‌جمهوری گفت: معادل۲۰۰ میلیون دلار در دولت تدبیر و امید حل اختلاف رایگان توسط استانداری‌ها انجام شده است.

الهام امین‌زاده دیروز در نشست شورای هماهنگی امور حقوقی دستگاه‌های اجرایی و نظارتی استان کرمان افزود: برخی استانداران ما آنقدر قوی هستند که قوانین فعلی نمی‌تواند فضای مورد نیاز را برای تصمیم‌گیری آنان ایجاد کند که از جمله آنها می‌توان به استاندار کرمان اشاره کرد.

وی گفت: کرمان دانشکده حقوق دارد و می‌توان در زمینه آموزش برای سایر استان‌ها از این استان کمک گرفت.

بنابر این هدفی را که در دولت یازدهم دنبال می‌کنیم، قانونگرایی و احترام به حقوق است.معاون رئیس‌جمهوری افزود: بیش از ۱۰۰ سال است که قانونگریزی یک هنر قلمداد شده و تبعیت از قانون کار بیهوده‌ای قلمداد شده و می‌خواهیم این فرهنگ را عوض کنیم.امین‌زاده اظهار داشت: اگر مردم این اطمینان را داشته باشند که احترام به حقوق، آزادی و امنیت و منافع آنها را تأمین می‌کند، آن را به خوبی اجرا می‌کنند.

او با اشاره به این که ۱۱ هزار عنوان قانون در کشور داریم، گفت: قانون باید زبان ساده و شفاف باشد و باید ببینیم چند درصد مردم مسلط به قانون اساسی هستند؛ باید تلاش کنیم که احترام و ارتباط مردم با قانون ایجاد شود.وی بیان کرد: سامانه «dotic.ir» به صورت رایگان و آنلاین ایجاد شده است تا مردم هر کجا بتوانند به قوانین دسترسی داشته باشند؛ مردم باید بدانندو بخشنامه‌هایی که در برخی دستگاه‌ها به نفع مردم صادر شده است، باید به گوش مردم برسانند.معاون حقوقی رئیس‌جمهوری با اشاره به این که شیوه تدوین لایحه‌نویسی در این دولت بزودی ابلاغ می‌شود، گفت: اگر لایحه‌ای این شرایط را نداشت آن را عودت می‌دهیم.وی گفت: سعی می‌کنیم قانون برنامه ششم قانون کلی و بدون این که دست و پاگیر باشد برای پنج سال آینده تهیه شود.

او گفت: آمار تغایر مصوبات دولت با قوانین جاری از ۱۴ درصد به ۲ درصد کاهش پیدا کرده و در راستای قانونگرایی است.

وی اظهار داشت: کاهش ورودی‌های دعاوی به دیوان عدالت اداری انجام شده و اجازه نداده افراد علیه دولت شکایت کنند که یک مساله مهم است.

معاون حقوقی رئیس‌جمهوری در سفر یک روزه خود به کرمان در نشست هم‌اندیشی با استادان و صاحبنظران در دانشگاه شهید باهنر کرمان شرکت کرد.

شرایط پرداخت مستمری به بازماندگان بیمه شده تأمین اجتماعی

بیمه شده فوت شده ای که در ۱۰ سال آخر زندگی حداقل حق بیمه یک سال خود را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کرده باشد، مشروط به آن که ۹۰ روز حق بیمه در آخرین سال حیات او پرداخت شده باشد، بازماندگان این بیمه شده مشمول دریافت مستمری می شوند.

به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی، بر این اساس در صورتی که بیمه شده متوفی بیش از ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد، بازماندگانش مشمول دریافت مستمری قرار می‌گیرند.

براساس ضوابط سازمان تأمین اجتماعی، در صورتی که سابقه پرداخت حق بیمه بین ۱۰ تا ۲۰ سال باشد، مستمری به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه به بازماندگان بیمه شده پرداخت می شود.

در صورتی که سابقه پرداخت حق بیمه یک تا ۱۰ سال و فوت بیمه شده بعد از ۷۶/۷/۲۷ رخ داده باشد، بازماندگان واجد شرایط وی مشمول دریافت مستمری به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه می شوند.

بر این اساس، همسر بیمه شده متوفی و فرزندان وی که سن آنان کمتر از ۱۸ سال بوده یا منحصراً به تحصیل اشتغال داشته یا به علت بیماری یا نقص عضو طبق نظریه کمیسیون های پزشکی مربوطه از کار افتاده باشند و فرزندان آنان هم به شرط ازدواج نکردن و نداشتن اشتغال به کار، مستمری بازماندگی دریافت خواهند کرد.

پدر و مادر متوفی در صورتی که تحت تکفل وی بوده و سن پدر بیش از ۶۰ سال و مادر بیش از ۵۵ سال باشد یا به تشخیص کمیسیون پزشکی از کارافتاده بوده و در هر حال از سازمان مستمری دریافت نکنند، مشمول دریافت مستمری خواهند بود.

براساس ضوابط و مقررات سازمان تأمین اجتماعی، سهم همسر متوفی معادل ۵۰ درصد کل مستمری استحقاقی بیمه شده است و چنانچه بیمه شده یا مستمری بگیر متوفی داری چند همسر دایم باشد، ۵۰ درصد سهم همسر به تساوی میان آنان تقسیم می شود.

ارسال پیامک به متقاضیان پرداخت جریمه سربازی آغازشد

سرویس خبر ـ جانشین سازمان وظیفه عمومی ناجا درباره نحوه ارسال پیامک به متقاضیان پرداخت جریمه ریالی سربازی گفت: نیمه اول امسال وضع تمام ۲۸۸هزار نفری که ثبت نام کرده‌اند مشخص می‌شود.

سردار ابراهیم کریمی ادامه داد: ارسال پیامک به افرادی که ثبت‌نام کرده‌اند، شروع شده وبرای افرادی که پیامک دریافت می‌کنند مشخص شده است که آیا واجدالشرایط پرداخت جریمه غیبت هستند یا خیر؟

وی درباره محتوای این پیامک‌ها گفت: در این پیامک‌ها که از طریق سامانه ۱۱۰۰به متقاضیان ارسال می‌شود، نحوه پذیرش درخواستشان اطلاع داده می‌شود. به طور مثال به متقاضی گفته می‌شود که آیا درخواستش در بررسی‌ها مورد قبول واقع شده یا خیر؟ اگر این درخواست مورد قبول واقع نشود، متقاضی می‌تواند با مراجعه به پلیس+۱۰ چرایی پذیرفته نشدن درخواستش را بررسی کند و دفاتر پلیس +۱۰ موظف هستند دلایل آن را برای متقاضی تشریح کنند.

جانشین رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا با اشاره به مشمولانی که درخواستشان پذیرفته شده است اضافه کرد: این دسته از مشمولان تا یک هفته پس از دریافت پیامک فرصت دارند تا با مراجعه به دفاتر پلیس +۱۰ نسبت به تعیین تکلیف خود اقدام کنند و پس از آن ظرف ۱۰ روز باید به شعب بانک عامل در سراسر کشور مراجعه و نسبت به واریز وجه اقدام کنند در غیراینصورت به منزله انصراف محسوب شده و با آنان همانند سایر مشمولان غایب و فراری برخورد خواهد شد.

وی ادامه داد: پس از واریز جریمه باید فیشی به مبلغ ۲۰ هزار تومان را که هزینه صدور کارت است واریز کرده و تمامی این مدارک را به دفاتر پلیس+ ۱۰ تحویل دهند تا پس از گذشت ۱۰ روز کارت معافیت برایشان صادر شود.

او درباره متقاضیانی که شرایطشان مورد تایید قرار نگرفته است گفت: این دسته از متقاضیان همانند دیگر مشمولان غایب یا سربازان فراری خواهند بود.

آیت‌الله استادی: شیخ صدوق خدمات گسترده‌ای داشت

قم: یکی از استادان برجسته حوزه علمیه قم گفت: شیخ صدوق خدمات بسیار مهمی در راستای ترویج احادیث ائمه اطهار(ع) داشت.

آیت‌الله رضا استادی در مراسم بزرگداشت صدوقین (علی بن بابویه قمی «صدوق اول» و پسر ایشان شیخ صدوق) در کنار مرقد مطهر علی‌بن بابویه قمی در قم افزود: ایشان مسافرت‌های زیادی به شهرهای مختلف انجام داد تا بتواند احادیث را اخذ و ترویج کند.

وی با بیان این که این عالم بزرگوار در کلام، فقه و حدیث کارهای بسیار بزرگی را انجام داده است، افزود: ایشان در تفسیر هم کارهای بزرگی انجام داده است که متاسفانه امروز در دست ما نیست.آیت‌الله استادی با اشاره به این که شیخ صدوق حدود۳۰۰ کتاب تالیف کرده است، گفت: از این تعداد، فقط حدود۲۰ کتاب به دست ما رسیده است.

قدرت‌های غربی اجازه نمی‌دهند مبارزه با فساد محقق شود

سرویس خبر: معاون اول قوه قضائیه با اشاره به لزوم فعالیت سازمان‌های بین المللی در بحث مبارزه با فساد گفت:قدرت‌های بزرگ غربی در سازمان‌های بین المللی نفوذ دارند و اجازه نمی‌دهند مبارزه با فساد و دفاع از حقوق بشر محقق شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در دیدار رئیس دستگاه نظارت و بازرسی دانمارک افزود: پیشنهاد ما این است که همه دلسوزان بشر و کسانی که می‌خواهند بدون تبعیض، مبارزه‌ای واقعی با فساد داشته باشند، وظایف سازمان‌های بین‌المللی را باز تعریف کنند.وی گفت: ما باید بازتعریفی از فساد داشته باشیم تا بتوانیم با آن مقابله کنیم.رئیس دستگاه نظارت و بازرسی دانمارک هم از مهمان نوازی گرم مسئولان ایرانی به ویژه رئیس سازمان بازرسی کل کشور قدردانی کرد و گفت: ما سال گذشته میزبان آقای سراج در کپنهاگ بودیم و در آن سفر تفاهمنامه‌ای امضا شد و در نتیجه آن تفاهمنامه، آقای سراج از من دعوت کرد به ایران سفر کنم.یورگن استین سورنسن افزود: ما جلسات بسیار مفیدی در سازمان بازرسی ایران داشتیم و در خصوص وظایف خودمان نیز در کشور دانمارک توضیحاتی دادیم.

انتصاب رئیس کل دادگستری استان البرز

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه در حکمی رئیس کل دادگستری استان گلستان را به سمت رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر و رئیس کل دادگستری استان البرز منصوب کرد. همچنین در حکم جداگانه‌ای از سوی رئیس قوه قضائیه، محمد صادق مهدوی راد رئیس کل سابق دادگستری استان البرز به عنوان مستشار دیوان‌عالی کشور منصوب شد.

اخبار حوادث

دستگیری ۸۵ توزیع کننده مواد مخدر

سرویس حوادث: جانشین رئیس پلیس پایتخت از دستگیری ۸۵ توزیع‌کننده مواد مخدر در محلات اقبال، صفا، مازندرانی و اطراف میدان امام حسین(ع) تهران خبر داد و گفت: از دستگیرشدگان ۴۶ کیلوگرم انواع موادمخدر به همراه قمه و ادوات مصرف کشف شد.

سردار قادر کریمی در میدان امام حسین(ع) و در جمع دستگیرشدگان عملیات شبانه پلیس مبارزه با مواد مخدر اظهار داشت: پلیس در برخورد با آلوده‌کنندگان محیط در تهران به صورت ضربتی وارد عمل شده است.وی اضافه کرد: بر اساس مطالبات مردم و گزارش‌هایی که در سرکلانتری یازدهم از طرف مردم ارائه شده بود، ماموران ۸۵ نفر را که در خرید و فروش موادمخدر فعال بودند بازداشت کردند. او ادامه داد: اکثر دستگیرشدگان سابقه‌دار هستند شبکه‌های مواد مخدر در محلات تهران هستند. همچنین چند خانه که پاتوق مصرف موادمخدر بود، هم شناسایی و متلاشی شد.

جانشین فرمانده پلیس پایتخت با اشاره به ۲۷ مرحله عملیات پاکسازی در نقاط تهران اظهار داشت:۶۰۰۰ نفر از ابتدای امسال دستگیر شده‌اند که این افراد از توزیع‌کنندگان مواد مخدر بودند.

عامل آتش‌سوزی مرگبار کلاچای اعتراف کرد

سرویس شهرستانها: پدر خانواده عامل آتش‌زدن خانه و کشته‌شدن همسر و ۲ فرزندش در آتش‌سوزی کلاچای شناخته شد.

فرمانده انتظامی رودسر در این باره گفت: مرتضی ـ ع رئیس شورای اسلامی شهرکلاچای در اعترافاتش اعلام کرد که با ریختن بنزین روی فرش خانه‌اش، موجب آتش گرفتن و سوختن همسر ۳۵ ساله و ۲ پسر ۵ و ۸ ساله‌اش شده است.سرهنگ پایمرد افزود: وی اقرار کرده که با همسرش از مدت‌ها پیش اختلاف داشته و برای تهدید کردن و ممانعت از خروجش از خانه در شب حادثه دست به این کار زده است.

پلمب ۱۰ واحد صنفی مشکوک به مالخری

سرویس حوادث: رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با اجرای نخستین مرحله طرح قرارگاه مبارزه با سرقت،۱۰ واحد صنفی مشکوک به خرید اموال سرقتی درپایتخت پلمب شد.

سرهنگ عباسعلی محمدیان افزود: ۳۵۰ واحد صنفی مشکوک به خرید و فروش اموال مسروقه بررسی شد.وی گفت: در این بررسی‌ها ۱۵ واحد صنفی، اخطار پلمب گرفت و۱۰ واحد صنفی هم به علت تخلفات مشکوک به سرقت برای بررسی بیشتر پلمب شد.سرهنگ محمدیان همچنین از کشف، ضبط و توقیف ده‌ها قلم کالا و اموال مشکوک به سرقت نظیر رینگ و لاستیک، رادیو پخش و سایر لوازم یدکی خودرو در تهران خبر داد.وی گفت: واحدهای صنفی که به خرید و فروش اموال مسروقه مبادرت یا اقدام به نگهداری این اموال کرده‌اند نیز برای رسیدگی به تخلفات آنها به دستگاه قضایی معرفی شدند.رئیس پلیس آگاهی تهران افزود: واحدهای صنفی مهمترین محل برای تبدیل اموال مسروقه سارقان به وجه نقد تحت عنوان کالای دست دوم و یا تعویضی است.سرهنگ محمدیان تاکیدکرد: برای کنترل و جلوگیری از خرید و فروش چنین اموالی پلیس آگاهی با هماهنگی اتحادیه، یک سری دفترهای ثبت را طراحی کرده و در اختیار واحدهای صنفی تهران قرار داده است تا کالاهایی از این دست که به عنوان تعویضی یا دست دوم از مشتری دریافت می کنند با درج مشخصات فرد فروشنده و زدن برچسب بر آن کالا تحویل گیرند تا قابلیت پیگیری داشته باشد.سرهنگ محمدیان به صاحبان صنف‌های مرتبط با خرید و فروش لوازم و قطعات خودرو هشدار داد: ضوابط اتحادیه و واحد نظارت بر اماکن عمومی را رعایت و از خرید و فروش اموال مشکوک به سرقت خودداری کنند.

یادداشت

شرحی بر احوال استاد م.مؤید در بستر بیماری

مطرب از درد محبت عملی می‌پرداخت...

افشین علاء

استاد مهدوی (م.مؤید) چندی است که با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند. هفتۀ گذشته برای دومین بار بود که پیر صاحبدل گیلانی ما را در بیمارستان مسیح دانشوری تحت عمل جراحی قرار دادند.

دردناک‌تر آن است که بدانیم این جرّاحی بر اندام درونی دهان و گلوی استاد انجام می‌شود. ظاهراً بخش‌هایی از لنف و زبان را برداشته‌اند؛ همان زبان نازنینی که واسطۀ کسب فیض ما از معارف و ذوق و احوالات کم‌نظیر استاد بی‌بدیل‌مان است. چه ساعتهای پیاپی که در خانۀ پدری استاد (مرحوم آیت‌الله مهدوی) در قلب لاهیجان زیبا پای آن منبر و آن سماور قدیمی ننشستیم و از نفس گرم و احوالات معنوی و دانش بیکران استاد در ادبیات فارسی و عربی، بهره‌ها که نبردیم.

شاعری که بزرگ شدۀ کربلاست، محبّ صادق اهل بیت(ع) است، با ایران‌زمین و گیلان پیوندی ناگسستنی دارد و عجبا که در شعر آوانگارد و پیشروی معاصر نیز جزء پیشکسوتان و سرآمدان است. شاید طبق عادتی مألوف ـ امّا بی‌دلیل ـ شاعران آوانگارد و موج نو را فارغ از دغدغه‌های اعتقادی می‌شناسیم. در حالی که استاد مؤید علاوه بر آن که فرم و قالب سروده‌هایش همگون با شاعران آوانگارد دهه‌های چهل و پنجاه است. چه در مضامین، چه در قول و عمل و چه در نحوۀ زندگی شرافتمندانۀ خود، یادآور مشی علمای پاک ضمیر و سرسپردگان مکتب تشیّع در عرصۀ تبلیغ و اشاعۀ تفکر ناب شیعی و دیانت حقّۀ محمدی است. برای من سخت بود که پیر و مُراد دیرینه‌ام را در بستر بیمارستان، آن هم در حالتی ببینم که تکلّم برایشان دشوار باشد. امّا با کمال حیرت وقتی که وارد اتاق و ایوان مصفّای استاد که مشرف به حیاط پردرخت بیمارستان مسیح دانشوری بود، شدم، فضا را بسیار معنوی‌تر و پرشورتر از ساعات هم‌نشینی و مصاحبت استاد در خانۀ افسانه‌ای لاهیجان یافتم!

استاد مؤید که به‌وضوح معلوم بود از تبعات عمل جرّاحی و لوله‌ای که در بینی داشت، در رنج است، در ایوان خنک بیمارستان روی صندلی نشسته بود و گرم صحبت با دوستان و دوستدارانش بود. ابتدا مشاهده گریه‌های ساعد باقری تنم را لرزاند. آن هم در حضور استاد! ولی چهرۀ نورانی و گشادۀ همسر استاد که به استقبال آمده بودند حاکی از رضایت ایشان از حال استاد بود. پس به سمت ایوان رفتم و بعد از دست‌بوسی کنار ساعد نشستم و علّت آن شور و اشک‌ها را پرسیدم که ساعد گفت: هیچ نگو، فقط بشنو! ببین چه حالی دارد استاد!...

و استاد حرف نیمه‌تمام خود را که با واردشدن من و خانم راکعی قطع کرده بود، از سر گرفت.

با صدایی متفاوت و کلماتی که به سختی می‌شد مفهوم آن را دریافت. چرا که آن حنجرۀ خراشیده و پرخون و زبانی که به زخم تیغ پزشکان نواخته شده بود، در صدا و کلام آسمانی استاد، آهنگی مبهم و تکلمی دشوار را به جا گذاشته بود. بدیهی است بغض کرده بودم و نمی‌توانستم شاهد این رنج و زحمت استاد باشم. امّا در کمال حیرت، مضمون سخنان استاد ربطی به حال جسمی و وضعیت سلامتی‌اش نداشت. استاد داشت با تمام وجود از اباالفضل العباس(ع) می‌گفت و می‌گریست. مُدام به سهیل محمودی ـ که از سادات است ـ می‌گفت: نمی‌دانم چرا عاشق عمویت هستم؟! و می‌گریست. می‌گفت در بعضی از مقاتل است که نه فقط دست‌ها که پاهای ابوالفضل را هم قطع کردند و بازمی‌گریست جمع نیز انگار از دیدن آن احوال بی‌نظیر در قالب چند نفرۀ خود نمی‌گنجید و سراپا بیقرار بود. گاهی استاد مجبور بود منظور خود را با اشارات دست بیان کند ـ آنجا که دیگر زبان قادر به تکلّم نبود ـ و گاهی عبارتی را چندین بار با صدای گنگ و بلند تکرار کند تا مخاطب بفهمد چه می‌گوید. آخ که از آن حنجرۀ پرخون، چه آتشی به جان ما می‌افتاد. می‌گفت: با اباالفضل بد بودند! و ما می‌گریستیم. می‌گفت: از اباالفضل کینه داشتند. و ما می‌گریستیم. می‌گفت ابوالفضل(ع) آنها را یاد علی(ع) می‌انداخت و آنها از علی کینه داشتند. و ما می‌گریستیم. امّا یک جمله استاد، بدجور آتشم زد. با بغضی غریب در آن گلوی خونین فرمود: روشنفکران ما مفهوم عطش امام حسین(ع) را نفهمیدند... جمله‌ای که یک دنیا حرف در خود داشت و مظلومیت شاعران راستین اهل بیت(ع) و تلخی غفلت دیرسال روشنفکران از حماسۀ کربلا را به تصویر می‌کشید. شرح حال استاد انگار این بیت حافظ بود:

مطرب از درد محبت عملی می‌پرداخت
که حکیمان جهان را مژه خون پالا بود...

ناخودآگاه یاد فامیل خودم اسماعیل نوری علاافتادم ـ که اتفاقاً دوست شفیق استاد در دهۀ چهل و پنجاه بود و همچون او از پیشکسوتان شعر آوانگارد. در آستانۀ نهضت اسلامی ۵۷ گرایش‌های اعتقادی هم داشت. امّا متأسفانه در سال‌های اخیر به بلندگوی آن دسته از اپوزیسیون مقیم غرب تبدیل شده که نه تنها انقلاب و نظام، که پایه‌های تفکر دینی و عشق به اهل بیت عصمت و طهارت را هم به چالشی نابرازنده گرفته است. شگفتا که استاد، موقع خداحافظی احوال او را از من پرسید. قبلاً هم در دیدارهایی که در لاهیجان با استاد داشتم عکس‌هایی از سال‌های دورش را نشانم داده بود که نوری علا و خانواده‌اش با استاد و خانواده‌اش رفیق یار و غار بودند. عرض کردم: استاد، پیام (نوری علا) ما را شاعران حکومتی و فناتیک مذهبی می‌داند. خود مرا هم که با عنوان شاعر دربار ولایت فقیه نواخته است! چه دارم که به او بگویم؟... با نگاهی توأم با اخم پرابهت امّا شیرین و دلنشین‌اش فرمود: چه کار داری؟ فامیل توست. تو بهش محبت کن. سلام مرا هم برسان... فدای روح بلند و قلب خونین و عاشقت بشوم استاد! شما هم با من برای شفای عاجل استاد «م.مؤید» دعا کنید. برای همدلی بیشتر، عزیزان را به شعری رجوع می‌دهم که چندی پیش در همین ستون چاپ شد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- موضوع پیام ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

تشکر از دکتر احمدی

می‌خواستم از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بابت اظهارنظرشان در مورد عملکرد دولت قبلی و روزنامه اطلاعات بابت بازتاب این مطلب تشکر کنم، چرا که مسلمان وظیفه‌اش این است که کار ناپسندی که در جامعه اتفاق می‌افتد را بازتاب دهد.

تماس با خط ارتباطی

انتقاد از خط ارتباطی

خط ارتباطی که در جواب یک شهروند تهرانی در تاریخ ۹۴/۲/۷ نوشته بود بهتر است مسائل اقتصادی را به اقتصاددانان واگذار کنیم مگر نمی‌داند که واگذاری اقتصاد به اقتصاددانان باعث شد که ۱۵۰ هزار میلیارد تومان معوقات بانکی بوجود آید که این یعنی عدم بازگشت سپرده‌ها به بانک‌ها و بوجود آمدن نرخ ۲ رقمی مزمن تورم و نرخ بیکاری ۲ رقمی و سقوط رتبه اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای همطراز و...

یک شهروند

خط ارتباطی: اتفاقاً بیشتر مشکلات اقتصادی ناشی از آن است که کار به اقتصاددانان زبده سپرده نشده بود....

لفظ ربا را تغییر دهید

در مجلس طرح بانکداری بدون ربا مطرح شده است. بهتر نیست این لفظ ربا را تصحیح کنیم؟ چرا که در آن صورت همه بانک‌های ما ربادهنده و همه سپرده‌گذاران ما رباگیرنده محسوب می‌شوند و جامعه تبدیل به جامعه‌ای رباخوار می‌شود.

شهروندی از چالوس

در خیابان دولت و اطراف، تزریقاتی وجود ندارد!

سرتاسر خیابان دولت، (خیابان شهید کلاهدوز) و خیابان شریعتی یک تزریقاتی ندارد، قبلاً اینجا درمانگاهی به نام تراب داشتیم که موقوفه بود و بیست و چهارساعته کار می‌کرد، اما هم‌اکنون ساعات کار را تا ۲ بعدازظهر کرده‌اند و تزریقاتی نیز ندارد. البته اگر ممکن است به مسئولان گفته شود تا برای تجهیز دندانپزشکی آن نیز اقدام کنند.

شهروندی از تهران

رقابت های کشتی آزاد قهرمانی آسیا امروز در دوحه

بیست و هشتمین دوره رقابت های کشتی آزاد قهرمانی مردان آسیا – ۲۰۱۵ قطر، امروز و فردا در تالار «اسپایر» شهر دوحه برگزار می شود.

نخستین تمرین تیم ملی کشتی آزاد بزرگسالان ایران، دیروز در سالن «علی بن حمد العطیه» شهر دوحه کشور قطر برگزار شد. وزن کشی چهار وزن نخست رقابت های کشتی آزاد قهرمانی مردان آسیا، ساعت ۲۰ دیشب به وقت ایران برگزار شد؛ یونس سرمستی، مسعود اسماعیل پور، علیرضا کریمی و کمیل قاسمی در اوزان ۵۷، ۶۵، ۸۶ و ۱۲۵ کیلوگرم به روی باسکول رفتند و حریفان خود را شناختند.

مسابقات اوزان مذکور، از ساعت ۱۱:۳۰ امروز به وقت ایران آغاز می شود؛ رقابت های چهار وزن دوم، فردا برگزار خواهد شد.

بهنام احسان پور، سعید داداش پور، پیمان یاراحمدی و محمد حسین محمدیان، نمایندگان اوزان ۶۱، ۷۰، ۷۴ و ۹۷ کیلوگرم کشتی آزاد ایران هستند.

دوحه، یکی از شهرهای مدرن و پیشرفته حاشیه خلیج فارس است و با وجود اینکه میزبانی بسیاری از رقابت های ورزشی، از جمله رقابت‌های جهانی هندبال را بر عهده داشته و میزبانی جام جهانی – ۲۰۲۲ فوتبال نیز بر عهده گرفته است، ولی مسئولان برگزاری رقابت‌های کشتی قهرمانی آسیا، تاکنون برنامه ریزی و هماهنگی مناسبی برای این مسابقات نداشته اند.

تیم ملی کشتی آزاد ایران، طبق برنامه ریزی انجام شده بعد از حضور در دوحه و استقرار در هتل محل اقامت خود، ساعت ۱۸ دیروز به وقت محلی در سالن العطیه، همچون تیم های دیگر تمرین داشت، ولی راننده اتوبوس حامل ملی پوشان کشتی کشورمان، از محل دقیق تمرین اطلاعی نداشت و ملی‌پوشان، بیش از یک ساعت در خیابان های شلوغ و پر ترافیک شهر دوحه، معطل شدند.ملی پوشان کشتی کشورمان با وجود این تاخیر، تمرین سبک و خوبی را با حضور کادر فنی برگزار کردند.

رسول خادم، سرمربی تیم ملی کشتی آزاد در آغاز این تمرین، سخنان کوتاهی با ملی پوشان انجام داد و بعد از آن، نرمش ها با میدانداری مسعود اسماعیل پور برگزار شد؛ سپس مرور فن، شامل «زیرگیری سریع» و «خاک کردن» در دستور کار دوبنده پوشان کشتی آزاد کشورمان قرار گرفت.

ملی پوشان کشتی آزاد ایران در این تمرین، دو به دو با هم کشتی گرفتند و تاکتیک های مختلف حمله و دفاع را مرور کردند. در تمرین دیروز، محمد حسین محمدیان با کمیل قاسمی، پیمان یار احمدی با علیرضا کریمی، علی اصغر بذری (مربی) با سعید داداش‌پور، یونس سرمستی با بهنام احسان پور و امیر توکلیان (مربی) با مسعود اسماعیل‌پور، تمرین مرور فن کردند.

سعید داداش پور، ملی پوش وزن ۷۰ کیلوگرم – که در آخرین جلسه تمرین تیم ملی در خانه کشتی تهران از ناحیه دنده دچار آسیب دیدگی شده بود – بعد از گرم کردن، جدا از دیگر ملی پوشان، تمرین سبکی را انجام داد.

امیر توکلیان، مربی تیم ملی کشتی آزاد نیز در حین تمرین، از ناحیه بینی دچار آسیب دیدگی شد.از نکات جالب توجه تمرین دیروز تیم ملی کشتی آزاد، توجه کشتی گیران سایر کشورهای حاضر در سالن به شیوه های تمرینی و جدیت آزادکاران و کادر فنی کشورمان در انجام تاکتیک های مختلف بود.

رقابت های کشتی فرنگی قهرمانی آسیا – ۲۰۱۵ قطر، شنبه و یکشنبه هفته آینده برگزار خواهد شد.

آخرین تلاش پرسپولیس و نفت برای ماندن در لیگ قهرمانان آسیا

تیم‌های پرسپولیس و نفت تهران، امروز درحالی به عنوان آخرین نمایندگان فوتبال باشگاهی ایران در دیدارهای هفته پایانی از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا به میدان می‌روند که برای حضور در جمع ۱۶ تیم برتر قاره کهن، باید حریفان خود را شکست دهند.

مرحله گروهی سیزدهمین دوره از رقابت های فوتبال لیگ قهرمانان آسیا، امروز با برگزاری هشت دیدار در شرق و غرب آسیا به پایان می‌رسد و ۱۶ تیم راه یافته به مرحله یک هشتم نهایی، رقبای خود را می‌شناسند.

در شرق آسیا و گروه پنجم ، تیم صدرنشین «کاشیوا ریسول» ژاپن در زمین تیم قعرنشین و حذف شده «بین دونگ» ویتنام به میدان می‌رود ژاپنی ها با کسب هر نتیجه‌ای در این بازی به عنوان صدرنشین گروه، راهی مرحله بعدی می‌شوند. چون که آنان در بازی رودررو با تیم «جئونبوک هیوندا» کره جنوبی، نتیجه بهتری را بدست آورده اند. اما دیدار جئونبوک رده دومی با تیم «شاندونگ» چین – که در جایگاه سوم قرار دارد – بسیار مهم و حیاتی است. زیرا برنده این بازی به عنوان تیم دوم گروه پنجم، راهی مرحله بعدی می‌شود. البته در صورت کسب نتیجه تساوی، تیم جئونبوک راهی مرحله یک‌هشتم نهایی خواهد شد.

در گروه ششم، کار تا حدودی گره خورده است و تکلیف تیم‌های صعود کننده، امروز مشخص می‌شود. تیم ژاپنی «گامبا اوزاکا» رده دومی، میزبان تیم کره جنوبی «سئونگنام» صدرنشین است. تیم گامبا، فقط درصورت برتری با اختلاف دو گل در این بازی به عنوان صدرنشین، راهی مرحله بعدی می‌شود. اما برد یک – صفر، تساوی یا باخت، این تیم را در خطر حذف قرار می‌دهد. چرا که تیم «بوریرام» تایلند با برد خانگی مقابل تیم «گوانگجو» چین – که قبلا حذف شده است – به جمع ۱۶ تیم برتر فصل جاری لیگ قهرمانان آسیا خواهد رسید.

البته در صورت برد یک – صفر تیم «گامبا اوزاکا» مقابل تیم «سئونگنام» و پیروزی ۲ – صفر بوریرام مقابل گوانگجو، وضع تیم‌های صعود کننده از گروه ششم،بسیار مبهم خواهد شد. زیرا هر سه تیم ۱۰ امتیازی می‌شوند و به دلیل اینکه تیم سئونگنام در بازی رودررو با تیم گامبا اوزاکا، بهتر عمل کرده و تیم گامبا اوزاکا در مسابقه رودررو با گوانگجو، نتیجه بهتری گرفته است و تیم گوانگجو در دیدار رودررو با تیم سئونگنام وضع مطلوبتری دارد، شرایط تیم های صعود کننده از این گروه را مبهم و پیچیده خواهد کرد.

پرسپولیس؛ در پی برد

شکست سنگین و بد موقع مقابل تیم «لخویا» قطر، علاوه بر اینکه صدرنشینی را از پرسپولیس گرفت، باعث شد که این تیم در خطر حذف از لیگ قهرمانان آسیا قرار گیرد. اگر پرسپولیسی‌ها مقابل تیم بنیادکار ازبکستان در تهران، امتیاز از دست بدهند و تیم النصر در خانه، تیم لخویا را شکست دهد، آنگاه فصل کابوس وار سرخپوشان با حذف از آسیا در بدترین شکل ممکن، پایان می یابد.

پرسپولیسی‌ها – که به برد پیکان و تثبیت بقای خود در لیگ برترداخلی – شرایط بهتری از نظر روحی پیدا کرده‌اند، باید بدون توجه به نتیجه بازی امشب تیم های النصر عربستان و لخویا قطر، فقط مقابل ازبک ها پیروز شوند؛ ۳ امتیاز این بازی، باعث کسب عنوان اول یا دوم گروه یکم و صعود سرخپوشان تهرانی به مرحله بعدی می‌شود. آنان برای رسیدن به این موقعیت، قطعا چشم انتظار حضور و حمایت هواداران پرشور و پرتعداد خود در ورزشگاه آزادی هستند؛ طرفدارانی که در بازی حساس با النصر، ورزشگاه یکصد هزار نفری آزادی تهران را به جهنمی برای بازیکنان عربستانی تبدیل کردند تا حریف، برد را به تیم میزبان تقدیم کند.

هرچند که تیم بنیادکار از دور مسابقات حذف شده است، ولی برای دفاع از اعتبار و حیثیت فوتبالی خود به تهران آمده و قصد دارد که بار دیگر، پرسپولیس را در ورزشگاه آزادی شکست دهد. برد پرسپولیسی‌ها در آستانه شهرآورد بزرگ پایتخت و رساندن آنان به مرحله یک شانزدهم نهایی لیگ قهرمانان آسیا، روحیه بازیکنان این تیم را برای کسب موفقیت‌های بیشتر، افزایش خواهد داد. سرخپوشان تهرانی با کسب نتایج مطلوب در آسیا، خاطره کسب نتایج تلخ و ناکامی در لیگ برتر داخلی را از ذهن هواداران خود پاک خواهند کرد.

این بازی، برای برانکو و کادرفنی جدید تیم پرسپولیس نیز بسیار مهم است. چون که کادر فنی قبلی سرخپوشان با وجود عملکرد بسیار ضعیف در لیگ برتر ایران، نتایج خوبی در آسیا گرفته بود. چنانچه سرخپوشان به مرحله بعدی لیگ قهرمانان آسیا صعود نکنند، مربی کروات اعتبار قبلی و محبوبیت خود را در بین هواداران فوتبال، خصوصا طرفداران متعصب تیم پرسپولیس، از دست می دهد و آینده مبهمی را در پیش خواهد داشت. اما بردن بنیادکار و رسیدن به جمع ۱۶ تیم برتر آسیا، اعتبار این مربی را بیش از پیش خواهد کرد.

اگر در دیگر بازی این گروه، تیم لخویا مقابل تیم النصر پیروز شود، پرسپولیس با کسب هر نتیجه‌ای مقابل بنیادکار به مرحله بعد صعود می‌کند. اما تساوی آن بازی یا برد تیم النصر باید با پیروزی پرسپولیس مقابل بنیادکار همراه شود تا این تیم پرهوادار تهرانی، از صعود به مرحله بعدی محروم نشود.

کار دشوار نفت تهران

تساوی مقابل تیم پاختاکور ازبکستان در تهران که با برد تیم الاهلی مقابل تیم الشباب همراه شد، صدر جدول گروه دوم را از تیم نفت تهران گرفت و به رقیب اماراتی سپرد تا نبرد دو تیم در هفته پایانی، حساسیت به مراتب بیشتری پیدا کرده و به فینالی برای صعود تبدیل شود. برنده این بازی به عنوان تیم نخست گروه دوم،راهی مرحله بعد می‌شود، ولی تساوی دو تیم در بازی امشب به سود تیم العین خواهد بود که صدرنشینی خود را قطعی می کند.

شاگردان علیرضا منصوریان، فقط در صورت پیروزی مقابل تیم العین می‌توانند به صعود به مرحله بعدی امیدوار باشند. تساوی یا شکست در این بازی، اگر با برتری خانگی پاختاکور مقابل تیم حذف شده الشباب همراه شود، این تیم ازبکستانی است که به مرحله بعد راه می یابد و پرونده روزهای خوب نفت تهران در آسیا را می‌بندد.

نفتی‌ها – که در بازی رفت با العین – پیروزی را با اشتباه داوری از دست دادند، تنها راه امن برای ماندن در لیگ قهرمانان آسیا را در بردن تیم اماراتی می‌بینند؛ اتفاقی که با حضور ستاره‌ای به نام «عمرعبدالرحمن» در ترکیب تیم حریف، کسب آن را بسیار سخت کرده است.

البته اگر الشباب عربستان در زمین پاختاکور ازبکستان امتیاز بگیرد، نفت تهران با کسب هر نتیجه‌ای در زمین العین به مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا راه می‌یابد.

برنامه دیدارهای امروز در هفته ششم از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا به این شرح است:

گروه یکم

پرسپولیس ایران – بنیادکار ازبکستان، ساعت ۲۰:۳۰ در ورزشگاه آزادی تهران

النصر عربستان – لخویا قطر

رده‌بندی گروه یکم

۱–لخویا قطر ۱۰ امتیاز، ۲–پرسپولیس ایران ۹ امتیاز، ۳– النصر عربستان ۸ امتیاز و ۴– بنیادکار ازبکستان یک امتیاز

گروه دوم

پاختاکور ازبکستان – الشباب عربستان

العین امارات – نفت تهران، ساعت ۲۰:۳۰ در ورزشگاه بن زاید شهر العین

رده‌بندی گروه دوم

۱– العین امارات ۹ امتیاز، ۲– نفت ایران ۸ امتیاز، ۳– پاختاکور ازبکستان ۶ امتیاز و ۴– الشباب عربستان ۲ امتیاز

بارسلونا – بایرن‌مونیخ امشب در نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا

تیم های بارسلونا و بایرن‌مونیخ، امشب در ورزشگاه نیوکمپ شهر بارسلون در حالی دیدار دور رفت از مرحله نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا را برگزار می کنند که «پپ گوآردیولا»، علاوه بر اینکه در این تیم بازی کرده، دوران بسیار موفقی را به عنوان مربی آبی – اناری ها داشته و دو جام اروپایی را برای بارسلونا به ارمغان آورده است.

گوآردیولای ۴۴ ساله در حالی با قهرمان فصل جاری بوندسلیگا به کاتالونیا بازمی‌گردد که بارسایی‌ها، بدنبال انتقام شکست تحقیرآمیز ۷ – صفر مقابل باواریایی‌ها در همین مرحله از لیگ قهرمانان اروپا در فصل ۱۳–۲۰۱۲ هستند.

هر دو تیم در دور قبلی لیگ قهرمانان اروپا، بردهای جالب توجهی بدست آوردند و با قدرت، راهی این مرحله شده اند. بارسلونا با نتیجه ۵ – یک در مجموع دو دیدار پاری‌سن‌ژرمن را شکست داد و بایرن نیز با نتیجه ۶ – یک در مونیخ، از سد پورتو گذشت تا در مجموع با نتیجه ۷ – ۳ راهی این مرحله شود. بایرن مونیخ، سه دیدار از چهار بازی قبلی خود را در نیوکمپ با پیروزی پشت سر گذاشته است؛ بهترین نتیجه آنها به برد ۳ – صفر در سال ۲۰۱۲ باز می گردد.

دو تیم، سال ۱۹۹۶ در مرحله نیمه نهایی جام یوفا مقابل هم قرار گرفتند که بایرن مونیخ در مجموع دو بازی رفت و برگشت با نتیجه ۴ – ۳ به برتری رسید. گوآردیولا در زمانی که سرمربی بارسلونا بود، تیم بایرن مونیخ را با درخشش مسی در دو دیدار رفت و برگشت، شکست داد.

بارسلونا

بارسا که چهار عنوان قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را به نام خود ثبت کرده است، حالا بدنبال هشتمین حضور در فینال جام برترین های قاره سبز است. تیم بارسلونا، همه دیدارهای خانگی این فصل خود در لیگ قهرمانان اروپا را با پیروزی پشت سر گذاشته است. آخرین تیمی که بارسلونا را در این رقابت‌ها شکست داده، بایرن مونیخ است. تیم آلمانی با ۳ گل در نیوکمپ به برتری رسید. پس از آن بازی، بارسلونا ۳۲ بازی در لیگ قهرمانان اروپا را در نیوکمپ برگزار کرد و صاحب ۲۵ برد و ۷ تساوی شد.

بارسا، کارنامه موفقیت‌آمیزی مقابل تیم‌های آلمانی داشته است؛ آنان ۱۹ بار به پیروزی رسیده و هفت بار شکست خورده اند.همچنین از ۱۸ دیداری که بارسلونا در مرحله حذفی مقابل تیم‌های آلمانی برگزار کرده است، ۱۳ دیدار را برده است. بارسلونا، پارسال با شکست مقابل آتلتیکو مادرید، از رسیدن به جمع چهار تیم برتر اروپا باز ماندند.

بایرن مونیخ

بایرن، پنج بار جام قهرمانی اروپا را کسب کرده و بدنبال یازدهمین حضور در فینال این رقابت‌هاست.آنان در مجموع دو دیدار فصل قبل مقابل رئال مادرید با پنج گل شکست خوردند واز راهیابی به دیدار نهایی بازماندند. بایرن در دیدارهای خارج از خانه با تیم‌های اسپانیایی به ۶ برد، ۵ تساوی و ۱۱ باخت رسیده است.آنان از سه دیدار خارج از خانه خود به یک تساوی و دو شکست رسیده اند که کارنامه ضعیفی است.

آمار و ارقام

گوآردیولا در چهار سال درخشان به عنوان سرمربی بارسلونا، ۱۴ جام را برده که دو جام آن در لیگ قهرمانان اروپا بوده است.

«لوئس انریکه» در سال ۱۹۹۷ – که برای بارسلونا به میدان می‌رفت – موفق به گشودن دروازه دورتموند شده است.

لقب سه مهاجم بارسلونا MSNاست که در این فصل ۱۰۸ گل به ثمر رسانده‌اند و در صورتیکه یک گل دیگر به ثمر برسانند، رکورد مثلث آنری، اتوئو و مسی را خواهند شکست. «نیکولا ریتزولی» به عنوان داور بازی بارسلونا و بایرن مونیخ در مرحله نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا، انتخاب شده است. «النیتو دی لیبراتوره» و «مائورو تونولینی»، داور این بازی را به عنوان کمک های اول و دوم همراهی خواهند کرد.

معرفی ملی پوشان اعزامی به رقابت‌های جودو قهرمانی آسیا

کادر فنی تیم ملی جودو، اسامی ملی پوشان اعزامی به رقابت های قهرمانی آسیا – ۲۰۱۵ کویت را اعلام کرد.

رقابت های جودو قهرمانی آسیا، از ۲۳ تا ۲۵ اردیبهشت در کویت برگزار خواهد شد؛ تیم ملی جودو کشورمان، متشکل از هفت جودوکا در این دوره از مسابقات شرکت می کند.

محمد محمدی بریمانلو (خراسان شمالی) در وزن منهای۶۶ کیلوگرم، وحید بنا و مهدی فتحی پور (فارس) در وزن منهای ۷۳ کیلوگرم، سعید ملایی (تهران) در وزن منهای ۸۱ کیلوگرم، امیر قاسمی (خراسان رضوی) و محمد جمالی(تهران) در وزن منهای ۹۰ کیلوگرم، جواد محجوب (خراسان رضوی) در وزن منهای ۱۰۰ کیلوگرم، نمایندگان کشورمان در این دوره از رقابت های جودو قهرمانی آسیا هستند.

مجید زارعیان به عنوان سرمربی، امین شاطرزاده به عنوان مربی و احسان الله جابری به عنوان پزشک، تیم اعزامی را همراهی خواهند کرد.

تیم ملی جودو ایران، شنبه هفته آینده در حالی راهی کویت خواهد شد که به دلیل حضور در بخش تیمی این دوره از رقابت‌ها در دو وزن منهای۷۳ و منهای ۹۰ کیلوگرم ، دو نماینده اعزام می شود.

تیم ملی جودو کشورمان، نماینده ای در اوزان منهای ۶۰ و به اضافه ۱۰۰ کیلوگرم نخواهد داشت.

پلی آف لیگ دسته یک فوتبال؛ امروز در شهر آورد کرمان

نخستین بازی مرحله پلی‌آف لیگ دسته یک برای صعود به لیگ برتر، امروز بین دو تیم مس رفسنجان و مس کرمان برگزار می‌شود.

مرحله پلی‌آف لیگ دسته یک فوتبال باشگاه های ایران، برای تعیین تیم صعود کننده به فصل پانزدهم لیگ برتر، ساعت ۱۷ امروز برگزار می‌شود و تیم مس رفسنجان در ورشگاه تختی این شهر، میزبان همنام کرمانی خود است. این بازی شهرآورد کرمانی های لیگ دسته یک است.

تیم مس رفسنجان با هدایت «وینگو بگوویچ» لیگ دسته یک را با قدرت آغاز کرد و صدرنشین بی چون و چرای این مسابقات بود، ولی موضوع جعل کارت های سربازی، گریبان بازیکنان این تیم را گرفت. این مشکل، عاملی شد تا رقبای دیگر به شاگردان بگوویچ برسند و نامزدهای صعود به لیگ برتر به پنج تیم افزایش یابد.شاگردان اکبر میثاقیان، آغاز ضعیفی در لیگ دسته یک داشتند. آنان در پایان نیم فصل نخست با قرار گرفتن در آخرین رده جدول، نامزد سقوط به لیگ دسته دوم بودند. تغییرات میانه فصل و اضافه شدن چند بازیکن به تیم مس کرمان، جان دوباره‌ای به این تیم بخشید.

بازیکنان این تیم از ۱۱ بازی خود در نیم فصل دوم به ۹ برد، یک تساوی و یک باخت دست یافتند تا بعد از تیم فولاد نوین اهواز – که به طور مستقیم به لیگ برتر صعود کرد – به عنوان تیم دوم به بازی پلی آف برسند.

ترحیم

«هو الباقی»

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **جواد دارائی‌فرد** بزرگ خاندان دارائی‌فرد را به اطلاع بستگان و دوستان می‌رساند. مراسم ختم آن فقید سعید روز جمعه مورخ ۹۴/۲/۱۸ از ساعت: ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجد جامع الرسول(ص) واقع در سعادت‌آباد میدان کاج برگزار می‌گردد.

خانواده‌های: نوری کرمانی ـ دارائی‌فرد و سایر بستگان و دوستان

بازگشت همه به سوی خداست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحومه مغفوره **بانو ام‌البنین تمجید شبستری** همسر آقای پرویز ارونقی را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان و همشهریان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مراسم ترحیم آن شادروان در روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۲/۱۷ از ساعت ۴ الی ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان دکتر فاطمی ابتدای خیابان یکم برگزار می‌گردد. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

از طرف خانواده‌های: تمجید شبستری، ارونقی، ریحانی، جاه‌بین، میرزا محمدزاده، محمدزاده وحدتی، بهروزی، زمانی، عباس‌پور، رضوانی، جاهی، کمالی اصل، بافنده، صفا، فتاح‌زاده، نژادانسان، میراب، خیرابی و سایر بستگان و دوستان

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحومه **سرکار خانم منصوره مقدم** را به اطلاع می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ختم آن مرحومه روز چهارشنبه ۹۴/۲/۱۶ از ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ در مسجد امام جعفر صادق(ع) واقع در خیابان شریعتی بالاتر از پل سیدخندان برگزار می‌گردد.

از طرف خانواده‌های: دانایی، مقدم، عربی و سایر بستگان

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحومه **حاجیه خانم سکینه رحیم‌زاده سی‌سی بیگی** همسر مرحوم حاج حسین فرهادی جاوید(عبداله زاده) را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان، آشنایان و همشهریان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ختم زنانه و مردانه در روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۴/۲/۱۷ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور شبستریها واقع در میدان فاطمی منعقد می‌گردد. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

خانواده‌های: رحیم‌زاده سی‌سی بیگی ـ فرهادی جاوید ـ شرق آزادی ـ کتانی ـ عبداله زاده ـ جهانگیر ـ وصال ـ سروش ـ دال کوهی ـ دلبند ـ محمدی خو ـ دولتی ـ نوگلی و سایر بستگان و آشنایان

بنام خدا
بازگشت همه بسوی اوست
آخرین منزلگه هستی این است

فقدان عزیزان هرگز جبران و فراموش نمی‌شود آنهم تکیه گاهی مطمئن و پرتلاش. **سرهنگ مصطفی خان رشیدی (حصیبی)** بزرگ خاندان پس از یکدوره بیماری طولانی، همسر و پدری مهربان از دست رفت، یاد و خاطرات آن عزیز سفر کرده را هرگز فراموش نخواهیم کرد و تا ابد بیادش خواهیم بود.

از کلیه کسانیکه در مراسم تشییع و سوم آن فقید شرکت کردند و ما را تسلی بخشیدند کمال تشکر را داریم.

از طرف همسر: پری صارمی لطفعلیان
فرزندان: دکتر رضا رشیدی و ندا رشیدی

بازگشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف و تألم درگذشت همسری مهربان و مادری فداکار شادروان مرحومه مغفوره **سرکار حاجیه خانم فریده معصومی** همسر گرامی آقای حاج میریوسف موسوی شبستری را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان، آشنایان و همشهریان محترم می‌رساند.

به همین مناسبت مجلس ختم زنانه و مردانه در روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۴/۲/۱۷ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور شبستریها واقع در میدان فاطمی منعقد می‌گردد. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

خانواده‌های: موسوی شبستری ـ معصومی و سایر وابستگان نسبی و سببی

یادبود

پس از گذراندن ایامی سخت در این روزهای زیبای بهاری یاد بزرگ مرد بی‌ادعا و نیک سرشت، همسر، پدر و برادرمان **آقای مهندس علیرضا نیکراز** را گرامی می‌داریم.

او دنیای مملو از صفا و منش خود را پشت سرنهاد و همه‌ی ما را در بهت و ناباوری از همدلی و انسانیت چون اقیانوس بیکران محروم ساخت.

بی‌تردید تسلی اندوه خود را مدیون محبتهای بی‌دریغ و قابل ستایش دوستان و آشنایان و همکارانی می‌دانیم که همواره و مستمراً ما را در کاهش تألمات ناشی از این فقدان اندوهگین یاری نموده‌اند.

با قدردانی از همه بزرگواران به ویژه مدیران و همکاران متبوع، امید است همواره از محبت‌های شما خوبان بهره‌مند بوده و ما را در شادیهای خود شریک بدانید.

همسر، فرزندان، خواهران، برادران و خانواده‌های وابسته

و نترسیم از مرگ، مرگ پایان کبوتر نیست
خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد
که تا ز روی خال تو خاکم شود عبیرآمیز

امسال هم به رسم هرسال

به مناسبت نهمین سالگرد پرواز همسر و پدر نازنینمان

زنده یاد حاج قربان خال

از عاشقان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) و بنیانگذار حسینیه‌دامغانی‌های‌شهری، روزنامه‌نگار و مطبوعاتی قدیمی کشور و عضو دیرین و بازنشسته شهرداری تهران در روز پنج‌شنبه ۹۴/۲/۱۷ از ساعت ۱۰ الی ۱۲ ظهر بر سر مزار آن پدر سفر کرده واقع در قطعه ۱۰۳ بهشت‌زهرا(س) ردیف ۱۵۵ شماره ۲۷ گرد هم می‌آییم تا یاد و خاطره انسان دوستی‌هایش را زنده نگه داریم.

همسر: مهری طالبیان
فرزندان: سعید خال ـ محبوبه خال ـ حمید خال ـ وحید خال ـ مریم خال
داماد ـ عروس‌ها و نوه‌ها

به یاد مرحوم حاج حسن اردکانیان

مهربان پدر نیستی که ببینی چگونه عطر وجودت در عمق لحظه‌ها جاریست، چگونه تصویر زیبایت در برق شیشه‌ها پیداست و چگونه روح بزرگت در جان زندگی سبز است. اردیبهشت غم‌انگیز از راه رسید و هفده سالی است که از نگاه‌های پرمهرت، لبخندهای شیرین و دست نوازشگر، لحن مهربان و دلسوزانه، صدای آرامش بخشت دور افتاده‌ایم. خانه سرد و بی‌روح و ما هنوز باور نکرده‌ایم پرواز ملکوتی و بی‌بازگشتت را، ما مانده‌ایم مزاری سرد که باد دلتنگی‌هایمان را در آن مویه می‌کند.

اردکانیان ـ کُرلو

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

شانزدهم اردیبهشت دومین سالگرد سفر ابدی همسری دلسوز و پدری مهربان است که جز خوبی و خدمت به خلق و خانواده اندیشه‌ای نداشت.

به روان پاک آن عزیز سفر کرده **حاج محمود حاجی علی‌اکبری** درود می‌فرستیم و یادش را گرامی می‌داریم.

همسر
دختران
دامادها و نوه‌ها

تسلیت

همکار محترم جناب آقای دکتر محمود حسینی

درگذشت پدر بزرگوارتان را خدمت حضرتعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می کنم. برای آن عزیز سفر کرده علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان آرزوی صبر و اجر دارم.

دکتر مهدی زارع

جناب آقای مهرداد کاشانی

مصیبت وارده را به شما تسلیت می گوییم، در غم شما شریک هستیم.

دکتر هوشنگ زادانفرخ و بانو

بازگشت همه به سوی اوست
جناب آقای مهندس مظاهری
مدیرعامل محترم
شرکت توسعه و عمران هم‌اندیشان دیدار

با کمال تأسف و تأثر درگذشت عزیز از دست رفته را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای ایشان مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو داریم.

مهندسین مشاور طازند

همکار محترم جناب آقای دکتر نیک‌نفس

بانهایت تأسف درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای شما و سایر بازماندگان صبر عظیم خواستاریم.

(همکاران شما در ساختمان پزشکان تهران)

همکار گرامی جناب آقای دکتر عبدالرضا طبسی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامی‌تان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، غفران و رحمت الهی برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای بازماندگان گرانقدرشان از خداوند منان مسئلت می‌نمائیم.

هیأت مدیره، مدیرعامل و پزشکان بیمارستان جم

جناب آقای دکتر حمیدرضا مفرد

با نهایت تأسف درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن شادروان رحمت واسعه و برای جنابعالی و سایر بازماندگان محترم صبر و سلامتی مسئلت داریم.

انجمن جراحان پلاستیک و زیبایی ایران

سپاسگزاری

سپاسگزاری
سیدما مرتضی دردانه بود
کی بیابم این جواهر باز من

بدین‌وسیله از تمامی عزیزانی که با بذل محبت‌های عمیق و بی‌شائبه خود در مراسم تدفین، ترحیم و یادبود مرحوم شادروان **مهندس سیدمرتضی الهی** شرکت کردند و یا خود مراسم ترحیم برگزار نمودند و یا با ارسال پیام، دسته گل و پلاکارد و یا پرداخت وجوه به موسسات خیریه به یاد آن مرحوم همدردی خود را با بازماندگان ایشان ابراز نمودند صمیمانه سپاسگزاریم. خاضعانه از درگاه ایزدمنان برایشان سلامتی و سعادت هر دو جهان را مسئلت می‌نمائیم و از قصور خود در پاسخ درخور احسانشان پوزش می‌طلبیم.

خانواده الهی

من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق

بارالها تقدیر چنان کردی که در ادای تکلیف از برخی وظایف باز بمانم و نتوانم شرط ادب بجای آورم، لیکن خانواده، دوستان و همفکرانی عطا کردی تا نقصان‌هایم را جبران نمایند و در این راه همراهم باشند.

امروز پس از گذشت یک هفته از ضایعه اسفناک درگذشت مادر ارجمندم بر خود فرض می‌دانم که از آیات عظام، حجج‌اسلام، دانشگاهیان و دیگر اقشار که با حضور در تشییع، تدفین، مجالس سوگواری و یا اظهار همدردی از طریق تماس تلفنی، ارسال پیام، اعلامیه در روزنامه‌ها و ... موجب تسکین آلام و تسلی خاطر بازماندگان شدند صمیمانه و خالصانه سپاسگزاری نمایم.

قربان بهزادیان‌نژاد و خانواده

آگهی تغییرات شرکت مدیریت توسعه گوهران امید سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۱۵۷۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۲۳۱۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت گروه مدیریت سرمایه‌گذاری امید به شماره ثبت ۱۸۳۶۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۵۸۰۹۰ شرکت لیزینگ امید به شماره ثبت ۲۲۹۵۵۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۰۶۳۷۰ شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی سپه به شماره ثبت ۶۷۸۴۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۲۷۸۷۳ شرکت چاپ و نشر سپه به شماره ثبت ۷۸۴۸۴ به شناسه ملی شماره ۱۰۱۰۱۲۳۳۳۳۶ شرکت مدیریت انرژی امید تابان هور شماره ثبت ۴۱۷۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۸۸۷۸۱

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۳۹۸۶۷ـ۷۱۳۴۸۶۸/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت سرای سلامت سعدی سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۲۱۳۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۳۴۶۸۸

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای جواد سلامت کد ملی ۰۰۳۸۳۴۵۰۸۰ به عنوان رئیس هیات مدیره و آقای مهدی سلامت کد ملی ۰۰۴۰۷۴۸۸۱۲ به عنوان نایب رئیس هیات‌مدیره و خانم فرناز سلامت کد ملی شماره ۰۰۴۰۶۷۷۷۷۱ به عنوان عضو هیات‌مدیره و آقا یحیی ترابی گودرزی کد ملی ۵۵۷۹۴۶۳۱۷۰ به عنوان مدیرعامل (خارج از اعضاء هیات‌مدیره) انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور و چک‌ها و سفته‌ها و بروات و قراردادها و غیره با امضای هر یک از اعضای هیات‌مدیره و با مهرشرکت معتبر است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۳۹۸۶۶ـ۷۱۳۵۷۶۷/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت ذوب بریس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۱۴۹۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۲۹۵۱۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: در رعایت ماده ۱۴۱ قانون تجارت سرمایه شرکت از مبلغ ۱۹۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۹۷۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۹۷/۰۰۰/۰۰۰ سهم یکهزار ریالی با نام کاهش یافت و در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۳۹۸۶۵ـ۷۱۶۰۱۳۸/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای مسکن آریا سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۸۸۱۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۸۹۲۶۱

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۱ و مجوز شماره ۹۳/۴۰۳۲/۴۹۵۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۷ بیمه مرکزی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای غلامرضا مثنوی به‌شماره ملی ۰۴۵۲۱۷۸۸۷۸ به نمایندگی از شرکت گروه سرمایه‌گذاری بانک مسکن به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۸۷۸۴۳ به جای آقای مزدک حبیبی و آقای علی صحرانورد به شماره ملی ۰۰۴۱۴۹۱۲۲۱ به نمایندگی از شرکت لیزینگ گستر آریا به شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۹۳۷۴۰ به جای آقای مسعود محمودزاده احمدی‌نژاد به سمت عضو هیأت مدیره شرکت برای مابقی دوره تصدی هیأت مدیره انتخاب گردیدند. آقای غلامرضا مثنوی به‌شماره ملی ۰۴۵۲۱۷۸۸۷۸ به نمایندگی از شرکت گروه سرمایه‌گذاری بانک مسکن به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۸۷۸۴۳ به عنوان رئیس هیأت مدیره و آقای حمید خالقی مقدم به‌شماره ملی ۰۸۵۹۲۱۷۶۴۷ به نمایندگی از شرکت عمرانی مسکن گستر به‌شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۰۹۰۶۰ به عنوان نائب رئیس هیأت مدیره و آقای علی صحرانورد به‌شماره ملی ۰۰۴۱۴۹۱۲۲۱ (عضو هیأت مدیره) به سمت مدیرعامل برای مابقی دوره دوساله تصدی هیأت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور مالی و قراردادها و چک و سفته با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء رئیس یا نائب رئیس هیأت مدیره و یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه بامهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل یا یکی از اعضای هیأت مدیره همراه مهر شرکت معتبر است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۳۹۹۲۸ـ۷۱۴۷۵۶۸/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت پژوهش و مهندسی ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۶۹۸۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۴۸۲۳۱

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: پلاک شهرداری محل شرکت از ۲۱ به ۹ تغییر یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۹۲۷ـ۷۱۵۰۲۳۸/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت فولاد زرند ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۳۲۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۵۴۴۳۶

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سمت اعضای هیأت مدیره برای بقیه مدت تصدی هیأت مدیره به قرار ذیل تعیین گردید. آقای علی‌اصغر پورمند با کد ملی ۲۱۲۱۲۷۹۱۵۶ به نمایندگی شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۵۷۱۸۸ به سمت رئیس هیأت مدیره آقای علی پالیزدار با کد ملی ۰۰۴۶۰۱۸۸۸۳ به نمایندگی شرکت فولاد بوتیای ایرانیان با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۸۵۸۲۹ به سمت نائب رئیس هیأت مدیره آقای بهرام سبحانی با کد ملی ۱۲۸۴۴۶۹۲۷۱ به نمایندگی شرکت فولاد سیرجان ایرانیان با شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۸۸۲۲۵ به سمت عضو هیأت مدیره آقای ابوالقاسم جمشیدی با کد ملی ۴۳۱۰۷۱۴۷۱۴ به نمایندگی شرکت گسترش و نوسازی معادن خاورمیانه با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۲۶۴۶۴ به سمت عضو هیأت مدیره آقای ماشاءا... سهراب‌نژاد با کدملی ۳۰۷۱۶۲۶۶۸۱ به نمایندگی شرکت بابک مس ایرانیان با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۹۲۸۰۶ به سمت عضو هیأت مدیره و مدیرعامل کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضاء مشترک مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار بوده و مقرر گردید در غیاب هر یک از نامبردگان امضاء یکی دیگر از اعضاء هیأت مدیره جایگزین و دارای اعتبار باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۹۲۶ـ۷۱۳۹۳۶۱/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت بیمارستان بهار سابق آبان جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۸۸۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۵۰۱۸

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سید محمدعلی مرعشی‌زاده به کد ملی ۱۸۸۰۲۳۸۲۶۸ به سمت رئیس هیأت مدیره و آقای محمد سیاسی مقدم به کد ملی ۰۰۳۸۱۹۹۵۱۳ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و آقای میرکمال هادیانی به کد ملی ۲۱۶۱۳۳۱۲۵۶ به سمت عضو هیأت مدیره و آقای سعید مالک به کد ملی ۰۰۴۰۶۲۸۸۶۸ به سمت عضو هیأت مدیره و آقای سید مسعود سعادت حسینی به کد ملی ۰۰۴۷۷۰۶۰۶۸ به سمت مدیرعامل و عضو هیأت مدیره انتخاب گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، برات با امضای متفق مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۹۲۳ـ۷۱۳۹۸۸۳/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت تأمین آتیه کارکنان بانک آینده سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۵۳۴۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۶۱۷۶۷

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۱۸ و اجازه مجمع عمومی فوق‌العاده ۱۳۹۳/۰۴/۲۶ سرمایه شرکت از مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام از طریق مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها افزایش یافته و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۹۲۵ـ۷۱۴۱۰۲۸/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت پتروشیمی مهر سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۸۱۱۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۸۷۱۸۴

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۱۰ و اجازه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۲/۶/۵ سرمایه شرکت از مبلغ ۳۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۶۴۰/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۶۴۰۸۰ سهم ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی با نام عادی از طریق مطالبات حال شده افزایش یافته و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۹۲۴ـ۷۱۴۰۶۵۲/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت بیمارستان بهار سابق آبان جدید سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۸۸۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۵۰۱۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار شرکت انتخاب گردید. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به سال ۹۲ به‌تصویب رسید. آقای مسعود هموطن به کد ملی ۰۰۴۸۸۹۸۴۳۰ به سمت بازرس اصلی و دکتر علیرضا خلدبرین به کد ملی ۳۲۵۵۷۰۳۰۱۸ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. اعضای هیأت مدیره برای مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای محمد سیاسی مقدم به کد ملی ۰۰۳۸۱۹۹۵۱۳ و آقای سید محمدعلی مرعشی‌زاده به کد ملی ۱۸۸۰۲۳۸۲۶۸ و آقای سید مسعود سعادت حسینی به کد ملی ۰۰۴۷۷۰۶۰۶۸ و آقای میرکمال هادیانی به کد ملی ۲۱۶۱۳۳۱۲۵۶ و آقای سعید مالک به کد ملی ۰۰۴۰۶۲۸۸۶۸ به سمت اعضای اصلی هیأت مدیره و آقای امیرحسین میلادی‌پور به کد ملی ۲۶۵۰۴۰۳۸۰۹ و آقای غلامعلی عکاشه به کد ملی ۳۵۸۶۴۹۴۶۶۸ به سمت اعضای علی‌البدل هیأت مدیره به مدت دو سال انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۹۲۲ـ۷۱۴۰۳۳۸/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت پترو کیمیای ابن‌سینا سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۶۷۱۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۶۰۰۹۳

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۱۰ و تفویض اختیار مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۳/۴/۱۴ سرمایه شرکت از مبلغ ۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام که تماماً پرداخت شده از طریق نقدی و مطالبات حال شده تأمین گردیده افزایش یافته و مبلغ ۶۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌موجب گواهی شماره ۶۰/۹۳/۵۸۷۳۶۷ مورخ ۹۳/۸/۱۱ بانک رفاه کارگران شعبه میرداماد پرداخت گردیده است. و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۹۲۱ـ۷۱۴۱۵۵۰/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت پتروشیمی جم سهامی عام به شماره ثبت ۳۲۲۸۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۷۷۳۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۲ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به عنوان بازرس قانونی شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۹۲۰ـ۷۱۸۶۱۶۵/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت خنک کننده موتور ولئو آرمکو سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۹۵۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۹۷۱۰۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۰۱ و در اجرای ماده ۱۴۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت سرمایه شرکت از مبلغ ۱۱۴۹۸۴۱۱۳۵۰۰ ریال به مبلغ ۲۴۴۶۴۷۰۵۰ ریال منقسم به ۲۴۴۶۴۶۹۸ سهم با نام ۱۰ ریالی و ۷ سهم بی‌نام ۱۰ ریالی کاهش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۹۱۷ـ۷۰۴۷۳۵۶/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت خوان پارسی فراخ سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۹۳۲۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۷۵۴۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موضوع اساسنامه به شرح زیر: «ایجاد فروشگاههای زنجیره‌ای در داخل و خارج از کشور، تهیه، بسته‌بندی، توزیع و عرضه کلیه محصولات غذایی آماده و غیرآماده، اعم از پروتئینی، لبنی و نباتی، انواع خشکبار، قند و شکر، شیرینی و شکلات، نوشیدنی از هر قبیل، فرآورده‌های Fast Food و سایر مواد غذایی به طور کامل و همچنین مواد و محصولات شوینده، بهداشتی و آرایشی و به تبع آنها، لوازم و تجهیزات مربوطه، عطر و ادکلن، بدلیجات، انواع عینک، لوازم خرازی، سرویس خواب کودک و بزرگسال، انواع ساک و چمدان، ظروف و لوازم آشپزخانه و کلیه مایحتاج خانه‌داری اعم از برقی، چینی، پلاستیکی و سایر مصنوعات، البسه، کیف و کفش و پوشاک، اسپرت و کلاسیک، منسوجات، لوازم ورزشی با تمامی تنوع، وسایل و لوازم تزئینی خانگی و اداری، اعم از تابلوهای عکس و نقاشی، گلهای تزئینی، لوستر و سایر انواع لوازم‌التحریر و سایر ملزومات اداری، لوازم صوتی تصویری، کامپیوتری و متعلقات، انواع ساعت، گوشی‌های تلفن ثابت و همراه و لوازم جانبی مربوطه، تدارک کافی شاپ جهت پذیرایی از خریداران، تولید هر یک از کالاهای فوق‌الذکر و همچنین انجام واردات و صادرات آنها، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این زمینه و نهایتاً انجام کلیه اموری که به نحوی به موضوع شرکت مرتبط و در چارچوب قوانین جاری کشور مجاز باشد.» تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۴۲۹۳۲ـ۷۳۲۱۳۳۸/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت مجتمع صنعتی ماموت تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۷۰۸۲۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۵۷۵۵۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۱۰ سرمایه شرکت از مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۲/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۲/۷۵۰/۰۰۰ سهم ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریالی بی‌نام از طریق مطالبات حال شده افزایش یافته و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۴۲۹۳۱ـ۷۲۶۲۳۵۶/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت پژوهش و مهندسی ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۶۹۸۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۴۸۲۳۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای حسن قاسم‌زاده به شماره ملی ۱۲۸۷۴۳۳۵۲۹ به سمت رئیس هیئت مدیره ـ آقای غلامرضا نصیرزاده به شماره ملی ۲۵۷۱۵۹۲۷۹۳ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره ـ آقای محمد صادق عطروش به شماره ملی ۲۲۹۶۴۹۱۸۱۲ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، برات به امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد و در غیاب ایشان با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره با مهر شرکت و همچنین مکاتبات اداری و اوراق عادی با امضاء مدیرعامل به تنهایی و در غیاب ایشان با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره و مهر شرکت معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۴۲۹۳۰ـ۷۳۲۲۱۳۲/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت قند مرودشت شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۱۲۹۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۹۵۹۰۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و صورت سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۰۴/۳۱ مورد تصویب قرار گرفت. مؤسسه حسابرسی بهمند با ک.م ۱۰۱۰۰۱۷۴۳۹۰ بعنوان بازرس اصلی و مؤسسه هوشیار بهمند ۱۰۱۰۰۱۶۸۷۴۶ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضای هیئت مدیره به مدت ۲ سال به شرح ذیل انتخاب شدند شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران(سهامی عام) با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۸۶۷۷۹ آقای حسن رسولیان با ک.م ۰۰۴۱۰۶۴۶۶۶ شرکت سرمایه‌گذاری صنایع ایران(سهامی عام) با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۲۴۴۲۱ شرکت فرزان تجارت پارمیس(با مسئولیت محدود) با ک.م ۱۰۱۰۳۹۸۹۶۳۱ شرکت شیمی صنعت فرزان(سهامی خاص) با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۶۶۹۹۲ روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۴۴۸ـ۷۱۶۶۰۵۲/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت قند مرودشت شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۱۲۹۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۹۵۹۰۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای اسفندیار استکی الیوند با کد ملی ۱۲۸۰۷۸۷۵۵۴ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران(سهامی عام) با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۸۶۷۷۹ بعنوان رئیس هیئت مدیره. آقای حسن رسولیان با کدملی ۰۰۴۱۰۶۴۶۶۶ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره. آقای بهمن دانایی با کدملی ۰۰۴۹۴۴۵۸۲۰ به نمایندگی از شرکت شیمی صنعت فرزان(سهامی خاص) با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۶۶۹۹۲ به عنوان عضو هیئت مدیره آقای محمود ماجدی با کد ملی ۱۵۵۱۷۸۰۳۵۶ به نمایندگی از شرکت فرزان تجارت پارمیس(با مسئولیت محدود) با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۸۹۶۳۱ به عنوان عضو هیئت مدیره. آقای رضا سلطانزاده با کد ملی ۰۰۵۷۲۸۷۰۲۳ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری صنایع ایران(سهامی عام) با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۲۴۴۲۱ به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند. آقای محمود ماجدی با کد ملی ۱۵۵۱۷۸۰۳۵۶ به عنوان مدیرعامل انتخاب شدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت با امضاء مدیرعامل به همراه امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره و مهر شرکت و در غیاب ایشان با امضاء رئیس هیئت مدیره و یا نائب رئیس هیئت مدیره به همراه امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره و مهر شرکت معتبر میباشد. کلیه چکهای کارخانه با امضاء ثابت مدیرعامل آقای محمود ماجدی با کد ملی ۱۵۵۱۷۸۰۳۵۶ و یکی از دو امضاء رئیس کارخانه آقای سلیمان افشین با کد ملی ۴۲۵۰۴۵۵۱۹۱ و یا رئیس حسابداری کارخانه آقای اردشیر دهقانی با کد ملی ۲۲۹۲۵۴۸۲۸۳ به همراه مهر شرکت معتبر میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۴۴۷ـ۷۱۶۶۴۷۰/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت مهندسی شهر و صنعت ستیک سهامی خاص به شماره ثبت ۹۴۱۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۸۲۰۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: عباس چایچیان به شماره ملی ۴۷۲۳۰۹۸۸۶۰ ـ مهرنوش محرابی به شماره ملی ۰۰۷۰۸۲۶۱۰۲ ـ حمید منظم تبریزی به شماره ملی ۲۶۱۹۵۶۸۵۴۴ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. رستم پور حمد شاهوار به شماره ملی ۱۵۰۱۹۸۷۱۴۳ به سمت بازرس اصلی و محمد علی واعظ میر به شماره ملی ۰۰۴۲۰۲۵۴۱۵۱ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۳۹۴۴۶ـ۷۱۵۲۱۴۰/م‌الف

اطلاعات

سال هشتاد ونهم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴
۱۷ رجب ۱۴۳۶ ـ ۶ مه ۲۰۱۵

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۱ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۵۵ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۱۴ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۳ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۳۲ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۰۷ دقیقه

اوباما: بی‌عدالتی و تبعیض نژادی عامل اعتراضات «بالتیمور» بود

سرویس خارجی: رئیس جمهوری آمریکا، یک هفته پس از اعتراضات گسترده در شهر «بالتیمور» علیه خشونت و رفتارهای نژادپرستانه پلیس آمریکا، اعتراف کرد، بی‌عدالتی و رفتارهای تبعیض‌آمیز با اقلیت‌ها و سیاهپوستان آمریکا علت اصلی تظاهرات و ناآرامی‌ها در شهرهای آمریکاست. اوباما در یکی برنامه های شبکه «سی بی اس» تأکید کرد، تأثیرات برده‌داری، قوانین تفکیک نژادی در مدارس آمریکا موسوم به قوانین «جیم کراو» و تبعیض‌نژادی در تاریخ آمریکا موجب ضرر و زیان جوامع اقلیت در آمریکا شده است. رئیس‌جمهوری آمریکا ادامه داد، لازم نیست امروز برای تأکید بر بخشی از گذشته خود، همه را به نژادپرستی محکوم کنیم و اگر می‌خواهیم از نژادپرستی عبور کنیم باید همگی کمی بیشتر تلاش کنیم. اوباما همچنین تأکید کرد، سیاهپوستان و اقلیت‌های اسپانیولی زبان آمریکا احساس محرومیت می‌کنند و حس نا امیدی از زندگی، یکی از عوامل اعتراضات ضدنژادپرستی آنها است. وی با اشاره به اعتراضاتی که پس از مرگ سیاهپوستان غیرمسلح توسط افسران سفیدپوست آمریکا به راه افتاد، گفت: حس بی عدالتی، ناتوانی، نشنیده شدن صدا همگان به آتش اعتراضاتی که ما در بالتیمور، فرگوسن و نیویورک شاهد آن هستیم، دامن زده است. از دیگر سو، به دنبال اعتراضات شدید ضدنژادی در بالتیمور، «لورتا لینچ» وزیر دادگستری و دادستان کل آمریکا برای اطلاع از آخرین اوضاع بالتیمور به این شهر رفت.

در خبری دیگر، سخنگوی کاخ سفید در واکنش به تیراندازی در کنفرانس ضد اسلامی در تگزاس آمریکا برگزاری این کنفرانس را در راستای آزادی بیان دانست. وی اعلام کرد، برگزاری نمایشگاه ضد اسلامی در تگزاس، توجیهی برای خشونت و تیراندازی در این مرکز نبود. از دیگر سو، خبرگزاری رویترز به نقل از پلیس آمریکا اعلام کرد، هویت دو مرد مسلحی که به این نمایشگاه حمله کردند، شناسایی شد. یکی از مردان مهاجمی که کشته شد، «التون سیمپسون» نام دارد؛ وی از سال ۲۰۰۶ میلادی تحت نظر پلیس بود و سال ۲۰۱۰ به اتهام تلاش برای اقدام تروریستی بازجویی شده بود. هویت فرد دوم نیز «ندیر صوفی» ۳۴ ساله و همخانه سیمپسون اعلام شد.

۳ کشته در درگیری تازه میان جدایی طلبان و نیروهای ارتش اوکراین

سرویس خارجی: سخنگوی ارتش اوکراین گفت: دو تن از سربازان این کشور در درگیری های منطقه لوهانسک کشته و سه تن دیگر زخمی شدند.به گفته الکساندر موتوزیانیک ، دوسرباز دیگر نیز در درگیری های نزدیک به بندر استراتژیک ماریوپل، آخرین شهر مهمی که در منطقه درگیری ها واقع شده است و توسط دولت اوکراین کنترل می شود، زخمی شدند.جدایی طلبان نیز اعلام کردند، علاوه بر این که یکی از نیروهای آنها کشته شده است، شش تن دیگر نیز زخمی شده اند. این در حالی است که هر دو طرف، دیگری را به نقض آتش بس متهم می‌کنند. براساس گزارش سازمان ملل متحد از آغاز درگیری های اوکراین تا کنون، ۶۰۰۰ تن کشته شده اند. در چنین شرایطی، ناتو یکی از بزرگترین رزمایش های ضد زیر دریایی خود را در دریای شمال آغاز کرد. این رزمایش بزرگ در بحبوحه تنش ها با روسیه به دلیل بحران اوکراین و افزایش حضور نظامی ناتو در شرق اروپا برگزار شده است.

دبیر کل حزب الله لبنان: نظام اسد هرگز سقوط نخواهد کرد

سرویس خارجی: دبیرکل حزب‌الله لبنان در دیدار اخیر خود با رئیس فراکسیون تغییر و اصلاح در پارلمان لبنان گفت: نظام بشار اسد رئیس جمهوری سوریه هرگز سقوط نخواهد کرد چرا که سقوط نظام سوریه به معنای سقوط حزب‌الله است.

سید حسن نصرالله در دیدار با میشل عون، تاکید کرد: حزب‌الله کاملا درخصوص خطراتی که با آن مواجه است آگاه و هوشیارانه عمل می‌کند و با تمامی توان خود با این خطرات مقابله خواهد کرد. وی تصریح کرد: نظام اسد هرگز سقوط نخواهد کرد چرا که سقوط اسد به معنای سقوط حزب‌الله و سقوط محور مقاومت است. نصرالله افزود: اقدامات نظامی اخیر در سوریه میان نظام و مخالفان بیشتر به عقربه‌های ساعت شبیه است که دائم در حال چرخیدن است، یک بار به سمت پیروزی و یک بار به سمت شکست پیش می‌رود اما اسد هرگز سقوط نخواهد کرد. دبیرکل حزب‌الله لبنان افزود: جنگ با سوریه طولانی خواهد بود و به زودی به پایان نخواهد رسید و حزب‌الله اراده برای جنگیدن دارد.

در این حال عملیات غافلگیرکننده ارتش سوریه در شهر «حسکه» آزادسازی هشت منطقه آن را از اشغال تروریست ها در پی داشت و ضربه‌ای سنگین برای گروه تروریستی داعش به شمار می‌آید. داعش در حالی که حمله به شهر حسکه، مرکز استان حسکه در شمال شرقی سوریه را از محور جنوب شرقی این شهر تدارک می‌دید، برخلاف تمامی پیش بینی‌هایش، با حمله سنگین نیروهای ارتش سوریه به خطوط مقدم خود در این منطقه مواجه شد و نیروهای ارتش سوریه در حمله‌ای غافلگیرکننده و پیشگیرانه ضربات مهلکی به داعش در این منطقه وارد کردند و موفق شدند، هشت منطقه آن را آزاد کنند. در این عملیات، ارتش سوریه همچنین موفق شد بر منطقه موسوم به تقاطع نفت سیطره یابد و کنترل این منطقه به شعاع چهار کیلومتر را به دست گیرد. با آزادسازی این مناطق، ارتش سوریه موفق شد ارتباط شهر الشدادی، به عنوان مهمترین پایگاه و مرکز تجمع داعش در ریف حسکه را با شهر الهول قطع کند.

از طرفی نیروهای امنیتی سوریه یک گروه تروریستی مسلح وابسته به جبهه النصره را در شرق محله «رکن‌الدین» دمشق متلاشی کردند. یک منبع نظامی سوری در این خصوص گفت: این گروه پس از نفوذ به شرق محله رکن الدین و تحت پیگرد قرار گرفتن از سوی نیروهای امنیتی قصد فرار داشت و چون عرصه را بر خود تنگ دید، یکی از انتحاری‌های گروه اقدام به منفجر کردن خود کرد. این منبع افزود: پس از آن گروه تروریستی جبهه النصره در صفحه توئیتر خود اذعان کرد که شماری از عناصر این گروه در رکن الدین کشته شده‌اند.

خبر دیگر اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از ارائه گزارش «استفان دی میستورا» فرستاده این سازمان به سوریه درباره اوضاع اردوگاه آوارگان فلسطینی «یرموک» در نزدیکی دمشق، خواستار توقف حملات به این اردوگاه شد. «ریموندا موموکایتی» رئیس شورای امنیت و نماینده دائم لیتوانی در سازمان ملل که کشورش ریاست دوره ای این شورا طی ماه جاری را برعهده دارد، خاطر نشان کرد که اعضای شورای امنیت پس از شنیدن گزارش دی میستورا درباره اوضاع اردوگاه یرموک، خواستار توقف حملات به این اردوگاه شدند. وی افزود: شورای امنیت باید کانال‌های امنی برای خروج غیرنظامیان از اردوگاه یرموک و نیز حفظ جان افرادی که به هر دلیلی ترجیح داده‌اند در داخل این اردوگاه بمانند، ایجاد کند.

در تحولی دیگر گروه ناظر بر حقوق بشر در سوریه خواستار تحقیق در مورد حملات اخیر ائتلاف آمریکایی ضد داعش در شمال سوریه شدند که در جریان آن ۶۴ غیرنظامی که نیمی از آنها کودک بودند، جان باختند. گروه ناظر بر حقوق بشر در سوریه اعلام کرد باید در مورد این حملات که جمعه گذشته در روستای بئر استان حلب روی داد، تحقیق صورت گیرد. گروه مخالفان سوری موسوم به ائتلاف ملی سوریه نیز خواستار بررسی کامل این حادثه شد.

دیدار سید حسن نصرالله با میشل عون

اظهارات «فورد» درباره اسد

سفیر سابق آمریکا در سوریه گفت: در واشنگتن حرف و حدیث‌هایی در جریان است که براساس آن بشار اسد بهترین گزینه در شرایط کنونی است. رابرت فورد، در مصاحبه با سی.ان.ان گفت: بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه و نظام او در حال حاضر در موضع دفاعی هستند به گونه‌ای که ما به ویژه در دو سال گذشته شاهد این امر نبودیم. وی در خصوص حمایت غرب از گروه‌های مسلح و نقش غرب در تغییرات میدانی گفت: در حال حاضر برای آمریکا بسیار مهم است که به صورت بسیار نزدیک با ترکیه، عربستان و قطر در مسیر ارسال کمک به گروه‌های مخالف غیر تروریست هماهنگی‌هایی را به عمل آورد که از جمله این تجهیزات، موشک‌های ضد تانک است.

در این حال نماینده دائم سوریه در سازمان ملل با بیان اینکه سوریه در خط مقدم مبارزه با تروریسم و تندروی است و به نیابت از جهان با تروریسم می‌جنگد، گفت: سوری‌ها نباید در مبارزه با تروریسم به شورای امنیت و سازمان ملل تکیه کنند زیرا شورای امنیت در تصمیم‌گیری‌های خود بر معیارهای دوگانه و متضاد تکیه دارد. بشار جعفری افزود: تمامی هیات‌های وابسته به سازمان ملل در عملکردشان پیشرفت کرده و قطعنامه‌های الزام‌آوری را در خصوص مبارزه با تروریسم و مجازات حامیان آن تصویب کرده‌اند اما شورای امنیت به خاطر وجود اعضایی که خود حامی تروریسم هستند همواره از دست زدن به چنین اقداماتی ناتوان است.

در تحولی دیگر با هدف تلاش برای فراهم کردن مقدمات مذاکرات ژنو - ۳ برای حل بحران سوریه، فرستاده سازمان ملل به سوریه در ژنو رایزنی‌های جداگانه‌ای را با طرف‌های درگیر سوری آغاز کرد. سخنگوی سازمان ملل گفت: این مذاکرات با حضور نمایندگان و سفیران کشورهای مدعو و شماری از کارشناسان آغاز شده است و حدود چهار تا شش هفته طول خواهد کشید.

هلاکت ۱۲ نظامی سعودی در نخستین حمله موشکی مبارزان یمنی به «جیزان» عربستان

سرویس خارجی:کمیته های مردمی یمن در نخستین حملات موشکی و خمپاره ای به پایگاه «جیزان» و منطقه «نجران» عربستان و سپس نفوذ به داخل خاک این کشور، موفق شدند ۱۲ نظامی سعودی را به هلاکت برسانند. رسانه‌های عربی از شلیک ۸۰ موشک به پایگاه «عین الحاره» در جیزان عربستان واقع در مرزهای مشترک با یمن و همچنین اصابت خمپاره به منطقه «الفهد» در نجران عربستان خبر دادند. به گزارش شبکه المنار، علاوه بر حمله موشکی به پایگاه نظامی عین الحاره، سه خمپاره به چند ساختمان در منطقه الفهد در نجران عربستان اصابت کرد که در پی این حادثه فرودگاه نجران تخلیه و همه پروازها از این فرودگاه و به نجران لغو شد. از سویی، یکی از این خمپاره‌ها به دفتر روزنامه «الوطن» در نجران اصابت کرد. در ادامه این حملات، نیروهای یمنی موفق شدند کنترل چهار پایگاه ارتش سعودی را در مناطق مرزی به دست گیرند و در این راستا، چند نظامی سعودی به اسارت گرفته شدند. در جریان این حملات مبارزان یمنی تعدادی خودرو نظامی و مقادیر زیادی سلاح و مهمات را از نظامیان سعودی به غنیمت گرفتند. به دنبال این تحولات نیروهای سعودی مجبور به فرار به سوی شهر «الردیف» در استان جیزان شدند. این در حالی است که سخنگوی ائتلاف عربی این حملات را تایید کرد.

در چنین شرایطی، رئیس شورای سیاسی جنبش انصارالله یمن در سخنانی با تأکید بر اینکه لحظه تاریخی زدن سیلی محکم به صورت آل‌سعود فرا رسیده است گفت: ملت یمن به زودی با این سیلی لحظه‌ای تاریخی را به ثبت می‌رساند. «صالح الصماد» با تأکید بر اینکه رژیم آل‌سعود نتیجه اقدامات وحشیانه و جنایتکارانه خود علیه ملت بی دفاع یمن را خواهد دید، تصریح کرد، هنگامی که آمریکایی‌ها دیدند که جایگاه آنها در یمن تضعیف شده است، آل سعود را در گرداب جنگ علیه یمن گرفتار کردند. وی ادامه داد، ایالات متحده آمریکا سعی کرد با وادار کردن آل سعود به اتخاذ اقدام نظامی علیه یمن، جایگاه القاعده و داعش در این کشور را تقویت کند تا بتواند همچنان به فعالیت‌های خود در یمن ادامه دهد.

در تحولی دیگر، جنبش انصارالله و کمیته های مردمی با خنثی کردن تهاجم دریایی عربستان، یک شناور نظامی را به غنیمت گرفتند و همه سرنشینان آن را اسیر کردند. در این راستا، «عدنان هاشم القحطانی» یکی از رهبران جنبش انصارالله گفت: این جنبش با کمک ارتش و کمیته‌های انقلابی حمله دریایی ائتلاف سعودی به شهر عدن را ناکام گذاشت. وی افزود، در این عملیات موفق، یک شناور نظامی عربستان به دست ارتش یمن و انصارالله افتاد و شماری از نظامیان سعودی به اسارت گرفته شدند. القحطانی با اشاره به اینکه انصارالله نقشه حمله دریایی دشمن سعودی را ناکام گذاشت، گفت: این نظامیان برای حملاتی گسترده در یمن برنامه‌ریزی کرده بودند. وی افزود، حملات دریایی سعودی‌ها به یمن برای حمایت از تروریست‌ها از یک سو و سرکوب انقلاب یمن از سوی دیگر است ولی دستگاه امنیتی وابسته به جنبش انصارالله از این نقشه عربستان مطلع بود. از سوی دیگر، ارتش یمن و کمیته‌های مردمی وابسته به جنبش انصارالله کنترل ۹۰ درصد از منطقه «التواهی» عدن و مهمترین پایگاه عناصر القاعده و نیروهای طرفدار منصور هادی را به دست گرفتند. در همین حال، منابع مطلع یمنی گفتند: بر خلاف ادعای عربستان، هیچ یک از رهبران انصارالله یا انبارهای تسلیحاتی متعلق به این جنبش انقلابی در حملات هوایی ائتلاف سعودی به یمن آسیب ندیده‌اند.

در تحولی دیگر، جنگنده‌های عربستان فرودگاه بین‌المللی صنعا را برای چهارمین بار پس از تعمیر آن، بار دیگر مورد تجاوز هوایی قرار دادند و یک هواپیمای باربری را منهدم کردند. از طرفی، منابع یمنی اعلام کردند، برخی بیمارستان‌ها در شهرهای صنعا، عدن و تعز به دلیل اتمام سوخت دیگر قادر به فعالیت نیستند و این امر نگرانی‌های بسیاری را در یمن ایجاد کرده است. همچنین گفته می شود، هر روز بسیاری از بیماران و مجروحان به خاطر فقدان دارو و مواد غذایی جان خود را از دست می دهند.

در این راستا، «ماری کلیر» سخنگوی صلیب سرخ با صدور بیانیه ای نسبت به وقوع فاجعه انسانی در یمن هشدار داد و خواستار توقف فوری بمباران هوایی فرودگاه صنعا توسط عربستان شد. رئیس تیم کمیته بین المللی صلیب سرخ در یمن نیز با بیان اینکه حملات هوایی عربستان علیه یمن به طور بی وقفه باندهای فرودگاه بین المللی صنعا را هدف گرفته است و استفاده از آنهـا را غیرممکن کرده اند، گفت: فرودگاه صنعا به عنوان زیرساخت اصلی این شهر برای وارد کردن کالا و خدمات بشردوستانه توسط سعودی ها تخریب شده است. سدریک شوایزر افزود، موانع سختی که عربستان طی شش هفته گذشته در مسیر عملیات امدادرسانی قرار داده است علاوه بر تشدید کمبود سوخت، بر زندگی روزمره یمنی ها تاثیر گذاشته و امکان ادامه حیات را برای آنها دشوار کرده است.

در این راستا، سازمان ملل خواستار توقف حملات عربستان علیه غیرنظامیان یمن شد. استفان دوژاریک سخنگوی دبیرکل سازمان ملل در مقر این سازمان در نیویورک گفت: ما شاهد صحنه های فجیعی در یمن هستیم و در جریان اوضاع فاجعه بار ملت یمن قرار داریم. وی افزود، دبیرکل سازمان ملل بارها خواستار توقف خشونت در یمن و برقراری آتش بس با هدف ارسال کمک های بشردوستانه به افراد غیرنظامی بوده است. این در حالی است که، معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان تاکید کرد، عربستان سعودی و گروهک تروریستی داعش هر دو عرب‌ها و مسلمانان را به قتل می‌رسانند و با دشمنان نمی‌جنگند. شیخ «نعیم قاسم» معاون دبیرکل حزب الله لبنان تاکید کرد، آنچه در یمن روی می‌دهد یک تهاجم ظالمانه سعودی- آمریکایی است که همه قوانین انسانی و قانونی را زیر پا گذاشته است.

وی با ابراز تاسف از سکوت کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال جنایت‌هایی که علیه ملت یمن روی می‌دهد، افزود، این سکوت به جایی رسیده است که مشاهده می‌کنیم شورای امنیت با آتش بس انسانی برای امداد رسانی به بیماران و مجروحان مخالفت می‌کند. چنین امری به مثابه حمایت بین‌المللی از جنگ علیه یمن است.این در حالی است که، وزیر خارجه سنگال در جریان سخنرانی در مجمع ملی این کشور گفت: داکار قرار است ۲۱۰۰ سرباز را به عربستان و برای پیوستن به ائتلاف علیه انصارالله در یمن بفرستد. وی اعلام نکرد این سربازان چه زمان مستقر می‌شوند، اما گفت: ریاض از ما خواست تا در این ائتلاف شرکت داشته باشیم. رئیس‌جمهوری سنگال نیز گفت: تصمیم گرفته است به این درخواست ریاض پاسخ دهد و این شمار سرباز را به عربستان اعزام کند.

در تحولی دیگر، یکی از وزرای دولت مستعفی یمن که در ریاض مقیم است، فاش کرد که امارات موفق شد میان عربستان و احمدعلی عبدالله صالح، پسر رئیس‌جمهوری پیشین یمن آشتی برقرار کند و در نتیجه ریاض با پسر صالح برای بازگرداندنش به قدرت در مقابل همکاری با نیروهای ائتلاف توفان قاطع در از بین بردن جنبش انصارالله به توافق رسیده است. این وزیر عضو دولت در تبعید یمن گفت: این توافق میان رهبران بلندپایه نزدیک به دیوان پادشاهی عربستان با احمدعلی عبدالله صالح با میانجی‌گری امارات حاصل شده است و از جمله بندهای آن کنار گذاشتن علی عبدالله صالح از سیاست و ابقایش در یمن است. پیشتر رسانه‌های عربی از طرح برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به رهبری امارات برای میانجیگری میان عربستان و پسر صالح خبر داده بودند. از سوی دیگر، رئیس‌جمهوری فراری یمن در پی شکست نیروهای طرفدار وی در این کشور، بار دیگر دست به تغییر ترکیب بدنه نیروهای خود زد و رئیس ستاد مشترک ارتش و معاون وی را برکنار و پرونده آنها را به دادگاه نظامی ارجاع داد. منصور هادی همچنین با پاسخ مثبت به دیکته‌های عربستان اعلام کرد، «مذاکرات ملی» در هفدهم ماه جاری میلادی در ریاض آغاز می‌شود. وی مشخص نکرد که دعوت از گروه‌های یمنی شامل جنبش انصارالله و حامیان علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری پیشین یمن نیز می‌شود یا خیر.

جلوگیری از محاصره یمن

معاون عربی آفریقایی وزارت خارجه کشورمان به دنبال تحولات اخیر یمن اعلام کرد، یمن مانند غزه نیست که بتوانند آن را محاصره کنند و ما هرگز اجازه این کار را نخواهیم داد. امیرعبداللهیان با تأکید براینکه ایران به تلاش خود برای ارسال کمک‌های بشر دوستانه به یمن ادامه می دهد گفت: زیرا امنیت یمن امنیت ایران و منطقه است. وی تصریح کرد، عربستان به کشوری اسلامی در منطقه تجاوز کرده است و شواهد تایید می کند تروریست‌ها در سوریه، عراق و یمن با برخی از دستگاه‌های امنیتی در منطقه ارتباط دارند.

در این راستا، رادیو بین‌المللی فرانسه طی گزارشی با اشاره به حملات بی‌وقفه عربستان به یمن و درخواست‌های مکرر تهران برای توقف این تجاوزات اعلام کرد، ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای با سعودی‌ها اختلافات بسیاری به ویژه در مورد سوریه، عراق، لبنان و بحرین دارد. در تحولی دیگر، جنبش انصارالله یمن اعلام کرد، این جنبش به دلیل تداوم تجاوز عربستان به مواضع خود و نیروهای طرفدارعلی عبدالله صالح، دیکتاتور سابق یمن، درصدد تشکیل دولت بحران است. رئیس کمیته عالی انقلابی وابسته به انصارالله گفت: این جنبش در حال مشاوره با احزاب دیگر برای تشکیل دولت بحران است.

*** عربستان**

ادامه برکناری‌ها در عربستان به رئیس تشریفات دربار رسید. پادشاه عربستان در ادامه عزل و نصب های جدید خود، در حکمی «محمد عبدالرحمان الطبیشی» رئیس دربار پادشاهی را برکنار و «خالد بن صالح العباد» را جایگزین وی کرد. در این حال، وزرایی که اخیرا به دستور پادشاه عربستان انتخاب شدند، مقابل ملک سلمان در کاخ الیمامه سوگند یاد کردند. خبر دیگر اینکه، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه پایانی نشست خود در ریاض اعلام کردند، خواستار برقراری روابط عادی با ایران بر اساس اصل عدم دخالت هستند

*** اردن**

رزمایش بین‌المللی «شیر آماده ۲۰۱۵» با مشارکت نیروهای مسلح اردن و ۱۸ کشور جهان و همچنین با همکاری فرماندهی مرکزی آمریکا در اردن آغاز شد.

دیدار اولاند با ملک سلمان در ریاض

فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه پس از ورود به عربستان در دیدار با سلمان بن عبدالعزیز پادشاه این کشور با وی درباره روابط دوجانبه میان پاریس و ریاض، آخرین تحولات منطقه‌ای به خصوص یمن بحث و تبادل نظر کرد. اولاند همچنین در ریاض با عبدربه منصور هادی، رئیس جمهوری فراری یمن دیدار و با وی در مورد آخرین تحولات یمن و عملیات ائتلاف موسوم به توفان قاطع بحث و گفتگو کرد.در این راستا، وزیرخارجه فرانسه که اولاند را در سفر به عربستان همراهی می‌کند، اظهار داشت، فرانسه و عربستان در حال بررسی ۲۰ پروژه اقتصادی به ارزش دهها میلیارد یورو هستند.

تایید حکم اعدام ۵ هوادار اخوان مصر از سوی دادگاه جنایی «جیزه»

سرویس خارجی: دادگاه جنایی «جیزه» مصر پنج تن از هواداران اخوان المسلمین مصر را به اتهام حمله به ایستگاه پلیس و قتل ۱۱ نیروی امنیتی به اعدام محکوم کرد. این دادگاه پس از بررسی درخواست تجدید نظر حکم اولیه این پنج متهم، آنها را مجددا به اعدام محکوم کرد. حمله به ایستگاه پلیس در شهر «کرداسه» در سال ۲۰۱۳ چند روز پس از سرکوب شدید معترضان توسط نیروهای امنیتی رخ داد. در این سرکوب خشونت آمیز علیه حامیان رئیس جمهوری برکنار شده مصر، صدها تن کشته شدند.

در این میان، وزیر خارجه آلمان در سفرش به مصر با رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه این کشور دیدار و با آنها درخصوص اوضاع خاورمیانه به ویژه بحران سوریه، لیبی و یمن و پرونده هسته‌ای ایران بحث و گفتگو کرد.از دیگر سو، مجمع عمومی صدور حکم و قانونگذاری مصر با صدور حکمی، تمامی مزایای روسای جمهوری سابق مصر را برای حسنی مبارک، رئیس‌جمهوری مخلوع این کشور، سوزان، همسر وی و علاء و جمال، دو پسرش قائل شد.

در تحولی دیگر، «مایکل موریل»، معاون پیشین رئیس سازمان اطلاعات آمریکا اعلام کرد، کشورش در تأثیر گذاری بر نتایج انقلاب‌ها در کشورهای عربی از جمله مصر با شکست مواجه شد. وی اعلام کرد، خود او حلقه وصل دولت آمریکا با «عمر سلیمان» رئیس پیشین سازمان اطلاعات مصر بود و قرار بود سلیمان پس از مبارک قدرت را در مصر به دست گیرد.

*** لیبی**

منابع خبری در شهرک «هراوه» واقع در ۷۰ کیلومتری شرق شهر «سرت» اعلام کردند، گروه تروریستی داعش بار دیگر بخش بزرگی از شهرک «نوفلیه» نزدیکی شهر سرت را به کنترل خود درآورد. تروریست های داعش با حمله به این منطقه و غارت منازل و تهدید اهالی به قتل، موجب ترس و وحشت اهالی شدند. شاهدان عینی اعلام کردند، داعش یک شرکت ترکیه ای را در منطقه «ام قندیل» به اردوگاه نظامی خود و مقر قبلی در شهر نوفلیه را به انبار غنایم تبدیل کرده است. در این میان، پارلمان لیبی موافقت اولیه خود را با پیش‌نویس توافقنامه حل بحران این کشور با اعمال برخی تغییرات اعلام کرد.

***الجزایر**

یک منبع نظامی الجزایری اعلام کرد، ارتش این کشور موفق شد مانع گردهمایی فرماندهان ارشد شاخه آفریقایی القاعده شود. منبع مذکور اظهار داشت، فرماندهان گروه تروریستی «القاعده در مغرب اسلامی» قصد داشتند در مناطق صعب‌العبور قبیله‌ای این کشور نشستی برگزار و با فرماندهان و مسئولان القاعده در مناطق مرکزی الجزایر برای عملیات‌های آتی متحد شوند و برنامه‌ریزی کنند.

رژیم صهیونیستی: در جنگ بعدی، مهد کودک‌ها، مساجد و منازل مسکونی غزه و لبنان را با خاک یکسان می کنیم

سرویس خارجی: رئیس سابق ستاد مشترک ارتش اسرائیل با اعلام اینکه برای این رژیم هیچ هدفی در غزه و روستاهای تحت کنترل مقاومت لبنان، منطقه غیر نظامی محسوب نمی‌شود، تاکید کرد که در جنگ بعدی، مساجد، مهدکودک‌ها و خانه‌های شهروندان را با خاک یکسان خواهند کرد.

بنی گانتس گفت: در صورتی که وارد یک نبرد جدید با حماس یا حزب‌الله شویم مساجد، مهدکودک‌ها و خانه‌های غیرنظامیان در نوار غزه و روستای الخیام لبنان هدف قرار می‌گیرند چرا که این اماکن به مراکز پرتاب موشک تبدیل شده‌اند و اماکن مسکونی محسوب نمی‌شوند. وی تاکید کرد که جنگ آینده علیه غزه بدتر از جنگ تابستان گذشته برای این منطقه خواهد بود. وی در مورد روستای الخیام لبنان که در دامنه جبل عامل مشرف بر بلندی‌های اشغالی جولان قرار دارد نیز مدعی شد: در روستای الخیام دهها خانه مسکونی وجود دارد که پر از موشک است و آنجا موشک‌ها و افراد در یک خانه قرار دارند. هر میزان هم که دقت شود آیا کسی هست که بگوید چگونه آنها را از هم تفکیک کنیم؟ به همین خاطر پیش روی ما هیچ گزینه‌ای جز هدف قرار دادن آنها نیست.

در چنین شرایطی بیش از ۶۰ نظامی صهیونیست شرکت‌کننده در جنگ غزه در تابستان سال گذشته، به جنایت‌های رژیم صهیونیستی در این جنگ اذعان کردند. این نظامیان به غیرقانونی بودن تاکتیک‌های نظامی این رژیم در جنگ تابستان سال گذشته در غزه اعتراف کرده و گفته‌اند در این عملیات اقدامات لازم برای حفظ جان غیرنظامیان انجام نشد. به گفته آنها به نیروهای زمینی دستور داده شده بود تا هر چیزی را در داخل غزه تهدید قلمداد کرده و از شلیک گلوله مضایقه نکنند. علاوه بر این، تانکها به طور عمدی و بدون آنکه بدانند ساختمان‌ها مواضع نظامی قانونی هستند یا محل سکونت غیرنظامیان، به سمت آنها شلیک و آنها را تخریب می‌کردند.

خبر دیگر اینکه مقر امنیتی جنبش حماس در شهر غزه هدف انفجار بمب قرار گرفت. این انفجار پس از آنکه تروریست های حامی داعش پیام تهدیدآمیزی را منتشر کردند و در قالب آن خواستار آزادی اسرای خود شدند، روی داد. شاهدان گفتند که انفجار بمب به ساختمان مقر حماس خساراتی وارد آورد. افراطیون مخالف حماس قبل از این انفجار با صدور بیانیه ای تهدید کرده بودند که در صورت آزاد نشدن اسرای خود ظرف ۷۲ ساعت، اهدافی را در غزه هدف حمله قرار می دهند. در چنین شرایطی وزارت جنگ رژیم صهیونیستی یک سیستم جدید ضد موشک را از پایگاهی در مرکز اراضی اشغالی آزمایش کرد که هدف آن ردیابی موشک‌های بالستیک است و توانایی پرتاب ماهواره به فضا را نیز دارد. در تحولی دیگر شهرک‌نشینان صهیونیست یک کودک دو ساله فلسطینی را با خودرو زیر گرفتند و به شهادت رساندند. این کودک در شهر قدس زیر گرفته شد و پس از آن فورا به بیمارستان منتقل شد اما به دلیل شدت جراحات به شهادت رسید.

اما در تحولات سیاسی، نخست وزیر اسرائیل دو روز پیش از پایان ضرب الاجل برای اعلام دولت خود، توافقنامه‌ای را با حزب ارتدوکس‌های افراطی «شاس» برای تشکیل دولت ائتلافی امضا کرد. در این حال نتانیاهو درخواست «نفتالی بنت» رهبر حزب «خانه یهودی» برای تصدی پست وزارت امور خارجه را رد کرد. حزب «خانه یهودی» که امضای آن می‌تواند باعث شکل‌گیری یا فروپاشی کابینه ائتلافی شود، بعد از اطلاعیه «آویگدور لیبرمن» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی مبنی بر اینکه به کابینه ائتلافی نمی‌پیوندد، درخواست‌های خود را مجددا مورد ارزیابی قرار داد که تصدی پست وزارت خارجه یکی از درخواست‌های جدید این حزب بود.

کوتاه از سراسر جهان

«جوزف دانفورد» رئیس جدید ستاد مشترک ارتش آمریکا شد

ایسنا: رئیس‌جمهوری آمریکا فرمانده تفنگداران ویژه را به عنوان رئیس جدید ستاد مشترک ارتش این کشور معرفی کرد. جوزف دانفورد ۵۹ ساله جانشین ژنرال مارتین دمپسی شد که قرار است سپتامبر امسال از سمتش کناره‌گیری کند.دانفورد در هر دو جنگ عراق و افغانستان تجربه کافی داشته و پیش از آنکه فرمانده نیروهای تفنگدار ویژه در اواخر ۲۰۱۴ شود، فرماندهی نیروهای آمریکایی و بین‌المللی را در افغانستان برعهده داشت. دانفورد را فردی آرام و متفکر معرفی کرده‌اند که شرایط را برای موفقیت مهیا می‌کند.

درخواست فرانسه برای مصونیت قضایی نیروهایش در لبنان

فارس: نبیه بری رئیس پارلمان لبنان از طرح پاریس برای دستیابی رسمی به صیانت قضایی نیروهای فرانسوی یا همان کاپیتولاسیون در بیروت پرده برداشت. وی از طرح فرانسه برای کسب صیانت قضایی نیروهایش که قرار است به بیروت اعزام شوند، خبر داد. کاپیتولاسیون یا «قضاوت‌سپاری» که به آن «قضاوت کنسولی» نیز می‌گویند، اول بار در سده ۱۹ میلادی برای حمایت از کارگزاران دولت‌های استعماری از جانب دولت‌هایی مانند دولت شاهنشاهی ایران داده و سپس لغو شد.

رهبر اکثریت جمهوریخواهان سنای آمریکا متهم به فساد مالی شد

فارس: «دین اسکلوس» رهبر اکثریت جمهوریخواهان سنای آمریکا از ایالت نیویورک به همراه پسرش متهم به فساد مالی شدند و قرار است در دادگاه حاضر شوند. نام «اسکلوس» ۶۷ ساله و پسر ۳۲ ساله وی به نام «ادم اسکلوس» در شش مورد شکایتی آورده شده که در دادگاه فدرال «منهتن» ثبت شده است. در بین این اتهامات، توطئه و اخاذی نیز به چشم می‌خورد. دادستان‌ها می‌گویند اسکلوس به فردی که در کار ساخت و ساز است و یک شرکت فناوری زیست‌محیطی فشار آورده بود تا به پسرش ۲۰۰ هزار دلار در قبال حمایت از زیرساخت پرداخت کنند.

حضور جنجالی بان کی مون در مراسم سالروز پیروزی روسیه

ایسنا: دبیرکل سازمان ملل به رغم انتقادها شنبه آتی در مراسم هفتادمین سالروز پایان جنگ جهانی دوم در مسکو شرکت خواهد کرد. با وجود انتقادهای اوکراین و سایر کشورهای اروپای مرکزی، بان کی مون گفته است در مراسم روز پیروزی شوروی بر آلمان نازی در جریان جنگ جهانی دوم شرکت خواهد کرد. بان کی مون پیش از سفر به مسکو برای حضور در مراسم روز پیروزی، به لهستان و اوکراین می‌رود.

نامزدی اولین کاندیدای زن جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

ایسنا: کارلی فیورینا، مدیر اجرایی پیشین شرکت فناوری اطلاعات هیولت پاکارد (HP) اعلام کرد که برای کسب نامزدی حزب جمهوریخواه، وارد میدان مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا می‌شود. فیورینا به احتمال زیاد تنها نامزد زن مشهور از حزب جمهوریخواه برای رسیدن به کرسی ریاست‌جمهوری آمریکا خواهد بود. وی حدود یک دهه پیش یکی از نامزدهای احراز پست ریاست بانک جهانی بود.

اوباما: پس از پایان ریاست جمهوری وقتم را صرف جوانان می کنم

مهر: باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد سازمان غیرانتفاعی جدیدی برای مشاوره دادن و حمایت از جوانان اقلیت تشکیل خواهد داد. اوباما با بیان اینکه آینده آمریکا وابسته به جوانان است، افزود: بعد از خروج از کاخ سفید وقت خود را صرف حضور در این سازمان غیرانتفاعی خواهم کرد. وی از ایجاد سازمانی غیرانتفاعی با عنوان «برادرم حافظ اتحاد باش» خبر داد و گفت: ما بر سر این موضوع باید مسیری طولانی را طی کنیم؛ این پروژه ماموریت من است، نه برای ادامه دوران ریاست جمهوری ام، بلکه برای باقی عمرم.

برکناری «لوپن» توسط دخترش از حزب جبهه ملی فرانسه

ایرنا: عضویت «ژان ماری لوپن» رهبر معنوی و بنیانگذار حزب راست افراطی جبهه ملی فرانسه، در پی بالا گرفتن اختلافات درون حزبی به حال تعلیق درآمد. «مارین لوپن» دختر وی از سال ۲۰۱۱ رهبری حزب را در اختیار دارد. دفتر اجرایی حزب جبهه ملی در جلسه ای برای بررسی مجازات و تحریم های احتمالی علیه رهبر معنوی این حزب تشکیل جلسه داد و عضویت موسس این حزب را به حال تعلیق در آورد.

موافقت رسمی کابل با بازگشایی دفتر سیاسی طالبان در قطر

ایرنا: کابل موافقت خود را با بازگشایی دفتر سیاسی طالبان در قطر اعلام کرد. این توافق پس از گفتگوهای مقدماتی هیات ۲۰ نفره شورای عالی صلح و شخصیت های سیاسی افغانستان با طالبان در قطر انجام شد. از طرفی، «حامد کرزی»، رئیس‌جمهوری سابق افغانستان ضمن حمایت از سیاست‌های «اشرف غنی» در مذاکره با طالبان گفت: می‌خواستم از طریق گفتگو با طالبان و با کمک اعضای آن گروه افغانستان را بسازم.

سفر اولین وزیر خارجه آمریکا به سومالی

فارس: وزیر خارجه آمریکا در یک سفر غیرمنتظره وارد پایتخت سومالی شد و به اولین وزیر خارجه آمریکا تبدیل شد که از این کشور شاخ آفریقا دیدن کرده است. جان کری تنها چند ساعت در موگادیشو پایتخت سومالی بود و ابتدا قرار نبود محدوده فرودگاه را که تحت حفاظت شدید بود، ترک کند. کری در موگادیشو با «حسن شیخ محمود» رئیس‌جمهوری و «عمر عبدالرشید علی شارماکه» نخست وزیر سومالی دیدار و گفتگو کرد.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۲۱۹

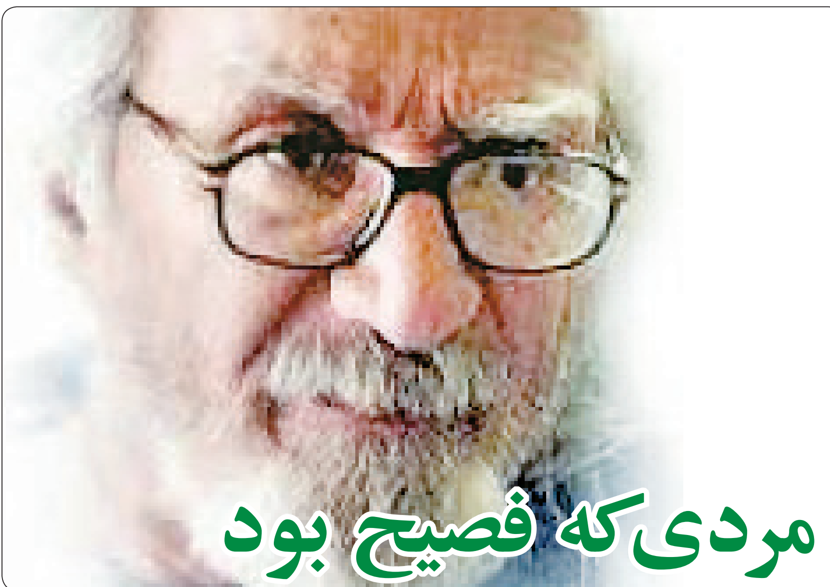
چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال هشتاد و نهم - شماره ۲۶۱۴۹

آموزه



حیات آن چیزی است که هزاران سال صبر می‌کند و سر فرود نمی‌آورد. فرد شکست می‌خورد ولی زندگی پیروز می‌شود.

ویل دورانت



مردی که فصیح بود

حسین میرعابدینی: اسماعیل فصیح رمان‌نویس و مترجم مشـــــهور ایرانی، در دوم اسفندماه ۱۳۱۳ در محله قدیمی درخونگاه، نزدیک بازار بزرگ تهران، به دنیا آمد. چهاردهمین و آخرین فرزند ارباب حسن، خواربار فروش تهرانی، بود. ارباب حسن سواد محدود مکتب‌خانه‌ای داشت، امّا شعر می گفت و اشعار حافظ را از حفظ بود (امامی، گفتگو با اسماعیل فصیح ص ۲۱۶).

اســـــماعیل پدر خود را در دو سالگی از دست داد، امّا برای نوشتن بسیاری از آثار خود، و از جمله دل‌کور، از فضای خانواده و خاطرات دوره کودکی در زیر بازارچه درخونگاه الهام گرفت، جایی که او را هم با زندگی و آداب و رســــوم مردم اعماق شهر آشنا کرد و هم بذر شیفتگی به ادبیات را در روحش کاشت.

خودش می‌گوید: «وقتی بچـــه بودم، می‌رفتم پشت در قهوه‌خانه ته بازارچه می‌نشستم و به نقّالی شـــاهنامه گوش می‌دادم (همان، ص ۲۲۱)، یکی از خواهرهایم نیز کتاب‌هایی را که کرایه می‌کرد برایم بلندبلند می‌خواند» (همان، ص ۲۲۲). به زودی خواننده پر و پا قرص داستان‌های پلیسی شد. از ادبیات کلاسیک ایران، مثل شاهنامه فردوسی و دیوان حافظ و نوشته‌های عبید زاکانی نیز غافل نبود.

هنگامی که از منابع الهام خود یاد می‌کند، هم به تجربه زندگی در محله‌ای قدیمی و خانواده‌ای پر اولاد اشاره می‌کند و هم به مطالعه آثار محمد علی جمال‌زاده، صادق هدایت، صادق چوبک، احمد محمود و بزرگ علوی (همان‌جا).

فصیح تحصیلات دوره ابتدایی را در مدرســـــه عنصری و دوره متوســـــطه را در دبیرستان رهنما به انجام رساند. در سال ۱۳۳۲ ش دیپلم طبیعی گرفت. او، که در دوره نخست‌وزیری محمد مصدق از خدمت سربازی معاف شـــــده بود، دو سال در تهران تدریس کرد و پولی اندوخت و درخردادماه ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیل روانه آمریکا شد. از دانشگاه مانتانا لیسانس شیمی گرفت. سپس به سانفرانسیسکو رفت، یک‌سال در آنجا زیست و، پس از ازدواج با دختری نروژی، به ایالت مانتانا بازگشت.

از دانشگاه مزولا لیسانس ادبیات انگلیسی گرفت و دوره داستان‌نویسی خلاق را گذراند (بدیع، ص۱۹۸؛ امامی، ص ۲۰۹). برنده جایزه دوم مسابقه داستان‌نویسی دانشجویان دانشگاه مزولا شد. دیدار با ارنست همینگوی (۱۸۹۹ ـ ۱۹۶۱م)، داستان‌نویس آمریکایی، که برای ایراد سخنرانی به آنجا آمده بود، یکی از بهترین خاطرات دوره تحصیل، و شاید همه عمر، او شد (امامی، ص ۲۰۹ ـ ۲۱۰). هنـــــگام زندگی و تحصیل در آمریکا، آشنایی با آثار نویسندگانی چون ارنست همینگوی، ویلیام فاکنر (۱۸۹۷ ـ۱۹۶۲)، و ریموند چندلر (۱۸۸۸ ـ۱۹۵۹م)، در پرورش ذهنی نویسندگی او موثر بود.

فصیح تصمیمی برای مراجعت به وطن نداشت. اما، پس از مرگ همسرش، در سال ۱۳۴۱ ش به تهران بازگشت و دو ســـــال بعد برای بار دوم ازدواج کرد. برای انجام دادن کارهای ویرایشی و ترجمه به موسسه انتشارات فرانکلین راه یافت و چندی بعد، برای تدریس در هنرستان صنعتی شرکت نفت به اهواز و مسجد سلیمان رفت (همان جا).

در این دوره، شروع به نوشتن داستان‌های خود کرد. اولین رمانش، شــــراب خام (۱۳۴۷، ش)، زمانی منتشر شــــد که از سوی شرکت نفت برای ماموریتی پژوهشی در آمریکا به ســـــر می‌برد. در این سفر، از دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی گرفت (همان‌جا). ماجراهای شراب خام در خوزستان می‌گذرد و نشان از تاثیر فیلم‌های پلیسی آمریکایی در فصیح دارد.

وفور وقایع حیرت‌آور درباره قاچاقچیان مواد مخدر، آدم‌ربایی و آدم‌کشی، باورپذیری رمان را دشوار می‌کند. از این رو، منتقدان آن را جدی نگرفتند و در رده ادبیات مردم‌پسند جای دادند (نک: هاشمی نژاد، ص۲۶). فصیح بعدها نیز از کارمایه‌های رمان مردم‌پسند برای نقل حکایتی دراز و مرتبط و گیرا بهره می‌برد، تا نظر خوانندگان در سطوح مختلف فکری را به آثار خود جلب کند؛ در عین حال می‌کوشید تا به طرح یک رشته بحث‌های ادبی و فلسفی با زبانی نکته‌آمیز، رمان را از مرتبه رمان‌های عادی جنایی بالا برد (یارشاطر، ص ۴۷۳).

وفور حـــــوادث و پیچیدگـــــی رویدادها اغلب رمان‌های او را «از ســــویی به نوع پاورقیهای ایرانی و از سوی دیگر به رمان‌های رئالیستهای قرن نوزدهم م اروپا (مثلاً آرزوهای بزرگ اثر چارلز دیکنز) نزدیک می‌کند.» (سپانلو، ص ۱۸۴) ارزش داستان‌های خوب فصیح، از جمله زمستان ۶۲، را می‌توان ناشی از توانایی او برای انتقال تاثـــــرات خود از زندگی مردم در دوره تاریخی معین و توفیق در تلفیق روایت و تاریخ دانست (یار شاطر، ص ۴۷۸).

فصیح سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳ ش را، جز ۱۳۴۷ ش که در سفر به آمریکا گذشت، در اهواز سپری کرد. در این دوره مجموعه داستان خاک آشنا (۱۳۴۹ ش) و رمان دل کور (۱۳۵۱ش) را نوشت و در آنها سرنوشت اعضای خانواده آریان را بر زمینه‌ای از تحول اجتماعی تهران معاصر پی گرفت

ادامه در صفحات ۴-۵



قلم‌انداز

کریم‌فیضی

نظریات کاستلز

اشاره: آنچه در شــــماره های قبلی این ستون درباره دیجیتالیســــم و ارتباطات نوین گفتیم، در دیدگاه های برخی از متخصصان رشته ارتباطات قابل ملاحظه است . آنچه در پی می آید بخشی از دیدگاه های پرفسور مانوئل کاستلز است که در کتاب « ظهور جامعه شبکه ای » به قلم آورده است.

۱. همزمان... ابزار لازم برای تحریک بیش از حد فعالیت ذهنی و هوسهای ممنوع... فراهم شده است. علاوه بر این، سیستم ارتباطی نوینی که به زبانی جهانی و دیجیتالی سخن می‌گوید، تولید و توزیع کلمات، صداها و تصاویر فرهنگ ما را جهانی ساخته و آنها را با سلیقه‌ها، هویت‌ها و روحیات افراد تطبیق داده است. شبکه‌های کامپیوتری دوسویه، به طرز چشمگیری گسترش می‌یابند و شکلها و کانالهای جدید ارتباطی را ایجاد می‌کنند که به زندگی شکل می‌دهند و همزمان از زندگی شکل می‌گیرند. (عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای ج ۱ /۲۸)

۲. ساختار جوامع ما به نحو روزافزونی پیرامون تقابل دوقطبی میان شبکه و خویش شکل می گیرد. در شرایطی که کارکرد و معنا دچار دوگانگی ساختاری هستند، الگوهای ارتباط اجتماعی بیش از پیش دچار تنش می‌شوند. /۲۹

۳. جامعه‌اطلاعاتی درجلوه‌های جهانی‌اش، جهان آئوم شیزیکیو، میلیشیای آمریکایی، بلندپروازیهای حکومت‌های دینی مسلمانان ـ مسیحیان و نسل کشی متقابل هوتو و توکسی نیز هست. /۳۰

۴. از آنجا کـــــه انتقال و جریان یافتن فرهنگ از طریق ارتباطات انجام می‌شود، خود فرهنگ‌ها یعنی نظام‌های عقاید و رفتار ما که ساخته تاریخند با سیستم تکنولوژیک جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌شوند و این امر با گذشت زمان تشدید می‌شود. /۳۸۳

نکته قابل اعتنایی اســـــت که کاستلز به جای مجازی از تعبیر «فرهنگ مجاز واقعی» اســـــتفاده می‌کند. /۳۸۲ و می‌نویســـــد: فرهنگ نوینی در حال ظهور است: فرهنگ مجاز واقعی. /۳۸۴

۵. سیستم نوین ارتباطات الکترونیکی که ویژگی آن قلمرو جهانی، یکپارچه‌سازی همهٔ رسانه‌های ارتباطی و تعامل بالقوه است، در حال تغییر فرهنگ ماست و آن را برای ابد دگرگون می‌سازد. با این حال، در اینجا مسئلهٔ شرایط، ویژگی‌ها و تأثیرات واقعی این تغییرات مطرح می‌شود. /۳۸۴

۶. آنچه تلویزیون ارائه می‌کرد، در وهلهٔ نخست پایان جهان گوتنبرگ یعنی سیســـــتم ارتباطیی بود که در ســـــلطهٔ ذهن چاپی و نظم الفبای آوایی قرار داشت. /۳۸۶

۷. نیل پستمن از دانشمندان برجسته رسانه‌ها عقیده دارد که تلویزیون نمایانگر گسستی تاریخی از ذهن چاپی اســـــت. چاپ به شرح سیستماتیک گرایش دارد ولی تلویزیون برای گفتگوهای سطحی مناسب‌تر است. /۳۸۷. به‌نظر می‌رسد الگوی رفتاری مسلط در سرتاســـــر جهان این باشد که در جوامع شهری، بهره‌گیری از رسانه‌ها بعد از کار، بزرگترین فعالیت محسوب می‌شود و مسلماً در خانه بزرگترین گروه فعالیت است. ۳۸۷/

این فعالیت تقریباً همواره در پس زمینه وجود دارد و تارو پود زندگی ماست. ما به همراه رسانه‌ها و به کمک رسانه‌ها زندگی می‌کنیم. مک‌لوهان از عبارت «رسانهٔ تکنولوژیک همچون قوت روزانه» یا «منابع طبیعی» استفاده می‌کند. ۳۸۷ و ۳۸۹



ایران

رضا حیدری شکیب

داستان نگارخانهٔ تاریخی میرملاس

غاری که دیگر «میر» نیست

اولین نگارخانه تاریخ در ایران در منطقه کوهدشت لرستان قرار دارد. هنر صخره‌نگاری، هنری باستانی و شرح زندگی و احوال پیشینیان است. رنگ‌های بکار رفته شده، مواد و مصالح خلق این آثار همه و همه ذهن انسانهای آگاه را به خود مشغول می‌دارد. کوهدشت سرزمین زیگورات و معبد میر ملاس و همیان، سُرخدُم لکی و لری غار کلماکره می‌باشد که آثار مفرغی آن زینت بخش موزه‌های ایران و جهان می‌باشد. ذکر این نکته لازم است که غار میر ملاس کوهدشت لرستان یکی از سه غار بسیار قدیمی و مهم دنیاست که دیواره‌هایش اولین نقاشی‌های بشری را در دل خود دارد.

پروفسور گیرشمن پس از کشف غار میرملاس و همیان با مشاهده عکس‌ها و اسلایدهای آن، چنین اظهارنظر کرده است: «کشف نقاشی‌ها در یک غار لرستان مطلبی حایز اهمیت است، طی تمام تجسس‌هایی که درباره کاوش‌های مربوط به غارهای میهن شما انجام یافته است اعم از آنچه اینجانب در کوههای بختیاری به عمل آورده‌ام و یا آنچه در بیستون و البرز و کوههای خراسان معمول داشته است همچنین آنچه به وسیله دانشمندان آمریکایی در افغانستان صورت پذیرفته در هیچ جا نقاشی‌هایی بر روی بدنه سنگ کوهستان دیده نشده است و از اینجا اهمیت موضوع به خوبی روشن می‌گردد.»

ـ مک بورنی استاد دانشگاه کمبریج در آن زمان در بیان اهمیت این نقوش چنین آورده است: «نقوش دوره تاریخی که شامل گروههای اسب سوار و مناظر جنگ و جدال و شکار حیوانات با تیر و کمان است و قدمت آنها به ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد و بدین سبب که هنر اسب سواری نخستین بار به وسیله ایرانیان و مقارن با تاریخ یاد شده در این منطقه معرفی شده است، نمی‌توان تاریخ نقوش پیش گفته را به دوره قدیمی‌تری مربوط دانست. اهمیت نقوش مذکور از این جهت است که آنها نخستین تجلیات ذوق هنری مردمان غارنشین منطقه کوهدشت لرستان به شمار می‌رود. بعدها هنر همین مردم به تدریج تکامل یافت و به نسل‌های بعد منتقل شد تا اینکه در هزاره نخست پیش از میلاد تجلی این هنر قدیمی با چنان مهارت و تکامل ویژه‌ای بر روی اشیای برنزی لرستان ظاهر شده است که آنها از لحاظ تکنیک و صنعت به عنوان نشانه‌ای از هنر فلز کاری و به نام برنز لرستان معروفیت جهانی پیدا کرده است.»

ـ خانم ماری لیز لوژن بلژیکی متخصص هنرهای صخره‌ای نیز در مورد نقوش پناهگاه میرملاس می‌گوید: «این نقوش بسیار بی‌نظیر هستند و مانند اینها را در اروپا نداریم، بنابراین مهم است که حفاظت شوند.

میر ملاس

هنر غارنشینان را می‌توان اولین بخش از تاریخ تفکّر، تخیّل و خلاقیّت بشری به شمار آورد. چرا که به واسطه قابلیّت ساختن تصویر و نماد (سمبل) بود که بشر توانست بر محیط خود مسلّط شود. اوّلین نقاشی‌های انسان مربوط به دوره پارینه سنگی (بخش آخری دوره پلئیستوسن یا دوره چهارم زمین‌شناسی) است. قدمت این هنر به قبل از ۲۰۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. نقّاشی بر سقف و دیوار غار با دوده ذغال یا سوخته ی استخوان مخلوط با پیه جانوران و یا با رنگ‌های کانی (معدنی) مانند گل اخرا و خاک سرخ اجرا می‌شده است. در برخی مناطق نیز هنر نقاشی و حجّاری توأمان به کار می‌رفته است. بسیاری بر این عقیده‌اند که هدف از ترسیم این نقوش نه به جهت تزئین بلکه به این دلیل بوده که انسان برای آن‌ها خواص جادویی قائل بوده است. در واقع انسان پیش از تاریخ سعی داشت با محدود کردن جانور در چارچوب یک تصویر او را تابع قلمرو شکار خویش کند. چنین به نظر می‌رسد که توجّه به یک تصویر خاص و یا پیکره‌ای خاص، فی نفسه هدف ترسیم‌کنندگان بوده است که متخصصان فن آن را هنر صخره نگاری نامیده‌اند.

هنر صخره‌ای (Rock Art) در مفهوم کلی آن، به تمامی نقوش و نگاره‌هایی اطلاق می‌شود که در تمامی ادوار، به سبکهای مختلف و با تکنیک‌های اجرایی گوناگون بر روی صخره‌ها به تصویر درآمده اند. اما هنر صخره‌ای در مفهوم امروزی آن، فقط در برگیرنده نگاره‌هایی است که نقش مایه‌های عمده آن، تصاویر کوچک و گاه مینیاتوری حیوان، اشکال، نمادها، گیاهان و انسان، به صورت تک نگاره یا در صحنه‌ها و مجالس شکار، نبرد، رقص و مراسم اجتماعی و آیینی است. قدیمی‌ترین و ارزشمندترین هنرصخره نگاری در ایران قرار دارد. در دره میر ملاس و غار میر ملاس.



غار میر ملاس در درهٔ «میرملاس» کوه «سرسرخن یا سرسورن» و در فاصلهٔ حدود ۳۰ کیلومتری شهر کوهدَشت واقع شده است. غار «میرملاس» به مرور زمان درهم ریخته و در حال حاضر سایبانی بیش، ازآن باقی نمانده است. نقاشی‌هایی در دو طرف جنوب و شمال غار روی دیوار سایبان نقش بسته که در معرض عوامل طبیعی و انسانی قرار دارند. بیش‌تر نقاشی‌ها، صحنه‌هایی از شکارگاه یا رزمگاه را مجسم می‌سازند. برخی نیز، نقش حیواناتی هستند که نمی‌توان نوع آن‌ها را تشخیص داد. نقاشی‌ها و نگاره‌هایی که بر دیواره‌های جنوبی و شمالی این غار باقی مانده بیشتر صحنه‌هایی از رزم، شکار، انسان و حیوان را نشان می‌دهد. نقوش حیواناتی چون گوزن، گاو، سگ، روباه و خصوصاً اسب و سوار در حال تیراندازی و شکار و موضوعات رزمی با رنگ‌های قرمز و سیاه بر دیواره این غار دیده می‌شود که در میان سنگ نگاره‌های باستانی کشور ایران بی‌مانند است.

در میان این سنگهای زخم خورده از طبیعت و انسان می‌توان نقوشی را مشاهده کرد که افتخارانگیز و تاسف برانگیز است. افتخار انگیز از این جهت که شاید بتوان گفت که زیباترین و نابترین هنر صخره نگاری جهان در کشور ما قرار دارد و تاسف برانگیز از آن جهت که مردم کشور ما به آنها اهمیت نمی‌دهند و ترهای برایش خوردنمی‌کنند[2].

اگر با دقت و صرافت به صخره‌های دره میرملاس بنگریم در می‌یابیم که تعداد این نقوش در محدوده شکارگاه با[3] حدوداً ۱۳ الی ۱۵ عدد نقش سالم و تا حدودی با وضوح و با زاویه شیب ۹۰ درجه دیده می‌شود که با استفاده از ابزارهای نقاشی (سنگ ریزه ـ استخوان) در آن زمان بر روی سنگ آهکی سفید رنگ نقاشی شده‌اند و از اثر انگشتان دست اثری نیست. این نقوش شامل انسانی که دستانش را به نشان قدرت و اقتدار برکمر زده است و یک سوارکار که با اسب خود ایستاده و نقش انسان با نماد سه شاخی که شاخ‌های آن بطور افقی روبه سمت چپ قراردارند ویک سوار کار که با کمان درحال شکار می‌باشد (شاید سوار کار قصد دارد بز کوهی و بچه‌اش را شکار کند)، این نگاره به سختی قابل مشاهده است و نور مستقیم آفتاب رنگ‌های به کار رفته را سوزانده و رنگ آنها پریده است که با دقت بسیار زیاد قابل درک می‌باشند و در سمت فوقانی این نقوش، تصویر حیوانی شبیه به گرگ یا روباه که رنگ آن نسبت به نقوش دیگر پررنگ‌تر است و بز کوهی دیده می‌شود که در حال چریدن می‌باشد و جهت صورت آن روبه سمت راست است که شاید هنرمند این جهت‌گیری را به عمد داشته که نماد شرق و مطلع است. آخرین نقش در این مجموعه یک بز کوهی دیگر بوده که توسط انسان ناآگاه با رنگ اسپری برروی آن نقش بز کوهی بزرگی نقاشی شده است. در سمت غرب غار بر دیواره عمودی غار دو نقش مشاهده می‌شوند که از دست همان انسان نا آگاه کمتر آسیب دیده است و فقط عوامل طبیعی بر آنها تخریب ایجاد کرده است، صحنه جنگ یک سوار با نیزه‌ای بلند در حالی که اسبش بر روی دوپای عقب ایستاده درحال جنگ با حیوانی عجیب، نشان داده شده که ما بین آنها یک بز کوهی دیده می‌شود (شاید سوارکار درحال نجات بزکوهی از چنگال حیوانی درنده باشد). با نگاهی پژوهشگرانه به این آثار بدون شک دریافت می‌شود که سنگ نگاره‌های ایران نشان از تاریخی دور و دراز در این سرزمین دارند. نشان‌هایی از حیوانات، انسان‌ها، گیاهان و زندگی. همه و همه را می‌توان بر روی سنگ نگاره‌ها یافت و می‌توان ساعت‌ها بر روی آنها مطالعه کرد و از طرق گوناگون به بررسی آنها پرداخت. حیوان و شکار نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در انسان گذشته داشته و نقاشی دیواری داستان‌سرا و راوی این داستان است.

پی‌نویس:

۱ـ با توجه به اینکه نگارنده فرزند سرزمین میر ملاس در همیان کوهدشت می‌باشد و این غار و آثارشان را به کرار مشاهده کرده است بر آن شده است تا گزارشی واقعگرایانه را از نگاره‌ها و نقوش این غار روایت کند.

۲ـ در حدود ۵ـ۶ سال پیش هیات کوهنوردی استان و شهرستان از اینجانب دعوت کردند تا به عنوان راهنما برای دو زوج پزشک اسپانیایی (بدون مرز که از جنگ افغانستان بازگشته بودند) که با ذوق و شوق برای بازدید از این نگاره‌ها به شهرستان کوهدشت آمده بودند، گزارشگر تاریخی و هنری باشم و این در حالی است که نام و آوازه این غار و نگاره‌هایش برای ملت کشور من گمنام است.

۳ـ بر اساس نتایج منتشر شده پژوهشگران در بررسی‌های موردی انجام یافته، نقوش صخره‌ای لرستان، طیفی از اواخر دوره نوسنگی تا دوره معاصر را دربرمی گیرند؛ قدیمی‌ترین زمانی که در ارتباط با گاهنگاری این نقوش مطرح شده است، مربوط است به نقش گوزنی در غار میر ملاس که مک بورنی آنرا مربوط به دوره نوسنگی متاخر می‌داند. در حالیکه بقیه نقوش غار میرملاس را بر اساس شاخصه‌های گاهنگاری موجود در صحنه‌ها، از جمله سوارکار کماندار نمی‌توان قبل از هزاره دوم ق.م. در نظر گرفت؛ نقوشی که از نظر تکنیک اجرایی همگی رنگین نگاره بوده و بعضی محققان آنها را در ۱۸ صحنه توصیف می‌کند؛ نگاره‌ها اکثرًا با رنگ قرمز نقاشی شده‌اند. رنگ دیگر بکار رفته در این نقوش رنگ سیاه است.



طب

شمامه‌ملک‌زاده

از میراث طب سینوی/ ۴

خورشید و خاک



ابن سینا، علاوه براینکه فیلسوفی بزرگ است ، طبیبی برجسته نیز هست. تاثیر او بر طب قدیم و پزشکی جدید ، از طریق کتاب عظیم « قانون» صورت گرفت که در قرن شانزدهم میلادی به زبان های لاتین ترجمه شد و تحولی شگرف در طب ایجاد کرد.بخش هایی از نظریات این حکیم نامدار ایرانی را می خوانید.

وقتی که خورشید از رأس برج سرطان می‌گذرد و به جائی میرسد که میل کمتری دارد، گرمایش شدیدتر از زمانی است که هنوز به رأس‌السرطان نرسیده‌بود.

سرزمینی که در نقطهٔ مقابل استوا قرار دارد روزهای اندکی در برابر خورشید به سرعت از آنجا دور می‌شود، زیرا زاویهٔ میل در هر دو عقده بیشتر از زاویهٔ میل در هر دو منقلب در افزایش است و شاید حرکت خورشید مدت سه یا چهار روز و یا بیشتر اثر محسوسی در دو منقلب نداشته باشد.

علاوه‌بر آن، خورشید در سرزمین نزدیک به مدار رأس‌السرطان در شمال و مدار رأس‌الجدی در جنوب بسیار می‌ماند و حرارت زیادی می‌دهد.

پس یابد قبول کرد هر سرزمینی که تمام خطوط عرضی آن به میل خورشید نزدیک است گرم‌ترین سرزمین است و بعداز آن سرزمینی که خطوط عرضی آن از نقطهٔ تمایل دورتر است و این دوری به سوی دو قطب است و فاصلهٔ آن در حدود پانزده درجه است گرم می‌باشد. در همهٔ سرزمین آباد گرمای تابش خورشید در نزدیک مدار رأس‌السرطان شدیدتر از موقعی است که خورشید در خط استواست. در هر سرزمینی که از مدار رأس‌السرطان دور باشد و دوریش بطرف شمال باشد، سرما بیشتر است. باید عرض‌های سرزمین مسکونی را برهمین قیاس به حساب آورد و در سایر حالات مشابه‌اند.

بلندی‌های‌وپستی‌های‌زمین

زمین‌های پست هموار گرمتر از بلندی‌ها و بلندی ها همیشه سردتر از زمین‌های پست می‌باشند، زیرا هوائی که ما در آن هستیم هرقدر به زمین نزدیک‌تر باشد گرم‌تر است، چه تابش خورشید وقتی به زمین نزدیک است شدیدتر می‌باشد و هرچه از سطح زمین دورتر باشد سردتر از جو نزدیک سطح زمین است. علت آن را می‌توان در رشته فلسفهٔ طبیعی جستجو کرد. اگر سرزمین پست دره مانند باشد، تابش را در خود بیشتر نگه‌می‌دارد و گرمتر می‌شود.

کوهساران

اگر کوهسار خود محل سکونت باشد حالت همان بلندی‌ها را دارد که ذکر شد. اما اگر سرزمین مسکون در نزدیکی کوهسار باشد حالت دیگری دارد که می‌خواهد در زمینهٔ آن بحث کنیم و می‌گوئیم:

کوه از دو طریق برهوا تأثیر می گذارد:

۱ ـ تابش خورشید را باز می‌دارد و یا جلوی آن را می گیرد و مانع رسیدن آن به نقاط مجاور می گردد.

۲ ـ جلوی باد را می گیرد و یا به وزیدن آن کمک‌می کند.

در مورد تأثیر اول: در سرزمین‌های مسکونی و حتی در سرزمین‌های شمالی که در طرف شمال آن، کوه وجود دارد خورشید در مدار خود برآن می‌تابد و کوه گرما را به آن سرزمین منعکس می‌کند. اگر کوهستان در طرف غربی آن سرزمین باشد باز همان وضع کوه شمالی را دارد و طرف مشرق آزاد است. اگر کوه در شرق منطقه واقع شده باشد گرمای تابشی کمتر از دو حالت قبلی است، زیرا هرچند خورشید برآن کوتاه می تابد ولی وقتی از آن دور می‌شود، از حالت تابش خورشید که به آن منطقه می‌رسد کاسته می‌شود. کوه غربی منطقه هم مانند کوه شرقی است، هرچند خورشید هرساعتی به آن نزدیکتر می گردد.

در مورد تأثیر دوم: کوه یا مانع وزیدن نسیم خنک شمال به منطقه می گردد و یا باد گرم جنوب را در آن می‌آکند، یا این‌که منطقه‌ای در بین دو رشته کوه قرار گرفته است و راه وزش باد برآن هموار است. در چنین حالتی بادهائی است که در آن منطقه می‌وزند از بادهای مناطق بیابانی بسیار شدیدتراند، زیرا مسیر باد تنگ است و وزش آن دوام دارد و در آن آرامش نیست. به همین روال است اوضاع و عوامل دیگر که علل آن در طبیعیات مشخص شده است. معتدل‌ترین مناطق همجوار کوهستان مناطقی است که به طرف شمال و مشرق باز باشد و کوه در سمت مغرب و جنوب آن قرار بگیرد.

دریا

دریا عموما رطوبت سرزمین‌های مجاور را افزایش می‌دهد. اگر دریا در سمت شمال منطقه باشد، چون باد شمال برآن می گذرد و لطافت می گیرد از تأثیر مزاج آب که سردتر است خنک می‌شود، منطقه مجاور را نیز خنک می‌کند. اگر دریا در طرف جنوب منطقه باشد و بخصوص که کوهی هم در بین منطقه و دریا واقع نشده باشد، غلظت‌های جنوب افزایش می‌یابد. اگر دریا در شرق منطقه قرار داشته باشد هوا را بسیار مرطوب می‌کند، زیرا هر قدر خورشید به دریا نزدیک‌تر می‌شود، آب دریا بیشتر تحلیل می‌رود (تبخیر می‌شود) و وارد هوا می‌گردد. لیکن اگر دریا در طرف مغرب قرار داشته باشد رطوبت آن از دریای شرقی کمتر است، چه تحلیل آب دریا (تبخیر) بوسیله خورشید کمتر است. پس بطور کل رطوبت هوا در مجاورت دریا زیاد است.

بادها

در سرزمین‌هائی که باد زیاد می‌وزد و کوه مانع آن نیست، منطقه از عفونت هوا به دور است. اگر مانعی در برابر وزش باد برمنطقه وجود داشته باشد هوا برای تعفن آمادگی می‌یابد و خلط‌ها می‌گندند. بهترین باد که هوا را مساعد می‌کند باد شمال است و در درجه دوم باد شرقی و بعد از آن باد غربی است. باد جنوب از همهٔ بادها زیان‌آورتر است. تغییرات هوا براثر باد ناپسند به دو صورت است: یکی وجه عمومی، و دیگری وجه منطقه‌ای و سرزمینی.

وجه عمومی: بادهای جنوبی در بیشتر سرزمین‌ها گرم و مرطوبند. گرمی آنها سبب جریان‌شان از محلی است که به واسطهٔ نزدیکی خورشید گرم شده است و رطوبتشان از آن است که اکثر دریاها نسبت به محل سکونت ما جنوبی هستند و نیروی خورشید بخار آب آنها را بلند می‌کند و با هوا می‌آمیزد. از این‌رو است که بادهای جنوب بدن را سست می‌کنند. بادهای شمالی چون از کوه‌ها و سرزمین‌های پربرف و سرد می گذرند سرد هستند و از آنجا که تحلیل رفتن(تبخیر) آب در شمال کمتر است و باد برآب‌های منجمد دریا و یا برصحاری می‌گذرد، رطوبت ندارد و خشک مزاج است. بادهای شرقی از حیث گرمی و سردی معتدلند، لیکن از بادهای غربی خشک‌تر می‌باشند. زیرا شمال شرق از شمال‌غرب کم بخارتر است و ما خودمان ساکنین شمال هستیم. بادهای غربی کم مرطوب‌تر از بادهای شرقی است، زیرا اولا بردریا می گذرند و ثانیا در جهت مخالف حرکت خورشید در جریان هستند.

آنچه خورشید از بادهای شرقی و بخصوص اکثر بادهای شرقی که در آغاز روز می‌وزند می گیرد نمی‌تواند از باد غربی اخذ کند، زیرا بادهای غربی اکثر در پایان روز می‌وزند.

پس معلوم گردید که بادهای غربی از بادهای شرقی خنک‌تر و بادهای شرقی از آنها گرم‌ترند و هردوی آنها در مقایسه با بادهای جنوبی و شمال معتدل‌هستند.

تغییر هوا براثر باد ممکن در برخی مناطق علل دیگری داشته باشد: در این مناطق که نزدیک کوه‌های پربرف جنوب هستند، وقتی باد برآنها می‌وزد سرد می گردد. ممکن است باد شمالی هم برصحرای سوزان بگذرد، حرارت کسب کند و از باد جنوب گرمتر گردد.

بادهای سام: بادهای سام یا بادهائی هستند که بربیابان‌های گرم می گذرند و یا بادهائی که از جنس دودها هستند و علایم هولناکی در جو بوجود می‌آورند که به آتش می‌ماند.

این بادها اگر سنگین باشند یا مشتعل می‌شوند و یا ملتهب می گردند؛ لطیف در آنها از بین می‌رود و سنگین پائین می‌آید و بقیه مادهٔ التهاب و آتشین را همراه دارد.

به عقیدهٔ دانشمندان قدیم هرچند منشاء مواد بادها از پائین است، لیکن کلیهٔ بادهای تند از بالا شروع بوزیدن می کنند. این نظر اگر عمومی نباشد نظر اکثریت آنهاست و داوری در این موضوع با فلسفه طبیعی است. ما نیز وقتی به بحث مسکن‌ها می‌رسیم در این‌باره بحثی خواهیم داشت.

خاک

تغییرات هوا بوسیله خاک فرع آن است که بعضی خاک‌ها آزاد، برخی سنگلاخی عده‌ای ریگزار و برخی گل‌سیاه و تعدادی شوره‌زار و سرانجام برخی دارای موادمعدنی هستند که همه آنها برآب و هوای منطقه تأثیر دارند.

فصل نهم ـ تأثیر تغییرات هوای بد که مخالف حالت طبیعی آن است

عامل غیرطبیعی شدن هوا بردو وجه است: یا گوهر هوا را تغییر می‌کند و یا کیفیات و حالات آن را.

اگر یکی از کیفیات هوا بسیار زیادتر از حد لازم و یا بسیار کمتر از این حد گردد، نوعی تعفن در هوا پدید می‌آید که شباهت به گندیدگی آب مردابهای متعفن دارد؛ گوهر هوا به تباهی می گراید و در نتیجه وبا پدید می‌آید.

منظور ما از هوای متعفن شده هوای ساده و نا آلوده‌ای که محیط را فراگرفته است نیست، زیرا هیچ ماده‌ی ساده و بدون آلودگی نمی‌گندد و اگر تغییر یابد و تغییر چه کیفی و چه گوهری باشد، به ماده‌ی ساده‌ی دیگر منتهی می‌شود، مانند تغییر آب به هوا(بخار آب). منظور ما از هوای قابل عفونت جرم‌های منتشر شده در جو است که عبارت از آمیزه‌ای از هوای حقیقی و اجزای بخار نمناک و اجزای خاکی است که بصورت دود و گرد و غبار بالا رفته است و همچنین اجزای آتشین است. اگر این آمیزه را هوا می‌نامیم بدین معنی نیست که هوای تمام عیار است، مانند این است که آب دریا و سیل‌ها را نیز آب می‌نامیم ولی در واقع آب تمام عیار و ساده و بی‌آلایش نیست و آمیزه‌ای است از آب و هوا و خاک و آتش که در آن آب‌چیرگی دارد. چنین هوائی که با اجسام دیگر آمیزش دارد ممکن است متعفن شود و گوهرش به تباهی انجامد، همچنانکه آب مسیل‌ها مستعد گندیدن و تباه شدن گوهرش می‌باشد. تعفن هوا و پدیده آمدن وبا اکثر در اواخر تابستان و در فصل پائیز است. نشانه‌های پیدایش و بروز وبا را در جای دیگری ذکر خواهیم کرد.

تغییر در کیفیت هوا آن است که هوا بر اثر گرما و یا سرما چنان حالت طاقت‌فرسائی ببار آورد که زراعت و نسل موجود را به تباهی سپارد. این دگرگونی و تعفن هوا را دو حالت است:

یا بوسیله همجنس تباه و دگرگون می‌شود، مانند اینکه در تابستان گرما بسیار شدت می‌یابد و از حد می گذرد و یا بوسیله مخالف تغییر حالت می‌دهد و متعفن میگردد، نظیر حالتی که در تابستان سرمائی سخت روی دهد.

وقتی هوا دگرگون می‌شود، بحسب حالات عارضی تاثیراتی بر بدن میگذارند. اگر هوا متعفن شود، خلطها را متعفن می‌سازد و در این کار از خلطی شروع می‌کند که در قلب محصور است، زیرا زودتر از سایر خلطها به آن می‌رسد(۴۲).

اگر هوا بیش از حد گرم شود، مفاصل را سستی می‌بخشد و رطوبت‌ها را از بین می‌برد(می گذارد). در چنین هوائی تشنگی زیاد می‌شود و روح به تحلیل می‌رود و نیروها از پای در می‌آیند. همچنین بر اثر تحلیل گرمای درونی که ابزار طبیعت است در کار هضم اختلال پیش می‌آید. از آنجا که خلطهای خونی سرخرنگ گداخته می‌شوند و مراره بر سایر اخلاط فزونی می‌یابد، به بدن انسان رنگ زرد روی می‌آورد و با گرمای غریزی قلب را گرم می‌کند، همچنین خلطها را سیلان می‌دهد و آنها را متعفن می‌سازد و آنها بطرف تجویف‌ها (حفره‌ها) و اندامهای ناتوان روی می‌آورند. هوائی با چنین شدت گرما برای تندرستان زیاد مناسب نیست ولی برای بیماران استسقاء و فالج و مبتلایان کزاز و نزله‌ی سرد و تشنج مرطوب و کج‌شدگی دهان شاید بیفایده نباشد.

هوای سرد ـ چنانچه سردی آب بافراط نکشد ـ گرمای غریزی را در درون نگاه می‌دارد و جاری شدن مواد را متوقف می‌سازد، لیکن این متوقف ساختن موجب نزله و ضعف اعصاب می‌شود و به قصبه‌الریه آسیب زیادی می‌رساند.

ادامه دارد

آیینه
ترجمه: دکتر زریاب خویی

میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی

عطارد آذربایجان

آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی: مرحوم آقای حاج میرزا عبدالله مجتهدی در تبریز دو جلسه داشت: جلسه اول مباحثه فقه و اصول بود که در منزل ایشان برگزار می‌شد و با آقای حاج میرزا محمدآقا غروی و آقای حاج میرزا عبدالله مجتهدی سرابی (که با وی نسبت خویشاوندی داشت) جلسه بحث داشتند.

جلسه دوم جلسه ادبی بود که هفته‌ای یک‌بار در منزل یکی از اعضای جلسه برگزار می‌شد و اعضای آن معمّم نبودند. معمّم و روحانی بالمعنی‌الأخصّ آن جلسه فقط آقای حاج‌میرزاعبدالله مجتهدی بود. اعضای آن جلسه عده‌ای از ادبای تبریز بودند. نام برخی از اعضای آن جلسه در خاطرم هست: حسن قاضی (از بیت قاضی‌های تبریز)، سلطان‌القُرّائی (که کتابخانه‌ای در آنجا داشت)، حاج محمدآقای نخجوانی، حاج‌حسین آقای نخجوانی (اخوی حاج محمدآقا)، عبدالعلی کارنگ.

آقای حاج‌میرزا نصرالله شبستری هم پنج‌شنبه‌ها جلسه روضه‌ای داشت و چون آدم بافضل و باکمال و با اطلاعات و علم دوستی بود، آقای مجتهدی خیلی از آن جلسه خوشش می‌آمد و علاقه داشت در آن جلسه شرکت کند. در آن جلسه صحبت‌های علمی به معنای اعم طرح می‌شد. آقای مجتهدی در منزل خودش رسائل و مکاسب و تفسیر مجمع‌البیان تدریس می‌کرد. وی به ادبیات خیلی مسلّط و خیلی خوشفهم بود.

در زمان آقای مجتهدی، تبریز از جهت علمی خوب بود ولی پس از وفات آقای مجتهدی تبریز از نظر علمی سقوط چشمگیری کرد. البته پس از آقای مجتهدی افراد ملّایی چون آقای حاج‌میرزا عبدالله مجتهدی سرابی و حاج سیداحمد خسروشاهی بودند ولی پس از آنها دیگر در تبریز عالم درجه اول نبود.

آقای حاج سیداحمد خسروشاهی ملّا و با استعداد و اهل بحث بود. وی و آقای مجتهدی سرابی در مقابل آقای مجتهدی خیلی اظهار خضوع می‌کردند. آقای مجتهدی هم خیلی متواضع بود و هیچ‌گاه در فکر القاب و عناوین ظاهری نبود. (رضوان‌الله‌علیهم اجمعین)

آقای حاج‌میرزاعبدالله مجتهدی سرابی در اواخر عمر، شخص اول تبریز و خیلی خواستنی بود. زمانی مرحوم والد ما، آقای خمینی و آقای حاج میرزا عبدالله مجتهدی (مطلق نه سرابی) به اصفهان رفته بودند. آقای خمینی و مرحوم والد به مدرسهٔ چهارباغ رفته بودند و آقای مجتهدی هم چون پدرش با آشیخ محمدرضا مسجدشاهی رفاقت عجیبی داشت، به منزل وی رفته بود. آقای سرابی می‌گفت: من بعد از آنها به اصفهان رفتم و پرسیدم مسافرخانه‌ای که تمیز باشد، کجاست؟ مسافرخانه‌ای به من نشان دادند و گفتند که این مسافرخانه تازه تأسیس است. آنجا رفتم. وقتی خواستم شب در آنجا بخوابم، دیدم سری را بریده‌اند و روی ایوان آنجا گذاشته‌اند! من غریب بودم و نمی‌دانستم چه کنم. با خودم فکر کردم: آن سر را بردارم و به بیرون پرتاب کنم ولی منصرف شدم و گفتم: شاید پرتاب نشود و دستم آلوده به خون شود و به علامت جنایت مرا بگیرند. سرانجام تصمیم گرفتم بدون‌اینکه به سر دست بزنم، بخوابم. همان‌جا خوابیدم. وقتی صبح بلند شدم، گفتم بروم و با آن سرْ کاری بکنم. به ایوان رفتم، دیدم مجسمه چینی سر است که در تاریکی مثل سرواقعی دیده می‌شد.

نکته مهم در این قضیه قوّت قلب و نترسی آقای سرابی بود که توانسته بود، در آن وضع بخوابد!

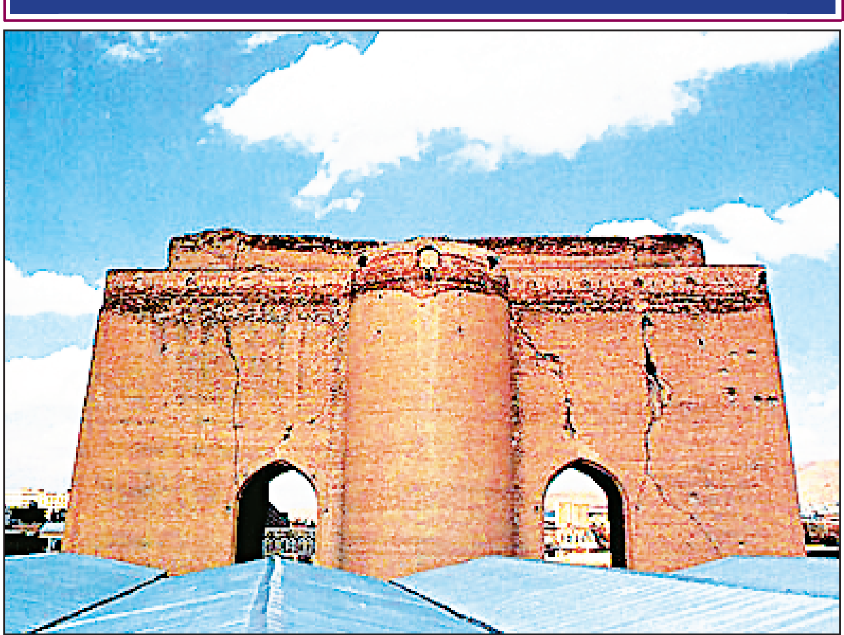
نقدهایی چند

مرحوم نفیسی متتبع بسیار پرکار، پرمطالعه و عاشق کتاب بود و کتابخانه عظیمی داشت ولی شاید بتوان گفت سواد علمی تحقیقی نداشت.

آقای حاج میرزاعبدالله مجتهدی در شماره چهارم نشریه دانشکدهٔ ادبیات تبریز مطلبی با موضوع «اقتراح» نوشته و در آن به نفیسی، اشکالی کرده بود. عبارت ایشان این بود:

با قبول تمدّن اروپایی و ترجمه کتب و نوشته‌های ملل مختلفهٔ خارجی به زبان فارسی بعض مسائل پیش آمده است که نویسندگان دویست سال قبل ایران از آن آسوده بودند، زیرا مبتلابه ایشان نبود ولی برای نویسندگان عصر حاضر حلّ آن و تعیین تکلیف قطعی دربارهٔ آن مسائل از ضروریات است. یکی از آن مسائل، طرز استعمال اسامی خاص است مانند نام‌های اشخاص و خانواده‌ها و شهرها و مملکت‌ها و رودها و امثال آنکه در فارسی معلوم نیست آنها را چگونه باید استعمال کرد. از طرف دیگر به عللی ممکن نیست ما در استعمال این قبیل الفاظ از واضع اصلی یا صاحبان آن نام‌ها پیروی کنیم. مثلاً نام آخرین پادشاه سلسله بورین را فرانسوی‌ها: شارل، انگلیسی‌ها: چارلس، آلمان‌ها: کارل، اسپانیائیها: کارلوس و ملل دیگر هم شاید طرز دیگر تلفظ می‌کنند. مملکتی را که ما آلمان می‌گوییم، فرانسوی‌ها، آلمانی، انگلیسی‌ها: جرمنی و خود آلمان‌ها: دویچلاند می‌نامند. از سابق هم هر کس در ایران نام‌های خارجی را به میل خود و برحسب اطلاعات و تحصیلات خود استعمال می‌نمایند. حاجی فرهادمیرزا معتمدالدوله در کتاب جام‌جم نام‌های تاریخی و جغرافیایی را با اسلوب انگلیسی آن استعمال می‌کند. اعتمادالسلطنه در کتاب‌های متعدد خود با اسلوب فرانسوی، طالبوف هم همان لغات را با اسلوب روسی آن ادا می‌نمایند. آقای نفیسی در کتابی که راجع به تاریخ ترکیه از فرانسه ترجمه نموده‌اند، لغات جغرافیایی را طرزی ادا می‌کنند که با هیچ‌کدام از السنهٔ اروپایی نمی‌سازد و در حقیقت «خرق اجماع مرکّب» نموده‌اند، مثلاً «آنکارا» پایتخت فعلی ترکیه را «انگوریه» می‌نویسند.

چنانکه ملاحظه می‌شود از این رو در نوشته‌هایی که مورد بحث مسائل تاریخی و جغرافیایی است، یک نوع بی‌تکلیفی پیش می‌آید که قهراً به هرج‌ومرج ادبا منجر می‌گردد. ملل دیگری که در قبال این مسأله وضع مشابهی به وضع ما داشتند، آن را هر کدام به نحوی حل نموده و از بی‌تکلیفی خلاص شده‌اند. اینک برای اینکه در زبان فارسی هم این نقیصه اصلاح و هرج‌ومرج از میان برداشته شود، نشریه دانشکدهٔ ادبیات این موضوع را «اقتراح» می‌کند که هریک از نویسندگان و فضلا رأی



ارگ تبریز

خود را در آن باب اظهارو نظر خود را با ذکر دلیل آن به مجلّه ارسال فرمایند تا آراء اظهار شده در مجلّه درج و برای استعمال این‌گونه الفاظ اسلوب و طرز معینی اتخاذ گردد. (نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ش۴ (تیر ۱۳۲۷)، ص ۴۱ _ ۰۴۲)

نفیسی که از جهت علمی در این مراتب نبود، خیال می‌کرد «خرق اجماع مرکب» به معنی «جهل مرکّب» است، لذا از تعبیر مرحوم آقای مجتهدی برآشفته شده بود و در جوابیهٔ خود که با همین عنوان «خرق اجماع مرکّب» در مجلّهٔ یغما چاپ شد، نوشت:

با اینهمه من سرافرازم که اگر خدای ناخواسته در جاهای دیگر «خرق اجماع مرکّب» کرده‌ام، دست کم در این مورد «خرق اجتماع مرکّب» و حتّی «خرق اجماع امّت» هم نکرده‌ام.

مجله یغما، ش۹ (آذر ۱۳۲۷)، ص ۳۹۱. مورد دیگری که کاشف از عدم آشنایی نفیسی با اصطلاحات دینی است، کلام وی در مقدمه مصادقةالاخوان است که درباره مادر شیخ صدوق نوشته: «به روایتی مادرشان امّ ولد نام داشته و به روایتی دیگر کنیزکی دیلمی بوده است». او خیال کرده «امّ ولد» مانند «امّ کلثوم» اسم خاص است! (ش) رک: جمع پریشان، دفتر اول، ص ۷۲.

وی اجماع مرکّب را در مقابل اجماع امّت قرار داده بود.

آقای مجتهدی نوشته بود که «پیشنهاد» به معنی «اقتراح» از استعمالات ترکان عثمانی است. نفیسی در مقاله‌اش این حرف را ردّ کرده و گفته بود که پیش از به سلطنت رسیدن عثمانی‌ها و ارتباط آنها با ایران، مولوی در فیه‌مافیه این لفظ را به کار برده است. آقای مجتهدی هم در جواب نوشته بود: بله، کلمه «پیشنهاد» در آن کتب استفاده شده است، اما نه به معنی اقتراح بلکه به معنی «درپیش رو نهادن چیزی» است ولی به معنی «اقتراح» بعد از سلطنت عثمانی‌های ترکیه استعمال شده است. در یکی از ردّیه‌ها، آقای مجتهدی نوشته است که من بیش از این بنای ردّ و ایراد با نفیسی را ندارم و به همین مقدار بسنده می‌کنم. منتهی چون از طرف مقابل به آقای مجتهدی اتّهاماتی چون توده‌ای و حمایت از ترک‌ها و شوروی‌ها زده شد، وی برای رفع این اتّهامات مجبور شد مقالهٔ دیگری بنویسد و در آنجا نوشت که بعد از این دیگر ادامه نمی‌دهم. مقالات ردّ و ایراد آقای مجتهدی بر نفیسی خیلی جالب است. نفیسی نمی‌دانست نویسندهٔ این ردود آقای مجتهدی است و وقتی فهمید، برای دیدار به منزل آقای مجتهدی آمد.

قلعهٔ «هناک»

آقای نفیسی مطلبی نوشته بود و آقای آسید هادی خسروشاهی می‌خواست برآن نقدی بنویسد. من مطلبی از مرحوم آقای حاج میرزاعبدالله مجتهدی برایش نوشتم ولی مدرکش را فراموش کرده بودم. نفیسی در کتاب احوال و اشعار رودکی مطالبی از مآخذ عربی ترجمه کرده است که در آن اشتباهات فراوانی به چشم می‌خورد. از جمله در ص۴۲۵ گوید: «و درین زمان ابراهیم بن سیمجوردواتی در قلعهٔ هناک با سپاه نصربن‌احمد مرمحمد بن‌الیاس بن یسع را محاصره کرده بودند» در حالی که اصل عبارت از ابن‌اثیر چنین است: «وسار[معزالدولة] إلی کرمان و کان إبراهیم بن سیمجورالدواتی یحاصر محمدبن‌الیاس بلعهٔ هناک» یعنی معزّالدوله به کرمان رفت و سیمجور در آن موقع محمدبن‌الیاس را در قلعه‌ای که در آنجا بود، محاصره کرده بود.

نفیسی تصوّر کرده بود «هناک» نام قلعه است!

این را از مرحوم مجتهدی شنیده بودم و وقتی به ایشان نامه نوشتم (یا تلفنی صحبت کردیم) ایشان پاسخ داد: یکی از محسنی‌های اراک به نام مهدی حسینی یثربی (از نواده‌های حاج آقا محسن) نقدی بر کتاب نفیسی نوشته که در مجله ارمغان (خرداد ۱۳۱۰، ش۱۲۵، ص۱۹۹ _ ۲۰۵ و تیر ۱۳۱۰، ش ۱۲۶، ص ۲۶۲ _ ۲۷۰) چاپ شده است.

به آقای خسروشاهی گفتم و او هم مراجعه کرد و از روی آن نوشت، منتهی آقای مجتهدی می‌فرمود: این اشتباهات دلیل بی‌سوادی شخص نیست. گاهی با سوادها هم در خواندن عبارت اشتباه می‌کنند و روی آن اشتباه فکر می‌کنند و مطلبی می‌نویسند. بضاعت علمی نفیسی را می‌توان از مجموع ترجمه‌هایش فهمید که مِن حیث المجموع روشن می‌شود مطلب اصلاً دردستش نیست.

سپس آقای مجتهدی برای اشتباهات باسوادها از حاج‌آقا منیر اصفهانی مثال زد که عبارت «من زار فاطمهٔ بقم و جبت له الجنّهٔ» را «فاطمهٔ بَقُم (بَگُم)» خوانده و دربارهٔ شخصیت «فاطمه بگم» مطالبی نوشته بود!

تألیفات

شنیدم آقای حاج میرزاعبدالله حاشیه‌ای براسلام صراط مستقیم نوشته بود، البته نه به قصد چاپ شدن (مثل حاشیه‌هایی که به من بر کتب می‌نویسم. همان حاشیه‌ها را چاپ کردند.

همچنین آقای مجتهدی مقالات خیلی خوبی در نشریه دانشکده ادبیات تبریز نوشته است ولی نام خودش را ذکر نکرده است. یکی از این مقالات به نام «حسن قاضی» است. علتش این است که حسن قاضی مقاله‌ای دربارهٔ «ملاّ مهرعلی تبریزی» نوشته بود و به آقای مجتهدی داد تا وی ملاحظه کند و نظر بدهد. آقای مجتهدی مقاله را دوباره به قلم خود بازنویسی کرد و به نام حسن قاضی در نشریه دانشکده ادبیات تبریز چاپ شد.

همچنین مقالاتی که باامضاء مسعمار «عُطارد» در آن نشریه چاپ شده است. همگی به قلم آقاَی مجتهدی است.

از کسی شنیدم که وی کتابی به نام «تاریخ‌نگاری در شرق و غرب» نوشته است که اگر ایشان چنین کتابی نوشته باشد، قاعدةً کتاب مهمّی است. این کتاب چاپ نشده است و من هم نسخهٔ آن را ندیدم و از خود آقای مجتهدی هم دراین‌باره چیزی نشنیدم.

همچنین از آثار ارزشمند مرحوم آقای مجتهدی بحران آذربایجان است که خاطرات وی دربارهٔ قضیهٔ سیدجعفر پیشه‌وری است. متأسفانه قسمتی از وسط کتاب که بخش مهم و حسّاس آن خاطرات بود، گم شد ولی قسمت‌های باقی‌مانده هم بسیار حائز اهمیت است و وقتی چاپ شد، خیلی زود کمیاب شد. چون مطالب وی درباره آذربایجان کاملاً صحیح است و یک ذرّه پس و پیش نیست، از این رو مورد توجه اهلش قرار گرفت.

من اگر نامه‌هایی را که آقای مجتهدی به من نوشته بود، جمع می‌کردم، کتاب ارزشمندی می‌شد، چون حاوی مطالب جالبی بود.

علّت اقتدانکردن

من در تبریز مهمان آقای حاج‌میرزا عبدالله مجتهدی بودم. ایشان مقید بود همه جا با من برود. وی امام جماعت مسجد مجتهد_ مسجد جدّشان _ بود. مسجد مجتهد متصل به مسجد جامع تبریز بود. من مقید بودم که در نماز جماعت شرکت کنم. همراه آقای مجتهدی تامسجد می‌رفتیم. ایشان خداحافظی می‌کرد و به مسجد مجتهد می‌رفت و من به مسجد جامع می‌رفتم و در نماز آسید حسن انگجی شرکت می‌کردم.

در طول مدت حشر من با آقای مجتهدی که سالیان طولانی به درازا کشید، هیچ‌گاه حتّی یک دفع هم در حرکات یا اشاراتش رفتاری حاکی از اعتراض ندیدم که مثلاً از من چه قادحی دیده‌ای که در نماز من شرکت نمی‌کنی؟ بلکه تا آخر لطفش به من محفوظ بود. اینکه من در نماز وی شرکت نمی‌کردم، ناشی از یک تصور اشتباه بود. اشکال من برایشان این بود که چرا فامیل خودش را که بسیاری از آنها فرنگی مآب بودند، نهی از منکر نمی‌کند؟ بعداً متوجه شدم تصورم اشتباه است. من نباید فامیل ایشان را با فامیل خودم مقایسه‌کنم.

در فامیل آقای مجتهدی که فرنگی‌مآب بودند، فقط ایشان روحانی بود، لذا از دستش کاری برنمی‌آمد. البته خود ایشان بسیار متشرّع و در تقوا در سطح بسیار بالایی بود.

برگرفته از: جرعه ای از دریا، ج ۳

هنر

مردی که فصیح بود

ادامه از صفحه اول

و به عنوان یکی از موفق‌ترین نویسندگان ایرانی در نقاشی شهر تهران و توصیف‌گذار تدریجی آن، شناخته شد.

فصیح از سال ۱۳۵۳ برای تدریس در دانشکده نفت به آبادان رفت. با شروع جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ ش و تعطیل شدن دانشکده نفت، او در سن چهل‌و هفت‌سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی ناگزیر از بازنشستگی و سکونت در تهران شد (بدیع، ص۲۰۰). هر چند با پایان جنگ، برای تدریس پاره‌وقت درس‌های «گزارش نویسی» و «زبان تخصصی» به جنوب سفر می‌کرد، اما وقت عمده‌اش را بر سر رمان‌نویسی می‌گذاشت، به طوری که به یکی از پرکارترین نویسندگان سال‌های پس از انقلاب تبدیل شد. کار خود را به مدت چهار دهه به صورت مستمر ادامه داد و رمان‌های متعددی نوشت:

شراب‌خام؛ دل‌کور؛ داستان جاوید (۱۳۵۹ ش)؛ ثریا در اغما (۱۳۶۲ش)؛ درد سیاوش (۱۳۶۴ش)؛ زمستان ۶۲ (۱۳۶۶ش)؛ شهباز و جغدان (۱۳۶۹ش)؛ فرار فروهر (۱۳۷۲ش)؛ باده کهن (۱۳۷۳ش)؛ اسیر زمان (۱۳۷۳ش)؛پناه بر حافظ (۱۳۷۵ش)؛ طشت خون (۱۳۷۶ش)؛ کشته عشق (۱۳۷۶ش)؛ بازگشت به درخونگاه (۱۳۷۷ش)؛ تراژدی _ کمدی پارس (۱۳۷۷ ش)؛ لاله برافروخت (۱۳۷۷ش)؛ نامه‌ای به دنیا (۱۳۷۹ش)؛ در انتظار (۱۳۷۹ش)؛ گردابی چنین هایل (۱۳۸۱ش)؛ عشق و مرگ (۱۳۸۳ش)؛ تلخ کام (۱۳۸۶ش). عماد بدیع خلاصه رمان‌های او را در کتاب اصل آثار فصیح (۱۳۷۹ش). آورده است. فصیح داستان‌های کوتاه خود را در مجموعه‌های ریزگرد آورد: خاک آشنا (۱۳۴۹ش)؛ تولد، عشق، عقد (۱۳۵۱ش) که با نام عقد و داستان‌های دیگر (۱۳۵۷ش)؛ تجدید چاپ شد، دیدار در هند (۱۳۵۳ش)، گزیده داستان‌ها (۱۳۶۶ ش)؛ نمادهای دشت مشوش (۱۳۶۹ش).

در سال‌های پس از انقلاب، رمان‌های فصیح با اقبال خوانندگان مواجه شد و به چاپهای مکرر رسید. منتقدان نیز به ارزش ادبی کارهای او توجه کردند. داوران «جایزه ادبی گردون» فرار فروهر را به عنوان بهترین رمان سال ۱۳۷۳ ش برگزیدند. در نخستین دوره جایزه ادبی «روزی روزگاری» از فصیح به سبب یک عمر تلاش ادبی تقدیر شد. ترجمه آثارش به زبان‌های دیگر شروع شد، از جمله دل کور به زبان‌های رومانی و روسی انتشار یافت؛ ترجمه انگلیسی ثریا در اغما به قلم خود نویسنده در ۱۹۸۵ م و ترجمه عربی آن در قاهره در ۱۹۹۷م به چاپ رسید؛ زمستان ۶۲ را نیز خود نویسنده به زبان انگلیسی برگرداند؛ ترجمه آلمانی این رمان در ۱۹۸۸م منتشر شد (فصیح، «گفتگو با اسماعیل فصیح»، کلک، ص ۴۴).

فصیح در جوانی

فصیح، قصه‌گوی چیره‌دست، تجربه‌های زیستی خود را درآمیخته با تخیلی رنگین، به قالب رمان‌های پر حادثه‌ای ریخته است که جانمایه آنها را مهمترین مسائل زمانه، مانند انقلاب جنگ و مهاجرت تشکیل می‌دهد. تبحّر او در تصویر جزئیات زندگی مردم یک عصر است. از اینرو، وقایع رمان‌های موفق او معنایی فراتر از آنچه در شخصیت‌ها اثر می‌گذارد پیدا می‌کند و رنگی نمادین می‌یابد و گستره‌ای از حیات جامعه را بازتاب می‌دهد. به طوری که نویسندگان تاریخ معاصر، برای رسیدن به درکی جزء نگارانه از کم و کیف زندگی ایرانیان، ناگزیر از توجه به رمان‌های اویند. زیرا از ورای ماجراهای داستان‌های کوتاه و بلند فصیح، که اغلب آنها حول سرنوشت اعضای خانواده تهرانی «آریان» می‌گردد، تصویری هنرمندانه از راه‌های رفته و رفتارهای ایرانیان، از ۱۳۰۰ ش تا امروز، سر بر می‌آورد. فصیح بر آن است که رمان، علاوه بر گیرایی، باید «تقلیدی جدی از واقعیت زمان باشد» (همان جا) تا آیندگان بدانند که ما چگونه زیستیم. داستان‌های او ویژگی چرخه‌واری دارند و از فضاها و شخصیت‌های یکسان وحدتی ساختاری می‌یابند. شخصیت‌های متعددی در چند داستان ایفای نقش می‌کنند، چهره‌ای که در داستانی نقشی فرعی داشته است در داستان بعدی به جلو صحنه می‌آید. شخصیت‌ها و بن‌مایه‌های عشق، مرگ، عرفان، ستایش از اصول دین زردشت، پیکار جهل و کین با عشق و نیکی، و همدردی با دگراندیشان درگیر با اقتدار در طول تاریخ ایران، با تفاوت‌هایی، در داستانهای مختلف تکرار می‌شوند. با برخی الگوها و خصوصیات در رمانهای مختلف مواجه می‌شویم، مثل بیمارداری و غم‌خواری جلال، یا سفرهایی که او برای دستگیری از دیگران و همدردی با بیماران و افتادگان انجام می‌دهد. گاه، مثلاً در داستان جاوید، توصیف جور و ستمی که بر جوانی زردشتی می‌رود صبغه‌ای رقّت‌انگیز می‌یابد و فنّ داستان‌نویسی فدای همدردی نویسنده با او می‌شود (یارشاطر، ص ۴۷۳_۴۷۴).

اغلب رمانها حول کوششهای راوی تلخ‌اندیشی به نام «جلال آریان»، برای رسیدن به شادی و آرامش در زمانه‌ای محنت‌زا، شکل می‌گیرند؛ تلاشها غالباً به شکست می‌انجامد و مغلوب‌شدگان رنج‌دیده، با هجرت به درون و عزلت گزیدن، به تسلّایی روحی می‌رسند.

ادامه دارد

کشف

محمدجوادسالمی پاریزی

با یاد دکتر باستانی پاریزی-۶

ترنشک همزاد بلبل



سالمی پاریزی

وجه مشترک این جمع شدگان در این محفل و این دو استاد همان نی است. که استاد پاریزی در بیان وصف و کیفیت تهی شدن آن ذکر مطلب کرده‌اند. و استاد شهرام ناظری با آن صدای خوشش شرح وصف حال آنرا میان می‌نماید. استاد پاریزی در مقدمه چاپ چهارم این کتاب ابتدا مبادرت به ذکر مطلبی از مولانا می‌نماید. که «در روزی پیغمبر اکرم به علی (ع) اسراری چند بیان فرمود. علی که نمی‌توانست آن اسرار را به دیگری بگوید و سنگینی باران اسرار ناراحتش کرده بود به صحرا رفته، سر را در چاهی خم کرده و آن اسرار به چاه گفته است. چنانچه فرمود:

هر زمان خواهم که آهی برکنم
چون علی سر را فرا چاهی کنم
این قدر هم گر نگویم‌ای سند
شیشه دل از ضعیفی بشکنند

از درون آن چاه به زودی یک نیی سبز شد چوپانی آنرا برید و نای هفت بند ساخته و می‌نواخت، به طوری که هر کسی می‌شنید دور او جمع می‌شد. حتی شترها. از چرای باز می‌ماندند. وقتی که چوپان شروع به نواختن می‌کرد همه شنوندگان به گریه می‌افتادند. پیغمبر اکرم فرمود این تفسیر اسراری است که من به علی گفته‌ام».[۴۳] و در همین مقدمه عنوان می‌شود. که در موسیقی شرقی و موسیقی ایران اصولاً غم‌انگیز و در میان سازها نوای نی از همه غم‌انگیزتر و مشحون از شکوه و شکایت بودن موسیقی شرق را من یک جای دیگری نوشته‌ام، و باعث اصلی آن را این دانسته‌ام که چون معمولاً خوانندگان و نوازندگان قدیم ما دختران و کنیزکان و بالاخره جوانان زیباروی هنرمندی بوده‌اند. که به صورت برده از دوردست‌ها اسیر یا خریده شده و در مجلس بزرگان زینت‌المجالس شده بودند.... ناله مرغ اسیر جز به یاد وطن و شکوه از دوری و محجوری چه می‌تواند باشد».[۴۴]

اینکه نوشته‌اند یکی از قدیمی‌ترین تصنیف‌هاکه نقل سینه به سینه فی ما بین مردمان کرمان زمین می‌باشد و تصنیفی است که آغاز آن با:

بازم صدای نی میاد/ آواز پی در پی میاد
لطفعلی خان کی میاد/ روح و روانم کی میاد[۴۵]

ناشی از تأثیر ناله _نی، در غم رفتار ناجوانمردانه‌ای که خان قجر با اهالی کرمان و در همراهی با دلاور زند بوده که به یادگار باقی مانده است. استاد در ادامه همین مقدمه عنوان می‌دارد «نای هفت بند نوایی است در عالم ادب از مرغکی وحشی و دیر آشنا در مجمع اهل هنر. کوشش من همه این بود که هیچگاه بلبل سالن نشوم و ادعای بلبل باغ هم ندارم. یعنی قبولم ندارند. همان (ترنشک) روستای خودمان هستم که به راه خود می‌روم و خواننده عزیز را در کوه دشت سیر می‌دهم. بدون اینکه خود ادعای خواندگی روشن باشم. نی محزون و نی هفت بند است که موسیقی و ترانه ساز روستائیان، و کوه‌نشینان و چوپانان سر به بیابان نهاده است نه وسایل گرم و نرم شهرنشینان و سالن نشینان.»[۴۶]

ترنشک پرنده‌ای همزاد بلبل است و در کوهستانهای پاریز. گفته می‌شود که در لانه ترنشک یک بلبل در می‌آید.[۴۷] اساساً صدای نی و اساساً موسقی سنتی حس درون را جابه‌جا می‌کند باعث می‌شود که حرکتی در درون آدمی ایجاد شود نشسته‌ای ولی در طغیانی، در توقفی ولی در جوششی، نمی‌گویی ولی در دلت و ذهنت کلام‌ها بیان می‌شود، دلت می‌خواهد این حس درون، این رها شدن و تهی شدن از خود، این ارتباط، و این صدا زدن هنرمند موسیقی‌دان و این جواب دادن احساس شنونده را به گوش خلق برسانی.... قابل توصیف در نوشتن نمی‌باشد همه جمع اینها. یک پیوند و یک رشته مشترک دارند فی مابین آنکه نت را می‌نویسد و می‌نوازد و می‌خواند و آنکه می‌شنود. همان است که «درس مقامات معنوی» ست.

بلبل ز شاخ سرو به گل بانگ پهلوی
می‌خواند دوش درس مقامات معنوی
یعنی بیا که آتش موسی نمود گل
تا از درخت نکته توحید بشنوی[۴۸]

کتاب اژدهای هفت سر که چهارمین کتاب از سری هفتی‌هاست دارای دو مقدمه و یک سرآغاز چهارده صفحه‌ای مربوط به فلفل که مشتمل بر ۱۶۴ صفحه می‌باشد و مقاله اصلی آن که محور بحث کتاب است به نام اژدهای هفت سر که محتوی از ۳۳۳ صفحه می‌باشد. خدایش رحمت کند استاد را جایی نقلی را از دیگران درمورد خودش می‌نماید ایشان نوشته است «می‌گفتند باستانی پاریزی شعر عادی ندارد شعرهایش یا دوبیتی است یا دومتری مقدمه‌هایی که من برای کتاب‌ها نوشته‌ام» البته کتاب‌های دیگران «از این حکم جدا نیست بعضی از آنها آنقدر مفصل است و بلند مثل نردبان دزدان و گاهی بلندتر از خود کتاب. بیشتر بنظر می‌رسد بعضی‌ها انقدر کوتاه است مثل میخ طویله خروس.» استاد در هر تجدید چاپ حذف و اضافه خود را دارد این کتاب‌مقاله‌های تحریری‌اش مشمول قسمت اول متن فوق می‌گردد.

آغاز مقدمه این کتاب از افسانه قدیمی اژدهای کوهستانهای پاریز و از شکل یک رگه سیاه مانند طولانی حدود شش کیلومتر، که در سینه کوهستان پاریز جلوه‌گر است و شکل و شمایلی از یک اژدها است که سر این اژدها در دهنه استخر هنگوی پاریز قرار گرفته، و گفته می‌شود که دختران تازه سال به منظور دستیابی به آرزوهایشان بر اساس یک عادت قدیمی دو شمع در محل سوراخهای بینی آن روشن می‌کردند استاد در این رابطه نوشته است که «قرن‌ها پیش مردم این قریه آنها که شب‌ها از کوه هیزم می‌آوردند دیده بود حیوان سهمناک را که در دل شب آهسته در کناره کوه می‌غلتد و برای آب خوردن به سرچشمه می‌آید.

البته صبحگاهان که مردم به سر چشمه می‌رفتند اثری از این حیوان نبود پیر مردان قوم آهسته با خود نجوا می‌کردند و حدس می‌زدند که حیوانی مخوف همسایه آنان شده است و پنهانی گهگاه به زبان می‌آوردند «که زین بوم و بر یکی اژدهاست» آنها شنیده بودند که اژدها حیوانی سهمناک است و آتش از دهانش بیرون می‌زند و به نیروی نفس و جاذبه دهان خود ممکن است آدمیزادها را به سمت خود بکشد وببلعد».[۴۹]

در ادامه نوشته‌اند که: «از قدیم می‌گفتند که بر گنج‌ها همیشه اژدها خفته‌است و این ضرب‌المثل بود که اژدها بر روی» هفت خم خسروی «حلقه می‌زند البته ضحاک یا اژدهاک و اژیدهاک و به قول فردوسی آدم «دوش اژدها» هم داشتیم که در تاریخ راه پیدا کرده بودند ولی این داستان‌ها مربوط به اساطیر بود آنان از روزگاری که تاریخ، تاریخ نویسی به معنای علمی نضج گرفت و این فکر در بعضی از مورخان پیش آمد که طلا یعنی ثروت و اقتصاد پایه‌گذار اصلی و لااقل یکی از پایه‌گذاران اصلی تاریخ و بقول ماتریالیست‌ها زیر جامعه‌است

جهان چون یکی هفت سر اژدهاست
کسی نیست کز چنگ و تارش رهاست

پانویس:

۴۳_ ص ۳ و۴ نای هفت بند چاپ پنجم سال ۴۶/۱۳۶۹_ص ۴ و ۳/ ۴۴_ص ۲ ۷۰ _ص ۱۵۳/ ۴۵_ جاودانه‌ها/۴۷_ نامه سیرجان سال ۱۳۸۲ / ۴۹_اژدهای هفت سر / ص ۱۱ و ۱۲

آیینه

ترجمه: دکتر زریاب خویی

آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی: مرحوم آقای حاج میرزا عبدالله مجتهدی در تبریز دو جلسه داشت: جلسه اول مباحثه فقه و اصول بود که در منزل ایشان برگزار می‌شد و با آقای حاج میرزا محمدآقا غروی و آقای حاج‌میرزاعبدالله مجتهدی سرابی (که با وی نسبت خویشاوندی داشت) جلسه بحث داشتند.

جلسه دوم جلسه ادبی بود که هفته‌ای یک‌بار در منزل یکی از اعضای جلسه برگزار می‌شد و اعضای آن معمّم نبودند. معمّم و روحانی بالمعنی‌الأخصّ آن جلسه فقط آقای حاج‌میرزاعبدالله مجتهدی بود. اعضای آن جلسه عده‌ای از ادبای تبریز بودند. نام برخی از اعضای آن جلسه در خاطرم هســـت: حسن قاضی (از بیت قاضی‌های تبریز)، سلطان‌القُرّائی (که کتابخانه‌ای در آنجا داشت)، حاج محمدآقای نخجوانی، حاج‌حسین آقای نخجوانی (اخوی حاج محمدآقا)، عبدالعلی کارنگ.

آقای حاج‌میرزا نصرالله شبستری هم پنج‌شنبه‌ها جلسه روضه‌ای داشت و چون آدم بافضل و باکمال و با اطلاعات و علم دوستی بود، آقای مجتهدی خیلی از آن جلسه خوشـــش می‌آمد و علاقه داشت در آن جلسه شرکت کند. در آن جلسه صحبت‌های علمی به معنای اعم طرح می‌شد. آقای مجتهدی در منزل خودش رسائل و مکاسب و تفسیر مجمع‌البیان تدریس می‌کرد. وی به ادبیات خیلی مسلّط و خیلی خوشفهم بود.

در زمان آقـــای مجتهدی، تبریز از جهت علمی خوب بود ولی پـــس از وفات آقای مجتهدی تبریز از نظر علمی سقوط چشـــمگیری کرد. البته پس از آقای مجتهدی افراد ملّایی چون آقای حاج‌میرزا عبدالله مجتهدی سرابی و حاج سیداحمد خسروشاهی بودند ولی پس از آنها دیگر در تبریز عالم درجه اول نبود.

آقای حاج سیداحمد خسروشاهی ملّا و با استعداد و اهل بحث بود. وی و آقای مجتهدی سرابی در مقابل آقای مجتهدی خیلی اظهار خضوع می‌کردند. آقای مجتهدی هم خیلی متواضع بود و هیچ‌گاه در فکر القاب و عناوین ظاهری نبود. (رضوان‌الله‌علیهم اجمعین)

آقای حاج‌میرزاعبدالله مجتهدی سرابی در اواخر عمر، شخص اول تبریز و خیلی خواستنی بود. زمانی مرحوم والد ما، آقای خمینی و آقای حاج میرزا عبدالله مجتهدی(مطلق نه ســـرابی) به اصفهان رفته بودند. آقای خمینی و مرحوم والد به مدرسهٔ چهارباغ رفته بودند و آقای مجتهدی هم چون پدرش با آشـــیخ محمدرضا مسجدشاهی رفاقت عجیبی داشت، به منزل وی رفته بود. آقای سرابی می‌گفت: من بعد از آنها به اصفهان رفتم و پرسیدم مسافرخانه‌ای که تمیز باشد، کجاست؟ مســـافرخانه‌ای به من نشان دادند و گفتند که این مسافرخانه تازه تأسیس است. آنجا رفتم. وقتی خواستم شب در آنجا بخوابم، دیدم سری را بریده‌اند و روی ایوان آنجا گذاشته‌اند! من غریب بودم و نمی‌دانستم چه کنم. با خودم فکر کردم: آن ســـر را بردارم و به بیرون پرتاب کنم ولی منصرف شـــدم و گفتم: شاید پرتاب نشود و دستم آلوده به خون شود و به علامت جنایت مرا بگیرند. سرانجام تصمیم گرفتم بدون اینکه به سر دست بزنم، بخوابم. همان‌جا خوابیدم. وقتی صبح بلند شدم، گفتم بروم و با آن سرْ کاری بکنم. به ایوان رفتم، دیدم مجسمه چینی سر است که در تاریکی مثل سرواقعی دیده می‌شد.

نکته مهم در این قضیه قوّت قلب و نترسی آقای سرابی بود که توانسته بود، در آن وضع بخوابد!

نقدهایی چند

مرحوم نفیسی متتبع بسیار پرکار، پرمطالعه و عاشق کتاب بود و کتابخانه عظیمی داشت ولی شاید بتوان گفت سواد علمی تحقیقی نداشت.

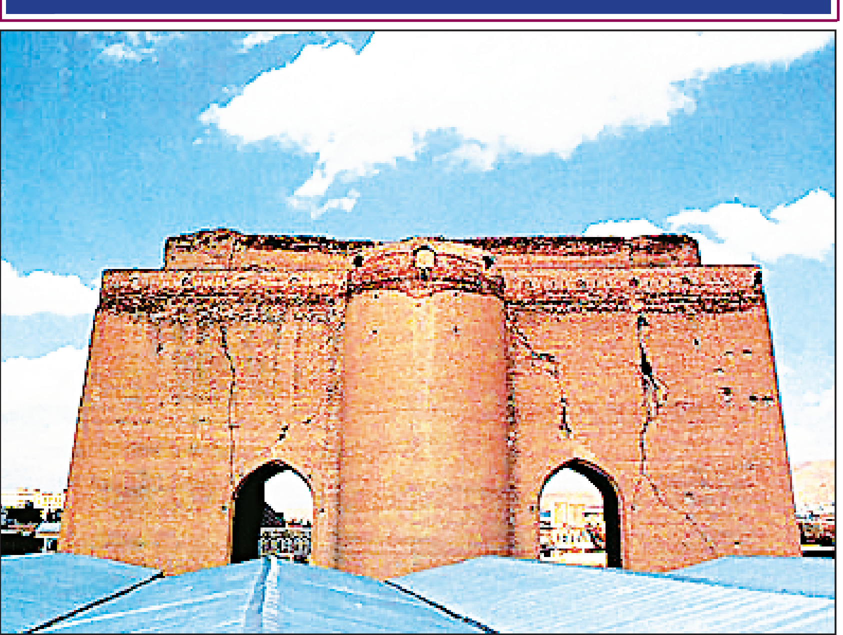
آقای حاج میرزاعبدالله مجتهدی در شماره چهارم نشریه دانشکدهٔ ادبیات تبریز مطلبی با موضوع «اقتراح» نوشته و در آن به نفیسی، اشکالی کرده بود. عبارت ایشان این بود:

با قبول تمدّن اروپایی و ترجمه کتب و نوشته‌های ملل مختلفهٔ خارجی به زبان فارسی بعض مسائل پیش آمده است که نویسندگان دویست سال قبل ایران از آن آســـوده بودند، زیرا مبتلابه ایشان نبود ولی برای نویسندگان عصر حاضر حلّ آن و تعیین تکلیف قطعی دربارهٔ آن مسائل از ضروریات است. یکی از آن مسائل، طرز استعمال اسامی خاص است مانند نام‌های اشخاص و خانواده‌ها و شهرها و مملکت‌ها و رودها و امثال آنکه در فارسی معلوم نیست آنها را چگونه باید استعمال کرد. از طرف دیگر به عللی ممکن نیست ما در استعمال این قبیل الفاظ از واضـــع اصلی یا صاحبان آن نام‌ها پیروی کنیم. مثلاً نام آخرین پادشاه سلسله بورین را فرانسوی‌ها: شارل، انگلیسی‌ها: چارلس، آلمان‌ها: کارل، اسپانیائیها: کارلوس و ملل دیگر هم شاید طرز دیگر تلفظ می‌کنند. مملکتی را که ما آلمان می گوییم، فرانسوی‌ها، آلمانی، انگلیسی‌ها: جرمنی و خود آلمان‌ها: دویچلاند می‌نامند. از سابق هم هر کس در ایران نام‌های خارجی را به میل خود و برحســـب اطلاعات و تحصیلات خود استعمال می‌نمایند. حاجی فرهادمیرزا معتمدالدوله در کتـــاب جام‌جم نام‌های تاریخی و جغرافیایی را با اسلوب انگلیسی آن استعمال می‌کند. اعتمادالسلطنه در کتاب‌های متعدد خود با اسلوب فرانسوی، طالبوف هم همان لغات را با اسلوب روسی آن ادا می‌نمایند. آقای نفیسی در کتابی که راجع به تاریخ ترکیه از فرانسه ترجمه نموده‌اند، لغات جغرافیایی را طرزی ادا می‌کنند که با هیچ‌کدام از السنهٔ اروپایی نمی‌سازد و در حقیقت «خرق اجماع مرکّب» نموده‌اند، مثلاً «آنکارا» پایتخت فعلی ترکیه را «انگوریه» می‌نویسند.

چنانکه ملاحظه می‌شود از این رو در نوشته‌هایی که مورد بحث مسائل تاریخی و جغرافیایی است، یک نوع بی‌تکلیفی پیش می‌آید که قهراً به هرج‌ومرج ادبا منجر می‌گردد. ملل دیگری که در قبال این مسأله وضع مشابهی به وضع ما داشتند، آن را هر کدام به نحوی حل نموده و از بی‌تکلیفی خلاص شده‌اند. اینک برای اینکه در زبان فارسی هم این نقیصه اصلاح و هرج‌ومرج از میان برداشته شود، نشریه دانشکدهٔ ادبیات این موضوع را «اقتراح» می‌کند که هریک از نویسندگان و فضلا رأی

میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی

عطارد آذربایجان



ارگ تبریز

خود را در آن باب اظهارو نظر خود را با ذکر دلیل آن به مجلّه ارسال فرماید تا آراء اظهار شده در مجلّه درج و برای استعمال این‌گونه الفاظ اسلوب و طرز معینی اتخاذ گردد. (نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ش۴ (تیر ۱۳۲۷)، ص۴۱ _ ۰۴۲)

نفیسی که از جهت علمی در این مراتب نبود، خیال می‌کرد «خرق اجمـــاع مرکب» به معنی «جهل مرکّب» است، لذا از تعبیر مرحوم آقای مجتهدی برآشفته شده بود و در جوابیهٔ خود که با همین عنوان «خرق اجماع مرکّب» در مجلّهٔ یغما چاپ شد، نوشت:

با اینهمه من سرافرازم که اگر خدای ناخواسته در جاهای دیگر «خرق اجماع مرکّب» کرده‌ام، دست کم در این مورد «خرق اجتماع مرکّب» و حتّی «خرق اجماع امّت» هم نکرده‌ام.

مجله یغمـــا، ش۹(آذر ۱۳۲۷)، ص۳۹۱. مورد دیگری که کاشف از عدم آشنایی نفیسی با اصطلاحات دینی است، کلام وی در مقدمه مصادقةالاخوان است که درباره مادر شیخ صدوق نوشته: «به روایتی مادرشان امّ ولد نام داشته و به روایتی دیگر کنیزکی دیلمی بوده اســـت». او خیال کرده «امّ ولد» مانند «امّ کلثوم» اسم خاص اســـت! (ش) رک: جمع پریشان، دفتر اول، ص ۷۲.

وی اجماع مرکّب را در مقابل اجماع امّت قرار داده بود.

آقای مجتهدی نوشته بود که «پیشنهاد» به معنی «اقتراح» از استعمالات ترکان عثمانی است. نفیسی در مقاله‌اش این حرف را ردّ کرده و گفته بود که پیش از به سلطنت رسیدن عثمانی‌ها و ارتباط آنها با ایران، مولوی در فیه‌مافیه این لفظ را به کار برده است. آقای مجتهدی هم در جواب نوشته بود: بله، کلمه «پیشنهاد» در آن کتب استفاده شده است، اما نه به معنی اقتراح بلکه به معنی «درپیش رو نهادن چیزی» است ولی به معنی «اقتراح» بعد از سلطنت عثمانی‌های ترکیه استعمال شده است. در یکی از ردّیه‌ها، آقای مجتهدی نوشته است که من بیش از این بنای ردّ و ایراد با نفیسی را ندارم و به همین مقدار بسنده می‌کنم. منتهی چون از طرف مقابل به آقای مجتهدی اتّهاماتی چون توده‌ای و حمایت از ترک‌ها و شوروی‌ها زده شد، وی برای رفع این اتّهامات مجبور شد مقالهٔ دیگری بنویسد و در آنجا نوشت که بعد از این دیگر ادامه نمی‌دهم. مقالات ردّ و ایراد آقای مجتهدی بر نفیسی خیلی جالب است. نفیسی نمی‌دانست نویسندهٔ این ردود آقای مجتهدی است و وقتی فهمید، برای دیدار به منزل آقای مجتهدی آمد.

قلعهٔ «هناک»

آقای نفیسی مطلبی نوشـــته بود و آقای آسید هادی خسروشاهی می‌خواست برآن نقدی بنویسد. من مطلبی از مرحوم آقای حاج میرزاعبدالله مجتهدی برایش نوشـــتم ولی مدرکش را فراموش کرده بودم. نفیسی در کتاب احوال و اشعار رودکی مطالبی از مآخذ عربی ترجمه کرده است که در آن اشتباهات فراوانی به چشم می‌خورد. از جمله در ص۴۲۵ گوید: «و درین زمان ابراهیم بن سیمجوردواتی در قلعهٔ هناک با سپاه نصربن‌احمد مرمحمد بن‌الیاس بن یسع را محاصره کرده بودند» در حالی که اصل عبارت از ابن‌اثیر چنین است: «وسار[معزالدولة] إلی کرمان و کان إبراهیم بن سیمجورالدواتی یحاصر محمدبن‌الیاس بلعهٔ هناک» یعنی معزّالدوله به کرمان رفت و سیمجور در آن موقع محمدبن‌الیاس را در قلعه‌ای که در آنجا بود، محاصره کرده بود.

نفیسی تصوّر کرده بود «هناک» نام قلعه است!

این را از مرحوم مجتهدی شـــنیده بودم و وقتی به ایشان نامه نوشتم (یا تلفنی صحبت کردیم) ایشان پاسخ داد: یکی از محســـنی‌های اراک به نام مهدی حسینی یثربی (از نواده‌های حاج آقا محسن) نقدی بر کتاب نفیســـی نوشته که در مجله ارمغان (خرداد ۱۳۱۰، ش۱۲۵، ص۱۹۹ _ ۲۰۵ و تیر ۱۳۱۰ ، ش ۱۲۶، ص ۲۶۲ _ ۲۷۰) چاپ شده است.

به آقای خسروشاهی گفتم و او هم مراجعه کرد و از روی آن نوشت، منتهی آقای مجتهدی می‌فرمود: این اشتباهات دلیل بی‌سوادی شخص نیست. گاهی با سوادها هم در خواندن عبارت اشتباه می‌کنند و روی آن اشتباه فکر می‌کنند و مطلبی می‌نویسند. بضاعت علمی نفیسی را می‌توان از مجموع ترجمه‌هایش فهمید که مِن حیث المجموع روشن می‌شود مطلب اصلاً دردستش نیست.

سپس آقای مجتهدی برای اشتباهات باسوادها از حاج‌آقا منیر اصفهانی مثال زد که عبارت «من زار فاطمهٔ بقم و جبت له الجنّهٔ» را « فاطمهٔ بَقُم (بَگم)» خوانده و دربارهٔ شخصیت «فاطمه بگم» مطالبی نوشته بود!

تألیفات

شنیدم آقای حاج میرزاعبدالله حاشیه‌ای براسلام صراط مستقیم نوشته بود، البته نه به قصد چاپ شدن (مثل حاشیه‌هایی که به من بر کتب می‌نویسم. همان حاشیه‌ها را چاپ کردند.

همچنین آقای مجتهدی مقالات خیلی خوبی در نشریه دانشـــکده ادبیات تبریز نوشته است ولی نام خودش را ذکر نکرده است. یکی از این مقالات به نام «حسن قاضی» است. علتش این است که حسن قاضی مقاله‌ای دربارهٔ «ملاّ مهرعلی تبریزی» نوشته بود و به آقای مجتهدی داد تا وی ملاحظه کند و نظر بدهد. آقای مجتهدی مقاله را دوباره به قلم خود بازنویسی کرد و به نام حسن قاضی در نشریه دانشکده ادبیات تبریز چاپ شد.

همچنین مقالاتی که باامضاء مسعمار «عُطارد» در آن نشـــریه چاپ شده است. همگی به قلم آقاَی مجتهدی‌است.

از کسی شنیدم که وی کتابی به نام «تاریخ‌نگاری در شرق و غرب » نوشته است که اگر ایشان چنین کتابی نوشته باشد، قاعدهً کتاب مهمّی است. این کتاب چاپ نشده است و من هم نسخهٔ آن را ندیدم و از خود آقای مجتهدی هم دراین‌باره چیزی نشنیدم.

همچنین از آثار ارزشمند مرحوم آقای مجتهدی بحران آذربایجان است که خاطرات وی دربارهٔ قضیهٔ سیدجعفر پیشه‌وری است. متأسفانه قسمتی از وسط کتاب که بخش مهم و حسّاس آن خاطرات بود، گم شد ولی قسمت‌های باقی‌مانده هم بسیار حائز اهمیت است و وقتی چاپ شد، خیلی زود کمیاب شد. چون مطالب وی درباره آذربایجان کاملاً صحیح است و یک ذرّه پس و پیش نیست، از این رو مورد توجه اهلش قرار گرفت.

من اگر نامه‌هایی را که آقای مجتهدی به من نوشته بود، جمع می‌کردم، کتاب ارزشمندی می‌شد، چون حاوی مطالب جالبی بود.

علّت اقتدانکردن

من در تبریز مهمان آقـــای حاج‌میرزا عبدالله مجتهدی بودم. ایشان مقید بود همه جا با من برود. وی امام جماعت مسجد مجتهد_ مسجد جدّشان _ بود. مسجد مجتهد متصل به مسجد جامع تبریز بود. من مقید بودم که در نماز جماعت شرکت کنم. همراه آقای مجتهدی تامسجد می‌رفتیم. ایشان خداحافظی می‌کردو به مسجد مجتهد می‌رفت و من به مسجد جامع می‌رفتم و در نماز آسید حسن انگجی شرکت می‌کردم.

در طول مدت حشـــر من با آقای مجتهدی که سالیان طولانی به درازا کشید، هیچ‌گاه حتّی یک دفع هم در حرکات یا اشاراتش رفتاری حاکی از اعتراض ندیدم که مثلاً از من چه قادحی دیده‌ای که در نماز من شرکت نمی‌کنی؟ بلکه تا آخر لطفش به من محفوظ بود. اینکه من در نماز وی شرکت نمی‌کردم، ناشی از یک تصور اشتباه بود. اشکال من برایشان این بود که چرا فامیل خودش را که بسیاری از آنها فرنگی مآب بودند، نهی از منکر نمی‌کند؟ بعداً متوجه شدم تصورم اشتباه است. من نباید فامیل ایشان را با فامیل خودم مقایسه‌کنم.

در فامیل آقای مجتهدی که فرنگی‌مآب بودند، فقط ایشان روحانی بود، لذا از دستش کاری برنمی‌آمد. البته خود ایشان بسیار متشرّع و در تقوا در سطح بسیار بالایی بود.

برگرفته از: جرعه ای از دریا، ج ۳

هنر

مردی که فصیح بود

ادامه از صفحه اول

و به عنوان یکی از موفق‌ترین نویسندگان ایرانی در نقاشی شـــهر تهران و توصیف‌گذار تدریجی آن، شناخته شد.

فصیح از سال ۱۳۵۳ برای تدریس در دانشکده نفت به آبادان رفت. با شروع جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ ش و تعطیل شدن دانشکده نفت، او در سن چهل‌و هفت‌سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی ناگزیر از بازنشستگی و سکونت در تهران شد (بدیع، ص۲۰۰). هر چند با پایان جنگ، برای تدریس پاره‌وقت درس‌های «گزارش نویسی» و «زبان تخصصی» به جنوب سفر می‌کرد، اما وقت عمده‌اش را بر سر رمان‌نویسی می‌گذاشـــت، به طوری که به یکی از پرکارترین نویسندگان سال‌های پس از انقلاب تبدیل شد. کار خود را به مدت چهار دهه به صورت مستمر ادامه داد و رمان‌های متعددی نوشت:

شراب‌خام؛ دل‌کور؛ داستان جاوید (۱۳۵۹ ش)؛ ثریا در اغما (۱۳۶۲ش)؛ درد سیاوش (۱۳۶۴ش)؛ زمستان ۶۲ (۱۳۶۶ش)؛ شهباز و جغدان (۱۳۶۹ش)؛ فرار فروهر (۱۳۷۲ش)؛ باده کهن (۱۳۷۳ش)؛ اسیر زمان (۱۳۷۳ش)؛پناه بر حافظ (۱۳۷۵ش)؛ طشت خون (۱۳۷۶ش)؛ کشته عشق (۱۳۷۶ش)؛ بازگشت به درخونـــگاه (۱۳۷۷ش)؛ تراژدی _ کمدی پارس (۱۳۷۷ ش)؛ لاله برافروخت (۱۳۷۷ش)؛ نامه‌ای به دنیا (۱۳۷۹ش)؛ در انتظار (۱۳۷۹ش)؛ گردابی چنین هایل (۱۳۸۱ش)؛ عشـــق و مرگ (۱۳۸۳ش)؛ تلخ کام (۱۳۸۶ش). عماد بدیع خلاصه رمان‌های او را در کتاب اصل آثار فصیح (۱۳۷۹ش). آورده است.

فصیح داستان‌های کوتاه خود را در مجموعه‌های ریزگرد آورد: خاک آشنا (۱۳۴۹ش)؛ تولد، عشق، عقد (۱۳۵۱ش) که با نام عقد و داستان‌های دیگر (۱۳۵۷ش)؛ تجدید چاپ شـــد، دیـــدار در هند (۱۳۵۳ش)، گزیده داستان‌ها (۱۳۶۶ ش)؛ نمادهای دشت مشوش (۱۳۶۹ش).

در سال‌های پس از انقلاب، رمان‌های فصیح با اقبال خوانندگان مواجه شـــد و به چاپهای مکرر رسید. منتقدان نیز به ارزش ادبی کارهای او توجه کردنـــد. داوران «جایزه ادبی گردون» فرار فروهر را به عنوان بهترین رمان ســـال ۱۳۷۳ ش برگزیدند. در نخســـتین دوره جایزه ادبی «روزی روزگاری» از فصیح به سبب یک عمر تلاش ادبی تقدیر شد. ترجمه آثارش به زبان‌های دیگر شروع شد، از جمله دل کور به زبان‌های رومانی و روسی انتشار یافت؛ ترجمه انگلیسی ثریا در اغما به قلم خود نویسنده در ۱۹۸۵ م و ترجمه عربی آن در قاهره در ۱۹۹۷م به چاپ رسید؛ زمستان ۶۲ را نیز خود نویسنده به زبان انگلیسی برگرداند؛ ترجمه آلمانی این رمان در ۱۹۸۸م منتشر شد (فصیح، «گفتگو با اسماعیل فصیح»، کلک، ص ۴۴).



فصیح در جوانی

فصیح، قصه‌گوی چیره‌دست، تجربه‌های زیستی خود را درآمیخته با تخیلی رنگین، به قالب رمان‌های پر حادثه‌ای ریخته است که جانمایه آنها را مهمترین مسائل زمانه، مانند انقلاب جنگ و مهاجرت تشکیل می‌دهد. تبحّر او در تصویر جزئیات زندگی مردم یک عصر است. از اینرو، وقایع رمان‌های موفق او معنایی فراتر از آنچه در شخصیت‌ها اثر می‌گذارد پیدا می‌کند و رنگی نمادین می‌یابد و گستره‌ای از حیات جامعه را بازتاب می‌دهد. به طوری که نویسندگان تاریخ معاصر، برای رســـیدن به درکی جزء نگارانه از کم و کیف زندگـــی ایرانیان، ناگزیر از توجه به رمان‌های اویند. زیرا از ورای ماجراهای داستان‌های کوتاه و بلند فصیح، که اغلب آنها حول سرنوشت اعضای خانواده تهرانی «آریان» می‌گردد، تصویری هنرمندانه از راه‌های رفتـــه و رفتارهای ایرانیان، از ۱۳۰۰ ش تا امروز، سر بر می‌آورد. فصیح بر آن است که رمـــان، علاوه بر گیرایی، باید «تقلیدی جدی از واقعیت زمان باشد» (همان جا) تا آیندگان بدانند که ما چگونه زیستیم. داستان‌های او ویژگی چرخه‌واری دارند و از فضاها و شخصیت‌های یکسان وحدتی ساختاری می‌یابند. شخصیت‌های متعددی در چند داستان ایفای نقش می‌کنند، چهره‌ای که در داستانی نقشی فرعی داشته است در داستان بعدی به جلو صحنه می‌آید. شخصیت‌ها و بن‌مایه‌های عشق، مرگ، عرفان، ستایش از اصول دین زردشت، پیکار جهل و کین با عشق و نیکی، و همدردی با دگراندیشان درگیر با اقتدار در طول تاریخ ایران، با تفاوت‌هایی، در داستانهای مختلف تکرار می‌شوند. با برخی الگوها و خصوصیات در رمانهای مختلف مواجه می‌شویم، مثل بیمارداری و غم‌خواری جلال، یا سفرهایی که او برای دستگیری از دیگران و همدردی با بیماران و افتادگان انجام می‌دهد. گاه، مثلاً در داستان جاوید، توصیف جور و ستمی که بر جوانی زردشتی می‌رود صبغه‌ای رقّت‌انگیز می‌یابد و فنّ داستان‌نویسی فدای همدردی نویسنده با او می‌شـــود (یارشاطر، ص ۴۷۳_۴۷۴).

اغلب رمانها حول کوششهای راوی تلخ‌اندیشی به نام «جلال آریان»، برای رسیدن به شادی و آرامش در زمانه‌ای محنت‌زا، شکل می‌گیرند؛ تلاشها غالباً به شکست می‌انجامد و مغلوب‌شدگان رنج‌دیده، با هجرت به درون و عزلت گزیدن، به تسلّایی روحی می‌رسند.

ادامه دارد

کشف

محمدجواد سالمی‌پاریزی

با یاد دکتر باستانی پاریزی-۶

ترنشک همزاد بلبل



سالمی پاریزی

وجه مشترک این جمع شـــدگان در این محفل و این دو استاد همان نی است. که استاد پاریزی در بیان وصف و کیفیت تهی شـــدن آن ذکر مطلب کرده‌اند. و استاد شهرام ناظری با آن صدای خوشش شـــرح وصف حال آنرا میان می‌نماید. استاد پاریزی در مقدمه چاپ چهارم این کتاب ابتدا مبادرت به ذکر مطلبی از مولانا می‌نماید. که «در روزی پیغمبر اکرم به علی (ع) اسراری چند بیان فرمود. علی که نمی‌توانست آن اسرار را به دیگری بگوید و سنگینی باران اسرار ناراحتش کرده بود به صحرا رفته، سر را در چاهی خم کرده و آن اسرار به چاه گفته است. چنانچه فرمود:

هر زمان خواهم که آهی برکنم
چون علی سر را فرا چاهی کنم
این قدر هم گر نگویـــم‌ای سند
شیشه دل از ضعیفی بـــشکنند

از درون آن چاه به زودی یک نیی ســـبز شد چوپانی آنرا برید و نای هفت بند ساخته و می نواخت، به طوری که هر کسی می‌شنید دور او جمع می‌شد. حتی شترها. از چرای باز می‌ماندند. وقتی که چوپان شـــروع به نواختن می‌کرد همه شنوندگان به گریه می‌افتادند. پیغمبر اکرم فرمود این تفسیر اسراری است که من به علی گفتـــه‌ام».[43] و در همین مقدمه عنوانِ می‌شود. که در موسیقی شرقی و موسیقی ایران اصولاً غم‌انگیز و در میان سازها نوای نی از همه غم‌انگیزتر و مشحون از شکوه و شکایت بودن موسیقی شرق را من یک جای دیگری نوشته‌ام، و باعث اصلی آن را این دانسته‌ام که چون معمولاً خوانندگان و نوازندگان قدیم ما دختران و کنیزکان و بالاخره جوانان زیباروی هنرمندی بوده‌اند. که به صورت برده از دوردست‌ها اسیر یا خریده شده و در مجلس بزرگان زینت‌المجالس شده بودند.... ناله مرغ اسیر جز به یاد وطن و شکوه از دوری و محجوری چه می‌تواند باشد».[44]

اینکه نوشته‌اند یکی از قدیمی‌ترین تصنیف‌هاکه نقل سینه به سینه فی ما بین مردمان کرمان زمین می‌باشد و تصنیفی است که آغاز آن با:

بازم صدای نـــی میاد/ آواز پـــی در پـــی میاد
لطفعلی خان کی میاد/ روح و روانم کی میاد[45]

ناشی از تأثیر ناله _نی، در غم رفتار ناجوانمردانه‌ای که خان قجر با اهالی کرمان و در همراهی با دلاور زند بوده که به یادگار باقی مانده است. استاد در ادامه همین مقدمه عنوان می‌دارد «نای هفت بند نوایی است در عالم ادب از مرغکی وحشی و دیر آشنا در مجمع اهل هنر. کوشش من همه این بود که هیچگاه بلبل سالن نشوم و ادعای بلبل باغ هم ندارم. یعنی قبولم ندارند. همان (ترنشک) روستای خودمان هستم که به راه خود می‌روم و خواننده عزیز را در کوه دشـــت سیر می‌دهم. بدون اینکه خود ادعای خواندگی روشن باشم. نی محزون و نی هفت بند است که موسیقی و ترانه ساز روستائیان، و کوه‌نشینان و چوپانان سر به بیابان نهاده است نه وسایل گرم و نرم شهرنشینان و سالن نشینان. »[46]

ترنشـــک پرنده‌ای همزاد بلبل اســـت و در کوهستانهای پاریز. گفته می‌شود که در لانه ترنشک یک بلبل در می‌آید.[47] اساساً صدای نی و اساساً موسقی سنتی حس درون را جابه‌جا می‌کند باعث می‌شود که حرکتی در درون آدمی ایجاد شود نشسته‌ای ولی در طغیانی، در توقفی ولی در جوششی، نمی‌گویی ولی در دلت و ذهنت کلام‌ها بیان می‌شود، دلت می‌خواهد این حس درون، این رها شدن و تهی شدن از خود، این ارتباط، و این صدا زدن هنرمند موســـیقی‌دان و این جواب دادن احســـاس شنونده را به گوش خلق برسانی.... قابل توصیف در نوشتن نمی‌باشد همه جمع اینها. یک پیوند و یک رشته مشترک دارند فی مابین آنکه نت را می‌نویسد و می‌نوازد و می‌خواند و آنکه می‌شنود. همان است که «درس مقامات معنوی» ست.

بلبل ز شاخ سرو به گل بانگ پهـــلوی
می‌خواند دوش درس مقامات معنوی
یعنی بیا که آتش موسی نمـــود گـــل
تا از درخت نکتـــه توحید بشنـــوی[48]

کتاب اژدهای هفت سر که چهارمین کتاب از سری هفتی‌هاســـت دارای دو مقدمه و یک سرآغاز چهارده صفحه‌ای مربوط به فلفل که مشتمل بر ۱۶۴ صفحه می‌باشد و مقاله اصلی آن که محور بحث کتاب است به نام اژدهای هفت سر که محتوی از ۳۳۳ صفحه می‌باشد. خدایش رحمت کند استاد را جایی نقلی را از دیگران درمورد خودش می‌نماید ایشان نوشته است «می گفتند باستانی پاریزی شعر عادی ندارد شعرهایش یا دوبیتی اســـت یا دومتری مقدمه‌هایی که من برای کتاب‌ها نوشته‌ام» البته کتاب‌های دیگران «از این حکم جدا نیست بعضی از آنها آنقدر مفصل است و بلند مثل نردبان دزدان و گاهی بلندتر از خود کتاب. بیشتر بنظر می‌رسد بعضی‌ها انقدر کوتاه است مثل میخ طویله خروس.» استاد در هر تجدید چاپ حذف و اضافه خود را دارد این کتاب‌مقاله‌های تحریری‌اش مشمول قسمت اول متن فوق می‌گردد.

آغاز مقدمه این کتاب از افسانه قدیمی اژدهای کوهســـتانهای پاریز و از شکل یک رگه سیاه مانند طولانی حدود شش کیلومتر، که در سینه کوهستان پاریز جلوه‌گر است و شکل و شمایلی از یک اژدها است که سر این اژدها در دهنه استخر هنگوی پاریز قرار گرفته، و گفته می‌شود که دختران تازه سال به منظور دستیابی به آرزوهایشان بر اساس یک عادت قدیمی دو شمع در محل سوراخهای بینی آن روشن می‌کردند استاد در این رابطه نوشته است که «قرن‌ها پیش مردم این قریه آنها که شب‌ها از کوه هیزم می‌آوردند دیده بود حیوان سهمناک را که در دل شب آهسته در کناره کوه می‌غلتد و برای آب خوردن به سرچشمه می‌آید.

البته صبحگاهان که مردم به سر چشمه می‌رفتند اثـــری از این حیوان نبود پیر مردان قوم آهســـته با خود نجوا می‌کردنـــد و حدس می‌زدند که حیوانی مخوف همســـایه آنان شده است و پنهانی گهگاه به زبان می‌آوردند «که زین بوم و بر یکی اژدهاست» آنها شنیده بودند که اژدها حیوانی سهمناک است و آتش از دهانش بیرون می‌زند و به نیروی نفس و جاذبه دهان خود ممکن است آدمیزادها را به سمت خود بکشد وببلعد».[49]

در ادامه نوشته‌اند که: «از قدیم می‌گفتند که بر گنج‌ها همیشه اژدها خفته‌است و این ضرب‌المثل بود که اژدها بر روی» هفت خم خسروی «حلقه می‌زند البته ضحاک یا اژدهاک و اژیدهاک و به قول فردوسی آدم «دوش اژدها» هم داشتیم که در تاریخ راه پیدا کرده بودند ولی این داستان‌ها مربوط به اساطیر بود آنان از روزگاری که تاریخ، تاریخ نویسی به معنای علمی نضج گرفت و این فکر در بعضی از مورخان پیش آمد که طلا یعنی ثروت و اقتصاد پایه‌گذار اصلی و لااقل یکی از پایه‌گذاران اصلی تاریخ و بقول ماتریالیست‌ها زیر جامعه‌است

جهان چون یکی هفت سر اژدهاست
کسی نیست کز چنگ و تارش رهاست

پانویس:

۴۳_ ص ۳ و۴ نای هفت بند چاپ پنجم سال ۱۳۶۹/۴۶_ ص ۴ و ۳/ ۴۴_ ص ۲ ۷۰ _ ص ۱۵۳/ ۴۵_ جاودانه‌ها/۴۷_ نامه سیرجان سال ۱۳۸۲/ ۴۹_ اژدهای هفت سر / ص ۱۱ و ۱۲



رسانه

حسین‌عسکری

مطبوعات شیعی



حسین عسکری

اشاره: بخش نخست این مقاله هفته قبل چاپ شد و اینک بخش دوم را تقدیم می کنیم که شامل فهرست دیگر مطبوعات شیعی از دهه بیست به بعد است.

ارگان انجمـــن تبلیغات اســـلامی، ۱۳۲۴، تهران، در مهر ۱۳۲۶ش به هفته‌نامه تبدیل شد؛ ماهنامه جلوه، محمّد شریعت‌زاده مازندرانی، ارگان جامعه لیسانسیه‌های دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، ۱۳۲۴؛ هفته‌نامه منشور نور، حسین مترجم مدنی، ۱۳۲۴، تهران؛ انجمن اسلامی دانشجویان، نخستین نشریه ادواری دانشجویی اسلامی فارسی زبان ایران، ۱۳۲۵، تهران؛ پرچم اســـلام، دکتر سیّد عبدالکریم فقیهی شیرازی، ارگان جمعیت جامعه مسلمین، ۱۳۲۵، تهران؛ هفته‌نامه دنیای اسلام، ســـیّد محمّدعلی تقوی، ارگان اتحادیه مسلمین ایران و جمعیّتهای اسلامی، ۱۳۲۵، تهران؛ هفته‌نامه مهر ایزد، ســـیّد محمّدرضا حسینی الهاشمی، ارگان حزب برادران، ۱۳۲۵، شـــیراز؛ هفته‌نامه عقیده، محمّدصادق شاه‌آبادی، ارگان انجمن فرهنگی کمال، ۱۳۲۵، تهران؛ ســـالنامه دین و دانش، سلیمان یونسی، ۱۳۲۵، تهران؛ هفته‌نامه جهاد اسلامی، محمّد صادقی، ۱۳۲۶، اهواز؛ روزنامه ستاره اسلام، محمّدتقی شکوهیده، ۱۳۲۶، تهران؛ هفته‌نامه قدرت اسلام، محمّدباقر احمدیان، ارگان آذربایجانی‌های مقیم مرکز، ۱۳۲۶، تهران؛ هیأت اثنی‌عشـــری، ۱۳۲۶، تهران؛ ماهنامه مردان خدا، س. علی بسطامی، ۱۳۲۷، تهران، از شماره هفتم، عنوان آن به «نامه مردان خدا» تغییر یافت؛ آیین برادری، محمّدباقر خدّام محمّدی، ارگان حزب برادران، ۱۳۲۸، شیراز؛ هفته‌نامه پیام حق، شیخ غلامرضا فیروزیان، ۱۳۲۸، کرمان و اصفهان؛ فصلنامه دارالاسلام، صباح کازرونی، ارگان اداره تبلیغات اسلامی وابســـته به اداره کل تبلیغات و انتشارات رادیو، ۱۳۲۸، تهران؛ هفته‌نامه صدر اسلام، صدرالدین بلاغی، ۱۳۲۸، تهران؛ هفته‌نامه طلوع اسلام، میر محمّدعلی صدرایی اشکوری، ۱۳۲۸، رشت؛ هفته‌نامه ســـلام، نصرالله سبوحی مقدم، ارگان اتحادیّه اصناف بازار، ۱۳۲۸، تهران؛ ماهنامه مســـلمین، مهدی سراج انصاری، ارگان اتحادیه مسلمین ایران، ۱۳۲۸، تهران؛ هفته‌نامه نور اســـلام، لطف‌الله مفید، ۱۳۲۸، خرمشهر؛ هفته‌نامه تقوی، شـــیخ رضا رشـــتی کاظمینی، ۱۳۲۹، تهران؛ هفته‌نامه حیات مسلمین، شیخ مصطفی رهنما، ارگان جمعیّت مسلم آزاد، ۱۳۲۹، تهران؛ روزنامه نبرد ملّت، امیرعبدالله کرباسچیان، ۱۳۲۹، تهران؛ دوفصلنامه نامه فروغ علم، ســـیّدجعفر شهیدی، ۱۳۲۹، تهران؛ هفته‌نامه ندای حق، سیّدحسن عدنانی، ۱۳۲۹، تهران؛ هفته‌نامه پرچمدار اسلام، میر محمّدعلی صدرایی نجفی (اشکوری)، ۱۳۳۰، رشت؛ هفته‌نامه رستگار، محمّدحسین رستگار رازی، ۱۳۳۰، تبریز؛ هفته‌نامه نیروی غرب، ابوطالب واعظ شیرازی، ۱۳۳۰، کرمانشاه؛ هفته‌نامه دین و دنیا، حسین رضوی، ۱۳۳۰، قم؛ هفته‌نامه رستاخیز عدل، ســـیدمحمّد فاطمیزاده، ۱۳۳۰، تهران؛ هفته‌نامه طوفان اصفهان، ارگان جمعیّتهای دینی اصفهان، ۱۳۳۰؛ هفته‌نامه سیاست اسلام، امیرحسین ماکویی، ۱۳۳۰، تهران؛ هفته‌نامه صدای قم، علی‌اکبر افصحی، وابسته به جبهه ملّی ایران، ۱۳۳۰، قم؛ هفته‌نامه قیام قم، محمّدحسین وفایی؛ ۱۳۳۰، قم؛ نامه منادی اسلام، حسن کیوان، ارگان جمعیّت اتحاد اسلام، ۱۳۳۰، تهران؛ هفته‌نامه نور ایمان، محمّدرضا یموت، ۱۳۳۰، تهران؛ هفته‌نامه نهضت اسلام، دکتر سیّدصادق تقوی، ارگان اتحادیه نهضت اسلام، ۱۳۳۰، تهران؛ هفته‌نامه اسلام در شرق، محمّدحسن نجفی‌زاده، ۱۳۳۱، اصفهان؛ هفته‌نامه شفق شیراز، علی‌اکبر شـــیعتی، ارگان گروه پاسداران اسلام، ۱۳۳۱، شـــیراز؛ هفته‌نامه به سوی جنّت، سیداسماعیل موسوی، ۱۳۳۱، تهران؛ هفته‌نامه پرتو اسلام، محمّد شکوری، ۱۳۳۱، تبریز؛ هفته‌نامه تمدّن قم، محمّد خازنی، ۱۳۳۱، قم؛ ماهنامه شهر دانش، سیّدحسین دبیر حاج سیّدجوادی، ۱۳۳۱، قزوین؛ ماهنامه تعلیمات اسلامی، مرتضی ملکی، ارگان جامعه تعلیمات اسلامی، ۱۳۳۱، تهران؛ هفته‌نامه جهان اسلام، ابراهیم حکمت، ارگان مرکز جمعیّت خیریه اســـلامی، ۱۳۳۱، تهران؛ هفته‌نامه دامن حق، محمّد ذاکری، ۱۳۳۱، اردبیل؛ هفته‌نامه دموکراســـی اسلامی، شمس‌الدین قنات‌آبادی، ارگان مجمع مسلمانان مجاهد، ۱۳۳۱، تهران؛ هفته‌نامه ذوالفقار امروز، حســـن لشکری، ارگان اخوان‌المومنین، ۱۳۳۱، تهران؛ ماهنامه طالب حق، محمّدجواد خمامی، ۱۳۳۱، رشت؛ جلوه حقیقت، فخرالدین حجازی، ۱۳۳۱، سبزوار؛ هفته‌نامه مسلمین آزاد، علی ترویجی، ارگان منطقه‌ای اتّحاد مسلمین، ۱۳۳۱، آبادان؛ هفته‌نامه نهضت اسلام، سیّدجلال کاشانی، ارگان انجمن اســـلامی کارکنان دولت، ۱۳۳۱، تهران؛ ماهنامه جهان اخلاق، اسماعیل واعظپور، ارگان انجمن اخلاقی تبریز، ۱۳۳۲؛ ماهنامه گنج شایگان، ابوالفضل مرتاضی لنگرودی، ۱۳۳۲، تهران؛ هفته‌نامه منشور برادری، سیّدجعفر مرتضوی، ارگان جمعیّت فداییان اســـلام، ۱۳۳۲، تهران؛ هفته‌نامه قدرت اسلام، آل‌احمد، ۱۳۳۳، تهران؛ افکار شیعه، سیّدمهدی روحانی، ۱۳۳۵، تهران، به زبانهای فارسی، عربی و فرانسه؛ هفته‌نامه نغمه دنیا، عباس جنابزاده، ۱۳۳۵، تهران؛ ماهنامه راهحق، شیخ حسن حقّی واعظ، ۱۳۳۶، رشت؛ هفته‌نامه فقیه، حسین فقیه مرندی، ارگان ســـازمان انجمن‌های محلّی حزب ایران نوین، ۱۳۳۸، تهران؛ نامه آســـتان قدس، فخرالدین حجـــازی و تقی بینش، ارگان آستان قدس رضوی، ۱۳۳۹، مشـــهد؛ تاریخ اسلام، علی‌اکبر تشید، ۱۳۳۹، تهران؛ ماهنامه پیک اسلام، جواد مقصود، ۱۳۴۱، همدان؛ ماهنامه بعثت، نشریه مخفی دانشجویان حوزه علمیه قم، ۱۳۴۲، قم؛ ماهنامه انتقام، سیّدهادی خسروشاهی، نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم، ۱۳۴۳، قم؛ سالنامه پیام اسلام، جمعی از دانشـــمندان، ۱۳۴۵، قم؛ فصلنامه معارف اسلامی، ابوالقاسم مشیری و علیرضا شاهید، ارگان سازمان اوقاف، ۱۳۴۵، تهران؛ فصلنامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ابوالقاسم اجتهادی، ۱۳۴۶، تهران؛ اســـلام مکتب مبارز، ارگان اتّحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا، ۱۳۴۶، آمریکا و آلمان غربی؛ فصلنامه دانشـــکده الهیات و معارف اسلامی، محمود رامیار و علی‌اکبر شهابی، ۱۳۴۷، مشهد؛ ماهنامه راهنمای مکتب توحید (خداشناسی و یکتاپرستی)، ابراهیم میرزایی اخی جهانی، ۱۳۴۹، تبریز؛ ماهنامه پیام شادی، حسن شریعتمداری، ارگان دارالتبلیغ اسلامی قم برای کودکان، ۱۳۵۰؛ ماهنامه الفکر الاسلامی، عباس مهاجرانی، ۱۳۵۱، تهران؛ نسل نو، سیّدهادی خسروشاهی، ارگان دارالتبلیغ اسلامی قم برای جوانان، ۱۳۵۱؛ خرداد خونین، ارگان دفاعی سازمان دانشجویان مسلمان ایرانی، ۱۳۵۵، آمریکا؛ الشهید، صادق العبادی، ۱۳۵۶، لندن و تهران.

پس از پیروزی انقلاب اســـلامی ایران، انتشار نشریات دینی، گســـترش فراوانی پیدا کرد به طوری که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۰ش، ۶۳۸ عنوان نشریه با روش مذهبی منتشر شده است (با احتســـاب نشریات گروههای شیعه عراقی، لبنانی، بحرینی و حجازی و مجاهدان افغان شـــیعه و سنّی مقیم ایران و برخی نشـــریات مناطق سنّی‌نشین کشور). بیشترین نشریات به زبان فارسی و سپس عربی منتشر شـــده و در بین آنها نشریاتی به زبانهای اسپانیولی، آلمانی، تُرکی، فرانسه، اردو، کُردی، لهستانی و هوســـیایی هم وجود دارد. نخستین نشریه قرآنی ایران به نام «رســـاله القرآن» در ســـال ۱۳۶۹ش با حمایت آیت‌الله سیّد محمّدرضا گلپایگانی (م۱۳۷۲ش) در قم منتشر شده است.

منابع: کوروش نوروز مرادی، راهنمای مطبوعات اسلامی: فهرستگان یکصد سال نشـــریه‌های ایران و ایرانیان، صفحات مختلف؛ مطبوعات اسلامی: تاریخچه و اخلاق روزنامه‌نگاری، ۹۹، ۱۱۱، ۴۳۰؛ رسول جعفریان، جریانها و سازمانهای مذهبی ـ سیاسی ایران، ۱۳۷، ۳۰۵؛ همان نویسنده، حاج مهدی سراج انصاری، ستارهای درخشـــان در عرصه مطبوعات، ۲۳؛ رامین رسولاف، نخستین‌های تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، ۲۲۱، ۳۸۳؛ جعفر سبحانی تبریزی، سیمای فرزانگان، ۴۷۷/۴؛ عبدالوهاب فراتی، روحانیت و تجدّد، ۲۲۲؛ محمّد صدرهاشـــمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ۲۳۳/۱ ـ ۲۳۷؛ مسعود برزین، شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی، صفحات مختلف؛ سیّدفرید قاسمی، راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار (۱۲۵۳ق/ ۱۲۱۵ش ـ ۱۳۰۴ش)، صفحات مختلف؛ اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه، به کوشش علیرضا اسماعیلی، ۱۳ ـ ۱۶؛ آرشیو مطبوعات کتابخانه شخصی معین‌الدین محرابی.

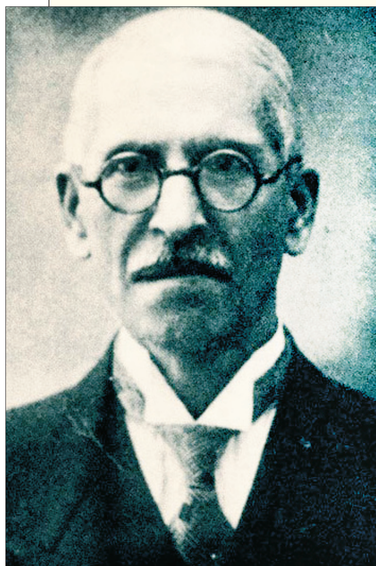
یادی از علامه قزوینی

محمود امیدسالار: محمدبن عبدالوهاب‌بن عبدالعلی قزوینی، ادیب، محقق، مورخ و کتاب‌شناس ایرانی، در ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۹۴ق/۱۰ فروردین ۱۲۵۶ش به دنیا آمد. پـــدرش، مولی عبدالوهاب‌بن عبدالعلی گلیزوری قزوینی، معروف به «ملاآقا» از مؤلفین اربعهٔ نامهٔ دانشـــوران و از مدرسین «مدرســـهٔ معیرالممالک» بود که در ســـال ۱۳۰۶ق در سن شصت و سه سالگی در تهران درگذشت (غنی، یادداشتهای دکتر قاسم غنی، ص۲۲۴۵، اقبال آشتیانی، «وفیات معاصرین...» ص۲۷)، جد پدری او، حاج عبدالعلی گلیزوری کدخدای قریهٔ‌گلیزور، از روستاهای بلوک بشاریات قزوین بود (همان‌جا) و به همین سبب قزوینی گاهی خود را با ذکر «الکلیزوری» در امضا بدان قریه منسوب می کند (غنی، همان، ص۲۲۵۱).

در یادداشتهای قزوینی، نام این قریه به کاف و در مقاله‌ای که عباس اقبال در رثای قزوینی نوشته است و همچنین در فرهنگ جغرافیایی ایران «گلیزور» به گاف ضبط شده است. اما نام صحیح این آبادی با گاف فارسی است و علامه، چون حرف گاف در عربی نیست، الکلیزوری امضا کرده است.

قزوینی در محلهٔ دروازه قزوین تهران به دنیا آمد. او فرزند ارشد خانواده بود که به جز او، یک پســـر دیگر به نام آقا شیخ احمد که بعدها به اسم میرزااحمد عبدالوهابی یا وهابی معروف شد، و یک دختر به اسم مریم نیز داشتند که اطلاعات موجود در باب او چندان دقیق نیست.

قزوینی مقدمات صرف و نحو را تا سن دوازده سالگی نزد پدر، و پس از وفات او، نزد حاج سید مصطفی قنات‌آبادی (متوفی ۱۳۴۰ق) و حاج سید مصطفی قاینی (معین، ص۳۸)، فقه و اصـــول را در محضر حاجی شـــیخ محمدصادق تهرانی (متوفی ۱۳۱۴ق؛ غنی، همـــان، ص ۲۲۷۰_۲۲۷۱) و خارج آن را از مرحوم حاجی شـــیخ فضل‌الله نوری (مقتول ۱۲۸۸ق)، کلام و حکمت را از حاجی شیخ علی نوری (همان، ص۲۲۴۸_۲۲۴۹)، اصول فقه را نزد ملامحمدعلی آملی و اصول فقه خارج را در محضر حاجی میرزاحسن آشـــتیانی (متوفی ۱۳۱۶ یا ۱۳۱۹ق) فرا گرفت.

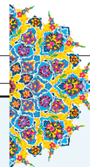


علاوه‌بر این استادان، قزوینی از محضر علمایی چون حاجی شیخ هادی نجم‌آبادی (متوفی ۱۳۲۰ق)، شـــیخ محمدمهدی قزوینی عبدالرب‌آبادی، ملقب به شمس‌العلماء (متوفی ۱۳۲۰ق)، از مؤلفین‌نامهٔ‌دانشوران، و از سیداحمد ادیب پیشـــاوری (متوفی ۱۳۴۹ق) و نیز از شـــیخ عبدالرسول، والدعلی عبدالرسولی ادیب و نسخه‌شناس بنام ایرانی، بهره برد و در نوشته‌های خود به کرات از دینی که محمدحسین فروغی در ده دوازده سال از دوران شباب او برگردنش داشته است یاد می کند (قزوینی، بیست مقاله، ج۱، ص۱۱). در حین تحصیل شوق او به ادبیات عرب و نحو این زبان بیش از دیگر شعب علوم بوده و این علاقه در تمام عمر در او باقی ماند. قزوینی در همان زمان طلبگی، به درخواست برخی از فضلا، فرزندان ایشان را درس می‌داده است، چنان‌که ضیاءالدین کیانوری، و آقامیرزاهادی فرزندان حاج شیخ فضل‌الله نوری، و همچنین محمدعلی و ابوالحسن فروغی، نزد او عربی می خوانده‌اند (غنی، همان، ص۲۲۳۵، قزوینی، همان، ج۱، ص۱۱_۱۲).

قزوینی در مدرســـهٔ آلیانس تهران زبان فرانســـه آموخت و به قول خودش، آخوندی فرانســـوی‌دان بوده است (فروغی، ص۲۲۶). احاطهٔ او در دوران زندگی در اروپا بر زبان فرانســـه، که به قول قاسم غنی با تسلط یک استاد دانشگاهی فرانســـوی بر این زبان برابری می کرده است (غنی، دیدارها و یادگارها...»،ص۸۵۷)، ریشه در همین دوران آموزش در مدرسهٔ آلیانس دارد.

قزوینی پیش از رفتن به اروپا، با محمدعلی فروغی معاشرت دائم داشته و در این دوران، که قزوینی با نام آقاشـــیخ محمد شناخته می‌شده، این دو دوست یکدیگر را در حجرهٔ آقا شیخ حسن کتابفروش در خیابان ناصریه ملاقات می کرده‌اند (فروغی، ص۲۸). هویت آقا شـــیخ حسن بر نگارنده معلوم نیســـت، اما چون قزوینی در یادداشتها در باب شیخ هادی معیری می‌نویسد که او «پدر مرحوم شیخ حسن خودمان» است، بعید نیست که نامش شیخ حســـن معیری بوده باشد (قزوینی، یادداشتهای قزوینی، ص ۲۲۹۵). مباحثات و مذاکرات ادبی میان قزوینی و فروغی بسیار بوده (از جمله نک: فروغی، ص۳۰).

ادامه دارد



کتاب

دکتر برادران شکوهی

پرسه در کتابفروشی‌های قدیم

کتابفروشی‌ها

کسانی که امروز به کتاب‌فروشی‌های جنب دانشگاه تبریز و حول و حوش چهارراه آبرسانی، خیابان طالقانی، چرنداب ســـابق و حتی خیابان امام خمینی، ارتش شـــمالی و لیلاوار (شریعتی جنوبی)، رفت و آمد می کنند ممکن است ندانند در گذشته، مرکز عمده این صنف و مسیر حرکت آنان کجاها بوده تا به محل‌های امروزی رسیده‌اند؟

در این باره مطلعـــان و اهل کتاب و قلم می‌گویند در آن دهه‌های دیرین حتی قبل از انقلاب مشروطه، مسجدجامع،(طالبیه)، جلو خان یکی دو مسجد «مقبره» و «شازده» و حجره بعضی تجار در سراهایی چون- حاج سیدحسین- حاج رسول، میرزا مهدی، محل نشر و خرید و فروش کتاب، به‌ویژه کتب خطی وسنگی بودند.

من از کسانی که کتاب‌های خطی و چاپی نخبه و ممتاز به خانه محققان و ادیبان سرشناس شهر می‌بردند و یا بعضی نسخه نایاب خریداری می‌کردند سراغی ندارم. اما به نظر می‌رسد محققان و ادیبان این شهر لااقل بعد از دوره ی قایم مقام‌ها و حســـنعلی خان امیرنظام گروسی و میرزاعلی آقاثقه‌الاسلام در دوره ی نسل سوم از انجمن‌های ادبی و تحقیقی، خود به دنبال کتاب و نســـخه نفیس و نایاب می‌بودند تا توسط کسان خاص. کسانی چون:ابوالقاسم مرتضوی، میرزاحسین خان عدالت، سیدحسن تقی زاده، میرزایوسف اعتصام دفتر(اعتصام‌الملک)،محمدعلی تربیت،سعیدخان ســـراج میر (ذکاءالدوله) و حاج محمد و حاج حسین آقا نخجوانی و.... اغلب خود در پی نسخ خطی و کتاب‌های ســـنگی نایاب و مجلات در شهرها و ممالک مختلف به دنبال گم گشته خود بودند.

در بازار «صفی و طالبیه»، تا چهل، پنجاه سال قبل، تعدادی از کتاب فروشی‌های کتب مذهبی و اوراد و دعایی و قرآنی باقی بود. علی الخصوص کتاب فروشـــی حجت‌الاسلام حاج شیخ میرزا محمد صابری یراقچی، که پدرش شـــغل یراق کردن فرش را داشت که در منزل خود در محله شاه آباد، قوری چای، با ایمان و رنج تمام با قیچی مخصوص، به یراق کردن فرش می‌پرداخت که در زیبایی و استحکام فرش از عوامل مؤثر بوده،

حاج آقـــا صابر در عین حال روحانی بودن در بازار صفی، جنب طالبیه، کتابفروشی داشت و تا چند ســـال بعد از انقلاب، کتابفروشی دایر و خود را از فعالین امور و با بســـیاری از مراجع کتب و کتابخانه‌های عمده عصر خود از جمله با کتابخانه معظم (مرعشی) و (دارالتبلیغ اسلامی) در قم رابطه داشت و نسخ خطی و چاپی قدیم برای آن کتابخانه‌ها تهیه و خرید می‌کرد. مرحوم صابر، بعدها راهی تهران شد و در خیابان ناصر خسرو، کوچه حاج نایب، سرای مجیدی، دکانی دایر کرد و به شـــغل خود در چاپ و انتشـــار پرداخت. آن مرحوم در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ که مشغول تحصیل در آنکارا بودم یکی دو بار جهت انجام امور شرعی و مذهبی همشهری‌های خود علی الخصوص دانشجویان به آن شهر و شهرهای دیگر ترکیه مسافرت کرد در آن سفرها در بعضی از مجالس وعظ و تفســـیرش حاضر می‌شدم تا در فاصله زمان ســـال‌های ۸۰-۱۳۷۰، در تهران درگذشت.

دیگر از کتاب‌فروشی‌های (طالبیه) که تا امروز هم پاییده، کتاب فروشـــی-بنی‌هاشمی-است، یگانه کتابفروشی دینی، مذهبی است که علیرغم گذر سال‌ها در پیرانه سر نیز به شغل شریف خود مشغول و هنوز امید دست یابی به نسخ خطی و چاپ سنگی قدیمی و نایاب در آن کتابفروشی هست.

سال ۱۳۵۲، که از تهران به آموزش و پروش تبریز منتقل شدم، به حضرت استادی نامه‌ها نوشتم و اصرارها کردم که چند روزی به تبریز تشریف آورند و با اهل قلم و فرهیختگان این شهر و نیز از کتابخانه ملی و جاهای تاریخی شهر بازدیدی کنند. انسان والا و آزاده و متواضع به دیار آزادیستان آمد



و گوشه گوشه ی شهر را گشت، این کتاب فروشی و آن کتاب فروشی. نوبتی از کتاب فروشی‌های جنب طالبیه از جمله- بنی‌هاشمی- دیدن کرد و چندین جلد کتاب انتخاب کردند و هر قیمتی که می‌گفت می‌پرداخت و چون بیرونی می آمدیم شادان می گفت تا حال چنین نسخه سنگی خوانا و تمیز و روشن و با این حروف برجسته ندیده بودم، جلد دویـــم کتاب- حیوه القلوب- مورخ ذی حجه‌الحرام سال هزار و دویست و چهل و یک هجری، در ۴۴۷ صفحه، تالیف محمد باقربن محمدتقی [مجلسی] که فوق‌العاده است!

شهیدسعیدمیرزاعلی آقاثقه‌الاسلام

از اهل کتـــاب و کتابخانه‌ی دوره امیر نظام گروســـی مرحوم حاج میرزا علی آقا ثقه‌الاسلام شهید تبریزی هست. شـــهید از علمای بزرگ تبریز در اواخر سده ۱۳ و اوایل سده ی ۱۴ قمری بوده است. مرحوم، علاوه از زندگی شرافتمندانه و تاریخی که خود کتاب نفیس و خواندنی است، کتابخانه ی بسیار نفیسی هم داشته است.

شـــهید خود عالمی بزرگ و کتاب شناس برجســـته و صاحب تالیفاتی اســـت که پس از شـــهادت، آن کتابخانه نفیس متفرق گردید و بازماندگانش آن‌ها را تصاحب و به‌فروش رساندند تک تک نسخه‌های وی دارای امتیازات بسیاری بوده است.

یکی از نفایس آن- برگ‌هایی از قرآن کریم به خط کوفی اولیه و قدیم بر روی پوست، مربوط به اواخر و سده ی نخست است و نیز مجموعه‌ای از: رجال کشی و بخشایشی-و ابن الغصائری-به خط مرحوم ملاعبدالله شوشتری استاد مجلسی اول و از علمای برجسته شیعه می‌باشد.

و سه دیگر کتاب‌فروشی تربیت توسط سید حسن تقی زاده، تربیت و عدالت و اعتصام دفتر بوده است.

کتابخانه‌ی تربیت

از نسل سوم اهل کتاب و قلم بعد از مرحوم نایب‌السلطنه، تقی زاده و تنی چند یاران او بودند که در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۶ ق- اقدام به کتاب فروشی نمودند و تقی زاده خود در این باره می‌نویســـد:

«در این دوران (۱۳۱۵) به همدستی چهار نفر از دوستان یعنی،آقا سید محمد شبستری (ابوالضیاء) و میرزا سید حسین خان (عدالت) و میرزا یوسف خان آشتیانی، اعتصام دفتر (بعدها اعتصام الملک) و رئیس کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی و میرزا محمد علی خان (بعدها تربیت) یک کتابخانه یعنی کتاب فروشی به اسم «تربیت» تاسیس نمودیم که کتاب فرنگی و عربی مصر و ترکی استانبول و کتب موافق عصر و زمان در آنجا وارد می‌کردیم. این کتابخانه ابتدا به تصدی و مدیریت برادرم سید جواد و بعدها با تصدی چند ساله ی میرزا رضا خان (بعدها تربیت) که حالا [۱۳۳۷ ش] این کتابخانه ابتدا جنب طالبیه و بعدها مغازه‌های مجید الملک دایر بود. تا این که در انقلاب مشروطیت پس از تخریب مجلس شورای ملی اول و حمله ی اشرار و رحیم خان چلبیانلوبه تبریز کتابخانه سوزانده شد و به غارت رفت. کتابخانه‌ای که بزرگترین کتاب فروشی به طرز جدید در تبریز بود و کتب فرانسوی از پاریس وارد می‌کرد و این کتب بین طبقه ی تجدد دوست تبریز بسیار انتشار می یافت و مایه ی مهمی برای نهضت جدید شد.»

بازارشیشه گرخانه

سال‌هایی که هنوز زنده یاد محمدعلی تربیت، نه خیابان تربیت را احداث کرده بود و نه امتداد خیابان توپخانه (جمهوری اسلامی) امروزی، بازار شیشه گرخانه را از زنجیره بازار تبریز جدا ساخته بود حرمخانه و انبار دولتی و جبه خانا و کرنی خانا و تبریز، بافت دهها، بلکه صدها سال دیرین خود را داشت در چنان ترکیبی بود که کتاب فروشی هم - کتب خانه- نام داشـــت. شاید اصطلاح کتاب‌فروشی نتیجه‌ی توسعه اصطلاحات تازه و از ثمره دیگرگونی مسایل فرهنگی و ادبی بعد از انقلاب مشروطه باشد.

حال و هوای کتابخانه- حداقل از زمان عباس میرزانایب‌السلطنه-دارالفنون تبریز،محفل ادبی امیر نظام گروسی، شهید حاج میرزا علی آقا ثقه‌الاسلام، مرحوم ادیب‌الممالک فراهانی، تقی زاده و تربیت و اعتصام-الملک، تحقیق و تفحص دقیق خود را می‌طلبد و - کتابخانه‌ها دارای مطبوعات وسیع و کتب بسیار خود بودند و چنان که در نوشته‌ها آمده همواره آن کوشندگان نشر و مطبوعات، کتاب‌های ذی قیمت به چاپ رسانده و در دسترس عموم قرار می‌دادند و به حق عظمت معنوی دیرینه- کتب خانه‌های «ربع رشـــیدی»، «شنب غازان» و کتابخانه ی سلطنتی شاه اسماعیل و شاه طهماسب و بعدها «قایم مقام» و خاندان قدیمی و اصیل تبریز را به دوش می‌کشیدند.

در آن ســـال‌ها هر کالا، محل معینی چون: تیمچه، سرای، راسته و بازار خود را داشتند که آن محل به نام آن صنف معروف و شـــناخته بود. و ناشران و کتاب فروشان به مانند امروز در محلات و خیابان‌ها و بازارچه‌های مختلف پراکنده و متفرق نبودند، چون «کاغذفروشان» و «زرگران» و «رزازان» و بازار «شیشه‌گرخانه» هم ترفیعات مخصوص این صنف بود. علی ایحال بعد از فراز و نشیب‌های بسیار از برنامه‌ریزی‌ها و نقشه کشی‌های سیاسی و تاریخی و تعریض و ترفیعات عمرانی که همواره محل چند و چون و متاسفانه غالب اوقات بدون توجه بـــه باورهای فرهنگی و اجتماعی و حتی اعتقادی در این دو سده ی اخیر صورت گرفته معهذا امروز همین بازار که باقی مانده همین مقدار هم، تابلوی خاطرات نسل قدیمی‌های ما است که در گذشـــته‌های دور لابد بـــه اعتبار این که بیش از دیگر پیشه وران و شاید هم - گردسوز شیشه ای، بازار- شیشه گرخانه- نامیده شده است که هنوز هم خاطره شمع و صابون فروشی جنب کتاب‌فروشی «فردوسی» را در یاد دارم، چه قدر هم فیلسوف مشـــرب و اهل بحث و جدل بود مرحوم صابونچی! به هر حال این بازار، لابد به اعتبار این که جام فروشان بیش از دیگر پیشه وران بودند همین نام را بر خود داردکه بعدها حتی تا سال‌های اخیر مرکز معتبر و عمده کتاب فروشان و ناشران و کاغذفروشان و فروشندگان لوازم التحریر و کتاب‌های درسی بوده و حالا نیز چند تایی باقی است اما این سخن بدین معنا نیست که در سایر نقاط شـــهر کتاب فروشی و صحافی و موزعان مطبوعات نبوده است؛ بلکه راسته مخصوص این صنف همین بازار بوده است.

۱ـ کتاب‌فروشان این بازار از سال‌های دیرین تا امروز عبارتند از: از اول کتاب فروشی سعادت حسینی (سابق) که به تعطیلی انجامید، ۱۲۹۶ ق.

۲ـ کتاب‌فروشی علمیه (حاج حاجی علمیه) که به تعطیلی انجامید، ۱۳۰۲ق. ۳ـ کتاب‌فروشی معرفت به صورت کتاب‌فروشی و لوازم‌التحریری دایر است، ۱۳۲۴ ق.۴ـ کتاب‌فروشی هلال، تعطیل است، ۱۳۲۹ق.۵ـ کتاب‌فروشی سروش (سابق) که متاســـفانه تغییر کاربری داده و حالیا تعطیل اســـت،ولو تا این اواخر دایر بود، ۱۳۴۲ق/۱۳۰۲ ش.۶ـ کتاب‌فروشی شیخ اسماعیل، تعطیل است، ۱۳۰۶ش.۷-کتاب‌فروشی محمدی، تعطیل است، ۱۳۰۵ش.۸ـ کتاب‌فروشـــی وارتانوف، تعطیل است، ۱۳۰۵ش.۹ـ کتاب‌فروشی ادبیه (حاج ولی ادبیه)، تعطیل است،۱۳۰۶ش.۱۰ـ کتاب‌فروشی حمیدیه، تعطیل است، ۱۳۱۰ش.۱۱ـ کتاب‌فروشی سعدی، تعطیل است، ۱۳۱۱ش.۱۲ـ کتاب‌فروشی اقبال، تعطیل است، ۱۳۱۱ش.۱۳ـ کتاب‌فروشی اقدام، تعطیل است، ۱۳۱۲ش.۱۴ـ کتاب‌فروشی اسلامی، تعطیل است،۱۳۱۳ش.۱۵ـ کتاب‌فروشی پروین، تعطیل است، ۱۳۱۳ش.۱۶ـ کتاب فروشی فرهنگ، تعطیل است،۱۳۱۳ش.۱۷ـ کتاب‌فروشی شرق، تعطیل است، ۱۳۱۴ش.۱۸ـ کتاب‌فروشی حقیقت، تعطیل است،۱۳۱۴ش.۱۹ـ کتاب‌فروشی امید، به صورت لوازم‌التحریری و کاغذفروشی دایر است، ۱۳۱۵ش.۲۰ـ کتاب‌فروشی فردوسی،دایر است، ۱۳۱۸ و به قولی ۱۳۰۱ش.۲۱ـ کتاب‌فروشی و شرکت چاپ کتاب آذربایجان، تعطیل است، ۱۳۱۶,۲۲ـ کتاب‌فروشـــی تهران، تعطیل است. ۲۳ـ کتاب‌فروشـــی ابن ســـینا، دایر اســـت. ۲۴ـ کتاب‌فروشی شمس در خیابان امام خمینی مقابل ارک دایر است.۲۵ـ کتاب‌فروشی آقا محمدعلی، تعطیل است،۱۳۰۹ش.۲۶ـ کتاب‌فروشی اپیکور، تعطیل است.۲۷ـ کتاب‌فروشی امید یزدانی، دایر است.۲۸ـ کتاب‌فروشی معرفت، به مدیریت حاج احمد آقا خادم حسینی دایر است.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ (برابر با ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۹۵، ۶ مه ۱۹۷۵) نقل شده است.

لایحه مترو به تصویب رسید

لایحه موافقتنامه فرهنگی بین ایران و استرالیا و لایحه تأسیس شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه، (مترو) امروز از تصویب نهایی گذشـــت و بدولت ابلاغ شد. در جلســـه امروز مجلس شورای ملی همچنین لایحه راجع به گسترش کشاورزی پیشرفته در قطب‌های کشاورزی و همچنین لایحه مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی پس از تصویب به مجلس سنا ارسال شد.

توطئه ربودن کشتی نفتکش در خلیج‌فارس

لندن ـ اسوشیتدپرس ـ منابع مجاز در لندن گفتند که یک گروه تروریست عرب که چند غواص نیز در میان آنها هســـتند قصد دارد یک کشتی نفتکش را در خلیج‌فارس برباید. شـــورای کشتیرانی انگلیس اعلام کرد که در این زمینه اطلاعاتی به دســـت آورده است اما شورای مذکور جزئیات امر را فاش نکرد. روزنامه تایمز لندن نوشته است سازمان های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و آلمان غربی به شرکت‌های نفتی و کشتیرانی اخطار کرده‌اند که به حال آماده باش باشند.روزنامه تایمز لندن نوشته اســـت انجمن صاحبان کشتی‌های آلمان غربی ضمن اعلام آماده‌باش جهانی تأکید کرده است اعضای گروه تروریســـتی که قصد ربودن یک کشتی نفتکش را دارند دارای معلومات غواصی هستند.

اصناف و صاحبان مشاغل آزاد بیمه می‌شوند

تا پایان امسال دویســـت و پنجاه هزار نفر از اصناف، پیشـــه‌وران و صاحبان مشاغل آزاد، بیمه می‌شوند. هیئتی مرکب از کارشناسان امور بیمه‌های اجتماعی و پزشکان مأمور تفکیک امور درمانی از ســـازمان بیمه‌های اجتماعی شد. طبق مفاد لایحه قانون تأمین اجتماعی که دو روز پیش شـــور دوم آن از تصویب ســـنا گذشت امور درمانی از سازمان بیمه‌های اجتماعی منتزع و در سازمان تأمین درمانی ادغام خواهد شد.

گناه رکود و تورم غرب به گردن افزایش قیمت نفت نیست

«سراریک رول» معاون سابق خزانه‌داری انگلیس کشورهای صنعتی غرب را متهم کرد که گناه تورم و بحران اقتصادی خود را به ناحق به گردن افزایش قیمت نفت می‌اندازنـــد. «اریک رول» که به دعوت کانون بانک‌ها برای مدیران و روســـای بانک‌ها و مدیران و صاحبان صنایع درباره «سیستم‌های پرداخت بین‌المللی» سخنرانی می‌کرد اعلام داشت، مسائلی که در سیستم مالی و اقتصادی بین‌المللی به وجود آمده، نه تنها فاصله بین کشـــورهای غنی و فقیر را وسیع‌تر کرده بلکه بین خود کشورهای صنعتی غرب نیز اختلافاتی به وجود آورده که تعارض کنونی بین اروپای متحد و آمریکا یکی از موارد آنست

سرمایه بانک ملی افزایش یافت

سرمایه بانک ملی ایران از پنج میلیارد ریال به ۱۶ میلیارد ریال افزایش داده شد. امروز اعلام شد: بنا به تصویب وزارت امور اقتصادی و دارائی و شورای پول و اعتبار سرمایه بانک ملی ایران به ۱۶ میلیارد ریال افزایش یافت.

ســـرمایه بانک ملی ایران که درسال ۴۹ دو میلیاردریال بود، به ســـه میلیارد ریال و در ســـال ۵۲ به چهارمیلیارد ریال افزایش یافت. اما با توسعه فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، واردات و صادرات این ســـرمایه جوابگوی احتیاجات اقتصادی کشور نبود.

یک بشقاب پرنده در آسمان پاریس به پرواز در آمد

پاریس ـ خبرگزاری فرانســـه ـ دو خلبان خط هوائی فرانسه و کارشناسان برج کنترل فرودگاه ارلی امروز فاش کردند که روز ۲۵ آوریل یک جسم پرنده ناشناس(بشـــقاب پرنده) را که برفراز شهر پاریس پرواز میکرده دیده‌اند.دو خلبان فرانسوی اظهار داشتند آن روز هنگامی که می‌خواستند در فرودگاه ارلی به زمین بنشینند جسم پرنده ناشناسی را که شباهتی به هواپیما نداشت در آسمان مشاهده کردند که در اطراف فرودگاه پرواز می‌کرد و فورا موضوع را به مأمور برج کنترل فرودگاه اطلاع دادند و اندکی بعد جسم پرنده که پیوسته تغییر رنگ می‌داد ناگهان با سرعت زیاد در سمت شمال پایتخت از نظر ناپدید شد. کارشناسان برج کنترل فرودگاه پاریس و ژاندارم‌های گشت نیز اظهارات دو خلبان را تائید کردند.

قاب امروز



شیطنت عکاس در گرفتن عکس از موگابه – زیمبابوه / منبع: تلگراف

حکایت

خوردن برای زیستن

در سیرتِ اردشیر بابکان آمده است که حکیمی عربَ را پرسید که: »روزی چه مایه طعام مصلحت اســـت خوردن؟ گفت: «صد درم سنگ کفایت کند.»

گفت: «این قدرِ چه قوّت دهد؟» گفت: «هذَاالْمقدارُ یَحمِلُکَ و ما زادَ عَلی ذلِکَ فَاَنتَ حامِلُهُ، یعنی: اینَ قدر تو را برپای هَمی دارد و هـــر چه بر این زیـــادت کنی تو حمّال آنی. خوردن برای زیســـتن و ذکر کردن اســـت و معتقد که: زیستن ازبهر خوردن است!»

گلستان سعدی

پند بزرگان

● چنان باش که بتوانی به هر کس بگویی: مثل من رفتار کن.

ایمانوئل کانت

● مادریگانه موجودی است که حقیقت عشق پاک را می شناسد.

اونوره دو بالزاک

● اگر فقط یک بار حضور خدا را بپذیرید، هرگز به ضرورت دعا و نیایش شک نخواهید کرد.

ماهاتما گاندی

● به یاد داشته باشید که شادمانی به اندازه غم و غصه واگیردار است. نخســـتین وظیفه افراد شاد این است که دیگران را از شادمانی خود آگاه سازند.

موریس مترلینگ

امروز در تاریخ

نخست، زنده کردن زبان پارسی و بعد جهانگشایی

شاه اسماعیل سامانی در ماه می سال ۹۰۰ میلادی در شهر بخارا به خواست ســـران لشکرش که اصرار داشتند به بغداد حمله کنند و به خلافت عباسیان پایان دهند پاسخ رد داد.

شاه ســـامانی برای توجیه پاسخ خود، در یک اجتماع عمومی (اصطلاحا؛ بارعام) گفت که بزرگترین برنامه ما باید احیاء زبان فارسی و فرهنگ نیاکان باشد نه وسعت بخشیدن به قلمرو. اگر پیش از رسیدن به این هدف که واجب محض اســـت، دست به لشکرکشی به نقاط دوردست زنیم از هدف اصلی (احیاء فرهنگ ملی) دور خواهیم شد. شاه اسماعیل سامانی ـ مردی که پرچم زنده کردن زبان پارســـی و فرهنگ ایرانی را به دوش گرفت در ماه می سال ۸۴۹ میلادی در فرغانه خراسان بزرگتر (منطقه فرارود) به دنیا آمد. وی بسال ۹۰۷ میلادی درگذشت.

شکست نیروهای دولتی از سالارالدوله و کشته شدن یپرم خان

شـــانزدهم اردیبهشت ســـال ۱۲۹۱ هجری خورشیدی در زدو خورد نیروهای دولتی با افراد مسلح سالارالدوله پســـر مظفرالدین شاه که ادعای سلطنت داشـــت در نزدیکی همدان، نیروهای دولتی شکست خوردند و با برجای گذاردن مقدار زیادی اســـلحه و مهمات فرار کردند.

در پی این شکســـت، از تهران یپرم خان رئیس نظمیه (پلیس) که از مجاهدان مشـــروطیت بود و در شکست دادن محمدعلی شاه مشارکت فعال کرده بود، با افرادش عازم جنگ با مدعیان سلطنت شد.

یپرم ۲۹ اردیبهشـــت در نبرد با هواداران مسلح سالارالدوله کشته شد. سالارالدوله سال ها در مناطق غرب ایران با نیروهای دولتی زدو خورد می کرد و تا شهر ساوه هم پیشروی کرده بود که بالاخره شکست خورد. یپرم از ارامنه بود.

دیگر رویدادهای ۶ می

۱۵۳۶: هنری هشتم پادشاه انگلستان دستور داد که انجیل به زبان انگلیسی ترجمه و در کلیساهای آن کشور قرار داده شود. تا آن زمان رسم بر این بود که انجیل به زبان لاتین باشد.

۱۶۸۴: لویی ۱۴ پادشاه وقت فرانسه کاخ سلطنتی و دفتر اختصاصی خود را به ورسای انتقال داد.

جدول شرح در متن ۳۸۴۸

غلامحسین باغبان

بی‌فایده! — نمایشنامه‌ای از اسکار وایلد — سوا — در معدن می‌جویند — در حال دویدن — سوره الم نشرح — ماتم — جریده — پهلوان — از مراکز استان — بخشی از صورت — از آحاد زمان — بیماری سگ و گربه — اظهار زبونی — تفریق — فاقد آرامش و امنیت — آرایش و زینت — نامی دخترانه — غذای فرنگی — حرف ناگفتنی — مرد نجیب و شریف — پندار — اشتباهاً — هواپیمای عجول — شان و شوکت — گل سرخ — کاستی‌ها — نیم صدای بره — جنین — پاسخ مثبت — فراق — پیامبران

حل ۳۸۴۷

مضطرب	عامل وراثت / عسل	ژ	ابلهی / پیامبران	ب	طلایی / رود سیبری	ز	ح	احوالپرسی
ا	ش	ن	ا	ل	ا	ر	ا	د
س	ه	معاون هیتلر / از اسباب نانوایی	ن	ا	و	ی	ل	دبیر خانه / ظرف کوچک آبخوری
ی	د	و	ب	ه	ب	تندرستی و سلامت / اتاق درس	و	ب
م	لقب اشرافی	ر	ی	ت	ماه تابستانی / آرایش در قدیم	ک	ا	رایحه / کارتن باز نشده
ه	ل	د	ا	جمع دلیل / خطاب نزدیک	ب	ل	ح	شهر تاریخی سوریه / شهرت
س	ر	ن	پرستار	ه	ز	ا	و	ا
ر	د	ه	تباه و تلف	ی	ک	س	ا	ورزش برفی / زدنی ورزشی
				رهایی و رستگاری	عاقل	جانشینان	ل	گ
				ن	د	ن	ک	ا
				ج	ا	و	ر	پر کردن / رونق داشتن
				ا	ن	ا	د	ا
				ت	ا	ب	ن	شهری در ترکیه / شیرینی شاخه ای

سودوکو ۱۳۳۵

	۳				۵	۹		
		۷				۲	۴	
			۹	۱				
۸						۴	۹	
۴			۸		۱			۳
	۷	۱						۲
				۵	۳			
	۹	۲				۱		
		۴	۱				۸	

حل ۱۳۳۴

۷	۶	۱	۹	۵	۸	۳	۴	۲
۳	۴	۲	۷	۶	۱	۹	۵	۸
۹	۵	۸	۳	۴	۲	۷	۶	۱
۱	۷	۶	۸	۲	۹	۵	۳	۴
۵	۹	۳	۱	۷	۴	۸	۲	۶
۸	۲	۴	۶	۳	۵	۱	۷	۹
۴	۱	۷	۵	۸	۶	۲	۹	۳
۶	۳	۹	۲	۱	۷	۴	۸	۵
۲	۸	۵	۴	۹	۳	۶	۱	۷